

انتشارات دانشگاه تهران
٤٦٦

تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران

جلد اول

از گلناباد تا ترکمن چای

۱۱۳٤ - ۱۲٤۳ (هجری)

(چاپ دوم)

تألیف

دکتر علی اکبر بینا

استاد تاریخ ایران دانشکده ادبیات تهران

تهران

۱۳۳۷

چاپخانه دانشگاه

فهرست علائم اختصاری

A. F. IV	Archives Nationales Fonds de la Secretairerie d' Etat Consulat et Empire
London P. R O. P. FO 60:	London Public Record Office· Foreign Office Records Persia FO 60
Paris: A. F. P. :	Paris. Archives du Ministére des Affaires Etrangères

بها : ۱۰۰ ریال

فهرست مندرجات

از صفحه تا صفحه

فصل چهارم

فصل پنجم

قسمت سوم

دورهٔ فترت میان دوجنگ

فصل اول

قسمت چهارم

جنگ دوم ایران وروس (۱۲۴۱-۱۲۴۳)

فصل اول

فصل دوم

مقدمه

آشنائی کامل بتاریخ جدید ومعاصر ایران بدون داشتن اطلاعات کافی ازدورهٔ صدونه سالهٔ اخیراین کشور (۱۱۳۴تا ۱۲۴۳هجری قمری) مطابق (۱۷۲۲-۱۸۲۸ میلادی) خالی ازاشکال نیست.

قبل ازسال ۱۱۳۴ که مصادف با حملهٔ افاغنه و شکست سپاهیان صفوی در گلناباد بدست محمود افغان است دامنهٔ متصرفات ایران تا قفقاز میرسید و استقلال ایران کامل بود

پس ازحملهٔ افغان دولتهای روس وعثمانی هم از اوضاع آشفتهٔ داخلی کشورما استفاده کردند وازشمال و مغرب بدست اندازی پرداختند. مخصوصاً دولت روسیهٔ تزاری برای پیشرفت نقشههای امپراطوری خود و انتزاع قفقاز از ایران آنی غافل نمی‌نشست.

سال ۱۲۴۳ (۱۸۲۸) درتاریخ معاصر ایران سال مشخصی بشمار میرود. انعقاد پیمان ترکمن چای دراین تاریخ ختم بحران طولانی وشروع دورهٔ جدیدی را در تاریخ ایران آغاز میکند. دراین دورهٔ جدید ایران از نظرسیاسی ضعیف وازلحاظ ارضی کوچك وبسیاری از ولایات خود را ازدست داد وحتی استقلالش بخطرافتاد.

در سال ۱۲۴۳ (۱۸۲۸) ثروتمند ترین ایالات ایران مابین کوههای قفقاز و رودخانهٔ ارس جزء متصرفات دولت تزاری روسیه درآمد.

بااستقرار رژیم قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) فتحعلی شاه برای جانشینان ضعیف خود کشوری را بارث گذاشت که پیوسته گرفتارطغیان وقیام رؤسای خوانین وایلات برضد دولت مرکزی بود. تاریخ سلطنت فتحعلی شاه که درواقع پایه و اساس تاریخ معاصر ایرانرا تشکیل میدهد تاریخ یك دورهٔ بحرانی است که سیاست ودیپلوماسی دولتهای اروپائی بخصوص دول روس وانگلیس وفرانسه درآن نافذبوده

از صفحه تا صفحه

اثرات مهمی بخشیده است .

تاریخ این دوره که بی‌شك ازمهم ترین ادوار تاریخ ایرانست چنانکه باید روشن نیست کتب ورسالات متعددی راجع بمعاهدات سن پطرزبرگ و استامبول و ترکمن‌چای وطرز حکومتی که درنتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ اخیر درایران بوجودآمده نوشته شده است .

ولی مطالعاتی که راجع بشرایط و کیفیات انعقاد این معاهدات تاکنون بعمل آمده ناقص وبلکه نادراست. اسنادومدارك سیاسی وزارت امورخارجهٔ فرانسه وانگلستان مربوط باین دوره درحقیقت گنجینه های گرانبهائی است که هنوزهم کاملا مطالعه و بررسی نشده است .

باید متذکر بود که دولت انگلستان زودتر از رقیبان سیاسی خود باسناد و مدارك ایرانی وروسی دست می یافت . چنانکه امروزهم اینگونه [illegible] در انگلستان بیشتر بدست میآید زیرا باوجود مأمورین سری بریطانیای [illegible] نه فعالیت اجنبی درایران ازدولت مزبور مخفی نمی‌ماند . وجود همین [illegible] اغلب ما را از شرح وقایع مطلع میسازد . البته پی بردن بهمه فعالیتها [illegible] سری بریطانیای کبیر که غالبا اسرارآمیز بنظر میرسد بسیارمشکل است [illegible] برای اثبات این مدعا وجود دارد .

ما کوشش خواهیم کرد نکات برجستهٔ این دوره [illegible] قرار دهیم و طبعا درجریان این تحقیق بامطالبی مواجه خواهیم بود [illegible] ح و بسط بیشتر خواهد بود .

درآغاز این دوره از تاریخ ایران دولتهای معظم [illegible] تماس بودند درممالك شرق نزدیك بخصوص در ایران [illegible] دیگری درمبارزات سیاسی ودیپلماسی تشکیل دادند .

زیرا کشورباستانی ایران که مهدیکی از تمدنهای [illegible] انحطاط وزوال خاندان صفویه روبقهقرا و انحطاط رفت . [illegible]

سیاستهای متجاوزانهٔ دولتهای غربی لاینقطع شدیدتر میشد وبالمآل ایرانرا در کشاکش رقابتهای جهانی بصورت دولتی ضعیف و مغلوب در آورد .

تاریخ داخلی ایران دراین دوره یك قسمت از جریانهای سیاسی دول ذینفع خارجی رانیز روشن میسازد .

بحرانهای داخلی درهر کشورغالباً یکی ازعلل تجاوزات وپیشرفتهای دولتهای خارجی بشمارمیرود چنانکه ضعف وفتور درارکان دولت صفویه مسبب ومحرك فتنه افغان وتجاوزروس وعثمانی بایران بود وضعف دولت قاجارنیز فکرتوسعه طلبی روس وانگلیس را تقویت کرد . البته تعیین وتشخیص میزان تحریکات ومداخلات دولتهای بیگانه درایجاد بحرانها واغتشاشات داخلی ایران کار آسان نیست .

در روابط خارجی ایران از گلناباد تا ترکمن چای سه دورهٔ متمایز تشخیص داده میشود .

دورهٔ اول از ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۷ (۱۷۲۲ـ ۱۸۰۳) که در این دوره دولت ایران در داخله باانقراض خاندان صفویه وتسلط یاغیان افغانی ودرخارج بادشواریهای سیاسی بزرگ مواجه شد . زمام داران روس وعثمانی ازاشکالات داخلی ایران استفادهٔ کامل کردند وبی اطلاع دولت ایران درسن پطرزبرگ وقسطنطنیه بتقسیم متصرفات شمال وشمالغربی ماپرداختند . البته باید حکومت باعظمت نادررا ازاین جریان مستثنی دانست زیرا دولت مقتدر وی خوش درخشید ولی مستعجل بود.

دورهٔ دوم از ۱۲۱۷تا۱۲۲۸ (۱۸۰۳ـ۱۸۱۳) دراین دوره سیاست ودیپلوماسی دولت ناپلئون درایران باسیاست ودیپلوماسی دولتین روس وانگلیس مواجه گردید وتغییرات وتحولاتی که درحوادث جنگهای روس وایران مشاهده میشود مستقیماً با وقایع اروپا مربوط است .

بطوریکه درجریان این حوادث میتوان ایرانرا بمهرهٔ شطرنجی درصحنهٔ جنگهای ناپلئون ودشمنان اروپائی اوتشبیه نمود .

دورهٔ سوم از ۱۲۲۸تا۱۲۴۳(۱۸۱۳ـ۱۸۲۸) فرانسویان دراین دوره ازصحنهٔ

سیاست ایران طرد شدند وروسها بسهولت سیاست استعمار و توسعه طلبی خود را تعقیب کردند. در این سیاست روسها تاحدی بکمك انگلیسها در نتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ ترکمن چای توانستند ارادهٔ خود را بدولت ضعیف ایران تحمیل کنند.

در جلد اول این کتاب درضمن مطالعهٔ روابط سیاسی و دیپلوماسی ایران بادولتهای روس وعثمانی وانگلیس وفرانسه آغاز توجه دولت روس رابطرف ایران شرح واستقرار آن دولت را در قفقاز در اراضی ایران با انعقاد معاهدهٔ گلستان بیان خواهیم کرد. سپس به پیشروی دولت روسیهٔ تزاری تا رود ارس که بموجب معاهدهٔ ترکمن چای صورت گرفت اشاره خواهیم نمود ودراطراف نتایج معاهدهٔ ترکمنچای که مواد آن فشار وتحمیلات ناروا وفوق العاده سنگین در مدت یکقرن بایران وارد آورده و در روابط سیاسی ایران با سایر دولتهای اروپائی نیز تأثیر [illegible] داشته است سخن خواهیم گفت.

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

سیاست متجاوزانهٔ دولت روس درتاریخ دو کشور مدتها قبل از تشکیل دولت واقعی روسیه آغازمیشود . پیش‌ازتشکیل دولت واقعی و واحد روسیه امرای مسکو مکررمصمم شدند که برای دسترسی بدریای خزر واستقرار درناحیهٔ قفقازمتصرفات خود را بطرف جنوب توسعه بدهند . قبل از کشف راه هندوستان بوسیلـهٔ واسکو دو گاما در۱٤۹۷ (۹۰۳ هجری قمری) قسمت عمدهٔ مال التجاره‌های هند از طریق دریای خزروارد روسیه‌میشد . مقداری‌ازاین کالاها درداخلهٔ روسیه باپوستهای‌قیمتی مبادله میگشت وبقیه بکشورهای شمال اروپا فرستاده میشد . این تجارت وخرید و فروش پوستهای قیمتی‌برازدیادثروت روسیه‌فوق‌العاده کمك میکرد. پس جای‌تعجب نیست وقتی مشاهده میشود که امرا وتجار روس درادوارمختلف بانواع‌وسائل‌منشبث میشده اند تا بـا هندوستان تجارت مستقیم دایر نمایند و بتوانند محصولات کشور خویش را بلاواسطه بهندوستان بفرستند و در عوض محصولات هند را از دست اول دریافت نمایند .

با توجه باین نکته باید متذکرشد که نه تنها شاهراه مشهور ابریشم ازداخلهٔ ایران میگذشت و بطرف آسیای صغیر وسوریه متوجه میشدبلکه جادهٔ دیگری‌نیز از سراسر خاك ایران عبور میکرد و از طریق قفقاز داخلهٔ روسیه را بـا هندوستان مربوط میساخت .

این تجارت که از راه خشکی با هندوستان انجام مییافت با تجارتی که پس‌از کشف واسکودوگاما از راه دریا ایجاد گردید قابل مقایسه نیست زیرا پیش از این اکتشاف‌بارکاروانهاعبارت‌بود ازمال‌التجاره‌های سبك وزن وسنگین‌قیمت‌مانندپارچه های قیمتی‌سنگهای پربهاانواع ادویه وغیره که بعلت مسافت واشکالات راه وخطرات

جانی بقیمت گزافی بفروش میرسید .

مدام که تجارت اشیاء قیمتی وسبك وزن وجود داشت مساعی شاهزادگان روس برای اینکه حتی الامکان با یالات ساحلی دریای خزر وناحیه قفقاز نزدیك شوند منطقی وموجه بنظر میرسید ولی ازوقتی که پرتقالیها ازدماغهٔ امیدواری گذشتند ومال التجارهٔ آسیا را بقیمت نازلتری باروپا حمل کردند بالطبع از اهمیت این سیاست کاسته شد بطوریکه قیمت محمولاتی که قبلا ازمغرب ایران بآسیای صغیر میرسید ودر اروپای غربی بوسیلهٔ تجار بنادر ونیزوژن توزیع میگشت ویا ازشمال ایران بروسیه میرفت ودر اروپای شمالی بوسیله روسها پخش میشد، بـا قیمت ارزان محمولات پرتقالیها قابل مقایسه نبود .

با این ترتیب ازاین زمان روسیه منابع تجارت فوق‌العاده مهمی راکـه قرنها باعث ازدیاد ثروت آندولت شده بود ازدست داد . ولی [illegible] تزاران روسیه کـه ازعلت واقعی انحطاط این تجارت بـی اطلاع نبودند برمـ[illegible] نمود برای پیدا کردن راه تازه بطرف هندوستان افزودند و این یکی از علل [illegible] که ایوان واسیلویچ [1] وجانشینان وی را برآن داشت که متصرفات خود [illegible] بطرف رود ترك بسط وتوسعه دهند وروابط قدیمی روسیه را با هندوستان [illegible] ازمان آسیای مرکزی برقرار سازند .

دراین زمان که پرتقالیها تسلط خود را بر [illegible] مستقر ساخته بودند انگلیسها تصمیم گرفتند نواحی شمالی را کشف کنـ[illegible] دیگر بطرف آسیا بیابند. درسال ۹۶۰ هجری قمری (۱۵۵۲ـ میلادی) [illegible] سیاحت به لاپونی [3] در شمال اسکاندیناوی حرکت کرده [illegible] به بندر ارخانگلس [4] از متصرفات روسیه رسید وبا اجازهٔ [illegible] درمسکو شرکتی بنام «شرکت مسکو» تأسیس کرد .

1– [illegible] – [illegible]ch 2– Richard – Chancellor
3– [illegible] 4– Archangelsk

پس از مرگ ریشارد درسال ۹٦٤ (۱۵۵۷) آنتونی جنکینسن[1] انگلیسی که درمسافرت روسیه همراه وی بود فرمانده کشتیهای شرکت مسکو گردید وباتفاق دو نفر دیگر ازاعضاء شرکت مأموریت یافت که ازطریق دریای مازندران باب تجارت را میان روسیه وممالك آسیای مرکزی مفتوح سازد .

پس ازمراجعت جنکنسن ازاین سفر شرکت مسکو باصواب دید ایوان مخوف برای تعقیب نقشهٔ دیرین خود مصمم شدوی را مأمور ایران نماید تا با ولایات شمالی ایران درساحل بحرخزر که مرکز تهیه ابریشم بودرابطهٔ تجارتی مستقیم دایر کنند وبدینطریق باتجارپرتقالی که تجارت ابریشم ایرانرا منحصره بخود ساخته و از را خلیج فارس وجنوب افریقا باروپا حمل میکردند رقابت نماید .

جنکنسن برای پیشرفت کار خویش از طرف ایوان مخوف با درنظر گرفتن اینکه این مأموریت بهنقشهٔ دیرین روسیه کمك میکرد و همچنین از طرف ملکه الیزابت انگلستان عنوان سفارت تحصیل کردودرسال ۹٦۹ (۱۵٦۲) بریاست هیئتی راه ایران را پیش گرفت .

هیئت درذیحجه ۹٦۹ به دربند وازآنجا بقزوین پایتخت شاه‌طهماسب صفوی رفت. فرمانده کشتی‌های شرکت‌مسکو با تجلیل تمام ازطرف شاه طهماسب پذیرائی شد ولــی بعلل سیاسی و مذهبی در انجام مأموریت توفیق حاصل نکرد و بمسکو مراجعت نمود .

جنکنسن زمستان ۹۷۰ (۱۵٦۳) را درمسکو ماند ومجدداً عازم ایران شد . ولی درضمن مسافرت یکی ازهمراهان وی بقتل رسید وخود او نیزبدون‌اخذنتیجه مراجعت نمود .

دوسال‌بعد یعنی‌در۹۷۲شرکت‌مسکوهیئتی بریاست آرتورادوارد[1] بقزوین فرستاد . شاه‌طهماسب نهایت مساعدت وملاطفت را درحق این هیئت مبذول داشت

1– Anthony-jenkinson

2-Arthur - Edward

وفرمانی صادر کرد که مطابق آن شرکت مسکوازپرداخت حقوق گمرکــی و راه داری معاف شد و تجار انگلیسی اجازه یافتند که در تمام ایران مسافرت کنند و تجارت نمایند .

بالاخره مأموریت سرآنتونی شرلی[1] ازطرف دولت انگلستان بایـران در سال ۱۰۰۶ (۱۶۹۸) و اقدامات روبرت شرلی ومأموریت وی ازطرف دربـار ایران باروپا درسال ۱۰۱۶ (۱۵۰۸) بروابط سیاسی وتجاری ایران باانگلستان افزود تـا اینکه درنتیجهٔ تأسیس شرکت هند شرقی ازطرف انگلستان‌باب تجارت ازراه‌خلیج فارس بوسیله کشتی های شرکت هندشرقی و تجارت نواحی شمالی ایران از طریق روسیه باروپا دایر گردید .

ایجاد روابط تجارتـی مناسبات سیاسی دولتین ایران و روسیه را رفته رفته نزدیکتر کرد واین روابط تا ۱۱۳۰ (۱۷۱۷) ادامه داشت . معاهدات سیاسی که در این دوره‌میان دولتین منعقد شده‌بخصوص برضددوا [illegible] ... ی بوده ودراموزتجارتی ازبرقراری این روابط حسنه سیاسی‌استفاده شده‌است [illegible] ... ه درطول‌قرن‌هیجدهم بازهم یك فعالیت مهم تجارتی میان روسیه وهند [illegible] ... ه بیشترمدیون‌وضع جغرافیائی ایران وموقع حساس این کشور بوده است [illegible] ... اشغال ایالات شمال غربی ایران برای تزاران روسیه دو فایدهٔ بزرك داش[illegible] ... آنکه بـا اشغال این ناحیه یك منزل بهندوستان نزدیکتر میشدند و د[illegible] ... که اجـرای این تصمیم بهره برداری ازایـالات ثروتمند شمالی ایران را [illegible] ... بود بطوریکه تعقیب و اجرای سیـاست توسعهٔ ارضی پیشرفت سیاست توسعه [illegible] ... ی را تقویت میکرد .

---

(1) [illegible] ...nthon... ...erldy

فصل اول

۱ ـ انحطاط دولت صفویه و آغاز سیاست متجاوزانهٔ دولت روسیهٔ تزاری

با جلوس شاه سلطان حسین برتخت سلطنت ایران که انقراض خاندان صفویه را تسریع نمود و با ظهور قدرت پطر کبیر در روسیه در روابط ایران و روس که تا آن زمان جنبهٔ تجارتی داشت تغییراتی حاصل شد و روابط حسنهٔ موجوده میان دودولت بروابط خصمانه مبدل گردید.

تا آنزمان دولت روسیه باتمام وسائل کوشش میکرد که تماس خودرا بادولت ایران بیشتر نماید و حتی در بعضی موارد تقاضای کمك مالی و نظامی نیز از ایران مینمود. با سلطنت پطر کبیر در روسیه این وضع بکلی دگرگون شد بطوریکه نمایندگان شاه سلطانحسین و پسرش تقاضای کمك از روسیه برضد افاغنهٔ مهاجم نمودند و بامداخلهٔ روسیه بعنوان کمك مقدمهٔ دست‌اندازیها و تجاوزات مداوم تزاران روسیه درخاك ایران آغاز گشت و این حالت قریب دوقرن یعنی از ۱۱۳۵ تا ۱۳۳۶ (۱۷۲۲ ـ ۱۹۱۷) ادامه داشت و باسقوط رومانف‌ها ازمیان‌رفت.

قبل از آنکه خاندان رومانف بقدرت برسد مسکوی دولت بزرگی بود که بهیچ یك از دریاهای آزاد دسترسی نداشت بنابراین برنامه‌اساسی و سیاست اصلی زمام‌داران‌روسیه دست یافتن بدریای آزاد و توسعهٔ سرحدات آنکشور تادریاهای گرم و آزاد بود. برای انجام این مقصود روسها از چهار طرف بجانب دریا هـای آزاد پیشرفتند.

۱ـ ازشمال بطرف اوقیانوس منجمد شمالی

۲ـ ازمشرق بسوی اوقیانوس ساکن

۳ـ ازمغرب بجانب اروپای غربی ودریای بالتیك

٤ـ ازجنوب بطرف آسیای مرکزی وخلیج فارس

وازاین‌جمله موضوع پیشرفت روسیه بسوی خلیج‌فارس واوقیانوس هندمورد بحث ما خواهد بود .

پطر کبیرسلطان مقتدر وفعال که درنتیجهٔ قدرت ونفوذ وی روسیه داخل در جرگهٔ دول اروپائی گردید ، ازدیرزمانی مصمم بودایالات‌شمالی ایرانرا که در راه هندوستان اولین منزل بشمارمیآید بتصرف خوددرآورد . علت اتخاذ این تصمیم با وصیتی که بوی‌نسبت داده میشود روشن‌ترمیگردد . گرچه درصحت این‌وصیت‌نامه تردید است ولی نظربا ینکه بندنهم آن : سیاست امپراطوری روس را درمشرق‌بطور جالب توجهی بیان میکند بدرج آن مبادرت میکنیم : «هرچه بیشتربایدباسلامبول وهندوستان نزدیك شد . کسی که دراینجاها حکومت کند سلطان حقیقی جهان خواهد بود . بنابراین بایستی جنگهای مداوم گاهی برضد ایرانیها ایجاد کرد . لازم است مؤسسات کشتی سازی درساحل دریای سیاه ایجاد نمودوبتدریج این‌دریا ودریای بالتیك را که دونقطهٔ لازم و ضروری برای ... فت و انجام نقشهٔ ماست بتصرف آورد .

دراضمحلال ایران باید تسریع کرد و برخلیج ... ست یافت و درصورت امکان راه تجارتی قدیم مشرق را از طریق سوریه تا ... که بمنزلهٔ انبار دنیاست دایر کرد . وقتی به آنجا رسیدیم میتوانیم ... انگلستان صرف‌نظر کنیم [1] »

اغتشاشات داخلی ایران در ابتدای قرن هیجده ... (دوازدهم هجری) عامل مؤثری دراجرای طرح دولت روسیه یعنی نز ... ن بهندوستان و عبور ازقفقاز بود .

پس ازسلطنت‌باعظمت شاه عباس کبیردولت شا ... ضعف دولتهای‌مرکزی به‌خانات متعددومستقلی‌تجزیه‌شده و ... ی‌بین

1- ... la pe... ...s l'équilibre politique universel, P. 3 Thieury-
(I... ...ocu... pour servir des relations entre la France et la
P... ...

ایرانیان شیعه وافغانان سنی وجود داشت وشاید یکی از علل ضعف ایران در قرن جدید مخالفت دوملت سنی درمشرق ودرمغرب یعنی افغانها وعثمانیها با ایرانیها باشد. این ضعف وتجزیهٔ ایران درست با دوره‌ای مطابقت میکند که روسیه باوج قدرت خود رسیده وپطر کبیر در ۱۷۰۹ میلادی (۱۱۲۱ هجری) درپولتاوا [1] به بزرگترین فتح خود برشارل دوازدهم پادشاه سوئد نایل آمده است.

شاهزادگان گرجی که مکرر حمایت تزاران روسیه رابرضد تسلط ایران خواسته بودند برای تجدید تقاضاهای خود موقع رامناسب یافتند وبدین منظور حاکم گرجستان پسرعموی خود را برای جلب توجه تزار بطرف ایالات جنوبی دریای خزر بمسکو اعزام داشت.

این تقاضا کمك مؤثری برای اجرای نقشه‌های پطر کبیر بود ولی نظر باینکه تزار بدون کسب اطلاع قبلی دربارهٔ ایران مایل نبود هیچ نوع اقدامی کند درسال ۱۱۲۷ هجری (۱۷۱۵) مصمم شد آرتمی والنسکی [2] را بـا اختیارات تام برای انعقاد یك معاهدهٔ تجارتی با یران اعزام دارد. پطر کبیر میخواست اطلاعات صحیحی راجع بایالات مجاور بحرخزر وبنادر ورودخانه‌های این دریا کسب کند. بعلاوه مایل بود مطلع شود آیا رودخانه‌ای وجود دارد که ازهند سرچشمه گرفته و بدریای خزر بریزد! والنسکی مخصوصاً مأموریت داشت اطلاعاتی راجع بایالت گیلان تحصیل کند وازشاه سلطانحسین بخواهد ارامنه را که تجارت ابریشم ایران دردست آنهاست مجبور کند کالای خود را بجای اینکه مثل سابق بازمیر و حلب بفرستند به سن پطرزبرگ روانه کنند. نمایندهٔ روس درمـاه جمادی الاول ۱۱۲۹ (مارس ۱۷۱۷) باصفهان رسید و موفق شد معاهده‌ای منعقد کند که مطابق آن معاهده حقوق گمرکی ومبادلهٔ کالاهای مجاز بین دو کشور تعیین میشد. بعلاوه انعقاد این معاهده بروسیه حق میداد یك نفر کنسول دائمی در گیلان داشته باشد.

1– **Poltava**

2– **Arthemy –Valinsky**

والنسکی با پشت کار و زکاوتی که داشت خیلی زود ازاوضاع ایران مطلع شدو تشخیص داد که باوجود جنگ بین دولتین سوئد وروسیه دولت اخیر قادراست باقوای مختصری نقشه‌های خودرا بسهولت درآسیا بموقع اجرا بگذارد در مراجعت خود در ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) سفیر روسیه زمستان رادرشماخی گذرانید و درآنجا تشخیص داد که رابطه میان قفقازوایران خیلی بی بنیان است وازعلاقهٔ ملل عیسوی قفقازمخصوصاً گرجی‌ها اطلاع حاصل کرد.[۱] والنسکی در گزارشهای خود شروع اغتشاشاتی را پیش بینی مینمود وراجع بخطرحتمی وقریب الوقوع افغان درایران وبخصوص ایالات جنوبی دریای خزر ایمان داشت. نامبرده معتقد بود که برای ازدیاد نفوذ روسیه در قفقازدولت امپراطوری ناچاراست دیریا زود باین ناحیه وحتی بداخلهٔ ایران لشکر کشی کند.

این گزارش طوری با نظریات ونقشه‌های تز[illegible] افق بود که والنسکی ازطرف دولت روسیه بحکومت حاجی طرخان منصوب گ[illegible] درآنجا بتواند نقشه‌های خود را تکمیل نماید.

کمی بعد پیش بینی والنسکی تحقق یافت [illegible] رسید. هجوم واستیلای افغان زوال قدرت ایرانرا اعلام نمود. برای اطلاع [illegible] درآن زمان مختصری از چگونگی حملهٔ افغان را درزیر شرح میدهیم:

شاهنشاهی ایران که در دوران حکومت [illegible] از نوعظمت سابق خود

---

۱ – آرتمی والنسکی که بعدها بمقام وزارت [illegible] تاریخ ۱۷۱۵ درمراجعت از اصفهان بامپراطور پطر کبیرمیگفت: «تصورمیکنم که [illegible] اوضاع [illegible] ایران نزدیک است هر گاه سلطان جدیدی بر تخت ننشینند ووضع [illegible] [illegible] جا انقلابات واغتشاشات رخ خواهد داد وجائی نخواهد ماند که در [illegible] نه نکشد با اینکه جنگ فعلی ما باسوئد اشکالاتی برای ما تولید [illegible] ن میتوانیم بدون هیچ ترسی مخاصمات را برضد آندولت شروع [illegible] سرباز برای ضمیمه کردن قسمتی ازخاك ایران کافیست ولی برای [illegible] تع استفاده شود زیرا هر گاه درآتیه تشکیلات این کشور درنتیجهٔ [illegible] نظم گردد وضع بکلی تغییر خواهد کرد. P. Russe en Perse ... [illegible] M. Pavl[illegible]

را بدست آورد پس از وی مجدداً بحکومتهای کوچك مستقلی تجزیه گردید. شاهزاده گرگین خان از خانوادهٔ سلطنتی باگراتی[1] از طرف شاه سلطانحسین بحکومت کرمان و گرجستان منصوب شده بود و در دربار میزیست. وزرا و خواجه سرایان و حتی خود پادشاه از وجود این شاهزاده در اصفهان نگران بودند بهمین مناسبت وی را بعنوان سرکوبی قندهار که همواره در حال عصیان و سرکشی بود از پایتخت دور ساختند. گرگین با همراهان گرجی خود موفق شد بآسانی انقلاب آنجا را خاتمه دهد. ولی تعدیات و اجحافات وی و بدرفتاری سربازان گرجی باندازه‌ای باهالی آن سامان صدمه رسانید که این بار مقدمات یك انقلاب عمومی فراهم گردید.

طوایف افغان قندهار میرویس یکی از رؤسای ایل را بریاست برداشتند. میرویس گرگین را کشت و دریك شبیخون قندهار را متصرف شد و گرجیان را بیرون راند. میرویس که گرگین را یکنفر یاغی بدربار قلمداد کرده بود موافقت شاه را نیز بدست آورد. وقتی دربار از این قضایا اطلاع یافت دیر بود و میرویس وسایل دفاعی متصرفات خویش را تقویت کرده بود بطوریکه لشگریان ایران که از سربازان هراتی و گرجی و تبریزی و غیره تشکیل می‌یافت یکی پس از دیگری منهدم شدند میرویس پس از پنجسال حکومت درقندهار درسال ۱۱۲۷ (۱۷۱۵) در گذشت.

اختلاف افاغنه سنی با ایرانیان شیعی مذهب با مرگ میرویس متوقف نشد میر محمود پسر میرویس عنوان پادشاهی اختیار کرد و وضع نامطلوب شاهنشاهی ایران جاه طلبی و بلندپروازی افاغنه را تقویت و تأیید میکرد زیرا هجوم بیگانگان و انقلابات داخلی درسال ۱۱۳۰ (۱۷۱۷) استقلال ایران را تهدید مینمود:

درنتیجهٔ شورش ابدالی‌های هرات حاکم شهر بقتل رسیده و شهر هرات بدست یاغیان افتاده بود و ابدالی‌ها با کمك ازبکان یکدسته از قوای سلطنتی را مغلوب کرده از پای درآورده بودند.

در سال ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) کردان یاغی نیز بحوالی همدان و اصفهان دست

1– Bagration.

اندازی کردند.

لزگیهای داغستان هم بشهرهای همجوار می‌تاختند و خسارت میزدند و در گرجستان شاهزاده کارتیل[1] (از نواحی گرجستان) بعنوان جلوگیری از لزگیها مشغول جمع آوری اسلحه بود.

با این وضع میرمحمود دریافت که فرصت برای فتح ایران مناسب است. برای اجرای تصمیم خود باده هزار تن راه صحرای سیستان و کرمان پیش گرفت و شهر کرمان را بتصرف آورده و در آنجا منتظر ورود لطفعلی خان فرمانده کل قوای دولتی شد. لطفعلی خان با بیست هزار نفر سرباز افاغنه را درپای دیوار شهر کرمان مغلوب و متفرق ساخت ١١٣٢ (١٧٢٠) ولی بسبب همین پیروزی مورد حسد درباریان واقع شد وبزندان افتاد. درسال ١١٣٣ (١٧٢١) حادثهٔ دیگری بر مشکلات کار شاه سلطانحسین اضافه شد.

کوه نشینان لزگی شماخی راتصرف کردند واهالی را قتل عام وشهر شماخی را که انبار کالا ومرکز تجارتی مهمی بین ایران وروسیه بود غارت نمودند. ضرر تجار روسی دراین حادثــه دو میلیون روبل تخمین زده میشد و از قتل یك شاهزاده روسی بنام چرکاسکی[2] اختلافاتی پدید آمد.

دراین موقع محمود مجدداً با ١٥ هزار تن افغان از صحرا گذشت و کرمان را یکبار دیگر بتصرف آورد ربیع الثانی ١١٣٤ (ژانویه ١٧٢٢). چون قلعه واستحکامات یزد مانع عبور قوای افغان بود از صحرای ریگزار بجانب اصفهان تاخت و در گلناباد سه فرسخی آنشهر اردو زد. درآنجا مهاجمین بفتح بزرگی نائل شدند وپایتخت را تهدید نمودند ٢٢ رجب ١١٣٤ (٨مه١٧٢٢) نبرد گلناباد بایستی پایتخت وخودشاه سلطان حسین را تسلیم افاغنه نماید ولی مقاومت باعث شد که اهالی ببدترین وضعی گرفتار شده و زجر و شکنجه ببینند مخصوصاً بعلت بروز قحطی حتی گوشت آدم

1– Car Talie

2– Tcherkasski

درمقابل بیرحمی‌های محمود حتی افاغنه‌نتوانستند تسلط یکنفرجابردیوانه‌وهریض را تحمل کنند وبالاخره محمود در۱۲ شعبان ۱۱۳۷ (۲٦ آوریل ۱۷۲۵) در ۲۷ سالگی بدست افغانان بقتل رسید واشرف برادرزادهٔ میرویس پسر میر عبدالله (میر عبدالله بدستور محمود بقتل رسیده بود) بجانشینی محمود منصوب گشت . اشرف با رعایت احترام نسبت باجساد صد نفر شاهزادگان صفویه که بدست محمود بقتل رسیده بودند ازایرانیان دلجوئی نمود .

۲ - رقابت روس وعثمانی درایران

ومعاهدهٔ اسلامبول ۱۱۳۶ (۱۷۲۴)

پطر کبیر دو اعتراض برایران داشت : یکی غارت مال‌التجاره های‌اتباع روس درشماخی ازطرف‌از گیها ودیگرقتل شاهزاده چرکاسکی‌بدست ازبکان صحرا گرد. بنابراین ایران بایستی خطای قطاع‌الطریقانی‌را که خود ازدست آنان فوق‌العاده در زحمت بود بنام اتباع‌ایران جبران نماید . جنك شمال مانع این بود که تزاربطرف ایران توجه کند. بهمین سبب درسال ۱۱۳۲(۱۷۲۰) یك هیئت‌نظامی‌تحت‌سرپرستی بوسکاکوف [1] برای تنظیم نقشهٔ سوق‌الجیشی مأمور شد درهٔ ترك را ازراه خشکی تا گیلان از نظر اکتشاف نظامی مطالعه کند واطلاعات لازم را بستاد کل روس بفرستد .

همینکه تزاربانعقاد معاهدهٔ صلح نیستاد [2] در ۱۷۲۱ (۱۱۳۳) از طرف سوئدآسوده خاطرشد توجه خود را بنواحی جنوبی امپراطوری روسیه معطوف داشت . پطر کبیر برای تصرف ایالات ساحلی بحرخزر وممانعت از نزدیك شدن عثمانیها باین ناحیه میخواست ازهرج ومرجی که در داخلهٔ ایران حکمفر ماست استفاده کند .

هنگامیکه کار سلسلهٔ صفویه درایران یکسره میشد پطر کبیرسفیری بدربار شاه سلطان حسین فرستاد .

نمایندهٔ روس وقتی باصفهان رسید که شاه اسیر محمود افغان بود ۱۱۳٤ (۱۷۲۲) سفیر ناچار خود را بافغان فاتح معرفی کرد وازوی تقاضای تنبیه قاتلین شاهزاده چرکاسکی‌وجبران خسارت نسبت به‌تجاری که درشماخی مال‌التجاره های

---

1 - Boskakoff
2 - Nystadt

خودرا ازدست داده بودند کرد .

محمود که ازسیاست خارجی اطلاعی نداشت بنمایندهٔ مسکو اظهارنمود که نمیتواند عملیات از بکها ولزگیهارا مراقبت کند ودرحقیقت با این بیان بنمایندهٔ مسکو تلویحاً گفت که تزار میتواند منافع اتباع خویش‌را در ناحیهٔ شمال غرب حمایت نماید .

درنتیجهٔ این اتفاقات ومذاکرات بود که درماه شوال ۱۱۳٤ (ژوئیه ۱۷۲۲) سی‌هزارسربازمنظم ازجنگجویان نبرد سوئد وسی‌هزار ازافراد چریك بفرماندهی تزاربقصد حاجی طرخان ازولگا گذشتند .

پطرکبیردرسرراه خود ایالات ساحلی را مطیع ساخته‌وبه‌مصب رود ترك در داغستان رسید ۲۱ شوال ۱۱۳٤ (٤ اوت ۱۷۲۲) درداغستان تزاربیانیه‌ای‌صادر کرد واعلام نمود که منظور وی ازاین لشکرکشی توسعهٔ ارضی نیست و این اقدام فقط برای نجات شاه ازظلم وتعدی افاغنه است . تزارحرکت خودرا بطرف جنوب‌ادامه داد وپس ازمطیع‌ساختن لزگیهاازداغستان عبورنمود ودربندرا گرفت بیستم‌ذیقعده ۱۱۳٤ (سپتامبر ۱۷۲۲) سپس برای اجرای این منظوربمعاونین خود تعلیمات‌لازم داد وبمسکومراجعت کرد .

درزمستان سال بعدسپاهیان افغان رشت‌را محاصره کردند.حکام‌ایالات‌شمالی نماینده‌ای‌به حاجی‌طرخان فرستاده پیشنهاد کردند لشکریان روس‌وارد این منطقه شوند . روسها از این موقع وفرصت خوب استفاده کردند و گذشته از رشت تمام مازندران واسترآبادرانیزمتصرف‌شدند تابستان ۱۱۳٥(۱۷۲۳) باکونیزمورد حمله سپاهیان روس گردیدوبالاخره تسلیم شد .

بااین ترتیب تمام ساحل جنوبی بحرخزر بدست لشکریان تزار افتاد ولی بعلت بدی‌آب وهوا وظهورمالاریا تلفات‌زیادی بروسها واردآمدواین نقاط درواقع قبرستان سربازان روس شد .

از طرف دیگر درمقابل روسها باب عالی که باانعقاد معاهدهٔ پاسار وویتز [۱] ۱۱۲۶(۲۱ژوئیهٔ۱۷۱٤) ازجنك بااطریش خلاص‌شد وشهرهای صربستان‌وبانات [۲] وتمسوار [۳] و قسمتی ازوالاشی راازدست داده بود میخواست خسارات مذکور را ازطرف‌مشرق جبران‌نمایدوبهمین‌سبب جنك‌مذهبی‌رابرضدایرانیان شیعه آغاز کرد.

بنابراین محمود پس از رسیدن بقدرت ناچار بود با دو دولت قوی جنك کند. عثمانیهای‌سنی برضدمحمود که وی نیزسنی بود جنك مذهبی‌را ادامه دادند ودرمقابل فتوحات روس گرجستان‌را باتفلیس اشغال کردندولی در نزدیکی گنجه شکست خوردند.

دراین مدت شاه‌طهماسب سعی داشت اساس متزلزل سلطنت خویش‌را برپایهٔ استواری مستقرسازد. درموقع تصرف‌باکوازطرف روسها ۱۱۳۵ (۱۷۲۳)پطر کبیر سفیری بایران فرستاده واطلاع داده بود که اشتغال این‌شهرفقط بمنظور قلع وقمع اشرار است. نمایندهٔ روس‌درضمن مأموریت‌داشت بدربارایران اخطار کند درصورتی که شاه طهماسب مایل‌باشد، دولت روس حاضراست برای خاتمه دادن باغتشاشات داخلی ایران مبادرت‌بلشکر کشی نمایدودرمقابل‌این کمك روسیه واگذاری‌ایالات شمالی‌را ازطرف ایران تقاضا میکرد. وقتی نمایندهٔ روس بایران رسید که محمود دراصفهان مستقرشده بود.

سفیرروس مجبورشدبسمت قزوین مقرفرماندهی شاه طهماسب حرکت کند. شاه طهماسب ضعیف که قادرنبود باافاغنه مهاجم مقابله نماید پیشنهاد های نمایندهٔ روس‌را قبول کرد و اسماعیل‌بیك از محترمین دربارابنمایندگی بسن پطرزبورك فرستاد. نمایندهٔ ایران در تاریخ ۱۱ ذیحجه ۱۱۳۵ (۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳) معاهدهٔ ائتلافی‌امضاء نمود که‌بموجب آن ایران دربندو گیلان ومازندران را بروسیه‌واگذار

۱- Passarowitz ازشهرهای صربستان معاهدهٔ ۱۱۷٤ میان اتریش و ونیزوباب عالی دراین شهر منعقد شده

2 - Banat

3 – Temesvar

میکرد و در عوض تزار روس وعده میداد که برای اخراج محمود از ایران بشاه کمك کند .

درحالیکه روسیه حاضر شده بود بانمایندگان شاه طهماسب داخل مذاکره شود عثمانیها هم که جز محمود باهیچکس نمیخواستند داخل مذاکره گردند بفرستادگان شاه طهماسب اظهار داشتند که آیا دربار ایران حاضر است تبریز و ایروان راکه بابعالی مصمم است بزورواشغال کند بدولت عثمانی واگذار کند؟
سرعت فتوحات روس درایران زمامداران عثمانی رانگران ساخت و وحشت فراوان درقسطنطنیه حکمفرماشد. عثمانیها نمیخواستند که کشورهای اسلامی بدین نحوبدست کفار بیفتد. داماد ابراهیم صدراعظم سلطان احمدسوم شورای محترمین کشورورؤسای مذهبی را دعوت کرده وآنانرا برضد تسلط روسها در کشورهای مسلمان تهییج نمودودرآنجا تصمیم گرفته شد که اعلان جهادبرضد روسیه داده شود ودرنتیجه بدستوردولت عثمانی نپلویف[1] سفیرروس بزندان افکنده شد .
دوبوناك[2] سفیر فرانسه در قسطنطنیه که اصرارداشت ازبروز اختلاف میان روسیه وعثمانی جلوگیری کند نمایندهٔ خودرا نزد صدراعظم فرستادتاویرا متوجه سازدکه جنك عثمانی وروسیه فقط بنفع اطریش تمام خواهد شدوبرای احتراز از چنین پیش آمدی وساطت دولت فرانسه را پیشنهاد کرد . وساطت دوبوناك ازطرف دولت عثمانی مورد قبول گشت ومذاکرات آغاز شد .
سفیرفرانسه بدون دریافت تعلیمات ازطرف دولت خوددرتاریخ اول شوال ۱۱۳۶ (۲۳ژوئن ۱۷۲٤) بامضای معاهدهٔ اسلامبول توفیق یافت که مطابق آن داغستان و شمال شیروان وایالات ساحلی دریای خزروگیلان ومازندران متعلق بروسیه میشد وعثمانیها نواحی متصرفی خوددرشمالغرب ایران یعنی جنوب شیروان و گنجه و ایروان ومغان وقره‌باغ وآذربایجان وعراق‌را نگه میداشتند .

---

1 - Neplcuief
2 - De - Bonac

برای آن قسمتی که جهت دولت ایران باقی میماند دولتین روسیه و عثمانی توافق حاصل کردند اگر شاه طهماسب معاهدهٔ اسلامبول را قبول کند حقوق وی محترم شمرده خواهدشد درغیر اینصورت دودولت پس از مشاوره برای انتخاب پادشاه دیگری جهت سلطنت ایران اقدام خواهند نمود .

سه‌سال بعد یعنی در ۲٦ صفر ۱۱٤۰ (۱۳ اکتبر ۱۷۲۳) فرستادگان اشرف جانشین محمود با عثمانیها معاهده‌ای منعقد کردند کـه مطابق آن دولت ایـران فتوحات عثمانی را برسمیت شناخت وسلطان را جانشین حقیقی خلفا قبول کرد. سلطان نیز بنوبهٔ خود اشرف را پادشاه قانونی ایران شناخت . باستنادو باستفاده از انعقاد این معاهده روسیه نیز موفق شد نواحی اشغالی خودرا برسمیت بشناساند وبدین ترتیب تجزیهٔ ایران عملا انجام یافت وخط سرحدی میان دومنطقهٔ اشغالی روس و عثمانی بعدها ازطرف دولتین تعیین گردید .

۳ ــ نادرشاه افشار

استقرار امنیت در داخله

و اخراج روس و عثمانی از ایران

اشرف افغان بمحض اینکه ازخطر عثمانی آسوده شد باخطر بزرگتری مواجه گردید.

طهماسب میرزای ولیعهد در هنگامی که اصفهان درمحاصرهٔ افغانها بود بصوابدید جمعی ازرجال دولت برای تهیه وسایل نجات اصفهان به قزوین اعزام شد ولی تاسقوط اصفهان کاری ازپیش نبرد وپس ازمدتها سرگردانی باسترآباد رفته مساعدت وهمکاری متنفذین آن ناحیه وازجمله فتحعلیخان رئیس ایل قاجاررابرای سرکوبی اشرف تقاضا کرد. دیری نگذشت که شاهزاده صفوی از کمك نادرقلی که بعدها بدستیاری اوازخطر افغان نجات یافت ودربرابر اراده وپافشاری وی روسها و عثمانیها نیز مجبور شدند از کلیهٔ فتوحات خود در ایران صرف‌نظر کنند برخوردارشد.

نادربا پنجهزارتن سواران جنگی خود بکمك طهماسب میرزا که بافتحعلیخان قاجارعازم خراسان شده بود شتافت. دراولین جنك وبرخورد مشهدرا تسخیر کرده سپس بدفع افاغنه ابدالی که برهرات مسلط شده بودند پرداخت و پس از سه روز جنك ابدالیهارا وادار بتسلیم کرد وازجانب سرحدات شرقی خراسان آسوده خاطر شد درنتیجه این فتوحات نادر بدریافت عنوان فرماندهی کل قوای سلطنتی و لقب طهماسبقلی نائل گردید. پس ازاین موفقیت ها نادر جنك را بر ضد اشرف افغان ادامه داده وشکست فاحشی بقوای وی ابتدا درمهماندوست دامغان وسپس در مورچه‌خورت اصفهان واردآورد اشرف باصفهان فرارکرد وچون اهالی شهربرضد

وی قیام کردند درحال یأس و نا امیدی پایتخت را ترك گفت وبطرف فارس فراری شدنادراصفهان‌را متصرف‌شدوبرای ورود طهماسب‌میرزا تهیه مجللی‌دیدشاه‌طهماسب دوم با جلال وشکوه خاصی وارد اصفهان شد و بدیدار مادر پیر خود که مدت هفت سال درلباس‌مبدل کنیزی میکرد نائل‌آمد .

(رجب ۱۱۴۲ ژانویه ۱۷۳۰) نادر اشرف را تعقیب کرد لشکریان‌افغان‌را در حوالی زرقان فارس ازپای درآورد . اشرف به لار گریخت واز آنجا عازم قندهار شد ودربلوچستان بدست بلوچها بقتل رسید .

پس ازاخراج افاغنه ازایران شاه طهماسب تصمیم گرفت برای استردادنواحی اشغالی باعثمانیها وارد مذاکره شود داماد ابراهیم صدراعظم عثمانی پس از انقلابی که دراسلامبول در ۱۸ربیع‌الاول ۱۱۴۳ (اول اکتبر ۱۷۳۰) رخ داد از کاربر کنار وسلطان احمدسوم درنتیجه این انقلاب ازسلطنت خلع وسلطان محمد اول‌جانشین وی گردید وبروز این حوادث در اسلامبول باعث قطع مذاکرات با ایران شد . نادر که بادامهٔ مذاکرات مخالف بود جنك را درآذربایجان وعراق برضد عثمانی ادامه داد .

عملیات نادر بانهایت موفقیت پیش میرفت ولشکریان وی که درکرمانشاه فاتح بودند تبریز واردبیل را نیز اشغال کرده بودند . هنگامیکه نادربمحاصرهٔ‌شهر ایروان‌مشغول بود بعلت بروز انقلاب درمشرق ایران مجبور شد بسمت خراسان حرکت کند .

نادر برای تجدید مذاکرات سفیری باسلامبول نزد دولت جدید عثمانی فرستاد قبل ازآنکه‌نتیجه این‌سفارت معلوم گردد شاه طهماسب که نسبت بموفقیت های نادر حسادت میورزید تصمیم گرفت شخصاً باعثمانیها وارد جنك شود .

پس از دوبار شکست در ظرف یکماه آنچه را که نادر در نتیجهٔ فعالیت‌و فداکاری تحصیل کرده بود شاه طهماسب ازدست داد ودربغداد در خیمهٔ احمد پاشا درتاریخ رجب ۱۱۴۴ (ژانویه ۱۷۳۲) معاهدهٔ موهونی امضاء کرد .

مطابق این معاهده شهرهای گنجه وتفلیس و ایروان ونخجوان و شماخی و داغستان یعنی تمام گرجستان وارمنستان تاسرحدارس به عثمانیها واگذارشد تبریز و کرمانشا. و لرستان برای ایران باقیماند. بعلاوه دولت عثمانی تعهد کرد که لشکریان خودرا برای اخراج روسها ازنواحی که بوسیلهٔ پطر کبیر فتح شده ودر تصرف آنها است بکمك لشکریان ایران اعزام دارد.

دراین هنگام نادر که بعلت بی‌مهری شاه طهماسب درخراسان بسر میبرد مشغول تقویت سپاهیان خود بود.

شکست‌های پی‌درپی شاه طهماسب ومعاهدهٔ ننگین بغداد بمخالفت‌واعتراضات نادر کمك میکرد. شاه‌طهماسب بی‌مطالعه وبدون توجه به‌نتایج اقدام خود نادر را باصفهان احضار کرد وی دررأس‌پنجاه هزار سواران زبده خود وارد پایتخت گردید وشاه را خلع و باسارت بخراسان اعزام داشت. چون نادر هنوز مصلحت نمیدید عنوان سلطنت اختیار کند بهمین‌جهت پسر شیرخوارشاه طهماسب را باسم شاه عباس سوم به‌پادشاهی انتخاب کرد وخودرا نایب‌السلطنه خواند.

پس از این موفقیت نادر بلافاصله ضمن یادداشت تمسخر آمیزی استرداد ایالات اشغالی ایران را از دولت عثمانی تقاضا کرد بابعالی که از این یادداشت نادر متوحش‌بودتوپال‌عثمان پاشای‌طرابوزان‌را که‌لایقترین‌ومعروفترین‌سرداران‌عثمانی بود مأمورتمرکزقوای عثمانی نمود ۱۱۴۶ (۱۷۳۳) نادرپس ازیك‌نبردخونین‌بعلت بروزانقلاب‌درشیراز و کرمان مجبورشدپیمان متارکه‌ای دربغداد بااحمدپاشاامضاء و برای سرکوبی یاغیان بجنوب ایران عزیمت کند ۳ رجب ۱۱۴۶ (۱۰ دسامبر ۱۷۳۳).

نادر روسهارا فراموش نکرده بود باخنده میگفت بایك‌جاروب آنهاراازایران بیرون خواهد کرد.

نادرقبلااسترداد ایالات اشغالی را ازدولت سن‌پطرز بورگ درخواست کرده بود، با مرگ پطر کبیر سیاست توسعه طلبی دولت روسیه خاتمه پیدا کرد ملکه

آنا [۱] امپراطریس صلحجو که تشخیص داد وضع ایران بکلی عوض شده باانعقاد معاهدهٔ رشت اول فوریه ۱۷۳۲ (٤ شعبان ۱۱٤٤) که درضمن پیمان اتحادی برضد دولت عثمانی بود ایالات مازندران و گیلان‌را بایران مسترد داشت.

بعلت خودداری سلطان محمداول ازامضای معاهدهٔ منعقد میان نادر وحاکم بغداد جنگ ایران و عثمانی مجدداً شروع شد دراین جنگ عبدالله کپرلی پاشا فرماندهی قوای عثمانی را عهده‌دار بودنادر بجای اینکه بطرف بغدادمتوجه گردد ازراه تبریز بسمت تفلیس حرکت کرد شکست سختی دردشت آرپا چای نصیب لشکریان عثمانی شد ۲۱ محرم ۱۱٤۸ (۱٤ ژوئن ۱۷۲۵) و در نتیجهٔ این فتح گرجستان وشیروان بتصرف نادر درآمد.

باب عالی که درصدد بود جنگ‌را برضد دولت روسیه شروع کند باعجله به نادر پیشنهاد صلح کرد وباانعقاد معاهدهٔ اسلامبول در ۱۱٤۹ (۱۷۳٦) دولت‌عثمانی باستثنای بغداد ازتمام فتوحات خود درایران صرفنظر کرد.

نادر ازبروز جنگ بین دولتین عثمانی وروس استفاده کرده وازدولت اخیر استرداد شهرهای باکو ودربندرا خواست ودرضمن دولت روسیه را تهدید کرد که درصورت عدم قبول‌این تقاضا دولت ایران پیمان اتحادی بادولت عثمانی برضددولت روسیه منعقد خواهد کرد دولت روس که در وضع سیاسی بدی قرار داشت ناچار تقاضای‌قهرمان‌ایران‌رااجابت کردوشهرهای‌باکوودربندراتخلیه‌ومستردداشت‌نبایداز نظر دورداشت.مادامیکه‌دولت‌عثمانی‌نواحی‌مجاوردریای‌خزرراتهدیدمیکردسیاستی که ازطرف پطر کبیرتعیین گردیده بود بقوت خود باقی بود منتهی باسلطنت‌مقتدر نادر درایران که‌توانست در مقابل تجاوزات احتمالی دولتین روس‌وعثمانی مقاومت کند سیاست دولت روس موقتاً بحال وقفه باقیماند.

نادرپس ازآنکه ایران را ازخرابی واضمحلال قطعی نجات داد موقع‌رابرای

---

1 – Anna

انتخاب عنوان سلطنت مناسب دید بزرگان کشور ورؤسای قبایل که برای تعیین تکلیف سلطنت ایران دردشت مغان جمع شده بودند بادرنظر گرفتن فداکاریها و خدمات گرانبهای نادر که ازسقوط حتمی ایران جلوگیری کرده بود ویرادرهشتم رمضان ۱۱٤۸ (۲۲ ژانویه ۱۷۳٦) بسلطنت ایران برگزیدند .

مراسم تاجگذاری قهرمان ونجات دهنده ایران درماه شوال همین‌سال‌انجام پذیرفت .

در سالهای اول سلطنت منطقه قندهار را که مرکزاصلی فتنه وفسادبشمار میرفت وطغیان افغانها ازآنجا شروع شده بود ازوجود گردنکشان مصفا ساخت وبا تسخیرهندوستان صحنه پرافتخاری درتاریخ ایران گشود و سپس با فتح ترکستان حدود ایران را به دورهٔ ساسانیان رسانید .

بدبختانه سلطنت کوتاه نادر درتاریخ طولانی ایران بمنزلهٔ سرعت صاعقه‌ای بود وی درشب یازدهم جمادی‌الثانی ۱۱٦۰ (۲۰ ژوئن ۱۷٤۷) درفتح‌آباد قوچان بدست چندتن ازسران قزلباش بقتل رسید وقتل وی ایران را باردیگرتسلیم تخطی ودست‌اندازی مداوم همسایگان کرده خرابکاریها وهرج ومرج و لجام گسیختگی داخلی را دامن‌زد ودرحقیقت باید گفت دولت مقتدر نادر خوش درخشیدولی‌دولت مستعجل بود .

٤ ـ جانشینان نادر

بین مرگ نادروتاجگذاری آغامحمدخان ٥٠ سال طول کشید ١١٦٠ ـ ١٢١٠ (١٧٤٧ ـ ١٧٩٥) که آن را میتوان بسه دوره تقسیم کرد .

دورهٔ اول از ١١٦٠ تا ١١٧٢ دراین دوره دوازده ساله تاریخ ایران صحنهٔ خونین وتأثرانگیزی است که بگفته صاحب مجمع التواریخ «ارادهٔ ازلی قرار یافت که عموم اهل ایران بچهارموجه بحور بلاافتاده سزا وجزا یابند تازمانیکه قابل ترحم و تفضّل باریتعالی گردند» قدرت عظیمی که نادر بچنگ آورده بود پرده ضخیمی در مقابل دیدگان اونهاد واورا ازتقدیر وسرنوشت بی‌خبر گذاشت بطوری که نتوانست آینده‌را به‌بیند وپس ازخودبرای مملکت چاره‌ای بیندیشد اخلاف وی نیز فرزانگی اورا نداشتند .

پس ازقتل نادر علیقلی‌خان برادرزادهٔ او که درهرات بود به‌مشهد آمد وتحت عنوان سلطان علی‌عادلشاه به‌تخت نشست وبقتل‌عام‌شاهزادگان خاندان‌خودپرداخت ازجمله رضاقلی میرزا ونصرالله میرزا و امامقلی میرزا فرزندان نادر را کشت فقط شاهرخ میرزا پسررضاقلی میرزارا باقی گذاشت که اگر کارسلطنتش بنیانی نگیرد ازعلاقه مردم‌بخاندان صفوی استفاده کرده اورا که دخترزادهٔ شاه سلطان حسین‌بود بسلطنت انتخاب نماید وباسم اوحکمرانی کند .

عادلشاه برادر کوچك خود ابراهیم خان را سردار عراق نموده روانهٔ اصفهان ساخت‌سال بعد ابراهیم خان‌براوشوریده‌خودرا ابراهیم شاه خواند. عادلشاه از طریق مازندران متوجه‌جنك برادرشد ونخست بامحمدحسنخان قاجار در کناررودسیمبار جنگی سخت کرده اورا منهزم وفراری نمودوپسر صغیراو آقامحمدخان‌را گرفتار کرده مقطوع‌النسل ساخت ولی در جنك با برادر که در سلطانیه روی داد شکست

خورده بتهران گریخت حاکم تهران اورا دستگیرساخته بفرمان ابراهیم شاه کور کرد . خبرنابیناشدن اوبوسیله‌فراریان که ازجنك بین دو برادر گریخته بودند بخراسان رسید امرا وسرداران خراسان متفق شدند وشاهرخ میرزای سابق الذکر را بسلطنت برداشتند ومستعد جنك باابراهیم‌شاه شدند ابراهیم‌شاه نیز که مهیای جنك بود کاری از پیش نبرد و بدست هواداران شاهرخ بین قزوین و ساوه بقتل رسید .

میر سید محمد متولی استان قدس رضوی دخترزاده شاه سلیمان صفوی که سلطنت را حق خاندان خود میدانست شاهرخ را دستگیر ونابینا کرد وخود بنام شاه سلیمان ثانی به‌تخت نشست ولی پس ازچهل روز مردم مشهد او را کور کرده شاهرخ نابینارا دوباره بسلطنت برداشتند .

این حوادث خونین که درخراسان رخ داد خاندان نادری ومدعیان سلطنت راازپای درآورد وباینجهت‌شاهرخ توانست‌تاسال ۱۲۰۱ که سال وفات‌اواست‌بآرامی وبدون مدعی‌برحوزهٔ خراسان حکومت کند اما هرج‌ومرج وجنك وجدال‌درسایر نقاط ایران طولانی‌ترشد .

احمدخان ابدالی‌یکی ازسران افاغنه که بنام طایفهٔ مخصوص خود به‌احمد خان درانی نیز اشتهارداشت سپاهیان افغان اردوی نادری را بقندهار بردومقدمات استقلال افغانستان را فراهم کرد ویکی ازعاملین بزرك جدا شدن ایران شرقی از ایران غربی گردید .

یکی دیگر ازسرکردگان افغانی نادر بنام‌آزادخان افغان در آذربایجان قدرتی فراهم کرده بنای سرکشی گذاشت .

حکومت اصفهان که بدستور شاهرخ‌به‌ابوالفتح‌خان‌بختیاری تعلق گرفته بود سبب طغیان یکی دیگرازسرداران بختیاری بنام علیمردان خان شد و اصفهان‌را ما به‌النزاع این دوسردارساخت .

مدعی دیگر محمد حسنخان قاجار بود که عده‌ای از ترکمانان قاجاررا در گرگان ومازندران بدورخود گردآورده بود .

مدعی قوی پنجه وزورمند دیگر کریمخان رئیس ایل زند بود .

جنك بین این مدعیان نیزقریب به ۸ سال طول کشید و سبب خونریزیهای فراوان درشمال ومغرب ومرکزایران گردید وبکلی آسایش وآرامش را سلب کرد درپایان این منازعات طولانی وخونین کریمخان زند فاتح وفیروز درآمدوبا کشته شدن آخرین سردارمدعی یعنی محمد حسنخان قاجاررئیس طایفه زند برتمام‌ایران دست یافت وبنام وکیل‌الرعایابتخت‌سلطنت ایران جلوس نمود ۱۱۷۲ (۱۷۵۸)تنها بپاس حق نعمت نادرشاه متعرض خراسان وشاهرخ میرزا نشد و تا سال فوت خود ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) بعدل وانصاف حکومت کرد .

در دورهٔ سلطنت ۲۱ ساله کریمخان که‌آن را دورهٔ دوم مینامیم واقعه مهمی که آرامش مردم را برهم زند رخ نداد در نقاط مختلف ایران بخصوص در فارس خرابیهای وارده تا حدی ترمیم شد . طغیانهای پی درپی که درسالهای آخر سلطنت نادر براثرستمکاریهای بی‌حدوحصر او ودر دورهٔ جانشینانش روی داد تجارت ایران را باخارج مختل ساخت ورشته ارتباط ایران را ازهم گسیخت ولی سکونتی که‌در دوران حکومت کریمخان پیش آمد باردیگراروپا را بفکرایران انداخت وتجدید روابط متروك موردتوجه شد انگلیسیهاوروسها اجازه گرفتند که درسواحل خلیج فارس دربحرخزر دارالتجاره تأسیس کنند هلندیها و پرتقالیها در جزیره هرمز و خارك بگرفتن این امتیاز نائل آمدند ولی انقلابات دوران جانشینان کریمخان باعث شد که دول مذکور باستثنای انگلیس‌ها تجارتخانه‌های خودرا رها ساختند ادامهٔ ارتباط آنان نیز بمناسبت منافعی بود که درهندوستان داشتند واین ارتباط هم غیرمداوم‌وچندان‌مثمر ثمر نبود .

دوره سوم‌دورهٔ جانشینان کریمخان است وتا سال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) یعنی ۱۷

سال طول کشید. فوت کریمخان باردیگر ایران را میدان تاخت وتاز ستیزه جویان ومدعیان سلطنت قرارداد بازماندگان کریمخان بوضع شگفت انگیزی بجان یکدیگر افتاده خاك فارس را ازخون هم رنگین ساختند خونریزی واغتشاش از ساعت فوت کریمخان شروع شد تاجائیکه نعش کریمخان سه روز برزمین ماند زکیخان برادر مادری کریمخان ۱۵ تن ازبزرگان زندیه‌را بقتل رسانید وپس از این فجایع ابوالفتح خان پسربزرك کریمخان‌را بسلطنت برداشت وبرادرش محمد علیخان‌را نیز که داماد او بود درسلطنت شریك ساخت وخود زمام اموررا بدست گرفت‌علیمردان یکی ازسرداران کریمخان که از طرف او مأمور اصفهان شده بود بر زکی خان شورید زکیخان بقصد دفع او عازم اصفهان شد ولی درایزدخواست بدست سپاهیان خود بقتل رسید صادقخان برادر دیگر کریمخان وپسرش جعفرخان اطاعت‌ابوالفتح خان را گردن نهادند وچون ابوالفتح‌خان لاابالی وعشرت طلب‌بود وبامور حکومت وسلطنت چندان توجهی نداشت اگرچه درظاهرعنوان پادشاهی داشت ولی درواقع رتق و فتق امور باصادق خان بود .

صادقخان درجنك با علیمردان خان کشته شدوبدستورعلیمردان‌خان‌ابوالفتح خان وسایر فرزندان کریمخان نابینا گردیدند علیمردان خان ازاین پس مجبوربود ازیکطرف بادشمنان خانگی وازسوئی با آقـا محمدخان قاجار که شرح حال او عنقریب خواهدآمد بجنگد وبدون اینکه موفقیتی تحصیل کند سرانجام درمورچه خورت در گذشت وجعفرخان جانشین او گردید .

جعفرخان دونوبت با آغا محمدخان جنگید وشکست یافت وسرانجام‌مسموم شد پسر رشید وزیبای او لطفعلیخان که مأمور بنادروسواحل خلیج بود همین که ازقتل پدراطلاع حاصل نمود شیرازرا گرفت وقاتلین پدررا کشت .

زندگانی او از۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ یعنی مدت شش سال بازدوخورد باخان‌قاجار وتوأم با آوارگی ودربدری گذشت ودراین مدت قهرمانیها ودلاوریهائی از خود

انتخاب عنوان سلطنت مناسب دید بزرگان کشور ورؤسای قبایل کــه برای تعیین تکلیف سلطنت ایران دردشت مغان جمع شده بودند بادرنظر گرفتن فداکاریها و خدمات گرانبهای نادر که ازسقوط حتمی ایران جلوگیری کرده بود ویرادرهشتم رمضان ۱۱٤۸ (۲۲ ژانویه ۱۷۳٦) بسلطنت ایران برگزیدند .

مراسم تاجگذاری قهرمان ونجات دهنده ایران درماه شوال همین‌سال‌انجام پذیرفت .

در سالهای اول سلطنت منطقه قندهار راکــه مرکزاصلی فتنه وفسادبشمار میرفت وطغیان افغانها ازآنجا شروع شده بود ازوجود گردنکشان مصفا ساخت وبا تسخیرهندوستان صحنه پرافتخاری درتاریخ ایران گشود و سپس با فتح ترکستان حدود ایران را به دورهٔ ساسانیان رسانید .

بدبختانه سلطنت کوتاه نادر درتاریخ طولانی ایران بمنزلهٔ سرعت صاعقه‌ای بود وی درشب یازدهم جمادی‌الثانی ۱۱٦۰ (۲۰ ژوئن ۱۷٤۷) درفتح‌آباد قوچان بدست چندتن ازسران قزلباش بقتل رسید وقتل وی ایران را باردیگرتسلیم تخطی ودست‌اندازی مداوم همسایگان کرده خرابکاریها وهرج ومرج و لجام گسیختگی داخلی را دامن‌زد ودرحقیقت باید گفت دولت مقتدر نادر خوش درخشیدولی‌دولت مستعجل بود .

۵ـ ایران هنگام ظهور سلسلهٔ قاجار

پیدایش سلسلهٔ قاجاریه

درطی مدت ۱۷ سالی که جانشینان کریمخان برای رسیدن بقدرت و زد و خورد بودند آغامحمد خان یکی ازمؤسسین سلسلهٔ قاجار موفق شد وحدت ظاهری ایران را عملی کند چون ظهور این سلسله مقارن باورود دولت روسیه درصحنه سیاست ایران بود وازهمین تاریخ تامدت قریب یکقرن ونیم مقدرات کشورمارا این سیاست دردست‌داشت وعامل مؤثر آن بشمارمی آید لازمست برای اطلاع از سیاست همسایگان ووضع داخلی ایران جریانات این دوران تحول را با دقت بیشتری مطالعه کنیم .

ایل قاجار از طوایف ترکی هستند که درحدود قرن هشتم هجری بنواحی مغرب‌رفته درسرزمین های‌بین‌ایران وشام ونیزدرحدود ارمنستان‌سکونت گزیده‌اند ودرهنگام ظهورسلسلهٔ صفویه یکی از ۷ طایفهٔ قزلباشی بوده‌اند که بشاه اسمعیل صفوی دررساندن او بسلطنت کمك کرده‌اند وازآن پس درتاریخ ایران نام و نشان یافته درا کثروقایع وحوادثی که در تاریخ ایران روی داده است دخالت داشته‌اند شاه عباس بزرگ آنان را سه دسته کرد دسته‌ای را در خراسان و حدود مرو برای جلوگیری از حملهٔ ازبکان سکونت داد و دسته‌ای را هم بحدود گرگان برای جلوگیری از حملهٔ ترکمانان فرستاد و دسته سوم را در حدود قراباغ مسکن داد عده‌ای که در گرگان ساکن شدند دو قسمت گردیدند قاجار های ساکن ساحل راست رود گرگان بنام یوخاری باش و آنهائیکه در ساحل چپ سکونت گزیدند اشاقه باش نامیده شدند بین این دوطایفه غالباً برسرچراگاهها نزاع درمیگرفت و بهمین سبب با هم دشمنی میورزیدند در زمان هجوم افاغنه فتحعلی خان قاجار

از رؤسای آشاقه‌باش بیاری شاه طهماسب دوم برخاست و هنگامی که در خدمت او به محاصرهٔ مشهد اشتغال داشت بتحریك نادر کشته شد پسرش محمد حسنخان درزمان نادردرمیان ترکمانان متواری‌میزیست وپس ازمرك او به گرگان برگشته بادعای سلطنت برخاست وچنانکه گفتیم درمقابل علی قلیخان عادلشاه برادرزادهٔ نادرشکست خورد وآغا محمد خان ارشد نه پسر او که دراین وقت پنج سال داشت بدست عادلشاه اسیروبفرمان وی مقطوع النسل شد این بدبختی علت خونخواری و کینه توزی پادشاه خواجه‌را بخوبی روشن می کند .

سایکس نویسندهٔ انگلیس میگوید ایرانیان از کمترشخصی مانندآغامحمد خان به‌بدی یاد می کنند

آغا محمدخان پس ازمرگ‌عادلشاه ازخراسان گریخت ونزد پدرآمد و در مبارزاتی که بین‌پدرش وسایر مدعیان سلطنت‌روی میداد شرکت داشت، پس‌از کشته شدن پدر بهمراهی برادران چندی درمیان ترکمانان یموت بسر بـرد سپس چنین مصلحت دید که به‌بزرگواری وجوانمردی کریمخان پناه برد و درتهران بخدمتش رسید، کریمخان اورا که دراین وقت سی‌سال داشت باخود بعنوان گروگان بشیراز برد وبرادران وخواهران اورابا‌خویشان وی درقزوین گذاشت، چندی بعدحسینقلی خان‌برادرش‌برای‌دیدن‌اوبشیرازآمدودرمراجعت بحکومت‌دامغان منصوب گردید .

حسینقلی خان دردامغان بر کریمخان عصیان کرد وپس از ۷ سال تاخت‌وتاز در گرگان‌بدست‌ترکمانان کشته شد، آغامحمدخان‌موقع‌مرگ کریمخان شیرازرا ترك گفته بمازندران فرار کرد ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) وازطرف سران ایل‌وا کثریت اهالی مورد قبول واقع شد، برادرناتنی وی مرتضی قلیخان که عنوان شاهی اختیار کرده بود برای‌تقاضای کمك‌ازکاترین دوم‌بروسیه فرار کرد وبدون اینکه‌نتیجه‌ای‌بگیرد تاسال ۱۲۱۲ در دربار کاترین بسربرد ودرهمانجا نیزوفات یافت .

با این ترتیب آغا محمد خان توانست تسلط خویش را در ایالات بحرخزر بلامعارض مسلم کندوپس‌ازتصرف‌این‌نواحی جنگهای موفقیت‌آمیزی برضداخلاف

خانوادهٔ زند شروع کرد ودرنتیجه اصفهان وشیراز و کرمان را بتصرف آورد ۱۱۹۳ ۱۲۰۸ (۱۷۹٤ ـ ۱۷۷۹) آخرین صحنه‌های این زد وخوردها در کرمان اتفاق افتاد وچنانکه قبلا اشاره کردیم در آنجا لطفعلیخان آخرین مدعی سلطنت ازخانوادهٔ زند آخرین مقاومت خویش را تهیه دیده بود پس از چهارماه محاصره بالاخره شهر کرمان با مساعدت وراهنمائی حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز سقوط کرد ولطفعلی خان که باسارت آغا محمد خان در آمده بود کور گردید وقتل عام موحش اعلام شد معروف است که قاجار خونخوار دستور داد بیست هزار جفت چشم بوی نشان دهند و بافتخار اسارت لطفعلیخان بفرمان آغا محمد خان شش هزار نفر اسیر را سر بریدند ودر اجرای این دستور حتی بزنان و بچه‌ها نیز رحم نکردند این فتح موفقیت نفوذ آغامحمد خان را در کرمان تأمین کرد ولی تسلط برتمام ایران که در آن زمان بایالات مستقلی تجزیه شده بود کار آسانی نبود

خراسان اسماً دردست شاهرخ نوهٔ نادر بود ولی عملا میان رؤسای مستقلی تقسیم شده بود درمغرب ایران نواحی مجاور با دولت عثمانی از پاشای بغداد اطاعت میکرد در کرمانشاه کردها خودرا مستقل خوانده ووالی اردلان ازصحنه مرکز اقامت خویش بقسمت اعظم ایران غربی حکومت میکرد بقیهٔ ایران از بحرخزر تا خلیج فارس صحنهٔ زدو خورد مدعیان زیادی بود که برای کسب قدرت باهم رقابت میکردند

بااطلاع ازجریانات داخلی ایران لازم است وضع ممالك مجاور یعنی دولتین عثمانی وروس وسیاست آندو دولت‌را نسبت بایران باختصار بیان کنیم دولت عثمانی که‌درچند قرن اخیرحالت تعرّض دربارهٔ ایران اتخاذ کرده بود دیگر نمیتوانست در کارهای ایران علاقه داشته باشد زیراسیاست دول اروپائی بکلی آن دولت‌راسر گرم و گرفتار کرده بود .

سلطنت نادر درایران موقتاً برای پنجاه سال یعنی تا پیدایش سلسلهٔ قاجار دولت‌روسیه‌راازاجرای نقشهٔ پطر کبیرممانعت کرد ودرنتیجه پیشرفت روس درایران

بتأخیر افتاد .

ولی باوجود این روسها ازفعالیت خود دست بر نداشته وبدستور کاترین دومدر ۱۱۹۰ (۱۷۷۶) درشمال قفقاز بساختمان یکرشته استحکامات اقدام شد وهمین استحکامات پایهٔ محکمی برای سرعت عملیات جانشینان کاترین گردید پنج سال بعد یعنی در ۱۱۹۵ (۱۷۸۱) وقتی که آغا محمدخان درمازندران مستقرشد نیروی دریائی روس ومرکب ازهفت فروند کشتی بادی دراشرف لنگر انداخته واجازهٔ تأسیس یك تجارتخانه را تحصیل کرد روسها ببهانهٔ حمایت تجارتخانه بساختمان استحکاماتی درشهر اقدام کردند پس ازآنکه ساختمان استحکامات خاتمه یافت حاکم اشرف افسران روسی را بمهمانی دعوت کرده وتهدید نمود اگر استحکامات را خراب نکنند بقتل خواهند رسید

افسران روسی درمقابل این تهدید استحکامات را خراب کرده با کشتیهای خود مراجعت نمودند .

٦ - سیاست دولت روسیهٔ تزاری در گرجستان

گرجستان درادوار تاریخ ایران وبخصوص در دوران صفویه همیشه جزء ایران بوده است ولی چون اکثریت ساکنین گرجستان مسیحی بوده‌اند حکام آن ناحیه نیز در امور داخلی تاحدی استقلال داشته‌اند در حکومت صفویه همیشه چندتن از شاهزادگان گرجی در دربار ایران بصورت گروگان میزیسته‌اند بین بزرگان ایران ومتنفذین گرجستان ارتباط دولتی و خویشاوندی برقرار بوده و بعضی از بزرگان ایران زن گرجی داشته‌اند شاهزادگان صفوی نیز باشاهزاده خانمهای گرجی ازدواج میکرده‌اند اهالی گرجستان درطول مدت تاریخ هیچگاه مانند دورهٔ آغا محمدخان آرزوی تحصیل استقلال نکرده بودند.

قبلا تااندازه‌ای وضع ایران را پس ازقتل نادردرشرح دادیم کنت دو گوبینو[1] مورخ و نویسندهٔ فرانسوی دراینخصوص مینویسد « بلافاصله پس از قتل قهرمان هزاران ستمگر کوچك پدیدار شد:طوایف صحرا گرد زندگی خود را بضرر شهرنشینان تأمین کرده وشهرنشینان همدیگررا غارت کردند، اراضی بایر و بدون زراعت ماند وآنجاهائیکه مختصری زراعت میشد متروك گردید» .

درچنین وقتی که هرحاکمی سعی وجدیت داشت خویشتن را درحوزهٔ فرمانروائی خود مستقل کند ارکلی[2] والی گرجستان که در جنگهای نادر شرکت جسته و ویرا بصداقت خدمت کرده بود کوشش میکرد بلکه حوزهٔ قلمروی خودرا ازتسلط ایران خلاص دهد. ارکلی دراجرای تصمیم خویش موفق گردیدو توانست با استقرارصلح

---

1 – Comte de Gobineau

2 – Heraclius

در گرجستان حتی قسمتی ازخاك ایران‌را نیزضمیمه متصرفات‌خود کند این‌سیاست تجزیه طلبی را که پایهٔ آن ازدیرزمانی گذاشته شده بود وباجرای نقشهٔامپراطوری روسیه کمك میکرد میتوان عکس‌العمل آنی عملیات بیرحمانه‌آغـا محمدخان در ایران دانست .

والی گرجستان پیش بینی میکرد که این جسارت برایش گران تمام‌خواهد شد وی میدانست روزی که ایران وحدت خودرا درتحت حکومت سلطان مقتدری عملی‌سازد گرجستان‌نخواهد توانست خودرابدون حمایت و کماك یك‌دولت‌خارجی مدت‌زیادی حفظ کند بنابراین ارکلی معاهدهٔ اتحاد سری تعرضی وتدافعی بادولت روسیه منعقد کرد ۲۳ شعبان ۱۱۹۷ (۲٤ ژوئیه ۱۷۸۳) دولت روسیه دراین زمـان برمتصرفات جنوبی خود افزوده و با گرجستان همسایه شده بود مطابق مـواد این معاهده (یا باصطلاح سند تحت‌الحمایگی) ارکلی پیرمرد که از قرنها باینطرف اجداد وی از ایران تبعیت کرده بودنـد خـویشتن را تحت حمایت دولت روسیهٔ تزاری قرار داده روابط خود را بـا ایران بکلی قطع و باطاعت کاترین درآمد . در مقابل، کاترین ازطرف خود و جانشینان‌ارکلی را حمایت کرده و نه تنها متصرفات کنونی گرجستان را تضمین کرد بلکه اراضی نیز که امکان داشت درآتیه بتصرف ارکلی درآید شامل این تضمین گردید .

درنتیجهٔ انعقاد این معاهـده یك لشکر روسی برای حفاظت تحت‌الحمایگی جدید بگرجستان اعزام شد .

انعقاد معاهدهٔ۱۱۹۷(۱۷۸۳) دولت‌ایرانرابوحشت‌انداخت. این پیش‌آمدعلت آنی‌بروزجنك‌طولانی‌بین‌دولتین‌ایران‌وروس گردید که‌باستثنای‌مدتی که‌خیلی کوتاه دورهٔ حکومت پل[1] اول تا امضای معاهدهٔ گلستان ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بطول انجامید.

---

1 - Paul 1

چنانکه خود ارکلی پیش‌بینی میکرد قابل تصور نبود که سلطان مقتدری پس ازایجادنظم واتحاد درداخل کشور راضی شود که یکی ازبهترین و زرخیزترین ایالات ایرانرا بریگان ازدست بدهد .

آغا محمدخان وقتی رقیب خود لطفعلیخان زند را از بین برد و قدرت خود را در ایالات جنوبی مسلم گردانید تصمیم گرفت ارکلی‌را وادار باطاعت کند.

قبل ازاقدام به لشکرکشی بطرف گرجستان رئیس قاجار ارکلی را تهدید کرد که ازهوسرانی استقلال دست برداشته مالیات معمولی را بپردازد وبرای‌اظهار اطاعت بدربارپادشاه قاجارحاضرشود . مجلهٔ دنیای اسلام (۱) درشمارهٔ ژانویهٔ۱۹۱۰ ترجمهٔ فرمان آغا محمدخان را که‌دراین‌خصوص‌بوالی گرجستان خطاب شده‌منتشر کرده‌است‌دراین‌فرمان آغامحمدخان عملیات‌خلاف گرجیهارا که شصت سال قبل در قندهاررخ‌دادومنجر به‌فتنهٔ افغان گردیدیادآوری کرده‌متذکرمیشود: شمامیدانید که‌ازصدها سال‌پیش‌مطیع ایران بودید وحالا بانهایت تعجب باطلاع مارسیده که با روسها متحد شده‌اید درصورتیکه‌آنان درایران منظوری جزتجارت ندارند .بااینکه مذهب ما یکی نیست شما علائق دائمی باایران داشتید .

درایران گرجی وارمنی و تاتار وپیروان دیگرمذاهب زندگی میکنند شما بایستی درمقابل آنان شرمنده باشید . امروز که ما بمنتهای قدرت رسیده‌ایم اخطار میکنیم تمام‌روابط خودرا باروسیه قطع کن والادرلشکرکشی که قریبا بگرجستان خواهم کرد بقدری خون روس و گرجی خواهم ریخت که مانند رود کر جاری خواهد شد .

برای‌اینکه ازاوضاع فعلی و وضع‌حقیقی اطلاع حاصل کنی این فرمان‌بامر ما صادر شد .

متأسفانه نفوذ و تسلط کاترین در گرجستان بحدی زیاد شده بود که

---

1. - Revue du monde musulman

ارکلی نمیتوانست ازحمایت دولت روسیه صرف نظر کند بنابراین والی گرجستان جواب داد کـه وی فقط سلطنت کاتـرین دوم امپراطریس روسیه را بـرسمیت میشناسد.

۷ـ لشکر کشی بسمت گرجستان

....

فکر تأسیس تجارتخانه در اشرف و انعقاد معاهدهٔ ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) میان کاترین دوم و ارکلی بخوبی نشان داده و ثابت میکرد که تزار جاه طلب ازدرهم گسیختگی امور داخلی ایران استفاده کرده و تصمیم دارد نقشهٔ سلف مشهور خود پطر کبیر را تعقیب نماید حتی برای اجرای این تصمیم قبلا باباب‌عالی نقشهٔ تقسیم ایالات شمالغربی ایرانرا طرح وتهیه دیده بود.

بادرنظر گرفتن رفتار ووضع دولت روسیه ومتن‌مواد معاهدهٔ ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) یقین بود که تزارین نقشه های وسیع‌تری داشته و عقد معاهده با ارکلی یك اتحاد ساده‌ای نیست. پس تصادفات وسیاستهای‌مهم دیگراروپائی لازم بود که دولت‌روسیه را از جریان نقشهٔ خود درایران بازدارد. چنانکه گذشت موضوع تأسیس تجارتخانه دراشرف بدون هیچگونه عکس‌العملی ازطرف سن بطرز برگ مسکوت گذاشته شد وحتی جای بسی تعجب است قوائی که برای کمك شاهزادهٔ گرجی‌اعزام‌شده‌بود پس ازچهارسال اقامت در گرجستان وقتی که دستجات روسی مشغول محاصرهٔ شهر گنجه بودند غفلتاً احضار گردید. برای پی بردن بعلل این رویهٔ سیاسی لازم است اوضاع اروپا وسیاست دولت تزاری روسیه را درمغرب روشن کنیم. بایددانست که دراین زمان بابروز انقلاب کبیر فرانسه دراروپا کاترین خیلی نگران و گرفتار بود. بعلاوه سیاست تقسیمات لهستان واجرای نقشه‌های یونان جهت تجزیهٔ دولت عثمانی‌مانع ازاین‌میشد که تزارین بتواند به تحت‌الحمایگی جدیدیعنی گرجستان کمکی بکند. قبل ازبروزانقلاب کبیر فرانسه بود که کاترین برای تشکیل اتحاد چهارگانه ازدول‌روسیه واطریش ودوخانوادهٔ بوربن (فرانسه واسپانی) بادولت لوئی شانزدهم مذاکرات جدی آغاز کرد. منظور وی ازتشکیل این اتحادیه‌جلوگیری

ازادعاها وبلند پروازی های دولت انگلستان وتجاوزات دولت پروس بود . ولی بروز انقلاب فرانسه سیاست امپراطریس روسیه را تغییرداد . زیرا ازهمـان شروع انقلاب فرانسه کاترین دوم متوجه بود که نبایستی به کمك دولتی که گرفتارتحولات اوضاع داخلی خود میباشد حساب کرد .

تزارین که ازانتشارونفوذ افکارواصول ومبادی انقلاب وحشت داشت مناسبات دیپلوماسی خودرا بادولت فرانسه قطع کرد وسفیرفرانسه را مرخص نمود و مانـع ورود کشتی‌های این دولت به بنادر روسی گردید . کاترین گوستاو (۱) سوم پادشاه سوئدرا برای اقدام برضد دموکراسی تشجیع کردوبدولت انگلستان اصرارمیورزید که برای برقراری سلطنت درفرانسه کمك کند همچنین دولتین پروس واطریش را برضد فرانسه تحریك میکرد. بااین تفصیل امپراطریس کاملا مواظب بود که خودرا درسیاست اروپا گرفتارنکند زیرا اظهارمیداشت مقام من معلوم ونقشی را که لازم است درمیدان سیاست بازی کنم تعیین گردیده است .

من تعهد میکنم عثمانیها ولهستانی‌ها وسوئدیها را که پس ازمرگ گوستاو سوم بافرانسویان متحد گردیده‌اند تحت نظارت قراربدهم .

البته تنبیه آزادی خواهان عثمانی ولهستانی برای کاترین آسانتر و مخصوصا پرنفع‌تر بود . همین سیاست و طرز رفتار تزارین از اقراری که به اوسترمن (۲) صدراعظم خود کرده‌روشن میگردد:

« دلایلی هست که من نمیتوانم بدربار وین وبرلن بگویم من میخواهم آنها را دراین قضایا وارد کنم تا آزادی عمل مطلق داشته باشم زیرا من کارهای ناتمـام زیادی دارم وباید وضعی ایجاد شود که آنها سرگرم شده من‌را دراجرای نقشه‌هائی که درپیش دارم آزاد گذارند .

بدین ترتیب هنگامیکه سیاست اروپائی تمام فعالیت سیاسی ونظامی روسیه رابخود معطوف میداشت آغا محمدخان باشغال گرجستان مصمم گردید.دولت ایران

---

1 - Gustave III 2- Ostermann

مخصوصاً توجه داشت باسرعت عملیات نظامی ازوصول کمک‌های امپراطریس به‌ارکلی جلوگیری کند.

پس از آنکه آغامحمدخان ارکلی‌را دررمضان ۱۲۰۹ (آوریل ۱۷۹۵) تهدید کرده وباطاعت وفرمانبرداری دعوت نمود وجواب منفی شنید فرمان‌دادقوای‌مسلح که‌تعدادآن‌به شصت‌هزارنفربالغ‌بوددرحوالی‌تهران‌متمرکز گردند. وازسوق‌الجیشی چنان‌مستورماند که تاموقع حرکت قوا احدی به‌نقشهٔ پیش‌بینی‌شده آگاه نبود آغا محمدخان سپاهیان خودرا بسه‌ستون تقسیم کرد:

ستون اول ازراه مغان بسمت شیروان وداغستان متوجه گردید ستون دوم که ۱۵۰۰ گرجی جزءآن بود بجانب ایروان پایتخت ارمنستان حرکت کردستون‌سوم تحت فرماندهی‌مستقیم‌آغا محمدخان مأمور شوشی قلعهٔ مهم قره‌باغ واقع‌درساحل چپ‌رودارس‌شد.ستون‌اول‌بمانع‌شدیدی‌برخوردنکردرؤسای‌ایالات‌بارسیدن‌لشکریان ایران یا اطاعت کردند ویافرار نمودند ودوستون دیگر با مقاومت خانهای ایروان وشوشی که ازطرف ارکلی تشویق وتحریک میشدند مواجه گردیدند.

سپاه‌آغا محمدخان فقط ازسواره‌نظام تشکیل یافته وفاقد توپخانه بودوهمین نقیصه تسخیرقلاع ایروان وشوشی را تقریباً غیرممکن میساخت.

رئیس‌ایل‌قاجاروقتی عدم امکان‌تصرف این‌دوقلعه‌را تشخیص‌دادباطاعت‌ظاهری حکام این دوناحیه قناعت کرد وقسمتی ازلشکریان را برای تأمین محاصرهٔ ایروان وشوشی مأمورساخته خود باعمده قوی بطرف تفلیس پایتخت گرجستان حرکت کرد در گنجه باستونی که ازمغان حرکت کرده بود بدون برخورد با مقاومت تماس گرفت‌وازآنجا باعده‌ای که‌دوقسمت‌مهم‌آن درمقابل شوشی و ایروان مانده‌بود یعنی‌فقط باچهل‌هزار نفر برای مقابله‌ارکلی حرکت کرد. شاهزادهٔ گرجی‌بااینکه درنتیجه سرعت عملیات دشمن غافلگیرشده بود واز کمک‌های دولت روسیه محروم مانده بودوباوجود کمی تعداد نفرات که بیک چهارم قوای ایران بالغ میشد مصمم شد جنگ کند.

ار کلی برای تأمین وضع پایتخت تا ۳۷ کیلومتری تفلیس پیشرفت جسارت و پشتکار سپاهیان گرجی کمی تعداد نفرات آنان را جبران نکرد و تفلیس بدون مقاومت تسلیم شد . بفرمان آغا محمدخان قتل عام فجیعی درشهر رخ داد بااین عمل فاتح تفلیس قصد داشت مللی را که در آینده بخواهند ازقدرت وی سرپیچی کنند تنبیه سازد .

۸- اشغال اراضی ایران ازطرف لشکریان روس

۱۲۱۱ (۱۷۹۶)

آغامحمد خان پس ازتنبیه گرجستان وانقیاد ایالات شمال غربی ایران بـه پایتخت مراجعت کرد بااینکه رئیس‌ایل قاجار ازقدرت ومزایای سلطنتی‌برخوردار بود ولی‌هنوزتاجگذاری نکرده بودتااینکه درمراجعت ازعملیات فاتحانهٔ گرجستان گرچه درظاهر عدم تمایل نشان میداد بالاخره بانجام تشریفات تاجگذاری رضایت داد ۱۲ رمضان ۱۲۱۰ (۲۱ مارس ۱۷۹۶)

بااجرای این مراسم نفوذ پادشاه قاجار بیش ازپیش توسعه یافت پادشاه قاجار تصمیم گرفت‌باوضاع خراسان که بوسیلهٔ شاهرخ نوهٔ نادر اداره میشد سروسامان‌داده وازدست اندازیهای ازبکان جلوگیری کند پس بقصد زیارت عازم مشهد شد شاهرخ میرزا که شمه‌ای ازشرح حال اورا بیان کردیم چون درخود یارای مقاومت ندیـد بابزرگان‌شهرباستقبال شتافت.آغامحمدخان‌باو تأمین داد آنگاه جواهرات‌زیادی‌را ازاوخواستارشدوچون اوازتسلیم جواهرات سرباز زدبشکنجورنج‌ازاومطالبه گردید وناچارآنچه‌را که داشت تسلیم کرد.

در میان این جواهرات یاقوت بزرگی بود که وقتی زینت تاج اورنك زیب پادشاه هندوستان بوده است .

آغامحمدخان بقول صاحب ناسخ‌التواریخ «ازبدست کردن آنهمه لالی‌آبدار وجواهرشاهوار چندان شاد خاطرشد که بفرمود در رواقی نطعها بگستردند وآن جواهررا برزبر نطع بریختند آنگاه رواق را ازبیگانه بپرداخت وچندنوبت ازاین سوی رواق تابدانسوی را باپشت‌وپهلو غلطان غلطان برفت » آغا محمد خان پس‌از

اینواقعه شاهرخ‌را با کسانش بتهران فرستاد ولی شاهزادهٔ نگون بخت دربین‌راه‌براثر جراحاتی که براثرشکنجه‌باورسیده بود درسن‌شصت‌وچهارسالگی بدرود حیات گفت وبامرگ اوخاندان افشارمنقرض گردید .

در جریان این عملیات آغا محمدخان بمنظور عقد اتحادی جهت فتح بخارا نماینده‌ای‌بدربار زمانشاه به‌کابل‌اعزام داشت ونیزنماینده‌ای مستقیماً سوی‌بیگی‌جان از یك پادشاه ترکستان فرستاد .

بیگی جان وقتی نامهٔ‌آغامحمدخان را دریافت کرد بقولی گفت « اختهٔخان هرچه گوید کند مراطاقت مقاومت باوی نیست » وبقول سرجان ملکم بامرای خراسان نوشت که شنیده‌اماخته‌خان درمیان شماآمده‌است اگرمیتوانیداورابگیرید واگرنمیتوانید بمن اطلاع دهید تاخودم اقدام کنم .

زمانشاه نیزحاضر بعقد اتحاد گردید وآغا محمدخان درصدد برآمد که‌نقشهٔ خودرا عملی سازد که ناگهان ازعملیات نظامی روس برضد ایران درقفقاز اطلاع حاصل کرد ربیع‌الاول ۱۲۱۱ (سپتامبر ۱۷۹۶) ولی بواسطهٔ فرارسیدن زمستان و فصل سرما که با ادامهٔ عملیات نظامی مساعد نبود سپاهیان را مرخص کرد .

دراین هنگام دودانشمند فرانسوی برونیر[۱] و اولیوید[۲] که ظاهراً از طرف دولت جمهوری فرانسه برای انجام مأموریت علمی اعزام شده بودند بدربار آغا محمد خان باریافتند درحقیقت نمایندگان فرانسه دراین مأموریت دو هدف اصلی داشتند :

اول مطالعه برای ایجاد و برقراری روابط دوستانه و مبادلات تجارتی میان ایران وفرانسه . دوم عقد پیمان اتحاد نظامی میان ایران وعثمانی برضد دولت‌روسیهٔ تزاری[۳] .

---

1 - Brugniére
2 - Olivier

۳ ـ نمایندگان اعزامی‌حامل نامه‌ای‌ازطرف ریموندورنیناك R. verninac سفیر فوق‌العادهٔ دولت جمهوری فرانسه درباب عالی بعنوان حاج ابراهیم صدراعظم ایران

(بقیه حاشیه‌در صفحهٔ بعد)

درروسیه کاترین دوم قسمتی ازنقشه‌های خود را عملی کرده وجنگ باعثمانی

بقیه حاشیه‌از صفحه قبل

بودند نظر باینکه ازطرفی این نامه ازتجدید روابط دولتین ایران وفرانسه که پس از انقراض‌دولت صفویه شده‌بودصحبت میکند ، وازطرف دیگرمی‌توان آنرا مقدمات‌سیاست ایرانی ناپلئون اول دانست لذا ترجمهٔ نامه و خلاصهٔ جواب دولت ایران را در زیر درج می کنیم :

اسلامبول۱۳ فروکتی دور Fructidor سال‌سوم جمهوری- سفیرفوق‌العادهٔدولت جمهوری فرانسه دربابعالی بجناب صدراعظم شاهنشاهی ایران :

صدراعظم :

حس قدردانی وصمیمیت که فرانسویان و ایرانیان را متحد میسازد مانند تاریخ دوامپراطوری‌قدیمی است . اگردرمکاتبات میان دولتین‌انقطاعی رخ داد علت‌آن‌اوضاع وحوادث‌بودوگرنه دراتحاد صمیمانه‌ای که‌میان ملتین وجودداشت کمترین خدشه‌ای‌حاصل نگردیده است .

جناب شما قطعاً موفقیت‌های درخشانی راکه وضع جدید درفرانسه بوجود آورده است شنیده‌اید .

موضوع قابل دقت تصادف عجیب فتوحات جمهوری فرانسه بافتوحاتی است که در همان زمان نصیب ایرانیان گردیده . این فتوحات نشانه‌ای ازدوران زمامداری باسعادت وکیاست شما میباشد .

اجازه بدهید این تصادف را بفال نیك بگیریم زیرا برای سعادت متقابل دو ملت نمیتوان فرصت مناسب‌تری جهت تحکیم روابط حسن تفاهم که ازقدیم میان آنان موجود برده بدست‌آورد . تنها بهمین منظور است که این نامه را برای‌آنجناب مینویسم. اتباع دولت فرانسه‌اولیویه وبرونیردوعالم طبیعی‌دان ضمن تسلیم نامهٔ من بآنجناب‌شرح‌وبسط کافی راجع بوضع فعلی، کارهای ما ومنافع متقابلی که‌باابرازتوجه واهمیت بیشتری از برقراری روابط سیاسی وتجاری ممکن است عاید طرفین گرددخواهد داد .

علی‌العجاله‌دومسافررا بحسن‌نیت شماسپرده امیدوارم‌آن جناب تسهیلات‌ومساعدت های‌لازم راکه برای توفیق درتحقیقات نیاز دارند وهدف‌آن پیشرفت علوم است درحق آنان مبذول خواهند فرمود .

صدراعظم خواهشمندم‌مراتب قدرشناسی کامل مرابه‌پذیرید. افتخاردارم‌خدمتگذار ناقابل ومطیع‌آنجناب باشم .

امضاء ـ ریموندورنیناك

(بقیه حاشیه‌در صفحه بعد)

بامعاهدهٔ یاسی [۱] در۲۳صفر ۱۲۰۷ (۹نوامبر ۱۷۹۲) خاتمه یافته بود.

تقسیم دوم لهستان میان دولتین پروس وروسیه در ۱۲۰۸ (۱۷۹۲) وآخرین تقسیم این کشور که منجر بانهدام کامل جمهوری لهستان گردید بامعاهدهٔ سن پطرز بورگ درتاریخ سوم ژانویه ۱۷۹۵ (۱۱ رجب ۱۲۰۹) عملی شده بود. بااین‌ترتیب تزارین قادربود نقشه‌های خودرا برای تصاحب ایالات شمالغربی ایران تعقیب کرده‌و دریای خزررا کاملا تحت تسلط دولت روس قرار دهد.

هنگامیکه آغامحمدخان درخراسان مشغول بود کاترین ظاهراً متأثرازاینکه نتوانسته‌است بموقع تحت‌الحمایهٔ خودرا کمك نماید تصمیم گرفت حوادث تفلیس‌را جبران کند. تزارین میخواست قدرت آغامحمدخان‌را درهم شکسته‌ایالات‌شمالغربی ایران را جزء امپراطوری‌آسیائی خود کرده وحتی‌مرتضی‌قلیخان برادر تبعید شدهٔ شاه‌قاجار راکه اززمان فرار ازمازندران در دربار سن پطرزبورگ میزیست‌به‌تخت سلطنت ایران بنشاند.

گودوویچ [۲] ژنرال روسی دراواخرسال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) مأموریت یافت بـا عده‌ای بطرف در بند پیشروی کرده وزمستان را در آنجـا بگذراند. در بهار۱۷۹۶

(بقیه حاشیه‌از صفحه قبل)

خلاصهٔ قسمتی ازنامهٔ حاج ابراهیم صدراعظم آغامحمدخان به ورنیناك:

بعداز عنوان... نامهٔ آنجناب بوسیلهٔ اولیویه وبرونیر هنگامی رسید کـه آغا محمدخان پس از حمله وفتح خراسان ازبکان وافغانانرامتفرق ساخته و برای استراحت بپایتخت مراجعت کـرده بود. ما متون معاهدات سابق موجود میان دولتین را مطالعه وبحسن نیت شما جهت افتتاح باب روابط دوستانه‌که متضمن استقرار وراحتی تجـار و مسافرین است متوجه شدیم بهمین علت مایلیم اساس حسن تفاهـم را برقرار کـرده و امیدواریم‌شما نیزبنوبهٔ‌خود همین رویه‌را بادادن اطلاعات ازاخبار دوکشورواعزام سفرا وادامهٔ مکاتبات دوستانه‌که باب اتحاد واتفاق رامفتوح میسازد تعقیب فرمایند...

بایگانی اسناد ملی - دورهٔ کونسولی وامپراطوری

Archives Nationales Fonds de la secretairerie D' Etat : Consulat et Empire AF. IV 1686

---

1 - Yassi

2 - Goudowich

(۱۲۱۰) یك سپاه سی‌هزارنفری روسی بفرماندهی والرین زوبوف[۱] (معروف‌بقزل ایاغ) به قوای گودودیج ملحق گردید بسرعت عملیات جدی‌تری از طرف روسها شروع وقلاع دربند وباکووطالش و گنجه‌تسلیم‌ویااطاعت کردند بااین ترتیب‌روسها تسلط خودرا برتمام ساحل دریای خزر ازمصب رود اترك تـامصب رود کر محرز کرده موفق گردیدند یك خط ارتباطی در طول رودخـانه کر با گرجستان دایر کنند .

پس ازاین موفقیت‌ها زوبوف باعمده قوای خود از رود ارس گذشته‌وقرارگاه زمستانی خودرا دردشت مغان انتخاب کرد از این نقطه تمام‌آذربایجـان در معرض تهدید قوای روس قرار گرفت بطوری که باتسلیم این‌ایالات احتمال داشت پس ازیك حملهٔ عمومی پایتخت ایران نیزسقوط کند .

قوائی که‌مأموراشغال گرجستان بود پشت‌سپاه زوبوف‌را حمایت میکردجبههٔ چپ زوبوف بوسیلهٔ قوائی که ازحاجی طرخان حرکت کـرده بود حفاظت میشد پیش قراولان قوای اعزامی‌ازحاجی طرخان‌لنکران را اشغال کرده و رشت وانزلی‌را تهدید میکردند .

از مدتهای مدید باینطرف خطر خارجی ایران را باین شدت تهدید نکرده بود خوشبختانه برای مدت کوتاهی این طوفان سهمگین بامرك امپراطریس کاترین برطرف گردید ۱۷۹۶ (جمادی‌الاول ۱۳۱۱)

سلطنت پل‌اول پسروجانشین کاترین ظاهراً بایك‌سیاست صلح طلبانه‌ای آغاز شد وی قانون سربازگیری راکه مطابق این قانون هرپانصدنفر مجبوربـود سه نفر سربازبدهد موقوف الاجری گذاشت .

امپراطور روس دستور داد ارتش ایران مراجعت کرده و گرجستان را بحال خودرها نمود پل ضمن بخشنامه‌ای که به اوسترمن[۲] دیکته کرد بـدول خارجی اعلام داشت که ازسال ۱۷۵۶ باینطرف درجهان تنها دولت روسیه لاینقطع درجنك

1- Valerien –Zuboff
2 - Oster mann

بوده مدت چهل سال جنگ ملت‌را ازپای درآورده است رأفت وبشردوستی‌امپراطور اجازه نمیدهد صلحی‌راکه آرزوی رعایای محبوب وی میباشد رد کند ارتش‌اشغالی گرجستان‌تحت فرماندهی‌والرین زوبوف‌بدون‌برخورد بکمترین مقاومت‌عقب‌نشینی وبروسیه مراجعت کردملکم می گوید کینهٔ پل اول نسبت بفرمانده این‌عده که‌برادر پلاتن زوبوف محبوب‌کاترین بود یکی ازعللی است که نقشه ایران را بهم زددستور مخصوص‌بهر سرهنگی مستقیماً فرستاده شد بدون اینکه‌ژنرال فرمانده نیرو اطلاع داشته باشد .

این کینه وانزجار خاطر پل‌اول عکس‌العمل تحقیرهائی‌بود که مقربین کاترین مخصوصاً پلاتن زوبوف درحق وی مرعی داشته بودند .

آغا محمد خان از این فرصت خوب استفاده کرده و تصمیم گرفت مجدداً گرجستان را اشغال کند سپاهیان ایران درشوال ۱۲۳۱ (مارس ۱۷۹۶) ازتهران حرکت کردند .

آغا محمدخان تقریباً درصد کیلومتری ارس بود که اهالی شوشی‌بعلت بد رفتاری حاکم را بیرون کرده وسلطان قاجار را برای تصاحب قلعه دعوت کردند آغا محمدخان پس ازیك راه پیمائی معجل بمقابل رود ارس که درمنتهای طغیان بود رسیدولشکریان وی رودخانه‌را قسمتی باکشتی وقسمتی بحال شنا عبور کرده واردشوشی گردیدند این بارپس ازچندین سال مقاومت قلعهٔ شوشی‌بدست ایرانیان افتاد این موفقیت خوب فتوحات درخشانی‌را بسپاهیان آغا محمد خان نوید میداد متأسفانه درحینی که لشکریان ایران ازفتوحات‌احتمالی آیندهٔ خویش‌مسروربودند آغامحمد خان در۲۱ ذیقعدهٔ ۱۲۱۹ (۱۸ مه۱۷۹٦) بدست افراد گارد مخصوص‌خود بسن ٦۳ سالگی بقتل رسید .

شهامت وخست انتقام و کینه جوئی جاه طلبی و پیمان شکنی بی‌رحمی و حیله گری سخت گیری وحق ناشناسی از صفات خاصه‌آغا محمد خان ومورد تأیید اکثرمورخین معاصر اواست که اگربرآنها کاردانی ولیاقت وتدبیر وسرعت در عمل

علاقه‌مندی بسپاهی‌را علاوه کنیم مجموعهٔ صفات اورا بیان کرده‌ایم .

درباره هیئت ظاهری اوسرجان ملکم چنین نوشته است «اندامی ضعیف داشت چنانچه از دور مانند پسری چهارده ساله بنظرمی‌آمد چهرهٔ بی‌موی پرچینش‌چون زنان سالخورده مینمود صورتش اگرچه درهیچوقت ازدیدن نیکونبود ولی‌درهنگام غیبت حالتی مهیب می‌یافت وهم بدین سبب خود نمی‌خواست کسی بر صورت وی نگاه کند»

گرچه زندگانی‌آغا محمدخان بعلت جنایت‌های وحشتناك وفجیع‌ماننمدقتل عام‌کرمان وتفلیس آلوده است ولی دوران سلطنت وی ازافتخارات بزرك نظامی بی‌بهره نمی‌باشد .

۹ - ایران هنگام جلوس فتحعلیشاه

پس ازمرگ آغا محمدخان هرج ومرج فوق‌العاده درداخلهٔ ایـران رخ داد سرداران سپاه‌برسرتقسیم غنایم باهم درنزاع بودند وحتی انجام تشریفات تدفین‌جسد پادشاه متوفی چند روزی بتأخیرافتاد ولشکریان بی‌سرپرست متفرق گردیدند .

درحین بروز این حادثه ذیعقده ۱۲۱۱ (ژوئیه ۱۷۹۶) پسرحسینقلی‌خـان قاجار برادرزاده وجانشین آغا محمدخان حاکم‌فارس بود وی‌بنام جدش فتحعلیخان نامیده شده بود وبهمین سبب آغا محمدخان اورا باباخان خطاب میکرد .

باباخان درتحت نفوذ وتلقین وزیرخویش حاج ابراهیم تصمیم گرفت باقوای کافی بسمت تهران حرکت کـند قبل از ورود باباخان بـدستور میرزا محمد خان بیگلربیگی تهران ومیرزا شفیع صدراعظم دروازه‌هـای شهربروی مدعیان سلطنت که دراطراف تهران تجمع وخیال تصرف شهررا داشتند بسته شد باباخان در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۱۲ بدون‌برخورد بمقاومت وارد تهران گردید ودرنوروز همان‌سال که مقارن عید فطر بود تاج گذاری کـرده و باسم فتحعلیشاه به تخت سلطنت نشست (۱۷۹۸) .

چنانکه ذکرشد خبرقتل آغا محمد خان مجدداً به بـروز اغتشاشات داخلی کمك کردصادقخان شقاقی یکی ازسرداران آغامحمدخان که درلشکرکشی‌شوشی شرکت کرده بود پس ازمرگ سلطان‌جواهرات سلطنتی را تصاحب کرد وبا پانزده هزار سوار که در اختیار داشت بنای خودسری را گذاشته واز طرف خود حکامی در شهرهای آذربایجان‌تعیین کرد وپس ازتصرف تبریزبسمت قزوین پیشرفت صادقخان درنزدیکی‌این‌شهرازقوای فتحعلیشاه شکست خورد ونظربا‌ینکه جواهرات سلطنتی

را که بغارت برده بود مسترد داشت مورد عفو قرار گرفت وبحکومت گرمرود و سراب منصوب شددرجنگ باصادقخان کشندگان آغا محمدخان گرفتارشدند وبـ کارد ودشنه جمیع مفاصل ایشان ازهم جدا گردید .

مدعی دیگر علیقلی‌خان برادر آغا محمدخان بود که چون ازقتل برادرآگاه شد با سپاهی‌ازایروان حرکت کرده درقریه علیشاه پنج فرسنگی تهران اقامت کرد فتحعلیشاه اورا بتهران دعوت کرد تادرکار سلطنت بااومشورت کند وبمحض وروداو را ازهردوچشم نابینا ساخت ومأمورتوقف دربارفروش (بابل) مازندران کرد .

گویند وقتی‌علیقلیخان قلع وقمع برادرانش‌را بدست‌آغا محمدخان مشاهده کردبیمناك شده‌ازحضوربدرگاه خودداری کردوببرادر پیغام‌داد شنیده‌ام وقتی‌بیکی ازمحارم خود گفته‌ای تا پسرهای محمد حسن شاه زنده‌اند سلطنت خود را پایدار نمی‌بینم ومیدانم که ازمن نخواهی گذشت آغامحمد خان پاسخ پیغام اورا چنین داد آنچه شنیده‌ای صحیح است درحق پسر های پدرم این خیال را کردم نه در حق دخترانش من ترا دخترمحمد حسن شاه میدانم وبعد روبه باباجان کردو گفت کـه برادرم علیقلی‌خان تامن زنده‌ام دخترمحمد حسن شاه است وقتی نوبت سلطنت بتو رسید اوپسرمحمدحسن شاه خواهد شد اورا ازدیده نابینا کن .

مدعی‌سوم‌فتحعلیشاه محمدخان پسرزکیخان زندبود که دربصره اقامت‌داشت وی نیزپس ازقتل آغامحمدخان بفارس آمده وباکمك نجف خان سپاهی‌فراهم کرد واصفهان رابتصرف خود درآورد فتحعلیشاه برای‌سرکوبی محمدخان اقدام کرد و ویرا درحوالی اصفهان شکست داد محمدخان بلرستان گـریخت ودرآنجا مشغول جمع‌آوری قوای شد و بـرای دفعهٔ دوم در مقابل فتحعلیشاه ظاهر شد ولی تاب مقاومت نیاورده ازمیدان جنك فرار کرد ودرحوالی تبریز گـرفتار وبامر سلطـان قاجار کور گردید .

یاغی گریهاوقیام برضد شاه جوان خاتمه نیافته بود که رقیب چهارم درصحنهٔ عملیات ظاهرشد حسینقلی خان قاجار برادر شاه که درجنك برضد صادقخان شقاقی

معروفیت پیدا کرده بود حکومت فارس را داشت وی که اوقات خودرا بعیش و خوشگذرانی و آزار مردم فارس تلف میکرد ازاستماع خبرانتصاب یکنفرازتهران بفرماندهی قوای‌فارس ناراضی شده علم طغیان بر افراشته و حتی نمایندهٔ فتحعلیشاه را باچند نفردیگرمحبوس کرد .

دراین موقع سلیمان خان قاجار پسر عموی فتحعلیشاه حاکم آذربایجان از بروز اختلاف درخانواده سلطنتی استفاده کرده حکومت‌آذربایجان‌را مستقل‌ساخته وقوائی بطرف تهران اعزام داشت سلیمان خان نقشه‌ای طرح کرده و تصمیم گرفته بود بیکی‌از دوبرادرکه ازجنك فاتح بیرون می‌آید و قهراً درنتیجهٔ جنك ضعیف میشود حمله کرده و حکومت دا دردست بگیرد ولی نقشهٔ سلیمان خان بهم خورد زیرا دوبرادر درنتیجه مداخله ملکه مادرسازش کردند وبرحسب تقاضای‌حسینقلی خان حکومت کرمان نیزضمیمهٔ حکومت فارس گردید .

سلیمان خان که درسرحدآذربایجان منتظراجرای نقشهٔ خود بود ازشنیدن خبرسازش میان دوبرادر درشگفت‌مانده ناچار بتهران‌آمده پوزش طلبیده وتقاضای عفونمود فتحعلیشاه درنهایت فتوت و مردانگی باوی رفتار کرد حتی ویرا مجدداً بحکومت آذربایجان منصوب ساخت . ۱۲۱۳ (۱۷۹۸) .

افاغنه که ازاوضاع ایران باخبربودند ازبروز اغتشاشات داخلی استفاده کرده از راه سیستان بکرمان حمله کردند ولی عملیات آنان در نتیجه اقدامات سریع حسینقلیخان خنثی گردید ومهاجمین خاك ایران‌را ترك گفتند .

حسینقلی‌خان باردیگر بهوای سلطنت افتاد این بارنیز ازفتحعلیشاه شکست خورده در دزآشیب شمیران محبوس شد وتا مادر زنده بود در حبس میزیست پس ازفوت ملکه مادرازهردوچشم نابیناشد ویکسال بعد فوت کرد .

آخرین‌حریف مهم‌فتحعلیشاه نادرمیرزا پسرشاهرخ نوهٔ نادربود هنگامی که آغا محمدخان درخراسان‌شاهرخ‌را شکنجه میداد پسرش‌پدررا درچنك دشمن‌قهار تنها گذاشته بافغانستان پناه برد نادرمیرزا همین که خبر قتل اولین سلطان قاجاررا

شنید بتحریك زمانشاه افغانستان را ترك کرده بخراسان آمده ومشهدرا تصرف نمود فتحعلیشاه برای اخراج نادرمیرزا واستقرار نفوذ دولت مجبور شد بسمت خراسان لشکر کشی کند شهر های نیشابور وتربت حیدریه در مقابل حملات سپاهیان فتحعلیشاه تسخیرشد وقتی قوای دولتی بدروازه‌های شهرمشهد رسید نادرمیرزا در نتیجهٔ فشارمتنفذین شهررا رها کرده درحین فرارد‌ستگیرشد اورا غل‌وزنجیر کرده بطهران آوردند ودر آنجا بفرمان فتحعلیشاه خفه شد. ۱۲۱٤ (۱۷۹۹).

چنانکه خواهیم دید در ۱۲۱۵ (۱۸۰۰) لشکر کشی مجددی باصرار دولت انگلیس ازطرف ایران برضد افغانستان بعمل آمد که درنتیجه زمانشاه کابل‌را ترك گفت :

بااین ترتیب سالهای اول سلطنت فتحعلیشاه به تحکیم قدرت ونفوذ دولت‌در داخلهٔ کشورمصروف گردید .

این‌جنگها وقتل وغارت‌ها ولشکر کشی‌ها استعداد کار وفعالیت را فلج‌ساخته بنیهٔ مالی کشوررااز‌بین‌برده وفقرمردم‌را زیاد کردمسافرین متعددی که دراین‌زمان بایران آمده‌اند اظهارمیدارند که‌درنتیجهٔ جنگهای داخلی کشورایران ازپای‌درآمد و مبدل‌بخرابهٔ وسیعی گردیده که دردشتهای بایرولم‌یزرع‌وپهناورآن مردمان‌فقیری سکونت‌دارند فتحعلیشاه تصمیم گرفت‌شهرهاوقصبات را معمور کندولی‌عدم اطلاع از کاروسستی وحرص وولع پول وخست ولئامت وی بدبختی‌هارا مضاعف‌نمود .

فصل اول

نظری بوضع جغرافیائی وطبقات مردم و سازمانهای کشوری ایران

دراوایل قرن سیزدهم (اوایل قرن ۱۹ میلادی)

۱- نظری بوضع جغرافیائی ایران

مساحت مجموع فلات ایران درحدود ۲۶۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع‌است و از این‌مقدار مساحت ایران کنونی بیش از ۱۶۴۸۱۹۵ کیلو متر نیست و بقیه متعلق بافغانستان و بلوچستان و غیره است.اطراف فلات ایرانرا کوههائی بشکل مثلث فرا گرفته است بطوریکه درون فلات هموار و اطرافش مرتفع است و بطور کلی فلات ایران درجنوب مرتفع تراز شمال ونشیب آن از جنوب بشمال است.مقایسهٔ‌ارتفاعات شهر های کرمان (۱۵۸۶متر) مشهد (۱۰۱۰متر) وتبریز(۱۲۰۰متر) این موضوع را روشن‌میسازد.

اطراف این فلات را کوههای بلندی مانند حصار احاطه کرده است. از قبیل کوههای سلیمان و رشتهٔ‌هندو کش در شمال شرقی کوههای‌خراسان و البرزدر شمال و کوههای ارمنستان و کوه‌جودی یا آرارات در شمالغربی و کوههای کردستان و پشت کوه (یازاگروس)در مغرب ودرجنوب کوههای ساحلی خلیج وبلوچستان.

مساحت فعلی ایران $\frac{۲}{۳}$ فلات ایران‌و $\frac{۱}{۳۳۴}$ وسعت زمین و $\frac{۱}{۲۵}$ آسیا است.طول آن از کوه آرارات تا گواتر ۲۲۱۰ کیلومترو عرضش ازسرخس تا دهانهٔ شط‌العرب ۱۴۰۰ کیلومتراست.نصف‌ایران کوهستانی‌وچهاریك‌خاکش‌حاصلخیزو $\frac{۱}{۴}$ دیگرش دریاچه‌های شور و بیابانهای‌بی آب وعلف‌است. بنابر این سطح حاصلخیز ایران‌بیش

از تمام خاك فرانسه است .

تمام مرزهای بری وبحری کشور تقریباً ۸۱۰۰ کیلو متراست که ازاین جمله ۵۰۵۰ کیلومترمرزخاکی وبقیه دریائی است .

کوههای فلات ایران ازحیث ساختمان طبیعی وموقع وبلندی وسایرعوامل طبیعی بایکدیگرتفاوت محسوسی دارد وهر کدام دارای مشخصات مخصوصی است واختلافات طبیعی این کشوررا ازشمال به جنوب بطورفاحش محسوس ساخته است. مثلا کوههای غربی که باسم زاکروس یا پاطاق معروفست ازتودهٔ عریض و ممتدی تشکیل شده که چین‌های آن بی‌اندازه منظم است. برخلاف کوههای البرز که‌عرض آن نسبتاً کم‌ودارای قلل‌آتش فشانی‌وبواسطهٔ نزدیکی بدریای خزردامنه‌های‌شمالی آن مرطوب ودارای‌جنگلهای انبوه است . ازطرف دیگر کوههای خراسان کـه از شاه کوه تا کوه بابا در افغانستان امتداد دارد کـم ارتفاع وخشك است . کوههـای آذربایجان دنبالهٔ کوههای قفقاز است وبواسطهٔ قلل‌آتشفشانی مهم ازقبیل آرارات‌و سبلان وسهند رشتهٔ درهم و برهم کـوههای ارسباران(قره‌جه‌داغ) را بوجود آورده وبواسطهٔ شکست های زیادی که دراثر آتش فشانی‌ها رخ‌داده معادن زیاددارد .

در کوههای ساحلی جنوب‌بواسطهٔ خشکی‌زیاد وعدم رطوبت رود مهمی‌دیده نمیشود وبهمین جهت آمد وشد ازمرکز فلات بدریا وخلیج فارس ازطریق‌این کوه ها بسیارسخت ومشکل است .

ازآنچه درباب کوهها گفته شد میتوان باوضاع اقلیمی داخل فلات پی برد که خشکی‌وبیحاصلی درهمه‌جا حکمفرمااست ووجود کوههای مرتفع گذشته ازاینکه مانع رسیدن جریانهای مرطوب وآب باین نقاط شده‌باعث شدت گرما نیزمیگردد.

اراضی این ناحیه چون از رسوب کوهها تشکیل شده غالباً مستعد واگرباران باندازهٔ کافی بیایدبسیارحاصلخیزاست وازاینرو غالباً آبادیها دراینگونه نقاط واقـع شده است وفقط همان اراضی پست ونمکزار و کویراست که قابل زراعت‌نیست‌وفاقد هر گونه آبادی است .

عوامل مؤثری که در تغییر و اختلاف اقلیم ایران دخالت دارد عبارتست از ارتفاع زمین ــ باد ــ موقعیت جغرافیائی .

بطور کلی قسمت عمدهٔ فلات ایران دارای آب وهوای خشك وبری است وعلت این خشکی یکی کمی بادهای بحری مرطوب ودیگر قلت باران سالیانه ودیگر غلبهٔ بادهای خشك و بری است . در شمال بواسطهٔ وجود رشتهٔ جبال عظیم البرز رطوبت بحرخزر بداخلهٔ فلات نمیرسد وتمام آن درولایات ساحلی یعنی گرگان ومازندران و گیلان متوقف گشته تولید بارندگیهای زیادمیکنند وتنها قسمت ایران که رطوبت کافی دارد همین سواحل است .

درجنوب یعنی درقسمتهای ساحلی خلیج فارس وبحرعمان بواسطهٔ وجود بادهای جنوب غربی (عربستان) وشدت حرارت آفتاب نواحی بسیار گرم و خشك است درداخلهٔ فلات نیز باد های بری خشك فراوان میوزد وخط سیر این باد ها از شمال غربی بجنوب شرقی است .

باید گفت که در کمتر نقطهٔ دنیا بیابانی به خشکی صحرای لوت یافت میشود. درجهٔ حرارت آن دراوایل بهار به ۳۶ درجه میرسد وبادهای مسموم که اوقات تابستان درصحرای لوت وبندرعباس میوزد بسیارمهلك وتحمل ناپذیراست .

این نکته نیز ناگفه نماند کـه لطافت وخوبی آب وهوای بعضی نقاط ایران باندازه‌ای است که ازحیث آب وهوا ازبهترین نقاط دنیا محسوب میشود و اهالی آن عمرطبیعی یافته واکثربیش ازصد سال زندگی میکنند وبیشترنقاط ایران استعداد آنرا دارد که بواسطهٔ عملیاتی مانند ایجاد دریاچه‌ها واستفاده ازآبهای زیرزمینی و ایجاد جنگلهای مصنوعی دارای آب وهوای معتدلی بشود .

بحرخزر که بزرگترین دریاچه‌های دنیاوسطحش ۲۶ متر پست‌تر از سطح اقیانوس است از بقایای دریای بزرك قدیمی مرکـزی آسیاست که سابقاً بدریاچهٔ آرال اتصال داشته آبش شوروتلخی آن بیش ازسایر دریاها است وسواحل آن مشترك بین ایران واتحاد جماهیرشوروی روسیه است . طـول این

دریاچه ۱۲۶۰ کیلومتر وپهن‌ترین نقاط آن ۵۵۰ کیلومتر وباریکترین نقاط آن بین شبه‌جزیرهٔ آبشوران ودماغهٔ تارنتا ۵۰۰ متراست وطول سواحل آن به ۶۳۸۰ کیلومتر میرسد که ۹۹۲ کیلو متر متعلق بایران است ولی مانند تمام دریاچه‌های داخلی چون آبش زیاد تبخیر میشود سواحلش پیوسته تغییر میکند.

دریای خزر بواسطهٔ اینکه بین دو قطعهٔ آسیا واروپا واقع شده دارای اهمیت بسیار است ودرتمام‌دوره‌های‌تاریخی منظور نظراقوام کشورهای‌مجاور بوده.پادشاهان صفوی اهمیت زیاد باین دریاچه میدادند وراههائی از نقاط داخلی تا کرانه ساختند بنادری مانند بهشهشر(اشرف) وفرح آباددر کنار دریای‌خزر ایجاد نمودند وپیوسته آبادی وترقی‌سواحل آن در تزاید بود.نادرشاه‌افشارهم اقدامات‌صفویه را تعقیب کرد وامروز این اهمیت بواسطهٔ وجود معادن نفت‌از یکطرف وموقعیت سیاسی واقتصادی ونظامی از طرف دیگر چندین برابر گردیده است.

خلیج فارس در جنوب ایران واقعست واز دلتای شط‌العرب تا تنگهٔ هرمز مجاور ایران‌است.رودهای‌فرات ودجله‌وکارون هر سال‌مقدار زیادی رسوب باین‌دریاواردمیکند بطوریکه‌هر ساله‌مقداری‌از دریارا خاك میپوشاند وتقریباً ۵۳متر خشکی‌در دریا پیش میرودو گمان میرود که در مدت سه هزارسال ۱۵۰ کیلو متر کرانهٔ خلیج در آب پیش رفته است.

طول خلیج از ۱۸۰تا ۱۲۵۰ کیلومتر تغییرمیکند وباریکترین نقاط آن در تنگهٔ هرمز۵۳ کیلومراست. وسعت آن قریب ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع و کرانهٔ شمالی آن دارای کوههائی است که بموازات یکدیگر قرار گرفته وبواسطهٔ ارتفاع زیاد ازدوربخوبی دیده میشود.

موقعیت خلیج فارس ازنظرجغرافیائی برای کشورما بسیارمهم است‌زیرا تنها راهی‌است که ایرانرا بدریای‌آزاد مربوط میسازد. بازرگانی ایران وهندوستان در قرون پیش ازراه خلیج فارس بوده وبنادرقدیمی‌آن مانند ریشهریابوشهرامروزیکه اکنون‌خرابه‌های‌آن نزدیك‌بندرطاهری دیده میشود و **گمرون** (بندرعباس کنونی)

مراکز بازرگانی با کشورهای دوردست وازهمین بنادربوده که کالاهای ایران بخارج برده میشد و روابط بازرگانی ایران و هندوستان و چین از همین دریا بر قرار بوده است .

مطالعهٔ مختصری که از جغرافیای ایران بعمل آمد وجود اختلافات شدید طبیعی را درفلات ایران روشن کرده . باین اختلافات طبیعی بایستی اختلاف زندگی انسانی واجتماعی را نیز اضافه کنیم مانند :

الف ـ اختلاف زندگی دشوار وپرمشقت ساکنین نواحی کم استعداد داخلی ایران و زندگی نسبتاً مرفه ساکنین حواشی خوش آب و هوا ومرطوبی مرتفع و کوهستانی .

ب ـ اختلاف میان قدرت چند نفر رئیس مقتدر و متنفذ و وضع فلاکت بار تودهٔ مردم .

ج ـ اختلاف میان زندگی چادرنشینان صحرا گرد که دائماً درجستجوی مراتع در حرکتند و زندگی مستقر واحه نشینان داخلی و سکنهٔ کرانه های مزروع .

د ـ بالاخره اختلاف میان افکار مطیع سکنهٔ ثابت و مستقر دهات و شهر ها وافکار و روحیات کاملا مستقل چادرنشینان و گله‌دارانی که بزندگی آزاد در افق وسیع عادت نموده وبرای ادامهٔ این زندگی ومقاومت درمقابل قدرت مرکزی همواره کوشش میکنند .

با وجود اختلافات طبیعی واجتماعی که شرح آن گذشت بحث ومطالعه در اطراف سازمانهای داخلی این کشور دراوایل قرن سیزدهم (اوایل قرن نوزدهم میلادی) بعلت فقدان اسناد ومدارك رسمی امریست بسیارمشکل ـ تنهامنابعی که ممکنست راجع باین موضوع مورد استفاده قرار گیرد عبارتست از سفرنامه ها و مشاهدات مسافرین ، آثار وقایع نگاران واشارات و کنایاتی که درمکاتبات مأمورین سری دول بیگانه پیدا میشود .

اینها منابع ناچیزی است که برای تحقیق و مطالعه در بارهٔ این موضوع مهم در اختیار داریم . اشکال دیگری که در موقع مطالعه پیش میآید که متأسفانه در ایران آنزمان سازمان متحد الشکلی وجود نداشته است که بااطلاع ازاوضاع یك ناحیه بتوان از آن اطلاعات برای کلیهٔ نواحی کشور استفاده کرد زیرا درهر ناحیه اخلاق و عادات سکنهٔ آن ، نفوذ و قدرت رئیس ایل و ارزش شخصی هر حکمرانی سازمانی را بوجود میآورده که به بی‌شباهت با سازمانهای قرون وسطائی اروپا نبوده است .

۲ ـ طبقات مختلف مردم

درمیان سکنهٔ شهرها ودهات بجزچند نفرمالك بزرگ طبقات زیر تشخیص داده می‌شود :

اول طبقهٔ علماء وروحانیون یا حکام شرع که مأمور تفسیر قوانین و مقررات دینی بودند .

دوم طبقهٔ‌تجارو کسبه ـ این‌طبقه محترمین افراد جامعه‌وازامتیازات‌متعددی برخوودار بودند وازتجارت‌آنان عایدات سرشاری برای کشور فراهم میشد . شغل تجارت بارث ازپدربه‌پسرمیرسید . تجارعموماً به‌پاکدامنی و دیانت معروف بودند . طبقهٔ سوم پول‌واندوختهٔ خودرا برای‌بهره‌برداری بانهایت اطمینان بدست‌سوداگران می‌سپرد وبااین ترتیب درواقع عمل بانك که درآنزمان دراروپا معمول بود بوسیلهٔ تجارانجام میبافت . کسبه وپیشه‌وران بارعایت مقررات صنف ، رؤسای‌خودراانتخاب میکردند ودرواقع یکنوع اتحادیه صنفی تشکیل میدادند منتخبین هر صنف بکار های عمومی صنف و گرفتاریهای اعضای اتحادیه رسیدگی مینمودند .

کارگران فوق‌العاده جدی وقابل بودند ومانند امروزدرکار بخصوصی‌تخصص نداشتند . طرزتقسیم کاربشکل فعلی درکارگاهها وکارخانجات عملی نشده بود ودر واقع هرصنعت گری جزئیات ووسائل وعوامل کاررا بتنهائی تهیه میکرد وبالنتیجه محصول‌راشخصاً آماده میساخت‌وبمعرض فروش‌میگذاشت. هیچ‌نوع‌سازمان کارگری وجود نداشت . دستمزد کارگران متحد الشکل نبود و در حقیقت مقدرات کارگر دستخوش ارادهٔ صاحب حرفه بود .

سوم روستائیان وبرزگران ـ نظربعادت وطرز زندگی این طبقه را بایستی طبقهٔ‌فاصل‌بین‌چادرنشین وشهرنشین‌محسوب نمود. بعقیدهٔ الیزه رکلو(1)جغرافی‌دان

1-Elisé–Reclut

فرانسوی یك سوم مجموع سکنهٔ ایران آنزمان را زارعین تشکیل میدادند ولی وسعت زمینی که بدست این طبقه زراعت میشد از یك پنجم مجموع اراضی قابل زراعت ایران تجاوز نمیکرد و حتی این مقدار جزئی زمین قابل زراعت نیز متعلق بزارع نبود بگفتهٔ رکلو این آمار تقریبی نشان میدهد که در دنیا کمتر مملکتی هست که در آنجا رژیم مالکیت بزرگ مانند ایران رواج داشته باشد . دهقانان در تحت نفوذ وسلطه کامل دولت قرار داشتند و تحمیلات دولت را بدون چون و چرا تا آخرین حد توانائی و بدبختی اطاعت وتحمل میکردند . موقعی که فشار مأمورین وصول مالیات به منتهی درجه میرسید زمین مزروعی وخانه و زندگی خودرا ترك گفته فرار میکردند و صحرا نشین میشدند .

روستائیان از میان معمرین ومحترمین دهکده یکنفر را بعنوان ریش سفید انتخاب میکردند که مسئول تعیین سهم مالیات وسرشکن نمودن آن درمیان اهالـی ده بود . این شخص باختلافات مردم قریه رسیدگی میکرد و درواقع بمنزلهٔ قاضی محلی تلقی میشد .

دونوع مالیات ازرعیت وصول میشد یکی بعنوان سهم دولت ودیگری بعنوان عایدی دائمی سهم ارباب ـ مالك نمیتوانست سهم اربابی را بمیل خود اضافه کند.چون باخراب شدن ملك عایدی مالك نیز ازبین میرفت مالك درمقابل تقاضاهای بی حدوحصر مأمـورین مالیه در واقع حـامی رعیت محسوب میشد ـ نظر باینکه سهم ارباب متناسب بامحصول بودبدین لحاظ مالك نیز درعمران ملك خودذیعلاقه بوده کوشش میکرد .

چهارم سکنهٔ صحرا نشین ایران ـ این طبقه ازمردم ایران طرز زندگی و سازمان مخصوصی داشت .

عدهٔ زیادی ازایلات بزرك ایران صحرانشین بودند وقسمت اعظم سکنهٔ ایرانرا تشکیل میدادند . افراد ایل معمولا درسواری وتیراندازی مهارت داشتند ودرموقـع لزوم یك قدرت نظامی بوجود میآوردند . هرایل بزرك بطوایف و تیره‌های کوچك

تقسیم‌میشد- هرطایفه یاتیره رئیس خودرا انتخاب میکردومطیع رئیس‌ایل‌بوددراین سازمان‌بترتیب معمرترین افرادخانواده یاقبیله یاایل را احترام‌قائل‌بودند-تمام‌افراد ایل باهم متحد بودندوبرای‌دفاع‌از منافع عمومی ایل‌متفقاًدرجنگ‌شرکت‌میجستند.

راجع بچگونگی وطرز مالکیت ایلات‌چنین حدس زده میشود که در موقع ورود بایران قسمتی از اراضی بعنوان وام برای مدتی بایلات واگذار شده و بالاخره استفاده طولانی از اراضی واگذاری مالکیت را بآنان مسلم گردانیده است- رؤسای ایلات در واقع مالکین نواحی هستند که در آنجا زندگی کرده واز مزایائی بر خور دار شده‌اند که از اجدادشان بآنها بارث رسیده است باین ترتیب اغلب رؤسای ایل مالکین‌اراضی‌وسیعی بودند وچندین‌هزارافراد ایل راتحت فرمان‌خود داشتند- ادامهٔ این وضع که بتدریج بر قدرت ونفوذ رؤسای ایل میافزود منجر به تشکیل نیروهای‌قابل توجهی‌شد که دائماًمایهٔ مزاحمت دولت‌مرکزی بود بطوریکه میتوان گفت‌دولتهای کوچکی‌درداخل‌دولت‌مرکزی‌تشکیل گردید ویکنوع‌ملوک‌الطوایفی بوجود آمد- برای داشتن‌تأمین کافی وتضمین‌وفاداری‌ایلات‌دولت گروگانهائی‌بدربار میفرستاد ودر موقع سر پیچی وشورش معمولا گروگان ایل بعنوان مجازات بقتل میرسید.رؤسای ایل نیز باتمام وسایلی که دراختیار داشتندهمواره درصدد بودند که خود را ازقدرت ونفوذ دولت مرکزی آزاد کنند وحتی الامکان از انجام این تعهد شانه خالی میکردند.بااینکه رؤسای ایل قدرت پادشاه را برسمیت میشناختند عملا از مداخلهٔ مأمورین دولت مرکزی درامورحکومت ناحیه‌ای که درتحت فرمان‌آنان بود جلوگیری میکردند-مهمترین ایلات ایران عبارتنداز:

اول- **ایلات کرد** (۱) که‌طوایف‌متعددی‌دارندودرنقاط‌مختلف‌ایران پراکنده میباشند مهمترین ایلات کردعبارتند ازایل‌اردلان که درحوالی‌سنندج مسکن‌دارند. اکرادباباجائی وقبادی‌وزردوئی وشاه‌قبادی که دراطراف جوانرود ونواحی گرمسیر

---

۱ - برای کسب اطلاع بیشترراجع بایلات ایران به جغرافیای مفصل ایران تألیف جناب آقای مسعودکیهان مراجعه شود.

سرحدی بسر میبرند . طایفهٔ شیخ اسماعیلی حوالی لرستان وذهاب واکراد زنگنه‌و کندوله و عثمانوند در طالان دشت و هلیلان و کندوله زندگی میکنند . ایلات سنجابی وکلیائی وبهتوئی‌بترتیب درمغرب وشمال وشمالشرقی شهر کرمانشاه‌مسکن دارند . ایل کرند درپاطاق ومغرب کرمانشاه و ایل بایروند درشمال شرقی این شهر زندگی میکنند .

طوایف پیشکوه که عبارتنداز اکراد حسنوند ویوسفوندو کولی‌وندوفلك‌الدین و غیره که درنواحی رودخانهٔ کاکارضا وتنك رباط والیشتر و کنار رودخانهٔ سیمره مسکن دارند . اکراد دلفان عبارتند ازطوایف کاکوند و موسی وند و اوحد قباد و بیژنوند و غیره که درشمالغربی لرستان بین کرمانشاه و هرسین والیشتر مسکن دارند .

اکراد ناحیهٔ طرهان که طوایف عمدهٔ آن سوری و کراوند ورماوند و غیره است ودرجنوت غربی خرم‌آباد وجنوب دلفان ساکنند .

طوایف‌بالاگریوه وهرو که عبارتند ازاکراد سگوندودیرکوندوبیرانوند که درحدود ازنا و کرخه وجنوب خرم‌آباد وشمال دزفول و کوه طاق‌وتنك‌عزیزوتنك دینارمسکن دارند .

طوایف‌پشتکوه‌ازاکراد بالاوند و کبیر لوهی وملك‌شاهی وزینل‌وندودشتی واحمد حسینی وزیروندی‌وغیره تشکیل میگردد که‌درجنوب کرمانشاه وررودخانهٔ سیمره ودزفول ساکنند

دوم - **ایل بختیاری** مسکن ایلات‌بختیاری‌ازطرف جنوب بخوزستان‌ازسمت مشرق بفارس ازشمال باصفهان وازمغرب بخاك ارستان وبروجرد منتهی میگردد . مهمترین طوایف بختیاری عبارتند از :

الف ـ ایلات هفت لنك که طوایف عمدهٔ آن شهی واوسیوند وقندعلی وبابا احمدی وعالی افوروعکاشه وململی وبختیاروند وغیره میباشند .

ب ـ ایلات چهارلنگ که طوایف عمدهٔ آن عبارتند ازمحمود صالح‌وممزائی

و کیومرسی وهی‌هاوند وغیره .

سوم - **ایل قشقائی** طوایف مهم ایل قشقائی عبارتند از : دره شولی و کشکولی وشش بلوکی وصفی خانی ونمدی گله زن ومیچك گله زن قزللو گله‌زن بیات‌سست علی‌بیات‌شاهوردی ورحیمی واصلانی وشاه‌لو، چگنی وفیلی زنگنه، کوشك، بهمن بیکلو وغیره که دردشت سیمرم علیا وحوالی اردکان و گردنهٔ ویزك و حوالی شیراز و یزد وبیضا ساکن‌اند .

چهارم - **ایلات خمسهٔ فارس** که عبارتند ازاینانلو وبهارلووعرب وباسری و نفرکه در رامجرد ومرودشت وداراب وفسا ودشت ایزد خواست و لارستان و بلوك سبعهٔ فارس وسروستان وارسنجان ساکنند .

پنجم - **طوایف کوه گیلویه** که بسه شعبهٔ عمدهٔ تقسیم میشود :

یك - آقاجری که به‌تیره های افشاروبگدلی وتیلکوداودی وشعری وقره‌باغی وغیره منشعب شده ودرحوالی بهبهان مسکن دارند .

دو - باوی که تیره های عمدهٔ آن عبارتند از علیشاه و موسائی و بر آفتابی وقلعه‌ای .

سه - جاکی که بدو شعبهٔ بزرگ چهاربینچه ولیراوی تقسیم میشود .

الف - چهار بینجه که مشتمل برچهار قسمت بویر احمدی - چرام - دشمن زیاری ونوئی است .

ب - لیراوی که ازدو قسمت عمدهٔ لیراوی دشت ولیراوی کوهستانی تشکیل میشود .

مسکن عمدهٔ ایلات کوه گیلویه درشمالغربی شیراز واقع شده حدود آن از طرف شمال عبارت است ازبختیاری ازمشرق ممسنی و سرحد شش ناحیه از جنوب خلیج فارس ودشتستان ازمغرب بلوك را مهرمز وفلاحی .

ششم - **ایلات ممسنی** که‌ازچهارطایفهٔ‌بزرك . یکش وجاویدی ودشمن‌زیاری ورستم تشکیل میشود .

محل سکونت الوار ممسنی ازطرف شمال و مغرب به‌بلوك شش ناحیه و کوه گیلویــه از سمت مشرق به بلوك اردکان و از سمت جنوب بناحیهٔ کازرون محدود میشود .

هفتم - **طوایف خوزستان** عبارتند ازقبیلهٔ بنی کعب - قبیلهٔ باوی - آل کثیر اعراب منتفج (بنی‌مالك) - چنانه - گندزلو - بنی‌طرف .

قبیلهٔ بنی کعب که‌طوایف عمدهٔ آن عبارتند ازمحیسن- ادریس- نصار- آلبغبش عساکره عتقیه - البصوف وغیره که درقسمتی ازخاك خوزستان درسمت رود کارون‌و محمره وفلاحیه وجزیره الخضر واهواز وبعضی نیزدرخاك عراق مسکن دارند .

قبیلهٔ باوی دراسماعیلیه واهواز وبند و کنارشرقی کارون سکونت دارند .

آل کثیر که بخانواده های سعد وعنافجه وضیاغمه وغیره تقسیم‌شده ودرنقاط غربی وجنوبی رود دزفول درسیاه چادرها تا کنارنهرهاشم اقامت دارند .

اعراب منتفج (بنی‌مالك) این اعراب میان سبعه وام‌التمسیر در ضلع غربــی کارون سکونت دارند .

ایل‌چنانه دراطراف دزفول بسر میبرند .

گندزلو ازایلات شوشتراندومحل سکونت آنان ازبندداود تاشوشتر واطراف دزفول امتداد پیدا میکنند .

بنی‌طرف طوایف عمدهٔ آن‌عبارتند ازسواری وشرفه وبنی‌صالح‌ومروان‌وقاطع که درحویزه وبساطین وفیلی ونهرهاشم زندگی میکنند .

هشتم - **طوایف وایلات کرمان و بلوچستان** : مهاجرین ایرانی که پس از فتح اعراب ازمغرب ایران مهاجرت کردند بنواحی شرقی وجنوبی ایران پناه برده پس از مدتی درنتیجهٔ معاشرت باسکنه وطوایف‌آن نواحی اختلاط پیدا کردنــد و طوایف کنونی این‌نواحی‌را که از کردوترك وعــرب واهالی محلی‌مرکب‌اندتشکیل دادنــد .

نظر باینکه نواحی ییلاقی وقشلاقی طوایف کرمان و بلوچستان مشترك است

مهمترین ایلات این دوناحیه‌رادریکجاذکرمیکنیم : **بلوچ گل بخشی** که درسردسیر حیدرآباد ونعمت آباد و گرمسیرجیرفت‌ورودبارزندگی‌میکنند **بدوئی قلعه‌سنگی** درسردسیرقلعه‌سنگی باغ بزم‌و گرمسیرجیرفت ورودبار بسرمیبرند **بدوئی‌حاجی کاکائی** در سردسیر حاجی کاکا و گرمسیر جیرفت و رود بار مسکن دانند **طایفهٔ خواجوئی** درسردسیراطراف‌سیرجان‌وپاریزوفریدون‌و گرمسیراطراف کوه‌خاجوئی زندگی میکنند **طایفهٔ نخعی** که در راوژ اقامت دارند افشاردربافت و چهار گنبد و سیرجان سردسیر کرده ودر دشت جیرفت گرمسیردارند .

ایل بچاقچی مهمترین طوایف این ایل عبارتند ازقراسعیدلو-سوارسعیدلو-عباس‌لو- سیرجان کهنه - سوخته‌چالی - چهار گنبدی - ریگی - اسماعیل‌زائی - یاراحمد زائی وغیره

طوایف ناحیهٔ سروان عبارتند از بـران زائـی - ده ناهو - کوهك - سرجو - پسکوه - رئیسی - کهنه داود - سر کوهی - عبدل زهی - احمد زهـی و غیره .

طوایف بلوچستان مرکزی یاناحیهٔ بمپور عبارتند ازسیاه خانی - جمشید زهی صلاحی کوهی - زرد کوهی - دامنی - بزمـن - عبدالهی حاجی زائـی و غیره .

طوایف‌ناحیهٔ مکران عبـرتند از دشتیاری - قصر قند - فنوج - لاشار - جاسك وغیره .

طوایف ترکمن عبارتندازجعفربای - آقابای - سلاك - کجوخ - چاکرقراول بای ایندر - کاناز- داری - شیخ حاجی - تختایش - قزل - آق - عرب وغیره

طوایف مختلف که درحدود شاهرود وبجنوردساکن میباشند: طایفه‌فارسیان طایفه کردهای شادلو - طایفهٔ ترکهای تیمورتاش وغیره

نهم - **ایلات آذربایجان** ایلات اطراف اردبیل عبارتنداز : یورتچی- فولادلو خامس‌لو - تکلمه - اینانلو - جهان خاتونلووغیره

ایلات اطراف اجارود عبارتند از نوروزعلی بیك‌لو ـ بالا بیك‌لو ـ آلارلو و غیره .

ایلات اطراف مشکین عبارتند ازفوجه بیك‌لو ـ سیدلو ـ ساری جعفرلو ـ حاجی خواجه‌لو ـ اجرلو ـ یکه‌لو ـ زرگرلووغیره

ایلات اطراف خلخال عبارتند ازشاطرانلو ـ کیشانلو ـ دریلووغیره

ایلات اطراف ساوجبلاغ‌مکری عبارتند ازمامش ـ بیگزادهٔ حیدری ـ منگور سیوسنی ـ قره پاپاق وغیره

ایلات اطراف سلماس عبارتند از کوهستی ـ شکاك وغیره .

ایلات اطراف رضائیه عبارتند ازهرکی‌میدان ـ بیگزاده ـ ثمرنیان ـ زرزا و غیره .

دهم ـ **ایلات اطراف تهران** ـ ساوه وزرند وقزوین عبارتند از : هداوند ـ اصانلو ـ ایکائو ـ عرب میش مست ـ کردبچه ـ بختیار ـ نفرنانکلی ـ گاوباز ـ افشار ـ غیاثوند ـ مافی ـ رشوند ـ جلیلوند ـ کاکاوند عمارلو ـ اینانلو وغیره .

تمام ایلات تقریباً زندگی صحرا نشینی داشتند و معمولا در چادر بسر برده مطابق قواعد صحرانشینی درزمستان دردشت قشلاق میکردند و در تابستان در قلل ودامنهٔ کوهها زندگی مینمودند . گله داری ومحصول آن معمولا احتیاجات آنانرا برطرف میساخت وبزراعت کمترتوجه داشتند هیچگاه باندازهٔ احتیاج مصرفی خود نمی‌کاشتند و بهمین مناسبت دائماً بکشت دهاتیها تعدی میکردند و عایدی دولت که اصولا از محصول زراعتی وصول میگشت با وقوع این قبیل تعدیات نقصان می‌یافت .

۳- قدرت پادشاه و عوامل متنفذ در تشکیلات مملکتی

پادشاه اصولا فعال مایشاء و دارای قدرت مطلق و تصمیمات وی غیر قابل نقض بود وحق سلب مالکیت وحق حیات ومرگ نسبت برعایای خود داشت.

هیچگونه مجلسی شبیه بمجلس نمایندگان ملت یا مجلس اعیان وشورای علما وجود نداشت. عملا هر رئیس ایل ویاحاکمی درناحیه‌ای که حکومت میکرد خود را سلطان کوچکی می‌پنداشت ومیکوشید که حتی‌الامکان نفوذ وقدرت سلطان را در آن منطقه ازمیان بردارد - تعیین وتشخیص قدرت وحدود اختیارت سلطان بسیار مشکل بود واین امر بستگی بشخصیت واخلاق و کفایت پادشاه داشت.

پادشاه درپایتخت ونواحی مجاور آن مانند یك قاضی عرف ازقدرت خوداستفاده می کرد ومجتهدمقام اولین حاکم شرع وسنت را داشت.

بیگلربیگی یاحکام ایالات وولایات ازطرف شخص پادشاه منصوب میشدندو داروغه یارئیس شهربانی ازطرف بیگلربیگی یاحاکم تعیین میگشت. کلانتران و صاحبمنصبان عدلیه وادارات و کدخدایان محله‌های مختلف شهرهاازطرف حاکم از میان محترمین اشخاص هرشهری انتخاب میگشتند.

رؤسای بزرك ایلات درتشکیلات دولتی صاحبمنصبان ارشد محسوب میشدند و در حوزهٔ فرمانروائی خود مطلق العنان بودند و اقتدار تام داشتند و هر گاه حکومت مرکزی رو بضعف میگذاشت و نفوذ دولت از میان میرفت بدبختیهای ساکنین شهر ها و دهات نیز که در قلمرو یك مشت جابر بسرمیبردند مضاعف میگشت.

٤ - مالیات وطرز وصول آن

در اوایل قرن سیزدهم هجری درحکومتی مانند حکومت ایران که اختیارات درواقع دردست چند خانوادهٔ متقدر بود و در کشوری که درآنجا منافع عمومی بهیچوجه منظور نظر نبودواصطلاحات اقتصاد اداری وسیاسی ونظم وانضباط مفهومی نداشت بسهولت میتوان دریافت که هنگام مطالعه وتحقیق در مالیاتهای عمومی چه اشکالاتی پیش میامده است. معمولا چهارمنبع بزرگ عایدی وجود داشت: مالیات و **صادر** پیشکش و گمرکات .

۱ - مالیات : عبارت ازیکنوع عایدی بود که ازاراضی وشهرها وصول میشدو شامل مالیاتهای نقدی وجنسی میگشت دردهات مالیات جنسی بمحصولات عمدهٔ از قبیل حبوبات وابریشم وپنبه وغیره تعلق میگرفت . مالیاتهای نقدی ازسبزی و میوه وسایر محصولات جزئی وفاصدشدنی وصول میگشت .

ساکنین شهرهادونوع مالیات میپرداختند: باسم خانه شماری ازتعدادخانه‌ها مالیات گرفته میشد و باسم سرشماری مالیات برعدهٔ نفرات خانوده تعلق میگرفت و برای دارائی شخص هیچگونه مالیاتی قائل نبودند .

۲- صادر ، یکنوع مالیات جبری واتفاقی بود که در واقع کمرشکن‌ترین مالیاتها محسوب میشد . بعنوان صادردرمواقع غیرعادی مثلاً بمناسبت مسافرت شاه وعبوراشخاص بزرگ‌وسفرا ویاقشون ، همچنین بعنوان ساختمان وعروسی یکی از افراد خانوادهٔ سلطنتی وغیرمالیاتهائی گرفته میشد .

۳ - پیشکش : عبارت بود ازهدایائی که حکام وصاحبمنصبان ارشد بایستی بمناسبت عید نوروز بدربارسلطنتی بفرستند .

۴- گمرکات:وصول‌عوارض گمرکی‌درتیول‌رؤسای‌مستقلی‌بود.مالیات گمرکی

بدون تمایز شامل محصولات ایران و بیگانه میشد. نرخ عوارض گمرکی ثابت نبود واز شهری بشهر دیگر تغیر مییافت ـ علاوه بر عوارض گمرکی در جاده‌ها «راـدار» مالیات راه وصول میکرد. با اینکه دولت عوارض راه دریافت مینمود خود را برای تهسیل ایاب و ذهاب و حمل مال‌التجاره ملزم و مسئول نمیدانست و بدین عنوان فقط مالیات میگرفت.

ایلات که هر گونه دخالت مأمورین دولتی را در امور داخلی خود بسختی قبول میکردند حاضر میشدند جمعی از جوانان ایل را بعنوان سرباز تجهیز کنند و مالیاتی ازبابت اراضی اشغالی خود بپردازند. مجوع این مالیاتها بوسیلهٔ رؤسای ایل در میان افراد سرشکن میشد و بتوسط حکام وصول میگشت. طرز وصول مالیات که از روی ممیزی‌های ادوار قدیم بعمل میآمد معایب فراوان داشت و این ترتیب ممیزی که بهیچوجه بـ حجم واقعی محصول تطبیق نمیکرد مایهٔ اجحافات و زیـاده رویهای بیشمار میگشت

چنانکه گفته شد طرز وصول مالیات و نرخ آن درنواحی مختلف مملکت و حتی درقسمتهای مختلف یك ناحیه تغیر مییافت. حاکم که مأمور وصول مالیات بود مأمورین خود را برای دریافت آن بقصبات میفرستاد نمایندگان حکام کوشش میکردند کـه هرقدر بتوانند اعمال زور کنند و بیشتر بگیرند زیرا علاوه بر دولت حاکم و نمایندهٔ وی نیز بایستی سهم خودرا بردارند. بااین ترتیب پس ازچند روزچانه‌زدن مأمورین دوسوم آنچه را که در آغاز امر تقاضا کرده بودند وصول میکردند و در مراجعت سهم خودرا برداشته مالیات وصول شده را تحویل حاکم میدادند ـ حاکم بنوبهٔ خویش پس ازپرداخت سهم رؤسای مافوق وبرداشت حصهٔ خود حداقل سهم را تسلیم خزانهٔ دولت میکرد.

نصف مبالغی که بااین ترتیب وارد خزانهٔ سلطنتی میشد معمولا بمصرف هزینه های ضروری میرسید. این هزینه ها عبارت بود ازپرداخت مقرری چند وزیر و اعضاء دربار و نگهداری یك قشون بی‌معنی و تأمین هزینه‌های درباری و بلهوسی های پرخرج

سلطنتی مخصوصاً دردورهٔ فتحعلی شاه که درآن زمان قصورسلطنتی از زنان متعدد واولادآنان مملوبود .

بقیهٔ عایدات به‌شمش یا احجار و یا اشیاء دیگر ذیقیمتی که حمل آن نسبتا آسان بود تبدیل می‌یافت . این ثروت در مواقع ضروری برای تنبیه رؤسای‌بزرك و ایلات که دائماً مترصد بودند خودرا ازنفوذ وسلطه وقدرت مرکزی خلاص کنند بکار می‌رفت .

فصل دوم

سازمان نظامی ایران در اوایل قرن سیزدهم

اوایل قرن نوزدهم میلادی

معلمین ومتخصصین نظامی که برای تعلیم وتربیت سپاهیان ایران ازسال ۱۳۲۱ (۱۸۰۷) از کشورفرانسه بایران آمدند در سازمانهای نظامی ایران تغییراتی دادند. برای روشن شدن مطلب سازمان دستجات مختلف لشکریان ایرانرا در دو مرحلهٔ متمایز بشرح زیر مطالعه میکنیم:

الف ـ وضع نظامی ایران قبل ازرسیدن مربیان ومتخصصین اروپائی

ب ـ سازمان نظامی ایران پس ازورود مربیان ومتخصصین اروپائی

الف ـ **وضع نظامی ایران قبل ازرسیدن مربیان و متخصصین اروپائی**

هنگامیکه دولت ایران برضد دولت روسیهٔ تزاری بجنگ پرداخت علاوه بر اینکه فاقد نیروی قابل توجه وسازمان صحیح نظامی بود بجرأت می‌توان گفت که درایران آنزمان حتی دستگاهی که شبیه باسازمانهای اروپا باشد پیدا نمیشد ـ سپاهیان ایران بخصوص ازسواران صحرا نشین تشکیل می‌یافت که وضع ایشان بی‌شباهت بوضع سواران قرون وسطائی اروپا نبود.

ایران سپاه دائمی وموظف نداشت ـ جنگجویان فقط هنگام جنگ وبروز خطر جمع آوری ومتمرکز میشدند ـ برای جمع آوری وتمرکز آنان بودجه واعتبار نبود وهزینهٔ نگهداری این دستجات ازطریق مصادره تأمین میگشت. تعداد لشکریانیکه باین ترتیب ممکن بود جمع آوری شوند ازیکصد و بیست هزار نمیگذشت ـ علاوه

براین سواران ، افراد چریك زیادی بوسیلهٔ شهرها و ایلات جمع آوری ونگهداری میشد چنانکه می‌بینیم پیش ازورود مربیان نظامی اروپائی لشکریان ایران از عدهٔ سواروافراد چریك تشکیل میشد :

۱ - **سواران** : دستجات سوار از میان افراد ایلات صحرانشین جمع آورد میشد . این دستجات مرکب از واحد هائی بود که هر کدام از یك رئیس اطاعت میکردند .

سواران فقط هنگام جنك احضار میشدندو گارد سلطنتی را تشکیل میدادند.
آدرین دوپره[۱] فرانسوی که ازسال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۲٤ (۱۸۰۷ - ۱۸۰۹) درنواحی مختلف ایران سیاحت کرده می‌نویسد که این سواران درحین تاخت بانهایت مهارت در تمام جهات خواه بجلو و خواه بعقب تیراندازی میکنند .
این طرزجنك سواران اشکانی را بخاطر میآورد که درحال فرارتیراندازی کرده و حملات ناگهانی آنان لژیونهای رومی را که ازتعاقب سواران ایرانی عاجز بودند مأیوس وناامید میساخت .

دستجات سواربواحدهای هزارنفری قسمت میشد . هرواحدی از ده گروه صد نفری تشکیل می‌یافت وهر گروه‌نیز بنوبهٔ خودبده‌جوخهٔ ده‌نفری تقسیم‌میشد.درجات نظامی‌رؤسائی که واحدهای مختلف درتحت فرمان آنان قرارداشت بهیچ‌وجه‌باارزش نظامی‌فرماندهان‌تطبیق نمیکرد ـ عنوان ودرجهٔ افسران به تعداد نفرات که‌بلافاصله با کلمهٔ ترکی « باشی » استعمال میشد معین ومشخص میگشت بااین‌ترتیب‌فرمانده یکدستهٔ سوارهزارنفری‌را «مین‌باشی» یعنی رئیس هزارنفروفرمانده یك گروه صد نفری‌را «یوزباشی» یعنی‌فرمانده صد نفر ومسئول یك جوخهٔ ده‌نفری‌را «اون‌باشی» یعنی رئیس ده‌نفرمینامیدند .

یکنفر «اون‌باشی» ممکن‌بود‌تا مقام «یوزباشی» وحتی «مین‌باشی» رااحراز کندزیرا برای بدست‌آوردن‌این عنوان کافی‌بود که صدیاهزارنفر گردآورده‌وتحت

1– A.Dupré

فرمان خود قرار دهد .

هر قبیله یعنی خانواده های مختلفی که از نظر اخلاق وعادت وزبان در تحت فرمان رئیسی قرار داشتند موظف بودند تعداد معین سوار تهیه کنند .

کنت آلفرد دوگاردان[1] میگوید « جیرهٔ این سواران یکنواخت نبود تسلیحات آنان عبارت از تفنك دراز و سپری بقطر ۴۰ سانتیمتر بود که مانع از عبور گلوله نمیشد ترکمانان هنوز هم تیرو کمان بکار میبرند و شمشیرهای بسیار خوب دارند و مانند اجداد خود نیزه های دراز و بسیار سبك بدست میگیرند که در کمال مهارت بکار میبرند. سواران معمولا اسبان خوبی دارند که با یك لگام هدایت میشود » .

ایران قادر بود در حدود یکصدو بیست هزار نفر ازاین سواران را که در مقابل امتیازات ارضی و آزادی مرتع خدمت نظام را انجام میداد بسیج نماید.هر رئیس ایل وظیفه داشت هنگام بروز جنك سهمیهٔ سوار متناسب با تعداد نفرات ایل را تهیه کند. هرسوار در حین جنك برای خود و مرکبش آذوقه دریافت میکرد و جیرهٔ مختصری میگرفت که در سال از ۵ تا ۶ تومان بیشتر نبود.این مبلغ معمولا از مالیات عمومی وصول میگشت . افراد سوار ازروی استیصال غالباً همین مبلغ ناچیز را باضرر زیادی تسعیر میکردند ــ علاوه برجیرهٔ نقدی هر سوار سالیانه دو بار الاغ گندم دریافت میداشت .

جیرهٔ افسران نسبت بنفرات معمولا بیشتر بود ودرهرصورت جیرهٔ نقدی سالیانه از ۱۵ تا ۲۰ تومات وجیرهٔ جنسی از ۴ تا ۵ بار الاغ گندم تجاوز نمیکرد .

درصورتیکه دولت میخواست جیرهٔ گندم را به پول نقد تبدیل کند هربارالاغ را یك تومان منظور میداشت .

یکدسته سوار که تعداد آن ازسه تا چهار هزار بیشتر نبود و غالباً افراد آن ازمیان غلامان گرجی ویاپسران نجبای کشور انتخاب میشدند گارد مخصوص سلطنتی را تشکیل میداد که غلامشاه می نامیدند ــ سواران گارد مخصوص اسبان ممتازی

---

1 _ A.Du.gardan

داشتند . اسلحهٔ ایشان از طرف دولت تهیه میشد و درسال از ۲۰ تا ۳۰ تومان جیرهٔ نقدی میگرفتند این مبلغ معمولاازعایدات عمومی پرداخت میشد وافراد گاردمجاز بودند جیرهٔ خودرا شخصا وصول کنند سواران گارد مخصوص نیزهیچوقت فرصت را ازدست نمیدادند واصولا بیش از آنچه داشتند تقاضا میکردند وبرای رسیدن بمقصود اشکالی پیش نمیآمد زیرااین افراد فقط باسم غلامشاه ویاسوار گاردمخصوص سلطنتی ممکن بود یك یا چندین قصبه را تحت شکنجه وفشارقراردهند .

۲ ـ چریك : تقریبا تمام افراد سالم کشورممکن بود وارد دستجات چریك گردد . نیروی چریك درهرناحیه یاازافراد طوایف کوه نشین ویا ازاهالی شهرها و دهات تشکیل می یافت ـ نگهداری افراد چریك بعهدهٔ ایالات یاشهریادهکدهای بود که بوسیلهٔاین دستجات دفاع وحمایت میشد. ممکن بود عنداللزوم سپاهیان چریك بخدمت شاه دعوت شوند در اینصورت هریك ازافرادآن درسال از ۵ تا ۷ تومان جیره دریافت میداشت .

ملکم معتقد است که تعداد نفرات چریك بیکصدوپنجاه هزار نفربالغ میکشت همین افرادچریك وسوارانی که توصیف کردیم وسیلهٔ اصلی فتوحات آغامحمدخان بود

ب ـ سازمان نظامی ایران پس ازورود مربیان ومتخصصین اروپائی

برای مقابلهٔ باروسها وتحکیم وتقویت نفوذ دولت ، فتحعلی شاه با کمك مربیان اروپائی پیاده نظامی بسبك ارتشهای اروپائی بوجودآورد . افرادپیاده ازدوقسمت مهم سرباز وجان باز تشکیل می یافت :

۱ ـ سرباز: پیاده نظام سرباز ۱۲قسمت یا۱۲ هنك هزارنفری داشت که بوسیلهٔ عباس میرزا ولیعهد ایران تشکیل ونگهداری میشد . تمام افراد سربازتحت فرمان ولیعهد وعموماً ازاهالی آذربایجان بودند .

علاوه برنفرات سربازپیاده نظام. عباس میرزایك هنك سواره نظام هزارودویست نفری ویك هنك توپخانهٔ سوار که از ۲۰ عراده توپ مرکب بود تهیه دیده بود .

سازمان پیاده نظام وتوپخانه درآغازامربوسیلهٔ افسران فرانسوی دادهشد. پس،

ازحرکت ژنرال گاردان ومیسیون‌فرانسوی ازایران انگلیسها برای تربیت‌سربازان جانشیش فرانسویان گردیدند . اهمیتی که اینقسمت‌ازلشکریان ایران پیدا کرددر واقع مدیون شخصیت عباس‌میرزا بود زیرا‌ولیعهد ایران سعی‌و کوشش بسیاربکاربرد که لباس و تجهیزات سربازان ایـران شبیه لباس و تجهیزات ارتشهای منظم اروپـا باشد. میان تمام سپاهیان ایران افرادسربازبهتروبیشتر ازسایرین غذا وجیره دریافت میداشتند .

جیرهٔ افسران بتناسب درجات آنان از ۴۰ تا ۵۰۰ تومان درسال‌بود بعلاوه‌غذا ولباس اضافی‌درهنگام وظیفه‌دریافت‌میکردنددستجات‌سربازسرپرستی‌وفرماندهی اروپائیان رابا میل و رغبت می‌پذیرفتند.

۲ـجان باز:تعداد نفرات جان باز که‌مستقیماً درخدمت پادشاه بودند ظاهراً برابر تعدادنفرات‌سرباز بودولی‌عملاتعداد آنان‌از۸تا۹ هزارتجاوز نمیکردطرزپرداخت حقوق ووضع لباس وجیرهٔ جانبازان مرتب نبود.وانظباط آنان بپایهٔ انظباط‌سربازانی که تحت فرماندهی عباس میرزا بود نمیرسید.

افراد پیاده نظام جوان کـه‌تازه باعملیات نظامی آشنائی پیدا کـرده بودند نمیتوانستند در برابر حملات سپاهیان با انضباط وورزیده مقاومت کـنند ودرنبرد های منظم با آنان دست وپنجه نرم نمایند.

این‌اقدامات برای تجدید سازمان‌نظامی ایران در آغاز امرنتایج خوبی‌نداد و چنانکه خواهیم‌دیدبعدهانیز باعث زیاده رویها واجحافات گردید . گوبینو[1] دراین خصوص میگوید تاوقتی که‌عباس میرزازنده بودآزمایش تجدیدسازمان‌نظامی‌را کم وبیش خوب عمل کردند ولی پس ازمرك ولیعهد ایران باتوجه باینکه پیاده نظام‌را بانظرحقارت مینگریستند افراد صنف پیاده نظام بدبخت‌ترین افراد لشکریان‌ایران شدند . بعدها نیزتحولات اصلاحی و تجدید سازمان در ارتش جدیدالتأسیس ایران بقدری با تأنی انجام پذیرفت که بقول‌نویسندگان وجهانگردان‌ومستشاران‌ومعلمین

1 - Gobineau

مختلف نظامی که درطول قرن سیزدهم بایران آمده‌اند درجریان یك قرن هیچگونه اصلاح وبهبودی دروضع سازمان نظامی ایران روی نداده‌است .

ازنوشته‌های این اشخاص چنین برمیآید که سربازان پیاده مبلغی ناچیز دریافت داشته و جیرهٔ آنان منحصر بچند کیلونان بوده است که هردوروز بامختصر گوشتی بایشان داده میشد گوبینو میگوید : « زندگی افراددستجات سربازان پیاده نظام دشوارترین وپرمشقت‌ترین زندگی افراد جامعهٔ ایران است علت اینکه این سربازان زندگی اعیان سوارانرا ندارند اینست که طرزجمع آوری سربازان وسواران متفاوت است . حاکم هرناحیه مجبورو موظف استهمه ساله عده‌ای سرباز برای ارتش منظم جلب کند .

درعمل سربازگیری ازهیچگونه تبعیض مضایقه نمیشود تنهامیل واراده حاکم خانوده‌هارا مجبورمیکند که یك یا بیشتر ازافراد خانودهٔ خودرا بنام سرباز تسلیم مأمورین دولت کنند. سهمیهٔ سربازبایستی درتمام مناطقی که تحت فرمان حاکم قرار داردتهیه شودولی رؤسای کشوری بمیل خود آخوندها وتجارو کسبه ومنسوبین آنان راازخدمت سربازی معاف میکنند .

درمیان طبقات ممتاز که ازخدمت نظام معاف میشدند میتوان خانواده‌هائی را اسم برد که درخدمت اشخاص متنفذ بودند ویا آنهائی که میتوانستند هدایای خوبی بمامورین عالیرتبه ویازیردستان آنان تقدیم کنند . وقتی افراد این طبقات ممتاز را ازجامعهٔ ایران منتزع کنیم بقیه فقیرترین قسمت اهالی کشوررا تشکیل میدهدودر میان همین طبقه نیزبیچاره‌ای که هیچ چیزبرای تقدیم وفرار از خدمت ندارد بخدمت سربازی جلب می گردد » .

ژنرال گاردان که درسال ۱۲۲۲ (۱۸۰۷) برای تربیت افرادنظامی ایران مأموریت یافت نتایج مطالعات خود را شرح میدهد ـ این مطالعات کاملاً تطبیق میکند ب نوشته‌های کونت دو گوبینو که از ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۵ (۱۸۵۵ ـ ۱۸۵۸) یعنی تقریباً نیم قرن پس ازژنرال گاردان بایران مسافرت کرده است .

گوبینو میگوید : وقتی یك خانواده نمیتواند خودرا ازقید دادن سرباز آزاد کند یقین دارد که بالاخره بدادن یك یا چند سرباز محکوم خواهد شد بنابـراین طفلی که بایستی‌خدمت سربازی‌را انجام دهدازدرون گهواره تعیین می‌شودوازهمان تاریخ معلومست که آن بیچاره باید تمام عمررا درخدمت نظام بسربرد .

البته این سربازان‌دائماً زیرپرچم نبودند گاهی‌اتفاق میافتاد که‌دولت‌یکدسته سرباز را بدون پرداخت جیره برای مدت نسبتاً طولانی مرخص میکرد و گـاهی فرماندهان اجازه میدادند سربازان صاحب حرفه سرخدمت حاضـرنشوند . در این صورت جیرهٔ نقدی و جنسی سربازان غایب را فرماندهان‌میگرفتند . ولی از لحاظ قانون و مقررات هر سربازی مادام‌العمر سرباز بود ومجبور بود تا آخرین سال عمر خدمت کندبااین ترتیب میان صفوف سربازان پیرمردانی که متجاوز از ۶۰ سال‌عمر داشتند پهلوی بچه‌های پانزده ساله دیده میشدند .

هیچوقت سربازان ایرانی‌جیره‌ای را که دولت موظف بود درحق آنان‌بپردازد دریافت نمیداشتند مگر برحسب تصادف ودرموارد غیرمترقبه . جیرهٔ‌سربازدرخروج ازخزانهٔ دولت اززیردست سرتیپ وسرهنگ وسلطان ونایب ووکیل می گذشت و آنچه بدست ذینفع میرسیدبسیارناچیزبود . سرباز نیزبنوبهٔ خودکارخسته کننده‌ای نداشت درتابستان بعلت گرمی هوا ازتمرین عملیات نظامی معاف بـود ودرزمستان بعلت سردی هواکارنمیکرد . هنگامیکه برای پست پاسداری تعیین میشدتاوقتیکه پادگان درآن ناحیه اقامت داشت تغییر نمی‌یافت وبرای همیشه در آن پست بـاقی میماند وغالباً تمام شب بایستی انجام وظیفه کندولی درواقع هیچگونه مقرراتی وی را مجبورنمی کرد که تمام شب‌را سرپا در پست خود باشد بلکه براحتی می‌خفت و سپیده دم با خیال‌فارغ بیدارمیشد . اگرسربازصاحب حرفه بود بحرفهٔ خودمشغول میشدوازعایدات کارخود تحفه‌ای برای جلب حمایت رؤسای مافوق تهیه میدید. در غیراینصورت سربازنوکری‌وحمالی کرده ودرنتیجه بقدراستعدادخویش وضع نسبتاً مطلوبی برای خودآماده میساخت .

نباید ازنظردور داشت که این خرابی تشکیلات نظامی تاآغازقرن چهاردهم (قرن بیستم میلادی) باقی‌بود . پاولوویچ[1] که درسال ۱۳۲۳ (۱۹۰۵ میلادی)افسر بریگاد روس درایران بودآنچه‌را که گوبینو درسال ۱۲۷۰ (۱۸۵٤ میلادی) راجع باوضاع نظامی کشورما نوشته بااین عبارات تائید میکند :

«عمل سربازگیری ومقررات مربوط بخدمت سربازی کاملاارادی و مستبدانه است‌سربازباید برای تمام عمرخدمت کند هیچ‌قانونی سن‌سربازانی‌راکه‌بایدبخدمت احضارشوند تعیین نکرده‌است .

بهمین مناسبت‌است که درصفوف لشگریان ایران پیرمردان ۸۰ساله‌تا۹۰ساله درپهلوی جوانان ۱٦ ساله خدمت میکنند . باانداشتن محل سکونت وغذا سربازان ایران مجبورند درخارج مشاغلی‌ازقبیل دربانی خانه‌های اعیان ویابیگانگان‌متمول پیدا کنند .

عادت براین جاری‌است که دونفر سرباز یکی‌برای‌شب و دیگری برای روز اجیر کنند . سربازان تمام امورخانگی مثل بچه داری وآشپزی را انجام میدهند و غالباً درمیدانها دنبال کارعملگی میگردند ــ همچنین بشغل قصابی و عطاری و غیره مشغول هستندوبااین ترتیب‌بشغل نظامی‌اهانت واردآورده حرفهٔ نظامی راشغل‌ثانوی وبی‌اهمیت تلقی میکنند .

کفش ولباس وسلاح سربازمرتب نبود تاوقتیکه سربازدرپادگان‌اقامت‌داشت زندگی وی نسبتاً قابل تحمل بودولی هنگامیکه برای‌عملیات میرفت وضع‌زندگی او سخت میشد زیراکارپردازی وآذوقه وجود نداشت بطوریکه غالباً سربازان برای سدجوع مجبوربودند علف‌بخورند ــ معهذا ژنرال گاردن میگوید بااینکه‌سربازان ایرانی به تحمل این زندگانی پرزحمت محکوم بود بندرت صبروتحمل فوق‌العاده خودرا از دست میداد ــ سربازایرانی قوی‌بنیه وخوش هیکل بود . قناعت و اطاعت

1- Pavlowitch

انجام تعهد (۱) وتحمل خستگی‌ازخصائل سربازایرانی بشمارمیرود چنین سربازانی فقط احتیاج بمربی ورهبرخوب دارند.

کونت دوگوبینو نیز از تعریف و تمجید سربازان ایرانی کوتاهی نکرده و میگوید ذکاوت و جسارت سرباز ایرانی قابل تمجید است زیرا جای بسی تحسین است که انسان‌مشاهده کنداشخاصی که باایشان چنین رفتارمیشود درتحت‌سرپرستی افسرانی مانندخودپای‌برهنه‌باتفنگ بدون‌چخماق درجنك اخیرباسرنیزه بانگلیسها حمله کنند.

توپخانه نواقص‌قسمت توپخانه‌ازواحدهای‌دیگو کمترنبود. توپها که‌درشیراز ومشهدواصفهان‌ریخته‌شده‌بود بپادگانهای مرزی‌وشهرهافرستاده شده بدون‌مواظبت و تقریباً بی مصرف مانده بود.در تهیهٔ گلوله ها بهیچوجه دقت نمیشد و گلوله که معمولا باگوگرد وسنك ریزه مخلوطبود هنگام استفاده یا لولهٔ توپ را میتر کانید ویا در حال خروج منفجرمیشد-نظر باینکه توپها کالیبرهای مختلف داشت مصرف گلوله‌مشکل‌بودودرعمل‌اشتباهاتی‌رخ‌میداد- گاوهم که‌برای کشیدن‌توپ‌بکارمیرفت حمل‌توپ‌را مشکل‌میکرد وحتی در بعضی قسمتهای کوهستانی غیرممکن میساخت.

تعداد نفرات توپخانه از ۸۴۰ نفر تجاوز نمیکرد وهیچیك از افراد توپخانه برای این کار تربیت نیافته بود.

دستهٔ زنبورك چیها را بایستی باین توپخانهٔ جدید اضافه کرد-زنبورك نوع توپ کوچکی بود که گلولهٔ آن درحدود دویست گرم وزن داشت وبرد آن ازبرد تفنك معمولی تجاوز نمیکرد این سلاح بوسیلهٔ پایه‌ای که تعبیه شده بود دور میزد

۱- دراینخصوص‌ژنرال گاردان‌میگوید: کنت‌دوویلسك Le Comte de Willeseck دروین Vienne بمن حکایت کرد که دریك رژه نظامی امپراطورژوزف‌دوم‌درحالیکه سربازی را نشان میداد گفت این سرباز یکنفرایرانی است که بوی‌سه‌سال مرخصی دادم برای دیدن خانوادهٔ خود باصفهان رفت ودرست درخاتمهٔ مرخصی مراجعت کرد وبدستهٔ خود پیوست

وتعداد آن به ۱۵۰۰ بالغ میگشت. زنبورك را بروی جهاز شتر سوار میکرد. زنبورکچی شتر را هدایت مینمود و زنبورك را پر کرده و آتش میکرد. همواره فتیلهٔ افروخته‌ای بکمر داشت که برای آتش زدن باروت بکار میرفت ـ این فتیله در طول کیسه‌های باروت و گلوله که به بغل شتر بار میشد آویزان بود و غالباً حریق وحوادث ناگواری ایجاد میکرد ـ درموقع حرکت گاهی شتر بصدای توپ رم میکرد و مایهٔ تولید خطر تازه‌ای میشد.

بحریه : درمیان واحدهای نظامی ایران همواره توجه کمتری به نیروی دریائی معطوف گردیده است.

درآغاز قرن سیزدهم چند کشتی کوچك که مأمور حفاظت کرانه‌های خلیج فارس بود بحریهٔ ایرانرا تشکیل میداد باید درنظر داشت که همین چند کشتی نیز بعلت اغتشاشات داخلی وموانع سیاسی خارجی ازمیان رفت وبرای حفاظت کرانه‌های دریای خزر دولت ایران هیچ نوع کشتی نداشت.

وضع ادارات مختلف نظام

وضع ادارات مختلف نظام رقت آور بود. ادارهٔ سررشته‌داری وجود نداشت و در نتیجه ارتش فاقد انبار مخازن و ذخیرهٔ جنگی بود ـ برای مصرف اسبان بجمع آوری علوفه توجه نمیشد وفقط کاه را ذخیره میکردند وسربازان تنها درفصل علوفه بعملیات میرفتند ـ چنان که گفتیم میان تمام افراد نظامی ایران فقط جان بازان و سربازان لباس متحدالشکل داشتند بقیهٔ سواران وپیاده ها لباس خودرا بدلخواه ازجیرهٔ خود تهیه میکردند.

سربازخانه ومریضخانه وجود نداشت سرباز بیمار ویا زخمی وقتی وسیله‌ای برای معالجه پیدا نمیکرد سلاح خودرا میفروخت گاردان میگوید جراح نظامیان همان سلمانی معمولی بود که میتوانست فصد کند.

اگروسایل لازم برای بهبود وضع واستراحت افراد نظامی وجود نداشت در عوض افراد و ملازمان فراوان که پادشاه و بزرگان فقط برای تفریح خود هنگام

اعزام‌نیرو همراه‌میبردند‌اسباب مزاحمت‌دیگران میشد.پادشاه‌وبزرگان میل‌داشتند هنگام‌اعزام‌نیرو‌همان تجملات‌درباری‌وزندگی‌شهری‌رادروسط‌اردوگاه‌آماده‌سازند. چادر شاه و بزرگان درواقع نمونهٔ تجمل فوق‌العاده بود ـ در تهیهٔ اشیاء و اسباب و اثاثیه‌ای که برای تفریحات آنان ضروری بود بهیچوجه چیزی فروگذار نمیشد ـ گاردان میگوید ظروف ومبل واثاثیه وتمام اشیائیکه برای بلهوسی شاه واطرافیان وی ضروری است بارو‌بنهٔ عجیب وغریب را تشکیل میداد . هرنوکری برروی‌اسب خوددو کیسهٔ چرمی داشت که دریکی از آنها قلیان و دردیگری ذغال میگذاشت. برای تهیه‌آتش ازمنقلی که برزین اسب آویزان بود استفاده میشد ـ با این وضع تعداد فوق‌العاده زیاد نفرات غیرنظامی تحمیل‌ارتش میشد وهیچگونه حرکت دسته جمعی ومتحدالشکلی انجام نمی گرفت .

فرامین معمولا دیر بمقصد میرسید و بطرزبدی بموقع اجرا گذاشته میشد. بطوریکه در عمل همه چیز تصادفی بود و هیچکس قادر نبود این بی‌نظمی هارا علاج کند .

فنون جنگی : چنانکه تعریف آن گذشت سرباز ایرانی‌جسوروقانع ومطیع وبا انضباط وخستگی ناپذیربود . ولی این صفات پسندیده نمیتوانست وسیلهٔ فتح و پیروزی گردد ـ ارتش‌ایران هیچگونه اطلاعی‌ازفنون مهندسی نداشت وبعلت‌ففدان صنف مهندس ازفنون سنگربندی واستحکامات بکلی بی‌خبربود .

استحکاماتیکه‌میساختند عبارت بود ازدیوارهای بلندگلی بابرجهای کنگره دار که بوسیلهٔ این دیوارها اطراف شهرهارا محصورمی کردند ـ اغلب‌شهرها بوسیلهٔ حفرخندقهاحمایت میشد ـ تاکتیك وفن‌جنگی عبارت بوداز‌حرکات سریع‌بی‌نقشه درپیرامون واحدهای دشمن وهجوم ناگهانی باردوگاهها وبغنیمت بردن آذوقه و تغییرمجاری‌آبها برای جلوگیری ازاستفادهٔ‌آن وبالاخره پرکردن چاهها وحمله بواحدهائیکه خستگی واحتیاج آنانرا ازپای درمیآورد .

سواره نظام‌مانند تمام سواران نامنظم‌ازانجام عملیات دسته جمعی‌ویکنواخت

بی‌اطلاع بود ــ تاکتیك سواره نظام عبارت بود ازحمله وفرار ــ با اینکه فرد فرد سواران ایرانی درفن سواری نهایت مهارت را داشتند وحرکات آنان برای تغییرمحل با سرعت فوق‌العاده‌ای انجام می‌یافت بازهم قادرنبودند واحدهای سوارنظامی‌را که بطرزاروپائی تعلیم وتربیت یافته بودند ازپا درآورده وبخطر بیاندازند ــ دراردوگاه هرج ومرج کلی حکمفرمابود ــ اردوگاهها همیشه باز بود و هیچگونه‌مانعی‌برای جلوگیری ازحملات دشمن وجود نداشت وشب هنگام پستهای مقدم برای اطلاع‌از حرکات دشمن تعیین نمیشد.

طرزتشکیل شوری‌برای مطالعه وطرح نقشهٔ عملیات نظامی نهایت‌تعجب‌آور بود.

نارسیس پرن(۱) درکتاب خود **La perse** دروصف این شوری میگوید:
«ممکن است تصورشود موقعیکه شاهزاده عباس میرزامیخواهد طرح‌جنگی را تهیه کند محرمانه باینکار اقدام میکند وتمام مسائلی که دراین شوری مطرح میشود کاملا سری است ــ در صورتیکه برعکس شاهزاده عباس میرزا بزرگان و شاهزادگان ووزیران‌را برای بحث راجع بموضوع جمع میکند ولی موضوع‌مورد بحث درشوری هرچه باشد وهراندازه مهم وسری باشد رسم کشورایجاب میکند که نوکران دائماً دم در وحتی درداخل اطاق بایستند در نتیجه دو ساعت بعد سربازی نیست که ازعملیات نظامی وسوق‌الجیشی که برطبق تصمیم بایستی محرمانه بماند بی‌اطلاع باشد.

باذکراین‌مطالب راجع‌بسازمان ارتش‌ایران دراوایل‌قرن سیزدهم که‌نمونه‌ای ازجامعهٔ ایرانرا تشکیل میداد ازیکطرف میتوان بوضع اجتماعی‌آنزمان پی‌بردواز طرف دیگرنتیجه گرفت که ازمدتها باینطرف تاکتیك نظامی ایران عوض‌نشده‌بود یکی ازعلل اساسی این وقفه و عدم تحول همان نقص تهیه و تربیت کادر است زیرا چنانکه دیدیم خان یك ایل بدون هیچ سابقه وبصیرت ازعملیات‌نظامی‌ازگله‌داری بفرماندهی عدهٔ خودمنصوب میشد وهمراهان‌وی نیزرؤسای مادون‌واحدهارا‌تشکیل

میدادند . صدراعظم که غالباً عهده‌دار فرماندهی کل قوا بود هیئت وزیران را تـرك گفته‌وبرای هدایت عملیات نظامی بمیدان جنك میرفت .

بطوریکه‌ملاحظه می‌شودارتش‌ایران باانداشتن‌سازمان‌منظم ووضع‌یکنواخت وعدم توجه بتعلیمات کادروبی‌اطلاعی فرماندهی قوی‌ازفنون نظامی باطرزرقت باری اداره میشد باوجود این سپاهیان ایران مجبوربودند و توانستند قریب مدت ده سال برضددستجات باانضباط‌ارتش‌تزاری که تحت‌نظرفرماندهان وژنرالهای بصیروورزیده درفنون جنـگی تعلیم یافته بود بجنك ادامه دهند .

قسمت دوم

از آغاز جنگهای ایران و روس
تا معاهدهٔ گلستان

فصل اول

نخستین مراحل تیرگی روابط ایران و روس

---

۱ - **الحاق گرجستان**: فتحعلیشاه بآسانی توانست قدرت خودرا در داخلهٔ ایران مستقر سازد. ولی متاسفانه درعملیات بر ضد دولت روسیهٔ تزاری که همواره برای تسریع اضمحلال ایران پی‌فرصت میگشت توفیقی حاصل نکرد.

چنانکه دیدیم جنگ اول ایران و روس که بعلت انعقاد معاهدهٔ تحت‌الحمایگی میان هراکلیوس دوم والی گرجستان ودولت روسیه اتفاق افتاده بود بامرگ کاترین دوم و آغا محمدخان بدون انعقاد معاهدهٔ صلحی میان دوطرف خاتمه یافت.

سیاست ظاهری صلح‌طلبانهٔ **پل اول** امپراطور روسیه چندی عملیات تجاوزآمیز دولت تزاری را متوقف ساخت. ولی در دوران حکومت پل صلح طلب نیز دولت روسیه بیکار ننشته بود زیرا درهمین زمان گرجستان که ازطرف دولت روسیه حمایت میشد اطاعت آن دولت را قبول کرد و حتی چنانکه خواهیم دید بفرمان پل اول رسما ضمیمهٔ امپراطوری روسیه گردید.

هراکلیوس درسال ۱۲۱۳ (۲۷۹۱) درگذشت و پسرش ژرژ سیزدهم که در ایران باسم گرگین‌خان مشهور بود جانشین وی گشت.

درآغاز سلطنت فتحعلیشاه گرگین میخواست اززد و خورد با ایران اجتناب ورزد. لذا خودرا مطیع دربار ایران خواند ولی وقتی فتحعلیشاه بوی دستور داد پسر ارشد خودرا بعنوان گروگان بتهران بفرستد متمایل بدربار روسیه گشت. دراینموقع بنمایندهٔ پل اول در گرجستان دستور داده شد که ازنفوذ خود برای عقد معاهده‌ای استفاده نماید.

ژرژ سیزدهم که بمناسبت ولخرجی ونداشتن عایدات کافی احتیاج به پول داشت مبالغ زیادی از دولت روسیه قرض کرده ومتعهد شده بود که در صورت عدم پرداخت قرضه درموعد معین شهرتفلیس را بآن دولت واگذارنماید. نظربا اینکه ژرژسیزدهم نتوانست قرض خود را بموقع بپردازد شهر تفلیس بوسیلهٔ قوای روس اشغال شد وژنرال تسی‌تسی یانف[1] بحکومت گرجستان منصوب گشت وبنابدستور دولت روسیه اعیان شهروخانوادهٔ ژرژسیزدهم را به‌سن‌پطرزبرگ فرستاد ودرتاریخ نهم جمادی الاول ۱۲۱۵ مطابق با۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ معاهده‌ای میان دولت روسیه و ژرژ سیزدهم بامضاء رسید. مطابق مواد این معاهده ژرژ سیزدهم بنام خود و بنام جانشینانش بنفع امپراطور روسیه ازحکومت گرجستان دست کشید. سپس پل‌اول امپراطور روسیه نیز عنوان تزار گرجستان برخود نهاد و پسر ژرژ سیزدهم بسمت نایب‌السلطنه شناخته شد.

این عمل دولت روسیه ورفتارژرژ سیزدهم باعث ایجاد خشم واعتراض سخت اعیان گرجستان شد. برادران ژرژ سیزدهم که ازاین تصمیم متنفربودند گرجستان را ترك گفتند. شاهزاده آلکساندر (درایران باسم اسکندر میرزا معروفست) برادر جوان ژرژ سیزدهم نهایت خشمگین و متأثر بود از اینکه خانوادهٔ پدرش بدون هیچگونه‌عکس‌العملی‌ازحکومت گرجستان دست برمیدارد. این شاهزاده‌سعی‌داشت بلکه زمینهٔ یك‌انقلاب عمومی‌را فراهم سازد ولی رؤسای نواحی عدم کامیابی‌درچنین انقلابی رابدون کمك مسلح دولتین ایران وعثمانی پیش‌بینی میکردند. بنابراین شاهزاده آلکساندرسعی میکرد بلکه ازدو کشورنامبرده بنفع خود استمداد کند - متأسفانه‌دولت عثمانی بامشغلهٔ زیادی که‌داشت نمیتوانست بتقاضای آلکساندر جواب مثبت بدهد. درایران نیزفتحعلیشاه که گرفتار امور داخلی بود قادربجلب رضایت آلکساندر نبود. باوجود این رؤسای قره‌باغ وسایر نواحی قفقاز برای تهیهٔ نهضتی بمنظورمقابله واخراج روسهااززمین اجدادی بآلکساندر وعدهٔ مساعدت دادند ولی

---

1 – **Tsitsianoff**

بزودی حکومت تفلیس از اقدامات و نقشه های آلکساندر اطلاع یافت و تـدابیر لازم برای دفع وی اتخاذ نمود ـ ژنرال کولیسکوف[۱] ولازاروف[۲] بادوهنك از سپاهیان روس درسواحل رود کر قوای الکساندررا بسختی درهم شکستند و کسان وهمراهان وی را متفرق ساختند وازاقدام میهن پرستان قفقازجلوگیری کردند.

ژرژسیزدهم در۱۱شعبان ۱۲۱۵مطابق با۲۸دسامبر۱۸۰۰ درتفلیس درگذشت وپسرش داوید رسماً نایب‌السلطنهٔ گرجستان شد ولی دولت روسیه مدلول معاهده‌ای راکه خود قبول وامضاء کرده بود محترم نشمرد وامپراطورپل اول باصدور فرمانی درتاریخ ۱۸ ژانویه ۱۸۰۱ مطابق ۳ رمضان ۱۲۱۵ الحاق گرجستان را بروسیه‌رسماً اعلام نمود.

بدین ترتیب گرجستان ضمیمهٔ امپراطوری روسیه شد ورابطهٔ خودرا باایران قطع کرد. پس از شکست شاهزاده الکساندر سپاهیان روس در ماه دسامبر ۱۸۰۲ رمضان۱۲۱۸ بشهر گنجه[۳] تاختند وازآنجا ژنرال تسی‌تسی یانف دردورهٔ سلطنت امپراطورآلکساندراول مأموریت یافت بسمت ایروان پیشروی نماید.

1– Kuliskoff

2– Lazaroff

3– Elisabethpool

۲ـ اشغال گنجه وازبین بردن آثار وتأسیسات ملی وتعمیم نفوذ روس درنواحی اشغالی

گفتیم که بامرك كاترين دوم و آغامحمدخان جنك ایران وروس بدون انعقاد معاهده‌ای خاتمه پذیرفت. همچنین اشاره کردیم که باسیاست صلح‌طلبانهٔ ظاهری پل اول چندی درعملیات مهاجمین روس وقفه حاصل شد وفتحعلیشاه ازاین فرصت استفاده کرده آرامش را درداخلهٔ ایران برقرار ساخت ومدعیان خودرا از میان برداشت.

قتل پل اول درشب اول ماه مارس ۱۸۰۱ (۱۵ شوال ۱۲۱۵) بسیاست صلح ـ طلبانهٔ موهوم امپراطورروسیه نسبت بایران خاتمه داد وسیاستی که بوسیلهٔ پطر کبیر طرح وتهیه شده بود باجلوس الکساندر اول تجدید شد. پس از چند ماه امپراطور روسیه بانشراعلامیهٔ مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۸۰۱ مطابق ٤ جمادی‌الاول ۱۲۱٦ تاج و تخت گرجستانرا که‌درزمان پل‌اول ازطرف ژرژسیزدهم درتاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ (۹ جمادی‌لااول ۱۲۱۵) بدولت روسیه واگذار شده بود قبول کرد. از این تاریخ روسها بایك اسلوب اساسی وقاعدهٔ صحیح به محوسازمانهای ملی مبادرت ورزیده زبان گرجی را درمدارس ودادگاهها وادارات قدغن کردند وحتی روحانیون نیز در مقابل اشغالگران روسی آزادی وتأمین نداشتند.

دولت‌روسیه باالحاق گرجستان که‌قرنهاجزءامپراطوری‌ایران‌بودلطمهٔشدیدی به حیثیت‌این دولت‌وارد ساخت ولی‌جنگهای‌ایران‌وروس‌بدون اعلان‌رسمی‌باحرکت ژنرال تسی‌تسی یانف بطرف ایروان آغازشد.

چنانکه گفتیم‌ژنرال تسی‌تسی‌یانف بامهارت نظامی که داشت درتاریخ ۱۸۰۱ (۱۲۱٦)بفرماندهی کل‌قوای روس درقفقازمنصوب‌شدودرتفلیس اقامت گزید.ژنرال روسی که ازنژاد گرجی بوداطلاعات کامل وصحیحی ازناحیهٔ قفقازداشت وی بخوبی

متوجه‌بود که نگهداری گرجستان که تنها ارتباط آن باروسیه ازراه معبرداریال‌است کارآسانی نیست ودرموقع‌مناسب ازروسیه منتزع خواهدشد . بنابراین فرمانده کل قوای روس‌ارتباط ازراه‌دریاراعامل‌مؤثربرای تقویت ومحافظت فتوحات جدیددولت روسیه میدانست. کرانه‌های دریای سیاه دردست باب عالی‌بود وبرای دست یافتن‌باین ناحیه دولت روسیه ناچاربود بادولت عثمانی وارد جنك شود بنابراین تسی‌تسی‌یانف توجه خودرا بسمت دریای خزر معطوف کرد .

برای اجرای نقشهٔ خود فرماندهی روس شروع بدست‌اندازی واشغال نواحی شمالغربی ایران نمود وبه‌بهانهٔ اینکه حکومت گنجه در زمان هراکلیوس مالیات خودرا بگرجستان‌میپرداخت تقاضای پرداخت مالیات نمودوبعلت وصول پاسخ‌منفی حاکم‌شهر،تسی‌تسی‌یانف دردسامبر ۱۸۰۳ (رمضان ۱۲۱۸) بطرف گنجه حرکت کرده‌شهررا اشغال‌وبنام‌الیزابت‌پول(۱)اسم‌روسی‌ضمیمهٔ گرجستان‌ساخت.روسهابطرز فجیعی مقاومت کنندگانرا تنبیه کردندوبکشتارعمومی مبادرت ورزیدندبطوریکه اطفال وزنان نیزازاین رفتاروحشیانهٔ سربازان تزاردرامان نبودند .

پس ازاشغال گنجه فرمانده قوای روس بسمت ایروان متوجه شد حاکم این شهر برای اغفال‌دشمن وایجاد تشتت درمیان‌قوای مهاجم وعده داده بود شهررا بدون مقاومت تسلیم کند .

درمقابل این‌حوادث دولت ایران مضطرب‌شدوفتحعلیشاه بمنظورنزدیك‌شدن بصحنهٔ عملیات پایتخت‌را ترك کرد . بشاهزاده عباس میرزا دستور داده شد جنك را شروع‌وبسمت‌ایروان حرکت کند . (ذیحجه۱۲۱۸)

یکبار دیگر پس ازشش‌سال متارکه ، دولتین ایران وروس بجنك مبادرت میکردند جنگی که درحدود ده‌سال بطول انجامیدوباامضای معاهدهٔ ننگین گلستان موقتاً خاتمه پذیرفت .

برای روشن شدن موضوع ماشرح عملیات جنگی‌را بسه مرحلهٔ مشخص که باسیاستهای‌اروپائی وآسیائی‌دولت امپراطوری روس تطبیق میکنند تقسیم کرده‌ایم.

1 - Elisabethpool

۱ ـ مرحلهٔ اول از ۱۲۱۸ (۱۸۰۳) تا امضای معاهدهٔ تیلسیت[1] جمادی‌الاول ۱۲۲۲ (ژوئیهٔ ۱۸۰۷).

۲ ـ مرحلهٔ دوم از تیلسیت تا انعقاد معاهدهٔ بخارست ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)

۳ـ مرحلهٔ سوم از انعقاد معاهدهٔ بخارست تا انعقاد معاهـدهٔ گلستان ذیقعدهٔ ۱۲۲۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

1 - Tilsit

فصل دوم

مرحلهٔ اول جنگهای ایران وروس

از ۱۲۱۸ (۱۸۰۴) تا امضای معاهدهٔ تیلسیت
جمادی اول ۱۲۲۲ ژوئیه ۱۸۰۷

پس از تصرف گنجه دستجات سپاهیان روس درسمت ایروان پیشروی کرده ودر اوچ کلیسا مقرخلیفهٔ ارامنه باعباس میرزا که خود رابرای اخذ تماس آماده کرده بود مواجه شدند اواخر ۱۲۱۸ (۱۸۰٤).

پس ازجنك خونین اوچ کلیسا قوای روس شکست خورد و عقب نشینی کرد وبمحاصرهٔ شهر ایروان مبادرت ورزید. ساکنین وسپاهیان باشجاعت فوق العاده‌ای از شهر وقلعهٔ ایروان دفاع کردند ومدت یکسال سپاهیان ایران درزیر بمباران آتشبارهای دشمن رنج وزحمت فراوان متحمل شده ودلیرانه پایداری کردند. پس ازدو خوردهای خونین بالاخره ایرانیان موفق شدند ازرسیدن مهمات و آذوقه باردوگاه قوای روس جلوگیری کنند. ژنرال تسی‌تسی‌یانف ناچارازمحاصرهٔ ایروان دست برداشت و عقب نشست بدین ترتیب دفاع وحفاظت ایروان برای مدت کوتاهی بدست سپاهیان ایران تأمین شد (شعبان ۱۲۱۹) (نوامبر ۱۸۰٤) سواران چابك ایران سپاهیان روسی را تعقیب کردند تابالاخره قوای روس باتحمل مشقات ودادن تلفات سنگین بسمت تفلیس عقب نشست تاباتجدید سازمان وقوا خودرا برای نبردهای بعدی آماده سازد.

این عقب نشینی تسی‌تسی‌یانف نتایج نامطلوبی در گرجستان ایجاد کردخوانین دربند وباکو وقره‌باغ وشیروان فرصت رابرای قیام مسلحانه مناسب یافتند زیرادر این موقع مقاصد ونظریات خصمانهٔ باب عالی نیزبرضددولت روسیه تزاری علنی شده

بود . بارسیدن فصل بدنیروهای درطرف درقرارگاه‌زمستانی خود تا ۱۲۱۹(۱۸۰۵) مستقر گردید ودرمدت چهارماه عملیات متوقف شد. ازوقایع مهم نظامی‌سال۱۲۱۹ (۱۸۰۵) پیاده شدن سربازان نیروی دریائی دولت روسیه در کرانه‌های گیلان‌است . روسها تصمیم داشتند بااشغال بندر انزلی پایتخت ایرانرا تهدید کنند . ولی فرمانده سپاهیان روس اشکالاتی راکه این اقدام ممکن بود دربرداشته باشد مطالعه نکرده بود ودرآغاز سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۵) یکدسته زنیروی دریائی روس مرکب از ۱۲ کشتی‌درتحت فرماندهی ژنرال‌شفت[۱] دربندر کوچك‌انزلی که‌به‌مدخل‌مرداب انزلی‌مسلط بود پیاده‌شد ـ فرمانده نیروی‌دریائی دولت‌روس درنظرداشت که ازآنجا بطرف رشت پیشروی کند. طول مرداب انزلی درحدود۲۰ کیلومتربودوعمق‌قسمتی ازاین فاصله بعلت‌رسوبات شن باندازه‌ای کم بود که فقط کشتی‌های کوچك سبك و کم ظرفیت‌میتوانستند دراین فاصله حرکت کنند.فرمانده قوای‌روسی مصمم گردید نفرات خودرا درساحل مرداب حرکت دهد . خط سیر سپاهیان روس دراین نقطه باطلاقی فوق‌العاده‌سخت و گل‌آلود ومستورازجنگلهای انبوه بود . درداخلهٔ‌جنگل بدستورموسی لاهیجی فرمانده قوای ایران‌که از کمك گیلك‌ها نیزاستفاده میکرد طرف دشمن شلیك شد .

بااین حمله غیرمنتظره سربازان روسی مضطرب ومتوحش شدندوناچاربسمت انزلی عقب‌نشینی کردند وازآنجا بطرف باکو گریختند . درجبهه شمالغربی نظر باینکه پیش‌بینی‌میشد ممکن‌است نیروی دریائی شکست خوردهٔ روس بباکومتوجه گردد واین‌شهررا مورد تهدید قراردهد بدستور عباس میرزا قوای امدادی برای تقویت پادگان این شهرفرستاده شده بود .

پس‌ازشکست انزلی نیروی دریائی‌روس بباکوحمله کرد . مستحفظین‌بندردر برابر حملات اولیهٔ دشمن مقاومت بخرج دادند ولی بالاخره روسها موفق گردیدند درمقابل قلعه پیاده شده وباکمك توپخانه تلفات سنگین بمدافعین‌قلعه واردآوردند .

1- Sheft

عباس میرزا برای ایجاد تشتت درقوای دشمن مصمم شد ازسمت اردبیل بعقب داران سپاهیان روس حمله کند. ژنرال روسی جهت اجتناب ازمحاصره باحسینقلی خان حاکم باکووارد مذاکره شد. حاکم باکوبرای گستردن دامی برضدتسی‌تسی یانف پیشنهادات ویرا قبول کردوبرای مذاکره ژنرال روسی را بملاقات دعوت نمود ودرجریان مذاکرات تسی‌تسی یانف بدست ابراهیم‌خان پسرعموی حسینقلی خان کشته شد (ذیقعدهٔ ۱۲۲۰ ژانویه ۱۸۰۶) پس‌ازمرگ ژنرال روسی فرماندهی سپاهیان قفقاز به‌ژنرال گودوویچ[1] تفویض گردید.

درسال ۱۲۲۱ (۱۸۰۶) پیشرفتهای مختلفی درایالات شمالغربی ایران ودرطول کرانه‌های رود ارس نصیب روسها شد وبالاخره دولت روسیه شهرهای دربندوباکو وشیروان وشکی را بتصرف درآورد ولی روسها بعلت فتوحات مشعشع ناپلئون اول ازجبههٔ اروپا نگران بودندوبمناسبت شکستهائی که دراسترلیتز[2] وسپس درایلو[3] نصیب آنان گردیده بودمیخواستند درجبههٔ مشرق وقت بگذرانند.

برای اطلاع ازوضع عمومی اروپا درمقابل فتوحات وسیاست ناپلئون، لازم بود در فصل جداگانه ای از روابط دول معظم اروپائی و اتحادیه این دولتها بر ضد ناپلئون ونقشی که بخصوص روسیهٔ تزاری دراین سیاستها بازی میکرد بحث کنیم.

---

1 - Goudowitch
2 - Osterlitz
3 - Eylau

۲ - اوضاع اروپا و روسیه دربرابر فتوحات ناپلئون

ناپلئون کنسول اول در سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۴) امپراطور فرانسه شد وی ازسال ۱۲۱۷ (۱۸۰۲) یك سیاست صلح مسلط و توأم بافشار را درسویس و آلمان و ایتالیا تعقیب میکرد. اجرای این سیاست ازطرف ناپلئون دول معظم اروپا را سخت درتشویش واضطراب انداخته بود.

دولت انگلستان درسایهٔ صلح صنعت خود را بسط و ترقی داده ومخصوصاً مصمم بود تفوق بحری خودرا که شرط اساسی توسعهٔ تجارتی بشمار میرود دردریای مدیترانه تامین ومحفوظ دارد زیرا دولت بریطانیای کبیر کاملا متوجه بود که پیشرفت اقتصادی فرانسه آتیهٔ تجارتی انگلستان را جداً مورد تهدید قرارخواهد داد.

آلکساندر اول مغرور وازخود راضی، خودنما وجاه‌طلب، برای تظاهر وعوام فریبی وتهیهٔ وجههٔ ملی ذوق گزاف گوئی و آزادی‌خواهی و بشر دوستی را درسیاست خارجی وارد کرده بود. بناپارت ازهمان آغاز کار درنظر وی یکنفر رقیب جدی مجسم شده بود.

بتدریج که امپراطور دراین فکر خودستائی غوطه‌ور میگشت خودرا فرستادهٔ خداومسیح تازه‌ای تصور کرده و بدون تکلف این الهام وارشاد یزدانی را بامیل واراده‌ای که جهت حفظ وتوسعهٔ ارث اجدادی خودداشت می‌آمیخت. این تصویر وتفسیر روحیهٔ آلکساندر بخوبی نشان میدهد بچه‌علت امپراطور، بسیار مایل بود دراروپا نقش میانچی بازی کندتا بتواند بتقلید ازسیاست جد خود کاترین دوم بمشرق مسلط شود وامپراطوری های ایران وعثمانی را درتحت فرمان خود درآورد. بهمین مناسبت رد وساطت دولت روسیه ازطرف رئیس ملت انقلابی درمورد اختلاف میان دولتین انگلستان وفرانسه آلکساندر را عصبانی کرد.

مخصوصاً سیاست ارضی واستعماری که الکساندر درمشرق تعقیب میکرد وی را برضد بناپارت فاتح مصر برانگیخت. آلکساندر میدانست که اگر بناپارت درآلمان

مستقرشود راه اسلامبول برای وی باز خواهد بود . آلکساندر هیچگاه تصور نکرد اروپارا باناپلئون تقسیم کند مگر باین امید که درموقع فرصت ازوی بازستاند. بااین ترتیب دولت روسیه زمینهٔ موافقی برای نزدیکی باسایر دول پیدا کرد ووقتی امپراطور خودرادر رأس مخالفین خارجی ناپلئون اول قرارداد نقش فعالی درتشکیل سومین اتحادیهٔ اروپا (ازآغازانقلاب باینطرف) برضد ناپلئون بازی کرد .

وحشت ونگرانیهای روسیه وانگلستان درمقابل ناپلئون موجب شروع مذاکره میان دودولت شد . درسالهای ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ (۱۸۰۵ـ۱۸۰٤) تزار آلکساندر اول معاهدهٔ اتحادی باپیت[1] امضاء کرد .بموجب این معاهده بایستی حدود کشورفرانسه بحدود قدیمی خود بر گشته واین کشورازدول کوچی محصور گرددتانتواند ازحدود خود تجاوز کند . این مذاکرات مشکل بود وبطول میانجامید تابالاخره وقتی ناپلئون خودراپادشاه ایتالیاخواندودولتین روسیه وانگلستان تصمیم گرفتندقراردادسن پطرزبرك رادرتاریخ ۱۱ آوریل ۱۸۰۵(۱۱محرم ۱۲۲۰)امضاء کنند.باصدورفرمان اشغال وانضمام ژن ازطرف ناپلئون بامپراطوری فرانسه بالاخره امیدهر گونه اصلاح قطع شدواتحاد دولتین انگلیس وروس درماه ژوئیهٔ همین سال بامضاء رسید دولت‌های ناپل وسوئدو اطریش نیزباین اتحادیه پیوستندومخاصمات درماه اوت ۱۸۰۵ آغازشد .

مشعشع ترین دوران فتوحات ناپلئون دوماه طول کشید. تسلیم لشکریان اطریش درباویر[2] درحوالی اولم[3] در ۲۰ اکتبر ۱۸۰۵ شکست روسها و اطریشی ها در استرلیتز[4] درماه دسامبر اطریشی هارا مجبور کرد که معاهدهٔ پرسبورك[5] رادر ۲۶ دسامبر ۱۸۰۵ امضاء کنند وقوای روسیه را ناچار ساخت که بطرف لهستان عقب نشینی نمایند .

فتوحات استرلیتز پروازمجددی بافکاربلندناپلئون داد. ژوزف بناپارت[6] برادر

1- Pitt
2 - Baviere
3 - Ulm
4 - Austerlitz
5 - Presbourg
6 - Joseph . Bonaparte

ارشدامپراطور پادشاه ناپل‌شد. جمهوری باتاو[۱] بعنوان‌پادشاهی‌هلندبه‌لوئی‌بناپارت برادر کوچك‌ناپلئون‌تفویض گردیدوبالاخره‌درژانویه۱۸۰۶ (ذیقعدهٔ ۱۲۲۰)بناپارت ایجاد اتحادیهٔ جدیدی را بنام اتحادیهٔ رن[۲] که حمایت آن بعهدهٔ بناپارت بود پیشنهادنمود. در مقابل‌این موفقیت‌های جدید ناپلئون دولتین‌انگلستان و روس سعی کردند برای ایجاد یك آرامش عمومی باب مذاکرات را بادولت فرانسه باز کنند.

درانگلستان پیت پرمدعی وپرتوقع درژانویهٔ ۱۸۰۶ در گذشت و فوکس[۳] جانشین وی گشت. رئیس الوزرای جدید انگلستان با تالیران[٤] داخل‌مذاکره شد دربارهٔ مسائل مربوط بقارهٔ اروپاموافقت بسهولت بدست‌آمدولی مسائل‌مربوط‌بشرق مانع ازپیشرفت مقدمات صلح بود.

انگلیسهاجزایرمالت[٥]وسیسیل[٦]راتصاحب کردند.وروسهاجزایرایونین[۷] وکاتارو[۸] رادردریای‌آدریاتیك اشغال نموده بودند.

هردو دولت مقتدر مصمم بودند بامحافظت این نقاط مانع‌راه مشرق گردند. ناپلئون‌بنوبهٔ خود میخواست اینراه را که یگانه‌وسیله برای نیل‌بهدف‌اصلی‌وسیاست دائمی وی بود بهرقیمتی باشد بازنماید.

مسئلهٔهانور[۹] باعث تشکیل اتحادیهٔ چهارم شد وپروس نیز درصف دشمنان ناپلئون قرار گرفت. جنك برضد اتحادیهٔ چهارم در دو جبهه آغاز شد یکی در

---

1 - Batave

2 - Rhin

3 - Fox

4 - Talleyrand

5 - Malte

6 - Ciciie

7 - Ioniennes

8 - Cattaro

9 - Hanovre

تورینگك (۱) برضد پروسی ها که بافتوحات درخشان اینا(۲) و اورستاد (۳) مشهور است(اکتبر ۱۸۰۶) شعبان ۱۲۲۰ ـ دیگری درلهستان برضد روسها که شش ماه بطول انجامید وبا فتوحات درخشان ایلو(٤) وفریدلاند (٥) خاتمه پذیرفت ژوئیه ـ دسامبر ۱۸۰٦

اروپا و روسیه درچنین وضعی قرارداشت وقتی که در جبههٔ مشرق مارشال گودوویچ (٦) جانشین تسی‌تسی‌یانف تصمیم گرفت معاهدهٔ صلح ویاقرارداد متارکه بادولت‌ایران امضاء کند. بدین‌مناسبت چند روزپس‌ازخبرفتح بزرك ایلواستیفانو(۷) نمایندهٔ مارشال گودوویچ که حامل پیشنهاد صلحی ازطرف دولت خود بود بدربار تهران رسید . ولی چون دولت ایران خواستار تخلیهٔ تمام نواحی اشغالی از طرف سپاهیان روس بود نمایندهٔ دولت روس درمأموریت خود توفیق نیافت . بااین رفتار فتحعلیشاه در واقع وقت میگذرانید زیرا وی در این موقع با دولت انگلستان مذاکرات جدی آغاز کرده و با دولت فرانسه برای انعقاد معاهدهٔ اتحادی اقدام نموده بود .

---

1 – Thuringe
2 - Iéna
3 - Aurestaed
4 – Eylau
5 - Friedland
6 - Goudowitch
7 - Istifanow

۳- مذاکرات فتحعلیشاه با دولتین انگلستان و فرانسه
رقابت انگلیس و فرانسه در ایران

موقع جغرافیائی ایران که در مشرق مانند سدی در مقابل جاه طلبی‌های دولتین انگلستان وروس قرار گرفته بود توجه دول مقتدر اروپائی را بطرف این کشور معطوف ساخت. نقشی را که باید دولت ایران بدستور بیگانگان دراین مرحله بازی کند باعث تحریکات دولتهای معظم اروپائی در تهران گردید و دربار ایران بصحنهٔ نمایشات رقت انگیز سیاسی تبدیل یافت که بالاخره بضرر کشور خاتمه پذیرفت.

الف - مذاکرات بادولت انگلستان

در اواخر قرن هیجدهم دولت هند درزمان حکومت مارکی ولزلی [۱] تصمیم گرفت بادولت ایران تماس حاصل کند.

بعلت تجاوز متعدد زمان شاه کابل بسرحدات شمالغربی هندوستان توجه ولزلی بطرف ایران معطوف شد. تیپوصاحب که قصدداشت با کمك فرانسویان انگلیسی هارا ازهند بیرون کند با ولزلی درجنك بود. تیپوصاحب در ضمن زمانشاه را برای شغال پنجاب تحریص وتحریك میکرد.

ولزلی به مهدی علیخان ایرانی که تابعیت انگلستان را قبول کرده و نمایندهٔ کمپانی هند دربوشهر بود دستورداد بدربارایران آمده وفتحعلیشاه را بلشکرکشی بر ضد زمانشاه وادار کند. دولت هندوستان با اجرای این سیاست درنظر داشت باایجاد گرفتاری در سرحدات غربی افغانستان از دست اندازی زمانشاه بخاك هندوستان جلوگیری نماید. مأموریت نمایندهٔ ولزلی باموفقیت کامل انجام پذیرفت وچنانکه دیدیم فتحعلی شاه درسال ۱۲۱٤ (۱۸۰۰) بخراسان لشگر کشید ومتوجه سرحدات

---

1 – Wellesly

افغانستان گشت. زمانشاه برای مقابلهٔ بافتحعلیشاه سپاهیان خود را از سرحدات هندوستان احظار کرد ولی در مقابل لشکریان ایران تاب مقاومت نیاورده و از قندهار بهرات گریخت از این لشکرکشی فتحعلیشاه هیچ نفعی عاید دولت ایران نگردید درصورتیکه کمپانی هند نتایج بسیار خوبی از این اقدام بدست آورد زیرا درنتیجهٔ احضار سپاهیان افغانی از سرحدات هندوستان کشور هند از خطر تهدید افغان نجات یافت.

در این موقع احساسات ضد فرانسوی در هندوستان شدت یافته و پیشرفت های ناپلئون مخصوصاً باعث ناراحتی خیال لرد ولزلی شده بود زیرا درنقشهٔ سیاست جهانی ناپلئون کشور ایران وسیله‌ای برای اشغال هندوستان منظور گشته ومطالعهٔ این طرح درسال ۱۸۰۰ (۱۲۱٤) پایان یافته بود. درهمین سال ازطرف پل اول[1] و کنسول اول قزاقها مأموریت داشتند بطرف ایران حرکت کنند ولی قتل تزار مانع انجام عملیات گردید.

مهدیعلیخان درمراجعت ازتهران باکاپیتن مالکولم[2] که برای اولین مأموریت خود درساحل ایران دربوشهر پیاده شده بود ملاقات کرد. بادرنظر گرفتن دستورات لرد ولزلی مالکولم اولین هیئت نمایندگی دولت انگلیس درایران در زمان سلطنت شارل دوم مأموریت داشت که دربرابر خیالبافیهای فتحعلیشاه اظهار تملق کرده ومخصوصاً سیاست ضد افاغنه را درایران تقویت کند بعلاوه مالکولم موظف بود تعهدانی برضد فعالیت فرانسویان درایران ازشاه بگیرد.

باجلب تمایل درباریان بوسیلهٔ هدایای قیمتی وپول مالکولم موفق شد یك معاهدهٔ تجارتی وسیاسی منعقد کند. مساعدت حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله صدراعظم فتحعلیشاه در انجام این امر فوق‌العاده مفید واقع شد. مطابق مواد این معاهده دولت ایران تعهد میکرد درصورتیکه امیرافغان از فکر تصرف هندوستان منصرف نگردد باامیرمزبور صلح نکند درمقابل، نمایندهٔ بریطانیای کبیر قبول میکرد اگر

1 – Paul 1
2- Malcolm

چنانکه کشور ایران مورد حملهٔ افاغنه و یا دولت فرانسه قرار گیرد اسلحه و مهمات لازم بدولت ایران تحویل دهد این معاهده با تشریك فرمان سلطنتی در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۲۱۵ (۲۷ ژانویهٔ (۱۸۰۱) تأیید شد[۱]

دراین فرمان به حکام وصاحبمنصبان و مأمورین بنادرو گمرك ایالات فارس و خوزستان دستورداده شد بمنظورایجاد مزاحمت برضد فرانسویانی که میخواهند وارد ایران گردند تصمیماتی اتخاذ کنند. وهمچنین تأکید شد فرانسویانی را که مایلند دربنادر ویاسرحدات ایران اقامت کنند اخراج نمایند. درنامهای بتاریخ ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ (٦ شوال ۱۲۱۵) مالکولم به لردولزلی کامیابیهای دیپلماسی خودرا شرح داده ومتذکرمیگردد کههدف تجارتی مأموریتوی باموفقیت انجام یافتهاست راجع بقسمت سیاسی مأموریت خود میگوید. مواد ۵ و ٦ معاهده که مربوط است بسیاست ضدافغان وفرانسه وازطرف دولت ایران بموقع اجرا گذارده خواهد شد باندازهای صریح وواضح است که جای هیچگونه شك وتردیدی باقی نمیگذارد.

کمی پس ازمراجعتمالکولم حاج ابراهیمخان اعتمادالدولهمتهمبخیانتشده ودرتهران بقتل رسید.

بااینکهاولینمأموریتمالکولمباتوفیق کامل انجام یافتسایکس[۲] وراولنسن[۳] اظهارتأسف میکنند ازاینکه این مأموریت ایرانیان را از موقع جغرافیائی کشور خود ونقشی را که میتوانند درآینده بازی کنند مطلع گردانیده وآنانرا با این سیاست آشنا ساخت. در جواب هیئت نمایندگی دولت هند که باتشریفات بسیار بایرانآمدهبود فتحعلیشاهدرسال ۱۲۱۷(۱۸۰۲) حاجخلیلخانرا بعنواننمایندگی دولت ایران مأمور هند ساخت. در بین راهدرنتیجهٔنزاعی که میان همراهان نمایندهٔ

---

۱ – نامهٔ ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ مالکولم بهولزلی London .P.R. O.P.Fo.60 . TI.

2 – Sykes

3 – Raw linson

ایران وسربازان هندی‌مأمور اسکورت حاج خلیل خان رخ داد نمایندهٔ ایران‌بقتل رسید .

در جریان سال ۱۲۲۰ (۱۸۰۵) درنتیجهٔ تعرض و فشار سپاهیان دولت روس میرزا بزرك [۱] وزیرعباس‌میرزابوسیلهٔ سرهارفورد جونس [۲] نمایندهٔ سیاسی‌دولت انگلستان دربغداد کمك بریطانیارا نسبت بایران تقاضا کرد سرهارفوردجونس [۳] درتاریخ ۱۹ اکتبر ۱۸۰۵ (۲۵ رمضان ۱۲۲۰) درپاسخ نامهٔ میرزا بزرك اطلاع داد که‌وی‌دولت‌بریطانیای کبیررا ازمفاد نامهٔ نمایندهٔ دولت ایران‌مستحضرساخته است . ضمناً چون ازورود ژوبر [٤] بدربارایران اطلاع یافت تذکرداد که فرانسویان تنها بمنظورخلل وارد کردن‌بدوستی‌موجود میان‌پادشاه ایران‌وانگلستان بایران آمده‌اند زیرا کمك دولت فرانسه بایران امکان پذیرنیست برای کمك بایران دولت فرانسه ناچاراست ازخاك آلمان ومتصرفات عثمانی وروسیه عبور کند ازطرف دریانیزدولت فرانسه نمیتواند هیچگونه کمك دریائی بایران‌بفرستد .

بااین ترتیب دولت فرانسه بوعدهٔ خود وفانکرده وبالاخره دولت ایرانرابحال خود رها خواهد کرد [٥]

درجریان سال ۱۲۲۰ فتحعلیشاه که ازتجاوزات دولت روس سخت مضطرب بود مجدداً هیئتی بریاست محمدنبی خان برای دریافت کمك دولت انگلستان بـه هندوستان اعزام داشت ولی اقدامات نمایندهٔ دولت ایران هیچگونه نتیجه‌ای نداد و فتحعلیشاه درفرمانی که درماه ربیع‌الاول ۱۲۲۱ (م۱۸۰٦) بنمایندهٔ‌خودبهندوستان فرستاد ورود نمایندگان دولت فرانسه را اعلام نمود وبادرنظر گرفتن اتحاددوستی

---

۱ ــ میرزا عیسی‌خان فراهانی ملقب به میرزا بزرك که درسال ۱۲۲٤ (۱۷۰۹) عنوان قائم مقام یافت .

2 - Sir Harfaord jones

۳ ــ نامهٔ میرزا بزرك به‌سرهارفورد جونس London.P.R.O. P. F. Fo.6o. TI.

4 - Jaubert

٥ ــ نامهٔ مورخ ۱۹ اکتبره ۱۸۰ سرهارفورد جونس به میرزا بزرك
London.P.R.O.P.Fo.60 TI.

موجود میان دولتین ایران وانگلیس کمك دولت اخیررا در مقابل تجاوزات دولت روس تقاضا کرد(۱)

ولی متأسفانه تمام اقدامات میرزا بزرك در بغداد واعزام هیئتهای نمایندگی بهند وتقاضاهای موکد ومکرر فتحعلیشاه به نتیجه‌ای نرسیه زیرا پس ازعزیمت لردولزلی از هندوستان و آمدن لردمینتو (۲) در کلکته یکنوع بی‌علاقگی نسبت بامور ایران حکمفرمابود.علت تغییرسیاست دولت انگلستان رامیتوان باین ترتیب بیان کرد که پس ازپایان جنگهای فرانسه‌وانگلیس درمصر وسوریه‌وشکست‌فاحش قوای‌ناپلئون اهمیت اتحادمیان‌دولتین ایران وانگلیس ازبین رفت بطوریکه محمدنبی‌خان سفیر ایران‌بدون اخذ کمترین نتیجه‌ای درماه‌ذیقعدهٔ ۱۲۲۰(ژانویهٔ ۱۸۰۷) بتهران مراجعت کرد.

---

۱ - فرمان مورخ ربیع‌الاول ۱۲۲۲ (مهٔ ۱۸۰۶) فتحعلیشاه به محمد نبی‌خان
London.P.R O.P.Fo·6o·TI.

۲ - Lord.Minto

ب ـ مذاکرات بادولت فرانسه

دردورهٔ سلطنت آغا محمدخان برای ایجاد روابط سیاسی وتجاری یك هیئت فرانسوی ازاسلامبول بتهران آمد. سپس درسال ۱۲۱۵ (۱۸۰۱) یکنفر تاجرارمنی حامل مکاتبات رسمی ازطرف دولت امپراطوری فرانسه با کمك روسو [۱] کنسول آن دولت دربغداد بایران وارد شد.

ولی چون درتهران کسی نتوانست این نامه هارا بخواند اقدام روسوبی نتیجه ماند لکن دربارتهران بدینوسیله ازورود قریب‌الوقوع نمایندگان دولت فرانسه اطلاع حاصل کرد.

معاهدهٔ آمین [۲] درتاریخ ۲ ماه مارس ۱۸۰۲ (۲۷ شوال ۱۲۱۶) یعنی درواقع یك سال بعد ازاقدام روسو بامضاء رسید. این معاهده دولت عثمانی‌را ملزم میساخت که بادولت فرانسه قراردادی راجع به‌بغازها منعقد سازد بهمین جهت مطابق مواد معاهده‌ای که درتاریخ ۲۶ ژوئن ۲۶ ژوئن ۱۸۰۲ (۱٤صفر۱۲۱۷) میان دولتین عثمانی وفرانسه بامضاء رسید بغازها جهت عبور کشتی‌های فرانسوی آزاد شد.

روفن [۳] ازطرف ناپلئون مأموریت یافت کنسولگریهای مشرق‌را دایر کند. اسکالن [٤] تاجرمقیم قسطنطنیه وروسو قبلا توجه ناپلئون‌را نسبت‌بایران‌جلب کرده بود این دونفرمخصوصاً وضع جغرافیائی و سوق‌الجیشی ایرانرا شرح داده متذکر شده بودند که این کشوربمناسبت همسایه بودن با هندوستان تاچه حد ممکن است برای مغلوب ساختن دولت‌انگلستان دریکی ازمهمترین مستعمراتش مؤثرواقع

---

1 – Rousseau
2 – Amiens
3 - Ruffin
4 - Escalon

گردد . این تلقین ونظریه مورد پسند فرمانده سابق قوای فرانسه درلشکر کشی های مصر قرار گرفته و کنسول اول همانوقت توجه خودرااز آنسوی بوسفر و آناطولی بسمت ایران معطوف ساخت و بمارشال برون[۱] درحین حرکت بطرف قسطنطنیه درتاریخ ۱۸۰۲ دستورداد که بادولت ایران وارد مذاکره شود .

درسال ۱۸۰۳ (۱۲۱۸) منظوردولت فرانسه عملی شد ودرتاریخ دوم ماه اکتبر همین سال (۱۵ جمادی الثانی ۱۲۱۸) تالیران[۲] بــه ژان فرانسوا روسو[۳] نمایندهٔ دولت فرانسه دربغداد اطلاع داد که کنسول اول مایل است که او جدا برای افتتاح باب مکاتبه بادولت ایران اقدام نماید ووسایل این امر را فراهم سازد . روسو نیزدرنتیجهٔ روابط خود باایران درمأموریت خویش توفیق حاصل کرد .

اشغال ناگهانی اراضی ایران ازطرف سپاهیان روسی وبی اعتنائی دولت هندو بریطانیای کبیر نسبت بایران روابط دولتین ایران وفرانسه رامحکمتر ساخت. فتحعلیشاه فرصت راغنیمت شمرده تصمیم گرفت کمك ناپلئون را برضد دولت روسیه تزاری جلب کند . برای همین منظورنیزدولت ایران قبلا دست بجانب دولت انگلستان دراز کرده کمك ومساعدت آندولت را خواسته بود . دولت بریتانیای کبیر در برابر این مساعدت واگذاری بنادربحرخزر وهرمزوبوشهررا درخلیج فــارس میخواست . این بود کــه در مقابل توقعات فوق العاده سنگین وغیرقابل قبول دولت انگلستان دولت ایران بحکم اجبارازدرخواست مساعدت صرف نظر کرد وتوجه خودرا بطرف دولت فرانسه معطوف داشت .

بموجب نامه‌ای[٤] کــه میرزا بزرك وزیر عباس میرزا به سرهارفوردجونس نمایندهٔ انگلستان دربغداد نوشته معلوم میشود که فتحعلیشاه درنبرد اول ایروان در

---

1 - Brune

2 – Talleyrand

3 – Jean François · Rousseau

٤ – نامهٔ میرزا بزرك به سرهارفورد جونس .

London .P.R.O P.Fo . 60 · TI

سال ۱۲۱۹ (۱۸۰٤) نامه‌های امپراطورفرانسه را بوسیلهٔ دو نفرتاجر ارمنی دریافت کرد .

دراین نامه‌ها ازطرف دولت فرانسه به‌برقراری مجدد روابط دوستانه میان دو کشور اشاره شده وناپلئون پیشنهاد کرده‌است که ازدوطرف بسرزمین روسیه حمله شود . فتحعلیشاه درمقابل این اقدام وپیشقدمی دولت فرانسه نامه‌ای بوسیلهٔ مارشال برون سفیر دولت فرانسه‌درقسطنطنیه به‌ناپلئون ارسال داشت . فتحعلیشاه دراین‌نامه بنوبهٔ خود گوشزد میکند کـه عقد قرارداد اتحادی بادولت ایران ممکن است راه لشکرکشی بهندوستانرا برای امپراطوری فرانسه بازوتأمین کـند ویالااقل خاطر انگلیسیهارا نسبت بمستعمرات‌آسیائیشان نگران سازد (این پیشنهاد فتحعلیشاه و آشنائی دولت‌ایران بوضع جغرافیائی‌واهمیت سوق‌الجیشی خود موضوع‌نگرانیهای سایکس (۱) وراولنسن (۲) را تأیید میکند).

نامهٔ ارسالی‌بوسیلهٔ‌مارشال برون درتاریخ‌ژانویهٔ ۱۸۰۵ (شوال ۱۲۱۹)بپاریس رسید . دولت فرانسه پس ازدریافت نامهٔ فتحعلی شاه مصمم گشت که دوهیئت‌بطرف ایران اعزام دارد. سرپرستی‌یکی‌ازاین هیئتها به‌آمده‌ژوبر (۳) منشی و مترجم‌السنهٔ شرقی ودیگری به‌سروان رومیو (٤) سپرده شد .

دولت فرانسه مخصوصاً بنمایندگان خود دستورداد قبلا به‌قسطنطنیه روندو ازآنجا بدون‌آنکه کسی‌ازنوع مأموریت ومقصدآنان‌اطلاع حاصل کندبسوی‌ایران عزیمت کنند .

ژوبرمینویسد برای اینکه این مسافرت باموفقیت تـوأم باشد بایستی دستور دولت فرانسه کاملا رعایت گردد . پادشاه ایران نیزمخصوصاً باین نکته اهمیت‌زیادی قائل بود زیرا باب عالی نمیخواست واجازه نمیداد که مسافرین اروپائی از ایـالات

---

1 – Svkes
2 – Rawlinson
3 – Amédé Jaubert
4 – Romieux

آسیائی امپراطوری عثمانی عبور کنند. علاوه براین بایستی متوجه بود که اتباع دولتین روس وانگلیس که درامپراطوری عثمانی مشغول خدمت بودند اگر ازهدف مأموریت نمایندگان دولت فرانسه اطلاع می‌یافتند برای جلوگیری ازپیشرفت کار ایشان ازهیچ اقدامی کوتاهی نمیکردند بهمین علت بود که ژوبر درتاریخ ۷ ماه مارس ۱۸۰۵ مطابق ۲۳ ذیحجه‌پاریس‌را ترك گفت رعایت نهایت هزم واحتیاط بوی توصیه شد.

متأسفانه قبل‌ازرسیدن نمایندگان‌فرانسه بتهران هرهارفوردجونس‌ازموضوع مأموریت آنان مطلع شده بود.اوانس‌پیتکارن(۱) یکی ازجاسوسان ارمنی انگلستان ازتبریزمقرحکومت عباس میرزا بنمایندهٔ دولت‌انگلستان‌دربغداد اطلاع‌داد:«دونفر سفیر ازطرف‌دولت‌فرانسه‌قریباً بتهران‌خواهد رفت‌یکی‌ازطریق قسطنطنیه دیگری از راه بغداد.

میرزا رضاخان که حامل نامه‌های دوستانه است برای‌انعقاد معاهدهٔ‌اتحادی با ناپلئون بفرانسه خواهد رفت.من جدیت فوق‌العاده بخرج دادم بلکه رونوشت یکی از پیشنهادهارابرای اطلاع‌شمابدست بیاورم» باید متوجه بود که‌اگر پتیکارن‌موفق بتحصیل رونوشت‌مدارك وپیشنهادهای دولت فرانسه‌نگردیده لااقل‌مطابق شرحی که به‌سرهارفورد جونس‌نوشته‌معلوم میشود که‌از مضمون آنها اطلاع کامل داشته.زیرا پتیکارن چنین مینویسد:« دولت فرانسه درتمام ایران یکنفر نماینده خواهدداشت. دشمن یکی ازدو دولت دشمن دیگری تلقی خواهدشد.اگر دولت‌فرانسه مایل‌باشد بطرف هندوستان لشکر کشی کند شاه‌نه تنهابسپاهیان‌فرانسه‌اجازهٔ عبور خواهدداد بلکه تعهد کرده است باقوای نظامی باین لشکر کشی کمك‌نماید(۲)

پتیکارن اطلاعات خود رااز منبع موثق بدست آورده بود زیرا مواد معاهدهٔ فین کن‌اشتاین که‌بعدهامیان دولتین ایران وفرانسه بامضاءرسید شاهداین مدعاست،

---

۱ - Owanes Pitarn

۱ – نامهٔ مورخ ۱۱ مه ۱۸۰۶ اوانس پیتکارن به سرهارفورد جونس London·P.R.O.P..Fo.6o.TI که در تاریخ ۲۶ همان ماه به بغداد رسید.

تشکیلات سری ومکمل جاسوسی دولت انگلستان درایران سرهارفورد جونس رااز کمترین اقدام دولت فرانسه باخبر میساخت.

نمایندگان دولت فرانسه درماه آوریل بهقسطنطنیه رسیدندواز طرف روفن[۱] مشاور سفارت فرانسه کمکهای لازم درحق آنان بعمل آمد.دولت انگلستان که بوسیلهٔ نمایندگان خود در بغداد ازموضوع مسافرت مأمورین دولت فرانسه اطلاع حاصل کرده بودتمام مساعی خود را برای خنثی کردن اقدامات آنان بکاربرد.

نخست رومیواز طریق بغدادحرکت کرد وبابرخورد باشکالات فوق العاده زیاد درتاریخ ۲٤ سپتامبر ۱۸۰۵ (۲٦ جمادی الثانی ۱۲۲۰) وارد تهران شد و بخدمت فتحعلیشاه رسیدونامهٔ مورخ ۳۰ ماه مارس ۱۸۰۵ ناپلئون را تسلیم نمود :

« سلام بناپارت امپراطورفرانسویان بفتحعلیشاه امپراطورایرانیان .

« باید باور کنم قوای مافوق الطبیعه یی که ناظر مقدرات کشور ها میباشند میخواهند که من بکوششهایی که تو[۲] در راه تأمین قدرت امپراطوری خود بخرج میدهی یاری کنم. زیرا دریك موقع یك فکر بخاطرما خطور کرد- مأمورین حامل نامههای ما همدیگررا درقسطنطنیه ملاقات کردند ودرحینی که حاکم تودرتبریزبا نمایندهٔ من درحلب مکاتبه میکرد من بنمایندهٔ خود مأموریت دادم باحکام سرحدی ترك رابطه برقرارسازد .

« بایستی تابع الهامات یزدانی بود-زیرا خداوند شاهزادگانرابرای خوشبختی ملل آفریده است ووقتی درهرچند قرنی مردان بزرگی رامبعوث میکند ارادهٔ خود رابرای تطبیق نقشههای آنان بهآنها تحمیل مینماید وافتخارات آنانرا فزونی میدهد وارادهٔ ایشانرا برای انجام عمل نیك قوی ترمیسازد .

« ماچه اختلاف نظری میتوانیم داشتهباشیم ؟ ایران نجیب ترین ناحیهٔ آسیا و فرانسه اولین امپراطوری مغرب است. آیا سلطنت کردن بر کشورهایی که طبیعت مایل است آنها را زینت داده و بامحصولات فراوان ثروتمند سازد آیا فرمان دادن بمردان

1-Ruffin

۲ـ استعمال کلمهٔ « تو » احترام متقابل و یگانگی میان دو پادشاه را میرساند .

صنعت گروباهوش وجسوری که سکنهٔ این کشورهاراتشکیل میدهند بهترین تقدیر نیست ؟

«درروی، زمین امپراطوری هایی وجوددارد که در آنجا طبیعت ناساز گار و بی‌ثمرمایحتاج‌ضروری ملتهارا بادریغ تولید میکند . دراین کشورهامردم مضطرب وحریص وحسود بدنیا میآیند .

«بدابحال سکنهٔ ممالکی که آنجارا خداوند شامل فیض خود قرار داده و از انواع نعم برخوردارمیسازد ولی شاهزادگانی بآنها عنایت نمیکنند که قادر باشند آنانرا درمقابل اقدامات جاه طلبانه وحرص وولع وفقرحمایت کنند .

«روسها که درصحاری خود دررنج و ملالند ببهترین قسمتهای امپراطوری عثمانی‌دست‌اندازی میکنند.انگلیسیان درجزیره‌ای که‌ارزش‌آن برابر کوچکترین ایالات امپراطوری تونیست محبوس هستندحرص‌ثروت‌آنان‌راتحریك کرده‌است که درهندوستان قدرتی‌ایجاد کنند که‌روزبروز خطرناکترمیشود.اینها ممالکی هستند که بایستی مراقبت کرد وازآنها ترسید . نه‌ازلحاظ اینکه قوی‌هستند بلکه برای اینکه احتیاج وعلاقهٔ مفرط دارند که قوی شوند .

«یکی ازخدمتگزاران من اولین علائم دوستی مرا بتوابلاغ کرد . شخصی را را که امروزپیش تومیفرستم بخصوص موظف است درپیرامون افتخارات وقدرت و احتیاجات ومخاطرات تواطلاعاتی بدست بیاورد ،شخصی است جسوروعاقل‌احتیاجات رعایای تورا تشخیص خواهدداد تابی‌باکی وشهامت‌آنان باکمك صنایعی که‌هنوزدر مشرق شناخته نشده وباوضع فعلی دنیا ومغرب زمین شناسایی‌آنها به‌تمام‌ملل‌جهان لازم وضروراست مورد استفاده قرار گیرد .

«من اخلاق ایرانیان‌را میشناسم ومیدانم که بانشاط وسهولت‌آنچه‌را که برای افتخارات وامنیت ایشان ضروریست میآموزند . ولی وقتی رعایای‌توتوانستند اسلحه بسازند ، وقتی‌سربازان‌توتربیت‌یافتند تابتوانند دریك‌مانورسریع جمع‌شوندومتفرق گردند ، وقتی یادگرفتند که حملهٔ شدیدی‌را باآتش توپخانهٔ متحرك پیش ببرند

بالاخره وقتی سرحدات تو بوسیلهٔ قلاع متعدد محفوظ گردید ودریای خزر شاهد اهتزاز بیرقهای نیروی دریائی ایران شدآنوقت تویك امپراطوری غیرقابل تعرض و رعایای شکست ناپذیرخواهی داشت .

«من باید روابط مفیدرا باتو ادامه‌دهم. من ازتوخواهش میکنم خدمتگزاری راکه‌برای تومیفرستم بامحبت قبول کنی . من نیزاشخاصی‌راکه بدربار من خواهی فرستاد باملاطفت خواهم پذیرفت . من مجدداً برای تو عنایت یزدانی ویك سلطنت طولانی ومتعالی وعاقبت مسعودی راآرزومیکنم .

«درکاخ امپراطوری من درتویلری[1] پاریس بتاریخ ۹ ژرمینال[2] سال ۱۳ (۳۰ مارس ۱۸۰۵) سال اول سلطنت‌من تحریریافته (ناپلئون) . وزیر روابطخارجی شارل موریس‌تالیران[3]».

ولی رومیو که براثر اشکالات مسافرت وزحمات راه خسته و فرسوده بود مریض شد و ده روز پس از ورودش بتهران درگذشت ودرمدت کوتاه اقامت خود در تهران با وجود ضعف و ناتوانی گزارش قابل توجهی تهیه کرد و برای ناپلئون فرستاد .

ژوبر که ازطریق ارز روم بمسافرت خود ادامه میداد بنا بدستوربابعالی‌باتهام جاسوسی ازطرف پاشای بایزیدمحبوس شد وچهارماه درحبس بود تابالاخره‌درنتیجهٔ مداخله واعتراض دولت ایران بپاشای بایزید آزاد شد ودرپنجم ماه ژوئن ۱۸۰۵ (۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۰) بتهران وارد شدواعتبارنامهٔ مورخ ۱۶ فوریهٔ ۱۸۰۵ (۱۶ذیقعدهٔ ۱۲۱۹) خودرا تقدیم فتحعلیشاه کرد :

«بناپارت امپراطورفرانسویان بفتحعلیشاه امپراطورایرانیان :

«من همه جا مأمورینی دارم تاآنچه‌راکه برای شناسایی من لازمست اطلاع دهند . من‌بوسیلهٔ آنان‌میدانم درکدام محل وچه موقعی میتوانم بشاهزادگان‌وملل

1–Tuilerie

2 – Germial

3-PaRis.A.E.P.dos.8.Fol.24

که مورد علاقهٔ من‌هستند نصایح دوستانه ابلاغ کرده بانفوذ و قدرت خود مساعدت کنم.

«شهرت وافتخار که وسیلهٔ تبلیغ است شخصیت و کارهای مرا بتو شناسانده است. تومیدانی من چگونه ملت فرانسه‌را مافوق همهٔ ملل مغرب قراردادم و با چه علائم مشخصی توجه خودرا نسبت بسلاطین مشرق زمین نشان دادم وچه عللی سبب شد که پنجسال قبل ازتعقیب نقشه‌هائی که برای افتخاروخوشبختی ملل آنان داشتم صرف نظر کنم[1].

«ایران سرزمین‌نجیبی است که طبیعت آنرا از عطایای خود برخوردارساخته است. سکنهٔ آن مردم باهوش‌و بی‌باکی هستند که شایستگی‌حکومت شایسته‌دارند. معلوم میشود ازیکقرن باین طرف عدهٔ زیادی ازاسلاف تولیاقت فرمانروائی به این ملت‌رانداشته‌اند زیراآنان‌این‌ملت‌را بحال خودرها کرده‌اندتازجر ببینندودرجنگهای خانگی از پای در آیند.

«نادرشاه جنگجوی بزرگی‌بود که موفق‌شد قدرت بزرگی‌تحصیل کند. وی در مقابل مفسده‌جویان‌سهمگین ودر برابرهمسایگان‌خودمهیب بود. بردشمنان خود غالب آمد وباافتخار سلطنت کرد وی این فرزانگی رانداشت که هم‌بفکر حال وهم بفکر آینده باشد اخلاف وی جانشین وی نشدند. بنظر من تنها محمدشاه‌عموی تو مانند یك شاهزاده‌فکر کرده‌وزندگی‌نموده است. وی‌قسمت‌اعظم ایرانرا تحت‌فرمان خودقرار داد وسپس قدرت سلطنت‌را که بوسیلهٔ فتوحات خود بدست آورده بودبتو تفویض کرد. تواز وی تقلید کرده واز نمونه‌هائی که‌بتوداده‌جلوتر خواهی رفت. تونیز مانند وی‌خودرا ازنصایح ملت‌تاجری که در هندوستان زندگی‌وتاج‌و تخت‌سلاطین رامعامله‌میکند برکنارخواهی داشت ـ توارزش‌دولت خود را در مقابل‌دولت روسیه که اغلب بقسمتی از امپراطوری تو مجاور خاك آن دولت تجاوز میکند، قرار خواهی داد.»

۱ــ دراینجاناپلئون بقتل‌پل اول امپراطورروسیه که در سال ۱۸۰۰ اتفاق افتاد اشاره میکندکه نقشهٔ اشغال هندوستان راازطریق ایران عقیم گذاشت.

«یکی از خدمتگزاران بسیار صدیق خودرا که نزد من وظیفهٔ مهمی را عهده‌دار است پیش تو میفرستم. بوی مأموریت داده‌ام که احساسات مرا برای تو بیان کند و آنچه را که بدو اظهار خواهی داشت بمن گزارش دهد. من بوی امر میکنم بقسطنطنیه برود زیرا میدانم که یوسف و اسیلویتز[۱] یکی از رعایای تو که مأمور رساندن پیشنهادهای مودت آمیز تواست بآنجا رسیده‌است. خدمتگزار من ژوبر نسبت بمأموریت این ایرانی مطالعه خواهد کرد واز آنجا ببغداد خواهد رفت ودر آنجا رومیو یکی ازنمایندگان باوفای من دستورات وسفارشهای لازم بوی خواهد داد تادربار ترا مطلع سازد. وقتی ترتیب این ارتباط برای یکمرتبه داده شد هیچ مانع وجود نخواهدداشت که همواره ادامه یابد.

«تمام ملل محتاج یکدیگرند ـ مردم مشرق زمین ذکاوت و جسارت دارند ولی عدم اطلاع از بعضی صنایع و بی‌اهمیت شمردن بعضی قواعد انضباطی که قدرت و فعالیت سپاه را چندین برابر میکند به آنان ضررهای جبران ناپذیر هنگام جنگ بر ضد شمالی‌ها و مغرب زمینی ها میرساند ـ امپراطوری نیرومند چین سه بار فتح شده وامروز نیز یك ملت شمالی در آنجا حکومت میکنند.

«تو بچشم خود می‌بینی انگلستان، یك ملت غربی، که میان ما تعدادجمعیتش ازهمه کمتر ووسعت اراضیش ازدیگران کوچکتر است چگونه تمام دولتهای هندوستان را بلرزه درآورده است.

«تو آنچه‌را که مایل هستی بمن اطلاع خواهی داد وماروابط دوستی وتجاری را که سابقاً میان امپراطوری تو ومن وجود داشت تجدید خواهیم کرد ـ متحداً برای ازدیاد قدرت وثروت ملتهای خودمان اقدام خواهیم نمود.

«ازتوخواهش میکنم ازخدمتگزار باوفای من که پیش تو میفرستم خوب پذیرایی کنی من بتوعنایات یزدانی یك سلطنت طولانی وبا افتخار و یك عاقبت سعادتمند آرزومیکنم[۱].»

1- Ossefph – Vassilovitz

2- Paris.A.E.P.dos.8.Fol.227-222

دراین نامه‌ها ناپلئون ازبرقراری روابط دوستانه صحبت میکند ونشان‌میدهد دولت ایران بااستفادهٔ ازتسلیحات اروپائی درارتش خود چه قدرتی می‌تواند بدست بیاورد . ولی درواقع مأمورین‌فرانسوی موظف بودند فقط‌ازوضع‌ایران اطلاع‌حاصل کنند . ژوبرازفرط خستگی مسافرت ناخوش بود فتحعلیشاه ازترس‌اینکه‌مبادا وی نیزمانند رومیوتلف شود باعجله نمایندهٔ فرانسه‌را مرخص کرد ژوبراطلاعات‌مفیدی باخود همراه داشت ودرآغازسال ۱۸۰۷ (۱۲۲۱) وارد پاریس شد وی توانسته بـود روابط حسنه با دربار تهران برقرار سازد بدون آنکه تصمیم مفیدی دربـارهٔ ایران گرفته شود .

معاهدهٔ فین کن اشتاین[1] و هیئت نمایندگی ژنرال گاردان[2]

فتحعلیشاه پیشنهاداتی بوسیلهٔ ژوبر بدولت فرانسه تسلیم کرد ـ سرهارفورد جونس کنسول انگلیس دربغداد بفاصلهٔ چندروزی موفق شد اطلاعات دقیقی دربارهٔ این پیشنهادها که برای دولت انگلیس فوق‌العاده مفید بود بدست بیاورد ـ پس از فتح ایلو[3] تصمیم ناپلئون درانجام نقشهٔ خود یعنی وارد کردن ایران درمدارسیاست جهانی راسخ گردید. زیرا بااین ترتیب دولت ایران ازیکطرف درسمت جنوب قفقاز بتعرض مبادرت میورزیدواین تعرض بنفع ارتشهای فرانسه وبضرردولت روسیه تمام میشد ازطرف دیگرباجرای این سیاست ممکن بود نقشهٔ حملهٔ بهندوستان بکمك ایرانیان عملی گردد. این بود که پس‌ازفتح ایلو ناپلئون امپراطورفرانسه لازم‌دانست درنامهٔ مورخ ۱۷ ژانویهٔ ۱۸۰۷ (۸ ذیقعدهٔ ۱۲۲۱) که بوسیلهٔ دولابلانش بفتحعلیشاه فرستاده شد فتوحات خودرا درپروس وروسیه اعلام کرده احیاء مجدد دولت لهستان رااطلاع دهدوپادشاه ایران‌را برای حملهٔ بگرجستان ترغیب کند ماازلحاظ اهمیت تاریخی درزیرترجمهٔ نامهٔ ناپلئون‌را درج میکنیم:

«سلام ناپلئون امپراطورفرانسویان وپادشاه ایطالیا بفتحعلیشاه‌پادشاه‌ایرانیان من‌مراتب مودت خودرا بتوتقدیم داشته‌ودوتن ازخدمتگذاران باوفای خودرا پیش توفرستادم. جسدیکی‌از آنان درحین انجام مأموریت بعنوان وثیقه‌پش توماند دیگری‌مأموریت خودرا کاملابجاآورد ومن‌ازافکارتونسبت‌بخودم وازمساعی‌متهورانه

---

1 - Finkenstein

2 - Gardane

3 - Eylau

وپیروزیهای توبرضد دولت روسیه مطلع گردیدم . ازپیشرفتها وتوفیقهای من نیز اطلاع حاصل کن شاید این موفقیتها برای تومنبع الهام اعتمادجدید باشد . من امپراطوری خودرا برای استقبال دشمنان خود ترك کردم . لشکریان آنان تار ومارشد و دریك حرکت پانصد فرسخی من تمام نواحی راتحت اطاعت خود درآوردم: پروس فتح شد وشکستهای خونین روسها مرا بتونزدیك کرد دشمنان من همه‌جا مواجه باشکست شده و درحال فرار بآنطرف نیمن (۱) رانده شدند ودرسرحدات خود که لشکریان من درتعقیب آنان هستند محصور میباشند ورشو (۲) آنجا که من هستم پایتخت یك امپراطوری بزرگی بود که سابقاًروسیه‌را تحت سلطهٔ خودداشت ولحظه‌ای تحت الشعاع قرار گرفته بود میتواند اکنون مجدداً شکوه خودرا از نوتحصیل کند . لهستان دوباره سلاح بدست گرفت ولشکریان وی فاتح هستندودولت جدیدلهستان تشکیل یافته است ـ توازجانب خود بدشمنانی که فتوحات من آنانرا درکمال ضعف ونومیدی تسلیم میکنند بشدت حمله کن ـ دوباره از آنان گرجستان وتمام ایالاتی را که جزء امپراطوری توبود پس بگیرودروازه‌های خزررا که مدتها مدخل این ایالات‌را حراست ونگهبانی میکرد بروی آنان به‌بند ـ اقبال توچشم دشمنان تورا نابینا کرد ـ بااینکه آنان در مشرق و در مغرب تحت فشار قرار گرفته‌اند جرأت کرده‌اند جنك را برضد بابعالی اعلام کنند ـ شك نیست که‌یك قوهٔ نامرئی همان قوه‌ای که باعث فتوحات من گردیده‌و بافتخارتومراقبت ونظاره میکند میخواهد دشمنان‌را که کور کورانه برضدقوای سه دولت مقتدرمسلح شده‌اند بانهدام سوق دهد ـ هرسه مشورت کنیم ویك اتحاددائمی برقرارسازیم من برای انعقاد این اتحاد منتظرسفیرتوهستم ـ درائنای فتوحات خود مراتب مودت خودرا نسبت بتوتجدید میکنم ـ من شمول عنایات یزدانی ویك سلطنت باافتخار وطولانی وسرانجام باسعادتی‌را بتوآرزومیکنم .

درکاخ امپراطوری من درورشو بتاریخ ۱۷ ژانویهٔ ۱۸۰۷ ازسال سوم سلطنتم تحریریافت (۳).

1— Niemen
2-Varsovie
3-Paris.A E.P. dos. 9. fol· 103

فتحعلیشاه‌بااعزام‌محمدرضاخان بعنوان سفارت که حامل هدایای گرانبهائی بارزش ۳۳۲۶۰۰ فرانك‌بود[۱] بنامهٔ ناپلئون‌جوابداد. سفیرایران درقرارگاه فین کن اشتاین درپروس شرقی بحضور ناپلئون رسید. درنتیجهٔ این اقدامات و اعزام نماینده ازطرف دولت ایران معاهده ای میان دولتین ایران و فرانسه در تاریخ چهارم ماه مه ۱۸۰۷ (۲۵ صفر۱۲۲۲) در فین کن اشتاین بامضاء رسید که بهمین اسم معروفست. مادرزیر مواد مهم این معاهده را شرح میدهیم.

الف - تعهدات‌دولت فرانسه نسبت بدولت ایران : مطابق موادابن‌معاهده ناپلئون تمامیت ارضی ایرانرا تضمین کرده وقبول دارد که گرجستان‌متعلق بایران‌و حق مسلم‌ایران است - مطابق مادهٔ ٤ معاهده امپراطورتعهد میکند تمام‌مساعی‌خود را بکاربپبرد تا دولت روسیه‌را باعقد معاهده‌ای وادار کنند که گرجستان واراضی‌ایران را تخلیه کند. این مسئله موضوع سیاست دائمی اوست وعملی‌شدن‌آنرامصراً تقاضا خواهد کرد.

ناپلئون همچنین تعهد میکند توپ وتفنك بدولت ایران تحویل‌دهدو افرادو افسران لازم برای تربیت ارتش ایران اعزام دارد.

ب - تعهدات دولت ایران‌دربرابر دولت‌فرانسه: فتحعلیشاه تعهد میکند بابریطانیای کبیرقطع رابطه کند و بلافاصله بآن دولت اعلان جنك بدهد. مطابق مادهٔ ۱۰ این معاهده اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد میکند تمام نفوذ خود را بکار ببرد تاافاغنه وسایرطوایف قندهاررا برضد دولت انگلستان متحد گرداند. پادشاه ایران‌همچنین متعهد میشود که قوای دریائی‌دولت فرانسه‌را دربنادرخودقبول کرده وبتمام لشگریانی که‌ناپلئون ازراه خشکی برضد دولت انگلستان بهندوستان‌خواهد فرستاد اجازهٔ عبوردهد.

---

۱ - سیاههٔ هدایای تقدیمی ازطرف سفیرایران باعلیحضرت امپراطورفرانسه

Paris Atchives Natianales : fond de Secretairerie d' Etat : Coesulat et Empire A.F.IV 1696

ج ـ مواد مشترك : درمادهٔ ۱ قید شده که صلح ودوستی و اتحاد دائم میان اعیحضرت امپراطورفرانسویان وپادشاه ایطالیا واعلیحضرت امپراطور ایران برقرار خواهد شد. این‌اتحاد درعین حال‌برضد دولتین‌انگلستان‌وروسیه متوجه میباشدزیرا در مادهٔ ۹ این معاهده مقرر است درهرجنگی که دولین انگلستان و روسیه برضد دولتین ایران و فرانسه متحد گردند دولتین فرانسه وایران نیز متحد خواهند شد و بلافاصله پس از اعلام رسمی جنك ازطرف یکی‌از دو دولت‌امضاء کننده که مورد تهدید یاحمله قرار گیرد دو دولت متفقاً برضد دشمن‌مشترك اقدام خواهند کرد .

ناپلئون دردستوری که بتاریخ ۲۲ آوریل ۱۸۰۷ (۱۲ صفر ۱۲۲۲) بآمیرال دوکرس[۱] وزیر دریاداری امپراطوری داده تعداد نفرات ومقداراسلحه‌ای‌را که میخواهد بایران بفرستد بشرح زیرتعیین میکند :

چهارهزار پیاده . ده هزارتفنك ، وپنجاه عراده توپ . ناپلئون همچنین‌ژنرال سوار گاردان‌رادررأس هیئتی مأمورایران کرده‌وحرکت ویرادرنامهٔ مورخ ۲۰ آوریل بپادشاه ایران اطلاع داد :

« سلام ناپلئون امپراطور فرانسویان و پادشاه‌ایطالیا بفتحعلیشاه امپراطور ایران :

شاهزادهٔ‌بسیاربزرك وبسیارتوانا وپیروزمند ـ میلی که مابرای‌تحکیم روابط دوستی موجود میان امپراطوری خود و اعلیحضرت شما داریم مارا برآن داشت که ژنرال گاردان را بعنوان وزیرمختاربحضورآن اعلیحضرت بفرستیم . اجدادش افسر دربارامپراطوری درگذشته برای نزدیکی دوامپراطوری خدمت کرده‌اند وی نیز دنبالهٔ کارآنانرا تعقیب خواهد کرد . بعلت فداکاری بشخص ما و بمناسبت خدمات نظامی خویش گاردان خودرا شایستهٔ انتخاب ماقرارداد ـ ماافسرانی‌را که‌همراه‌وی

---

1 - Ducrés

هستند درارتش خود انتخاب کردیم همگی درفتوحات ما برضد روسیه سهیم بوده‌و با همان همت وپشتکار عملیات اعلیحضرت شمارا برضد دشمن مشترك یاری‌خواهند کــرد .

باتشخیص‌اینکه انتخاب چنین وزیرمختار ممتازی‌خوش‌آیندا‌علیحضرت‌شما واقع خواهدشد تمنی دارم‌آنچه‌را ازطرف ماباعلیحضرت شما اظهارخـواهند داشت باکمال اعتماد قبول فرمایند . بخصوص وقتیکه وی مراتب دوستی‌دائمی‌وعلاقهٔ مارا برای اعتلای اعلیحضرت وممالك اعلیحضرت وبه برقراری یك اتحاد محکم‌میان‌دو امپراطوری تجدیدخواهد کرد.ماباعلیحضرت شما شمول عنایات یزدانی‌ویك‌سلطنت طولانی وپرافتخار وسر انجام سعادتمند راآرزومندیم.

بتاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۰۷ از سال سوم سلطنت مادر قرارگاه‌امپراطوری مادر فین کن‌اشتاین تسلیم گردید- (ناپلئون)وزیر اعلیحضرت‌امپراطوری‌فرانسه وپادشاه ایطالیا شارل موریس تالیران[۱]

باهیئت اعزامی‌ژنرال گاردان‌دوازده‌نفرغیرنظامی‌همراه‌بودند ازاینقرار: برادر گاردان-روسو-لازار[۲] -منشی ژوآنن[۳] مستشرق اسکالن[٤] مترجم- یکنفر طبیب وچهارنفر کشیش.پانزده‌نفرنظامی‌،اعضاء این هیئت‌نیزعبارت‌بودند ازتزل[٥] (که‌بعدها بدرجهٔ مارشالی‌فرانسه نایل شد) آجودان گاردان‌،سروان لامی[٦] ستوان فابویه[۷] برتران[۸]ودو نفر افسرپیاده-نکتهٔ‌قابل توجه‌اینست که‌روسوطرز تشکیل و اعزام این هیئت را در گزارشی که درتاریخ اول ماه مه ۱۸۰۶(۱۲ صفر۱۲۲۱) از حلب به‌تالیران‌فرستاده تلقین کرده است:درصورتیکه اعلیحضرت بخواهنداشخاصیرا

---

1 – Paris.A.E p.aos.9.fol.147
2 – Lazard
3 – Iouanin
4 – Escalon
5 – Trezel
6 – Lamy
7 – Fabvier
8 – Bertrand

باسمت‌های رسمی برای بستن قراردادی باشاه‌ایران بدربار تهران اعزام‌دارند ممکن است مذاکرات تهران شامل دربار شاهزادگان افغان نیز بشود تااز طرف آن ملت جسوروجنگجو درناحیهٔ‌بنگال بیک‌حملهٔ‌عمومی‌مبادرت گردد . واین‌ناحیه‌ازتصرف دشمنان‌ما خارج‌شود .

پس‌من نظرخودرا راجع‌باعضاء سفارتی که درصورت‌تمایل اعلیحضرت‌بایستی بایران اعزام گردد باطلاع جنابعالی میرسانم : یك‌رئیس بااختیارات تام چند معاون یك منشی یك افسر مهندس یك افسر نیروی دریائی یك عالم طبیعی دان یك طبیب یك نقـاش یك گارد احترام مرکب از ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر سربـاز و سایر خدمتگذاران (۱)

دستورات وتعلیماتی که‌به گاردان داده‌شده‌بتاریخ ۱۰مه۱۸۰۷ است : گاردان مأموریت‌داشت دشمنی ایرانیان‌را برضد روسیه وانگلستان تشدید کند وآتش کینهٔ ایرانیانرا برضد روسیه تندتر بسازد ــ ایران بایستی روسها را دشمنان طبیعی خود بدانـد .

روسها گرجستانرا ازایران منتزع‌ساخته وبهترین ایالات‌ایرانرا مورد تهدید قرارداده‌اند . سلسلهٔ قاجار را هنوز برسمیت نشناخته و از آغاز تأسیس این سلسله همواره‌باوی درجنك بوده‌اند ــ ژنرال گاردان موظف بود تمام این بـد رفتاریها و خسارات‌را تذکر دهد .

وی‌همچنین دشمنی ایرانیانرا برضد روسیه دامن زند وآنانرا به بذل مساعی جدید برای تهیهٔ لشکر زیاد ترغیب کنـد . دولت ایران بایستی تعرض شدید در سرحدات روسیه‌آغازنماید . ومخصوصاًبایستی ازموقعیتی که روسهارا مجبورساخته است قسمتی از سپاهیـان خود را باروپا اعزام داشته و جبههٔ قفقاز را ضعیف کرده استفاده کنند وایالاتی‌را که روسها بزوراسلحه وتحریکات ازایران منتزع ساخته‌اند باز گیرد .

گاردان‌بایستی سعی کند یك‌پیمان اتحادمثلث میان‌دولتهای فرانسه‌وعثمانی

---

۱ – Paris.A.E . p . dos . 9 fol . 50

وایران منعقد سازد تااینکه بابعالی وایران بتوانند عملیات خودرا میان دریای‌سیاه ودریای خزر متمرکز سازند. گاردان همچنین موظف‌بود سازمانهای نظامی‌ایرانرا منظم‌سازد وبامشاورهٔخود بارتش‌ایران کمك کند.

بالاخره‌مأموریت‌داشت دربارهٔ نقشهٔاشغال هند با ۴۰ یا۵۰ هزارنفر فرانسوی وهمان عده‌سرباز ازدسنجات‌ایرانی وسیخ‌مطالعه کند.

هیئت نظامی فرانسوی درتاریخ ۲۵شوال ۱۲۲۲ (۲٤ دسامبر ۱۸۰۷) بتهران واردشد ومعاهدهٔ فن کن‌اشتاین درمیان احساسات مردم‌ودربار بامضاء رسید ودر ۲۲ ذیقعدهٔ (۲۱ ژانویهٔ ۱۸۰۸) قرار داد دیگری متضمن شش‌ماده دایربتسلیم ۲۰ هزار قبضه‌تفنگ ازطرف دولت فرانسه میان دولتین ایران وفرانسه منعقدشد (۱) ودر۲۷ همین ماه (۲٦ ژانویه) یك معاهدهٔ تجارتی در۲۳ ماده تنظیم و بامضای میرزا شفیع صدراعظم و ژنرال گاردان نمایندگان دو دولت رسید (۲) مادر زیرا هم مطالب این معاهده‌را درج‌میکنیم:

مواد یك، دو، سه، چهار، شش، ده، یازده. دوازده، سیزده، چهارده. پانزده، بیست، بیست و یك، بیست و دو و بیست و سه مربوطست بتنظیم مسائل دیپلماسی، حقوقی، تجاری، اقتصادی، مذهبی اتباع دولت فرانسه ساکن ایران وروابط‌میان ایرانیان وفرانسویان.

مواد پنج وهشت‌ونه میزان عوارض گمرکی‌را تعیین‌میکند.

مواد هفت و شانزده و هیجده مقررات مربوط بمحمولات دریائی‌و کشتیهای تجارتی و کشتی‌های جنگی را روشن میسازد. بالاخره مطابق مادهٔ۱۷ این معاهده جزیرهٔ خارك بدولت فرانسه واگذار میشود بشرطی که با مساعی این دولت ایالات گرجستان و شهرهای قفقاز که از طرف روسها اشغال شده بدولت ایران مسترد گردد.

---

1 - Paris . A . F . P . dos . 9 . Fol 310 - 12

۲ - ترجمهٔمعاهدهٔ تجارتی که درژانویهٔ۱۸۰۸ میان‌دولتین ایران‌وفرانسه‌منعقدشده Paris AEP dos 9 fol, 366 370

دولت انگلستان دراین موقع تمام فعالیتها ومساعی خودرا بکاربرد تااقدامات هیئتی‌را که شهرت آن مدیون‌معروفیت دولت‌فرانسه وافتخارات ناپلئون‌است مواجه باشکست کند .

پس‌از ورود بتهران گاردان تمام‌هم خود را برای انجام وظیفهٔ اصلی خود که لشکرکشی بطرف هندوستان بود مصرف کرد تااین مأموریت‌را بنحو احسن انجام دهد . تمام‌راهها ونقاط سوق‌الجیشی مطالعه‌شد .

خط سیر دستجات ترسیم و بنادر دو دریا با نهایت دقت از طرف هیئت دولت فرانسه مورد بازدید قرار گرفت - برای جلب حمایت کامل فتحعلیشاه لازم بود که دولت‌فرانسه دولت‌ایرانرا درمسئلهٔ گرجستان کاملاراضی کند . بدین منظور گاردان باکوشش خستگی ناپذیربتجدید سازمان ارتش ایران همت گماشت - یك کارخانهٔ توپ‌ریزی دراصفهان‌ایجادشد ، فابویه (۱) بتأسیس یك‌توپخانه صحرائی موفق گشت ودرتهران زرادخانه‌ای تأسیس کرد وبیست‌عراده توپ‌مجهزساخت وردیه (۲) که‌در تبریز تحت‌تعلیمات عباس‌میرزا کارمیکرد درمدت‌خیلی کوتاه چهارهزار سربازبطرز اروپائی تربیت کرد

---

1 – Fabvier
2 – Verdier

فصل سوم

۲ - مرحلهٔ دوم جنگهای ایران و روس

از معاهده تیلسیت (۱) ژوئیه ۱۸۰۷ (ج۱۰-۱۳۲۲) تا معاهدهٔ بخارست ۱۸۱۲ (ج۱۰-۱۳۲۷)

تااواخر سال ۱۲۲۱ (۱۷۰۶) سپاهیان ایران درجبههٔ شمالغربی وجبههٔ دریای خزر بخصوص عملیات تدافعی انجام داره بودند. پس از شکست لشکریان ایران در سال ۱۲۲۱ (۱۰۰۸) روسها موفق باسغال شهرهای با کو ودربندوشیروان وشکی و گنجه شدند. ولی با وجود این فتوحات، روسها موفقیت‌های خود را جداً تعقیب نکردند زیرا جنك برضد ناپلئون درجبههٔ غرب تمام مساعی اطرافیان تزار را بخود معطوف ساخته‌بود بنابراین روسها درجبههٔ مشرق یك‌وضع تدافعی پیش گرفتند و این وضع تاانعقاد معاهدهٔتیلسیت ادامه‌داشت.

ملاقات و مذاکرات تیلسیت باعث‌ببهود روابط دولتین فرانسه وروسیه‌شد. در نتیجهٔ این مذاکرات تغییرات زیادی در اوضاع ایران چه درصحنهٔ عملیات نظامی و چه‌درزمینهٔ رواط سیاسی ودیپلوماسی بوجودآمد.

معاهدهٔ تیلسیت که درژوئیهٔ ۱۷۰۷ (ج۱۰» ۱۱۲۲) میـان دو دولت روسیه‌و فرانسه بامضاءرسید صلح‌را برای کشور فرانسه تأمین کرد وناپلئون را جهت اجرای نقشه‌های اروپائی خود تشویق نمود. ولی باید گفت که امضای این معاهده رضایت کامل امپراطوررا تأمین‌نکرد ونتیجه‌ای که ناپلئون درنظرداشت ازاین صلح بدست بیاورد حاصل نشد. زیرا ناپلئون تصمیم داشت بافکر آسوده از جانب اروپا مجدداً جنك دریائی را بر ضد امپراطووی انگلستان تجدید کند. ولی وی فرصت تهدید

---

1 - Tilsit

کردن دولت اخیر را دردریا و یا درجزیره نیافت زیرا اتحادیهٔ اروپا قبل از آنکه تکمیل شود تجزیه شد واولین اختلافات ازمشرق پدید آمد ودرواقع همینکه ناپلئون باتزار معاهدهٔ اتحادرا امضاء کرد سیاست وی درمشرق قهراً مواجه با شکست گردید زیرا دولتین عثمانی وایران فقط بمنظور اقدام مشترك برضد دولت روسیه بـا دولت فرانسه نزدیك شده بود .

هنگام امضاء معاهدهٔ تیلسیت ناپلئون بی اعتنائی کرد و مسئلهٔ ایرانرا بمیـان نیاوردو کمترین توجهی دربارهٔ گزفتاریهای فتحعلیشاه ، مبذول نداشت . اطلاع ازاین معاهده برای شاه ایران فوق العاده ناگوار بوده وانعقاد این معاهده برای دولت ایران نتایج شوم و خطرناك داشت واین عمل ناپلئون را فتحعلیشاه در بارهٔ ایران خیـانت می دانست زیرالشکریان تزار که ازجبههٔ جنك لهستان آسوده و آزادشده بودندجنك راباشدت هرچه تمامتر برضد دولتین ایران وعثمانی آغاز کردند .

دولت عثمانی درنتیجهٔ مساعی سباستیانی [۱] سفیر کبیر فرانسه درقسطنطنیه در شوال ۱۲۲۱ (دسامبر ۱۸۰۶) برضددولتین روسیه وانگلستان دریك موقع اعلان جنگ داده بود . پس از قضایای تیلسیت عثمانیها تصمیم گرفتند با ایرانیان همکاری کنند وبمنظور مقابله باحملات سپاهیان روسی درجبههٔ مشرق متفقاً مقاومتی ایجاد نمایند . درنتیجهٔ این تصمیم عباس میرزا و یوسف پاشا سرعسکر ارزروم هر یك در رأس بیست هزار نفر بدشت آرپا جای نزدیك شدند نقشهٔ فرماندهان دو دولت این بود که سپاهیان عثمانی ازسمت مشرق ولشکریان ایران از سمت مغرب وارد گرجستان گردند .

گودوویچ [۲] که ازاین نقشه اطلاع حاصل کرده بود پیشدستی کرده وباعجله برای مقابله باسپاهیان ایران وعثمانی حرکت نمود ودر نزدیکی آرپاچای شکست سختی به لشکریان سرعسکر که هنوز با دستجات عباس میرزا تماس حاصل نکرده بودند وارد ساخت . توپخانهٔ عثمانیها منهدم شد ولشکریان سر عسکر متفرق شدند

1 – Sebastiani
2 – Goudowitch

وقتی سپاهیان عباس میرزا بکمك عثمانیها رسیدند ناظر شکست متفقین خود بودند و ناچار شدند درسمت ایروان عقب نشینی اجباری کنند .

این شکست لشکریان عثمانی وتصرف شهر آناپا [1] ازطرف نیروی دریائی روس عثمانیهارا بامضای متارکهٔ اوزون کلیسا درتاریخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۲۲ (۲ سپتامبر ۱۸۰۷) مجبورساخت درحالیکه جنك باایران تا ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بدون وقفه ادامه داشت .

Anapa-1 شهرو بندرقفقاز درساحل شمالی دریای سیاه بندر مستحکمی که بوسیلهٔ عثمانیها بناشده وپس ازامضای معاهدهٔ بخارست بدست روسها افتاد .

۳ - شکست نقشهٔ وساطت دولت فرانسه و عزیمت ژنرال گاردان

گودوویچ از نفوذ دولت فرانسه دردربار ایران سخت نگران بود لذا بمنظور ازبین بردن این نفوذ نمایندهٔ خود بارون‌ورد [1] رادر روزهای اول بهار سال ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بانامهٔ دوستانه ای بتاریخ ۲۵ مارس ۱۸۰۸ نزد ژنرال گاردان فرستاد . در این‌نامه گودوویچ برئیس‌هیئت اعزامی‌فرانسه چنین‌مینوشت : «ژنرال گمان میکنم شمابعنوان سفیر امپراطوری که اکنون باامپراطوری روسیه متحد و روابط دوستی نزدیکی دارد دولت ایرانرا از اشتباه بیرون حواهیدآورد زیرا یقین دارم که به‌شما تعلیماتی داده‌شده که درخطمشی دولت ایران که برضدمصالح دولت روسیه تشخیص داده‌میشود دخالت‌نکنید»

ژنرال گاردان پس‌از دریافت نامهٔ گودوویچ گزارشی بفتحعلیشاه داد . شاه در جواب گاردان خاطرنشان ساخت که گودوویچ بااین‌اقدام دسیسه‌میکند ومیخواهد حواس زمام داران ایران‌را مختل سازد . در همان موقعی که ورد در تهران مشغول مذاکره‌با گاردان‌بود دستجات‌روسی‌لاینقطع‌بشهرایروان‌حمله‌میکردند - تابالاخره درنتیجهٔ‌مداخلات وتقاضای‌مکررژنرال گاردان وباوجودمخالفت عباس‌میرزاقرارداد متارکه‌ای برای تسهیل جریان مذاکرات‌میان دولتین ایران‌وروس امضاءشد - لازار منشی سفارت فرانسه برای اعتراض نسبت باقدامات دولت روسیه و امضای قرار داد متارکه از تهران جهت ملاقات فلدمارشال گودوویچ فرمانده کل ارتش گرجستان حرکت کرد . ویکماه‌پس‌ازحرکتش دراواخراکتبر۱۸۰۸(رمضان۱۲۲۳)بقرارگاه گودوویچ درنزدیکی ایروان‌رسید . ولی‌وقتی‌لازار ازتحول‌اوضاع‌اروپااطلاع‌حاصل کردوازمذاکرات ارفورت [2] که‌درواقع‌متمم ومکمل‌قطعی صلح‌تیلسیت بودباخبر

---

1 - Wrede
2 - Erfurt

شد دیگر برای وی تردیدی باقی نماند که دیر یا زود ایران بحال خود رها خواهد شد . آندره دلریو (۱) درمجلهٔ بریطانیائی جلد پانزدهم سال هفتم مورخ ۲۵ مارس ۱۷۵٤ دراین باره چنین می‌نویسد : «لازار اعتراض بی‌ارزش را که قراربود ارائه‌دهد برای‌ابد درجیب‌خود پنهان کرد . عضوآیندهٔ آکادمی فرانسه مانند هنر پیشه‌ای که نقش خودرا درتآتر کمدی بازی میکند نه‌تنها دست گودوویچ را فشرد بلکه مانند دیپلماتی که حواسش جمع‌بود رفتار کرد وچنانکه فلدمارشال ایروان را درحضور نمایندهٔدولت‌فرانسه بایك‌حمله اشغال میکرد وی کلمه‌ای نمیگفت مثل‌اینکه‌ناپلئون شخصاً دربرابراو حاضربود .

پس از مراجعت ورداز ایران ژنرال گاردان نامه‌ای بتاریخ ۲ ژوئن ۱۸۰۸ (۷ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) به‌شامپانی (۲) وزیرخارجهٔ فرانسه نوشت . دراین‌نامه گاردان بمذاکرات میان‌دولتین ایران وروس اشاره کرده تذکرداد که این مذاکرات بدون دخالت یك‌دولت‌ثالث به‌نتیجه نخواهد رسید . بهمین جهت تقاضا کرد که مذاکرات درپاریس انجام یابد «بارون ورد ستوان توپخانه که از طرف فلد مارشال گودوویچ فرمانده ارتش روس در گرجستان بدربار ایران آمده‌بود نامهٔ مودت‌آمیز مورخ۲۱ ماه‌مه (۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) کنت گودوویچ‌را بمن تسلیم کرد ...

واضحست که ادعاهای دولت روسیه با ادعاهای دولت ایران وفق نمیدهد و مذاکرات بدون مداخله دولت سومی خاتمه پذیر نیست » . در همین نامه ژنرال گاردان تصریح کرده که‌فتحعلیشاه منافع‌خودرا دراختیار پادشاه عظیم‌الشأن‌فرانسه قرارداده وراضی‌شده‌است که مذاکرات‌درپاریس میان‌عسکرخان‌و کنت‌تولستوی (۳) باوساطت اعلیحضرت‌ادامه‌یابد .

ژنرال گاردان‌همچنین‌نامه‌ای بعنوان‌مارشال گودوویچ ارسال‌داشت دراین‌نامه

---

1 - André - Delrieux

2 - Champany

3 - Conte Tolstoy

نمایندهٔ دولت فرانسه ازمارشال‌روسی تقاضا کرد که رضایت‌تزاررا برای‌انعقادمعاهدهٔ صلحی میان دولتین ایران وروسیه درپاریس جلب کند . دراین مورد فتحعلیشاه نیز تعلیماتی‌بسفیرخود درپاریس‌داد وبوی اختیارات تام تفویض کرد تامذاکرات‌را بطور رضایتبخشی در پاریس خاتمه دهد. درهمین فرمان فتحعلیشاه ازامضای معاهده میان دولتین ایران وفرانسه صحبت کرده وبه‌عسکرخان فرمانده لشکریان ایروان وسفیر ایران در پاریس خـاطر نشان میکند که امضای معاهدهٔ صلح میان دولتین روسیه وفرانسه بانجام وعده‌های مکررامپراطوردایر باخراج سپاهیان روسی ازایالات‌ایران کمك کرده‌واشکالات موجودمیان‌دو کشوررابسهولت‌برطرف‌خواهد کرد .فتحعلیشاه بخصوص این نکته را تذکرمیدهد که نظربعلاقه واعتماد کامل نسبت بشخص ژنرال گاردان وبنابتوصیه‌وی منافع کشورایران بدست توانای اعلیحضرت امپراطورفرانسه سپرده شده سفیرایران بایستی تمام هم خودرا مصروف کند تامأموریتش‌بنحواحسن انجام یابد[۱]

ژنرال گاردان قبل ازاینکه به‌تقاضاهای دولت ایران جواب بدهدمنتظرنتیجهٔ اقدامات خود درپاریس نزد گودوویچ بود .

لازار ازمارشال گودوویچ در خواست کرد اقداماتی بعمل‌آورد تا دستورات جدیدی ازطرف تزاربرای تمدید مدت متارکـه تاشوال ۱۲۲۳ نوامبر ۱۸۰۸ صادر گردد شایددرفاصلهٔ این مدت ازتصمیمات ناپلئون وسن پطرزبرك درخصوص ایران اطلاع حاصل شود .

دولت‌انگلستان بنوبهٔ خودتشخیص داد که بعدازمعاهدهٔ تیلسیت موقع‌مناسبی است که وارد عمل گردد و دربار ایرانرا بطرف خود جلب کند . دولت بریتانیـا در این اقدام باندازه‌ای عجله کرد که دریك وقت دوهیئت ازطرف آندولت بخلیج‌فارس رسیدند .

هیئتی‌ازطرف فرمانفرمای هندوستان‌بریاست سرجان ملکم[۲] وهیئت‌دیگر

---

1 - Paris : A.E.P .9 fol.119
2 - Sir jhon Malcolm

ازطرف دولت انگلستان بریاست‌سرهارفورد جونس[1] نمایندهٔ انگلستان‌ازجریان حوادثی که‌به‌نفوذواعتبارنمایندگان دولت‌فرانسه درنزد فتحعلیشاه لطمه‌واردآورده بود استفاده کرد وپیشنهاد نمود که گرجستان رابزور از تصرف سپاهیان گودوویچ خارج سازد.

نظر باینکه جوابی از طرف ناپلئون بگزارشهای ژنرال گاردان و تقاضاهای دولت ایران نرسیده بود فتحعلیشاه اصرارداشت درصورتیکه دولت ایران بخواهد کمك دولت انگلستان را دریافت داردژنرال گاردان مخالفت نکند. نمایندهٔ دولت فرانسه دربرابر اصرارشاه دولت ایرانرا تهدید کرد که اگریکنفرانگلیسی وارد پایتخت گردد روابط دیپلماسی میان دولتین ایران و فرانسه قطع خواهد شد. فتحعلیشاه از جوابی که دولت عثمانی به سباستیانی‌داده بود استفاده کرده و اظهار داشت:

اگر فرانسویان بجای اینکه فاتح بشوند مغلوب میگردیدند چه حادثه‌ای بدترازاین برای مارخ میداد؟

فتحعلیشاه نمیدانست درمقابل پیشنهادهای دولتین فرانسه وانگلستان که هر دومیخواستند دولت ایرانرا برضددیگری وبرضد روسها حمایت کنند چه رویه‌ای اتخاذ نماید تابالاخره دربرابر تهدید نمایندهٔ دولت فرانسه خاطرنشان ساخت که گاردان نیزبایستی از بی‌طرفی دربارهای دول اروپائی و دولت عثمانی که آزادانه نمایندگان دول مختلف را میپذیرند متابعت کند.

درجبههٔ‌جنك بااطمینانی که ژنرال گاردان‌به‌فتحعلیشاه داده بود که‌سپاهیان روسی بدون اجازهٔ ناپلئون مجدداً تعرض نخواهند کرد قسمتی ازلشکریان تحت فرماندهی‌عباس میرزا وباوجود مخالفت شدیدوی مرخص شده بود. گودوویچ ازاین فرصت‌استفاده کرده وعلی‌رغم‌وعده‌های صریح گاردان‌درناحیهٔ ایروان‌بتعرض‌شدیدی مبادرت ورزید. دراینخصوص قسمتی ازگزارش مورخ ۱۹ اکتبر۱۸۰۸ (۱۸شعبان

---

1 – Sir harford jones

۱۲۲۳) سروان لامی افسر توپخانه‌را دایر بتهیهٔ مقدمات تعرض مجدد روسها ووضع لشکریان دردوطرف که بژنرال گاردان فرستاده شد درج میکنیم – «تعرض مجدد روسها ایرانیان‌را متحیرومتوحش کرد – بااطمینان‌اینکه جنگ تجدید نخواهدشد وسایل هیچ نوع مقاومتی‌فراهم نگردیده بود – بسواران وسربازان اجازه‌داده‌بودند بولایات خود مراجعت کنند تابتوانند محصول خودرا مراقبت وجمع آوری نمایند– این محصول که دردشت حاصلخیزایروان پخش شده بود بدست روسها افتاد و آذوقهٔ لشکریان دشمن‌را تأمین کرد – قلعهٔ ایروان که از حیث وسایل دفاعی ضعیف بـود اسباب نگرانی وناراحتی بود . . »(۱)

ازیکطرف ژنرال گاردان درتهران دولت را مطمئن ساخته و وعده مساعدت میداد ازطرف دیگربافسرانی که درخدمت ارتش ایران بودند دستورمیداد پستهای خودرا ترك کنند بطوریکه هنگام حملهٔ روسها درناحیهٔ ایروان و نخجوان افسران فرانسوی جداً ازشرکت درعملیات برضد روسها خودداری کردند . پس ازتیلسیت رفتارافسران فرانسوی درمیان سپاهیان تحت فرماندهی عباس میرزا بحدی‌ناشایسته وتأثر آوربود که شاهزادهٔ عباس میرزا مجبورشد چندین مرتبه احضار ورديه‌را که مأمورتعلیمات سربازان ایران بود تقاضا کند – در این خصوص نکریتا(۲) یکی از اعضای‌هیئت نظامی‌فرانسه درنامه‌ایکه درتاریخ ۱۷ ژانویه ۱۸۰۹(۳۰ذیقعده۱۲۲۳) بعنوان روفن (۳)نوشته به‌بی‌مهری ولیعهدایران نسبت به‌ورديه اشاره کرده میگوید نظربه‌اینکه وی نتوانست هنگام حمله روسها سربازان ایرانرا بمیدان جنگ هدایت کند مورد بی‌مهری شاهزاده قرار گرفت ...

۳۱ اکتبر۱۸۰۸(۲۲رمضان۱۲۲۳)صدراعظم‌نامهٔعباس‌میرزرا را در تهران‌باطلاع ژنرال گاردان رسانید و تقاضا کرد بسروان لامی وورديه که درتبریز هستند اجازه داده شود درجنگ برضد روسها همکاری ومساعدت کنند زیرا این افسران دربرابر

---

1 – Paris A.E.P. dos .10.fol . 299 - 302
2 – Necrita
3 – Ruffin

تقاضای عباس‌میرزا ازابراز مساعدت دراوضاع وشرایط‌حاضر خودداری کرده‌اند
دراین هنگام یعنی تمام ماه اکتبر (شعبان‌ورمضان۱۲۲٤)مطابق گزارش‌سروان
لامی‌روسها بتهیهٔ وسایل‌یك حملهٔ دامنه‌داری‌درطول‌سر حدات‌ایران بعملیات‌مشغول
بودند_درروز هفتم اکتبر عملیات روسها نشان میداد که‌برای گذشتن ازرود ارس
تهیه می‌بینند روز هشتم حرکت کرده و وارد دهکدهٔ شاملو درشش فرسخی شهر
ایروان گردیدند.

بااین ترتیب قصد مارشال‌معلوم است‌وباورودوی بخاك ایران‌هیچگونه‌تردیدی
برای شروع جنك باقی نمی‌ماند(۱) چنانکه سروان لامی در گزارش خود پیش‌بینی
کرده بود جنك در روزهای‌اول نوامبر ۱۸۰۸ (رمضان۱۲۲۳) شروع شدو قبلاًفلد
مارشال گودوویچ در نامهٔ مورخ ۲ سپتامبر (۱۱رجب)به ژنرال گاردان اطلاع داده
بود که تزارالکساندر وساطت دولت‌فرانسه را رد کرده ومایل است مستقیماً بادولت
ایران داخل مذاکره شود.

آقای سفیر کبیر

«درنتیجهٔ گزارشات اینجانب باعلیحضرت امپراطور که جنابعالی را بوسیلهٔ
فتحعلیخان نوری ازمضمون‌آنها مطلع ساختم اوامرمؤکد دریافت داشته‌ام وافتخار
دارم باطلاع‌جنابعالی برسانم که اعلیحضرت امپراطور رویهٔ مرا مبنی‌براینکه‌حاضر
نشدم متارکهٔ یکساله‌ای‌را که ازطرف دولت ایران پیشنهاد شده بودقبول کنم کاملاً
تأیید کرده است زیرا من‌برای قبول‌این پیشنهاد اختیارات‌تام نداشتم واین‌اختیارات
فقط برای انعقاد پیمـان صلحی براساس پیشنهادات خود اینجانب بود . اعلیحضرت
امپراطور نمیتواند ادامهٔ مذاکرات را در پاریس قبول کـند با اینکه اعلیحضرت
امپراطور نمیتوانست منافـع خودرا بشخص بهتری جزامپراطور فرانسه و پادشـاه
ایتالیادوست ومتحد خود بسپاردوبادرنظر گرفتن مراتب دوستی عمیقی که باشواهد
ودلایل متقابل بثبوت رسیده و باوجود منـافع بزرگی که ممکن بود از وساطت

---

۱ -گزارش سروان لامی Paris : A.E.P. dos . 10 fol . 299

دولت‌فرانسه عایدامپراطوری روسیه گرددااعلیحضرت امپراطورنمیتواند باین‌وساطت استعانت جویدزیرا موقعیت جغرافیائی سه دولت باین عمل اجازه نمیدهد ـ فواصل زیادی که میان کشورفرانسه ودودولت دیکروجود دارد تمام مزایای این وساطت‌را برطرف میسازد ومذاکرات‌راطولانی‌ترمیکند. بانبودن‌این موانع وبااینکه‌پیشنهاد انعقاد پیمان صلح، اول ازطرف دولت‌ایران داده‌شد بمناسبت اینکه‌آندولت‌تصمیمی اتخاذنکرد مذاکرات دوسال بطول‌انجامید. اعلیحضرت امپراطورنسبت‌به‌پیشنهادات من که طبق‌آن سرحدات تعیین گردیده وممکن است پایه واساس مذاکرات صلح قرار گیرد بی‌علاقه نمیباشد وتوقع دارد درصورت رضای دولت ایران پیمان صلح بوسیلهٔ‌مأمورین مجاز‌به‌ترتیبی که‌من بولیعهد ومیزاشفیع صدراعظم پیشنهاد کرده‌ام منعقد شودو گرنه اعلیحضرت امپراطور بمن اجازه داده در صورت لزوم جنك را شروع کنم ـ نظربا‌ینکه‌جنابعالی نمایندهٔ مختار دولتی هستید که‌دوست‌روسیه است وبا ارادتی که بشمادارم برای اثبات مراتب صمیمیت خود نسبت بشما ، افتخار دارم به پیوست وبطور‌محرمانه رونوشت نامه کنت رومانزوف (۱) وزیرامورخارجه‌را که بعنوان من نوشته ارسال دارم. (۲)

---

1 - Nicolas de Romanzoff

۲ - «آقای کنت . من گزارش شمارا مشعر به پیشنهاد وزیر ایران برای امضای قرار داد متارکهٔ یکساله واحالهٔ مذاکرات صلح بپاریس وتقاضای انعقاد پیمان صلح در آنشهر بوسیلهٔ کنت تولستوی وعسکرخان بوساطت امپراطورناپلئون ازنظر اعلیحضرت گذراندم . رد امضای یك قرارداد طولانی متارکه ازطرف شما مورد تأیید اعلیحضرت است .

اما درخصوص پیشنهادی که‌ازطرف دولت ایران برای تعقیب مذاکرات درپاریس شده امپراطورتشخیص داد بااینکه‌ناپلئون را مانند دوستی‌تلقی می کندمیان‌تمام سلاطین که امروز دردنیا حکومت میکنند هیچکدام باین اندازه طرف اعتماد امپراطور نیستند وبنوبهٔ خود این شاهزاده کسی است که میان تمام سلاطین نسبت بامپراطورروسیه اظهار دوستی‌می کندوامپراطورنمی‌توانست منافع خود را بشخص بهتری جز ناپلئون بسپارد و باوجود منافع‌زیادی که ممکن بود ازوساطت دولت فرانسه‌عاید امپراطوری روسیه گردد اعلیحضرت امپراطور نمیتواند باین اقدام توسل جوید زیرا موقعیت جغرافیائی سه کشور

(بقیه حاشیه‌در صفحه بعد)

این نامه بشما نشان خواهد داد که من از تذکر خدمات شایان شما نسبت باسرای جنگی ما وهمچنین ازیادآوری مساعی شما درنزدیك ساختن ما وایرانیها کوتاهی نکرده‌ام من باهمین وسیله نامه هائی بعنوان ولیعهد ایران عباس میرزا و شفیع صدراعظم میفرستم ودراین مراسلات آنانرا ازتصمیم اخیراعلیحضرت امپراطور که بازهم حاضر است بدون فوت وقت پیمان صلح را منعقد کند مطلع میسازم »

کنت گودوویچ .

بادریافت این نامه ژنرال گاردان درنامهٔ[1] مورخ ۳ اکتبر۱۸۰۸ (۱۲شعبان ۱۲۲۳) به شامپانی[2] وزیرامورخارجه فرانسه شروع مجدد وقریب‌الوقوع جنگ ایران وروس راکه درنامهٔ فلدمارشال گودوویچ پیش‌بینی شده بود اطلاع‌داده‌وگفت : « دولت ایران درائروعده‌های ما ازحملات دولت روس ایمن بود ...

جنابعالی که ازوحدت ویگانگی امپراطورفرانسه وپادشاه ایتالیاوالکساندر امپراطور روسیه مطلع بودید اظهار میداشتید که الکساندر امپراطورروسیه‌وساطت پادشاه عظیم‌الشأن مرا قبول خواهد کرد ومعاهدهٔ صلح میان دربار ایران و دربار سن پطرزبرگ‌درپاریس‌منعقد خواهد شد. وصول نامه‌های مارشال گودوویچ پادشاه ایران ودربارراد چار وحشت کرده است »

---

1 — Paris : A.E p. dos. .10. Fol . 263
2 — Champagny

بقیه حاشیه‌از صفحه قبل

این عمل رااجازه نمیدهد وفواصل زیادی که کشور فرانسه راازدوکشوردیگرجدامیکند تمام نفعی راکه ازاین اقدام متصور است برطرف می‌سازد وبناچار وبرخلاف میل سه سلطان بجای‌اینکه استقرارصلح‌را تسریع کندمانع پیشرفت مذاکره‌می گردداعلیحضرت شخصاً دراینجا باسفیرفرانسه‌که دردربارروسیه است مذاکره کرده ومایل است که‌شما ازطرف خوداین‌موضوع‌را باطلاع ژنرال گاردنن برسانید وبایشان ابلاغ کنیداعلیحضرت ازتمایلی که برای نزدیك کردن ما وایرانیان نشان می‌دهندوجدیتی‌که درتمام موارد برای حسن خدمت بما مبذول میدارند کمال رضایت را دارند .

امضاء

نیکلاروما نزوف Paris :A.E.P.dos.10.fol.163

دولت ایران که از تدارکات روسها در جبههٔ عملیات نگران بود و وصول یادداشت گودوویچ بیشتر مایهٔ وحشت‌واضطرابش‌شده بود مصمم گردید یکبار دیگر توجه دولت فرانسه را بخود جلب واحترامی‌را که دولت ایران نسبت بتعهدات خود قائل‌است گوشزد کندودرضمن‌چگونگی اتحاد وروابط‌میان دولتین را پس‌ازمعاهدهٔ فن کن‌اشتاین‌یادآور شود ومجدداً مساعدتهائی‌را که دولت فرانسه مطابق مواد این معاهده بایستی درحق دولت ایران بعمل‌آورد تقاضا کند.

نامهٔ مورخ۲۶ شعبان ۱۲۲۳ (۱۶ اکتبر ۱۸۰۸) میرزا شفیع صدراعظم ایران به‌شامپانی وزیرخارجه دولت فرانسه بهمین منظورتهیه شده و مامضمون اهم مطالب این نامه‌را درزیر درج میکنیم:

در این نامه صدر اعظم ایران مینویسد که مدت هشت ماه است عسکر خان بعنوان سفیر فوق‌العاده بدربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا فرستاده شده.

پس‌ازورود آقایان گاردان واو گوست بن‌تان نامه‌های متعدد بعنوان‌جنابعالی ارسال شده ولی تاکنون یعنی ۲۶ ماه شعبان (۱۶ اکتبر) هیچ پاسخی بمانرسیده و ما نمیدانیم آیا پیشنهادات ما مبنی بر تفویض اختیارات تام باعلیحضرت امپراطور فرانسه مورد قبول واقع شده است یانه؟

دربهار همین سال‌فصلی که معمولا عملیات نظامی شروع میگردد بعلت‌تأخیر وصول اخبار، ژنرال گاردان ازماقول وتعهد قطعی گرفت که تاوصول تعلیمات‌دولت فرانسه ارتش ایران تعرض‌رابرضد لشکریان روس شروع نکند. درهمین حال بنا به پیشنهاددوستانه‌وعاقلانهٔ سفیر آندولت‌یکی ازشخصیت‌های برجستهٔ دربارفتحعلی خان نوری بحضوررفلدمارشال گنت گودوویچ ژنرال‌فرمانده روس اعزام شدوباکمال احترام حقیقت اوضاع بشرح زیربیان گردید:

نظربا ینکه اعلیحضرت امپراطور فرانسه دوست پادشاه روسیه است ونسبت بایران نیزحسن نیت دارند و دربار ایران حفظ منافع حیاتی خودرا[1] بعهدهٔ ایشان واگذار کرده بهتر است پیمان صلح درپاریس بوسیلهٔ سفرای دو دولت وصوابدید

اعلیحضرت امپراطورفرانسه منعقد گردد . تاوصول خبررسمی ازطرف دولت‌فرانسه هرگونه عملیات خصمانه در سرحدات ماپایان یافته و در این مدت طرفین شرایط مودت متقابل را رعایت خواهند کرد .

امروز جواب قطعی کنت گودویچ (۱) ونامه جناب کنت نیکولارومانزوف‌در دست ماست . دراین نامه‌هابطورصریح اعلام شده که دولت روسیه‌وسلطنت‌امپراطور فرانسه رارد کرده ونمیخواهد معاهدهٔ صلح دائمی‌درپاریس منعقد گردد .

وزیرخارجه‌دولت‌روسیه‌برعکس میخواهدپیمان‌صلح‌درایران‌امضاء شودوتصریح میکندا گراین‌پیشنهادازطرف‌دولت‌ایران‌قبول‌نشود مجدداً‌جنك شروع خواهد شد .

بالاخره فتحعلیشاه دراین نامه بمواد معاهدهٔ فن کن‌اشتاین اشاره کرده‌تذکر میدهد درمادهٔ دوم‌این معاهده استقلال وتمامیت‌ارضی ایران‌ازطرف امپراطورفرانسه تضمین شده ومطابق مادهٔ سوم‌اعلیحضرت امپراطور فرانسه ایالت گرجستان‌رامتعلق بایران می‌شناسد .

درمادهٔ چهارم اعلیحضرت امپراطورفرانسه استرداد تمام ایالات ایرانرا که امروز ازطرف قوای روس اشغال گردیده ازطریق اقدامات دوستانه ویابوسیله اعمال زور تعهد کرده است .

---

۱ - قسمتی ازنامهٔ مورخ ۱٤ر۱٤ سپتامبر۱۸۰۸ کنت‌گودوویچ به عباس میرزا که بعدها بایستی اساس مذاکرات ومبنای معاهدهٔ گلستان قرار گیرد درج میشود . ولیعهد ایران بعلت لحن شدید یادداشت واهانتی که نسبت بوی شده بودآنرا پاره کرد :

«من برای آخرین بار بوالاحضرت ولایتعهد بیان میکنم که‌دولت بهیهٔ روس‌نمیتواند امضای نهائی معاهده را قبول کند مگر براساس شرایطی که قبلا بدولت ایران پیشنهاد کرده‌ام یعنی بایستی خط مرزی بامسیررودخانه‌کر وارس وآرپاچای تعیین گردیده و بدون فوت وقت پیمان صلح ازطرف دودولت امضاء شود .

راجع باعتراضاتی که والاحضرت در خصوص تعیین سرحدات بمن میکنند می‌توانم پاسخ دهم که تمام ایالت گیلان سابقاً بوسیلهٔ اعلیحضرت فقید امپراطور کبیرفتح شده‌بود ولی پادشاه عظیم‌الشأن من بادرنظر گرفتن وضع حاضرایران وبخصوص باتوجه بعدل وانصاف خودفقط به پیشنهاداتی قناعت میکنند که‌من امروز بوالاحضرت میدهم وبایستی بی‌چون وچرااساس معاهدهٔ صلح قرار گیرد .

Paris :A.E.P.dos.lo fol. 269 – 247

درانتظار وصول پاسخ سریع‌واجرای تعهدات ازطرف دولت فرانسه[1]

متأسفانه دولت فرانسه صراحتاً میانجی گری خودرا رد کردوبرای احترازاز بحثی که‌دیگربهیچوجه طرف توجه دولت ناپلئون نبود شامپانی درنامهٔ مورخ دوم نوامبر۱۸۰۸(۱۳رمضان ۱۲۲۳) به‌ژنرال گاردان‌چنین مینویسد : «درنامه‌های‌اخیر شما بمن اطلاع دادید که دولت ایران مایل است مذاکرات صلح‌را بـادولت روسیهٔ درپاریس‌ادامه‌دهد. آقای سفیر کبیرایران دراین‌زمینه بامن‌صحبت کرده وتقاضادارد بلافاصله با کنت تولستوی‌داخل مذاکره شود . ولی سفیر دولت روس هیچ‌دستوری از طرف دولت خود دراین خصوص دریافت نداشته است.

انجام مذاکرات‌دراین‌مسافت‌طولانی امر عادی‌نیست واین‌اقدام تأخیرمجددی درجریان مذاکرت ایجادخواهد کرد. کوشش‌نمائید بدون‌آنکه برای دولت‌فرانسه دردسر و کشمکشی‌ایجاد کنید که‌درآن نفع‌و علاقه‌ای ندارد دودولت را بیکدیگر نزدیك سازید.

چیزی که دراین‌نامه جلب توجه میکند اینست که جواب‌دولت فرانسه شبیه جواب دولت روسیه‌است‌چنانکه‌دیدیم تزارنیزوساطت دولت‌فرانسه‌رابعذر اینکه‌پایتخت‌های سه کشورازیکدیگر فاصلهٔزیاد دارد رد کرد.این عمل‌ثابت‌میکند که‌نامهٔوزیرخارجهٔ فرانسه بامشورت قبلی دولت سن‌پطرزبرك تهیه شده است.

تاریخ اولتیماتوم دولت روس منقضی شد ودر روزهای اول ماه نوامبر ۱۸۰۸ (شوال۱۲۲۳)بدستور گودوویچ حملات سپاهیان‌روس ازسمت ایروان آغاز گردید. توپخانهٔدشمن پس‌از بمباران شدیدبدیوارهای‌قلعهٔایروان شکست‌واردآوردفرماندهی روس بتصور اینکه قلعه خراب شده‌دستور داد نارنجك‌اندازها در بستر رودخانه که در آنزمان آبش روبنقصان‌بود داخل‌شوند وفرمان حملهٔ عمومی بامشارکت چندین ستون صادر شد. ایرانیان مستحفظین قلعه بهیچ وجه ازاین حملهٔ دستجات سپاهیان روس مضطرب نشدند.و گودوویچ باوجود فداکاری‌و کوشش‌فوق‌العاده نارنجك انداز هاوتحمل تلفات سنگین کمترین توفیقی بدست نیاورد.

---

1 — Paris : A.E.P . dos . 1o. fol.327 – 330

فرماندهان و افراد قلعهٔ ایروان استقامت و تهور فوق العاده از خود نشان دادند و در مقابل حملات سواران آزمودهٔ ایرانی قوای روس مجبور شدند تا اوج کلیسا عقب نشینی کنند.

پس از شکست در مقابل ایروان فرمانده ارتش روس قوای زیادی برای جلوگیری از پیشرفت لشکریان ایران که از خوی مقر فرماندهی عباس میرزا حرکت کرده بودند اعزام داشت جنك درطول تمام جبهه‌ها بشدت شروع شد و درحالیکه ایروان با نهایت شهامت در مقابل حملات روس ایستادگی میکرد عباس میرزا ناچار شد نخجوان را تخلیه کند.

در خلال سال ۱۸۰۸ (۱۲۲۳) نخجوان چندین بار تخلیه و مجدداً از طرف سپاهیان ایران تصرف شد درسال ۱۸۰۸ مخصوصاً بعلت تعرضی که دولت عثمانی در جبهٔ بالکان و آسیای صغیر برضد دولت روسیه مینمود عملیات جنگی بیشتر بنفع سپاهیـان ایران بود.

درمقابل تعرض ناگهانی دولت روسیه دولت ایران به ژنرال گاردان مراجعه کرد نمایندهٔ دولت فرانسه اظهار داشت حتی دروضع حاضر و باوجود اشکالات دیپلماسی امیدوار است تعرضات روسها را متوقف سازد و خاطر نشان ساخت که هنوز هم لازار منشی سفارت فرانسه نزد مارشال گودوویچ است و مجدداً شصت روز مهلت خواسته و درپایان اینمدت بنا بدعوت الکساندر فتحعلیشاه بادولت روسیه داخل مذاکره خواهد شد. بعلاوه گاردان بدولت ایران اطمینان داد همینکه امپراطور از رفتار روسها اطلاع پیدا کند مانند صاعقه‌ای دشمن را از پای درخواهد آورد. فتحعلیشاه جواب داد چرا درظرف مدت ده ماه این صاعقه تأثیر خودرا نبخشیده است. پادشاه ایران از اتحاد واقعی دولتین روسیه و فرانسه تردید داشت و برای اثبات این نظریه دلایل زیادی اقامه کرد و مخصوصاً متذکر شد که رفتاری که تزار در گرجستان میرساند دولت روسیه نسبت بناپلئون تا چه حد احترام قائل است.

بالاخره گاردان نتوانست بوعدهٔ خود وفا کند و اقـدام دولت فرانسه بـرای میانجیگری مواجه بلشکست شد و درتاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۲۲۳ (۱۲ فوریه ۱۸۰۹)

ظر باینکه دربار ایران تصمیم گرفت نمایندگان بریطانیای کبیررا قبول کند ژنرال گاردان اجازهٔ مرخصی گرفت . فتحعلیشاه از ژنرال گاردان تقاضا کرد تاوصول اخبار ازطرف دولت فرانسه درتبریز اقامت کند . نمایندهٔ دولت فرانسه این پیشنهادرا قبول کردوتهران را ترك گفت ودرتاریخ ۲۲محرم ۱۲۲٤ (۹ مارس ۱۸۰۹) هیئت نظامی فرانسه وارد شهرتبریز شد . وپس از یکماه مذاکره ومعطلی دراین شهربالاخـره در تاریخ ۳ ربیع‌الاول ۱۲۲٤ (۱۷آوریل ۱۸۰۹) دربارعباس میرزارا ترك کرد.

ژنرال گاردان بااحضارافسران‌فرانسوی ازارتش ایران‌درچنین موقعی‌بپیشرفت دولت روسیه کمك کرد. امتناع دولت فرانسه ازقبول وساطت‌ومذاکرات‌میان‌دولتین ایران وروس باعتبارآندولت لطمه واردآورد و زمامداران ایـران نسبت بحسن نیت ژنرال گاردان مردد شدند . این رفتار دولت فرانسه و نمایندگانش وظیفهٔ مأمورین انگلیسی راکه ازسال ۱۸۰۷ (۱۲۲۲) منتظرفرصت نشسته بودند و گاردان تصور میکرد که ایشانرا ازصحنهٔ سیاست دور ساخته است بی‌نهایت آسان کرد بطوریکه هرقدم‌پیشرفت سپاهیان روس درخاك ایران برای آنـان دلیل قاطعی برضد اتحاد دولتین‌ایران وفرانسه بود. دولت ایران مأیوس‌ازاقدامات دولت ناپلئون وبرای‌اجتناب از حملات لشکریان تزار مجدداً متوسل بدولت انگلستان گـردید . بااین ترتیب امپراطورفرانسه درتیلسیت ایرانرا مانند سوئد و عثمانی فدای سیاست غلط خـود کردوبعدها درسال ۱۸۱۳ (۱۲۲۷) ازتعقیب این سیاست تأسف خورد .

۳ـ تجدید نفوذ دولت انگلستان و معاهده انگلیس و ایران در ۱۲۲۴ (۱۸۰۹)

آغاز حملات مجدد سپاهیان روس باوجود اظهارات صریح و وعده‌های نمایندهٔ دولت فرانسه لطمهٔ شدیدی به‌حیثیت آن‌دولت دردربار ایران وارد ساخت. انگلیسها برای ازدیاد نفوذ خود و بیرون راندن فرانسویان بفعالیتهای سیاسی و دیپلوماسی شدید درتهران پرداختند. اعزام رومیو [۱] وژوبر [۲] نمایندگان نظامی دولت فرانسه که مقدمات ورود هیئت نظامی ژنرال گاردان را بدربار ایران فراهم ساخت دولت بریطانیای کبیر و هندوستان را دچار وحشت و اضطراب کرد. سابقاً دیدیم که سرهارفورد جونس نمایندهٔ دولت انگلستان دربغداد برای جلوگیری ازنزدیکی دولتین فرانسه و ایران بچه اقداماتی متوسل شد. پس برای مقابله و عقیم ساختن اقدامات دولت فرانسه در دربار ایران لرد مینتو [۳] فرمانروای کل هندوستان درماه مه ۱۸۰۸ نیروی دریائی نیرومندی را باهیئتی بریاست ملکم که در مأموریت ۱۸۰۱ توفیق شایانی بدست آورده بود بخلیج فارس اعزام داشت. چون نفوذ نمایندگان دولت فرانسه ومخصوصاً ژنرال گاردان دراین موقع درتهران فوق‌العاده زیاد ومؤثر بود ملکم درمأموریت دوم خود با مقاومت شدید دولت ایران مواجه گردید. بدولت هندوستان مخصوصاً ایراد میگرفتند که محمدنبی‌خان سفیرایرانرا درهندوستان بسردی پذیرفته‌است ودرنتیجه اقدامات نمایندهٔ دولت فرانسه به‌ملکم اجازهٔ ورود بتهران داده نشد [۴] و نمایندهٔ هندوستان ناچاردرشیراز توقف کرد وبحاکم شیراز دستور داده شد که‌اورا پذیرفته

---

1 – Romieux

2 - Jaubert

3 - Lord.Minto

۴ ـ نامهٔ میرزا شفیع به شامپانی مورخ ۲۶ نوامبر ۱۸۰۸
Paris : A.E.P . dos ·lo.fol. 422

ودولت را ازموضوع مأموریتش آگاه سازد . تقاضاهای ملکم فوق‌العاده سنگین‌بود وعلاوه بردرخواستهای‌سال ۱۸۰۱واگذاری جزیره خارک‌را بدولت انگلستان تقاضا میکرد وپیشنهاد مینمود که پنج‌مؤسسه یا نمایندگی تجارتی درسواحل‌خلیج‌فارس دایر گردد ودولت ایران‌اجازه دهد استحکامات‌ازطرف دولت هندوستان درآن‌نقاط ایجادوازطرف آندولت محافظت شود .

درنتیجهٔ مخالفت دولت ایران ملکم ناچار ایران‌را ترك گفت ـ نمایندهٔ دولت هندوستان درمراجعت‌خود وهابی‌هاوطوایف متعصب نجدراکه ایرانیان‌ازخلیج‌فارس بیرون رانده بودند برضد دولت ایران تحریك نمود .

این طوایف مخصوصاً وهابی‌هادردست مأمورین سیاسی دولت‌انگلستان‌حربهٔ خطرناکی بودند وبتحریك ملکم در۱۲۲۳ (۱۸۰۸) باراضی ایران تجاوز کردند . پس ازاین اقدامات ماهرانه ملکم بهندوستان بازگشت وچـون ازطرز رفتار دولت ایران متأثروخشمگین بود بفرمانروای کل هندوستان اصرار کرد که جزیرهٔخارك رابوسیلهٔ سپاهیان هند اشغال کند وبنادرخلیج فارس‌را محاصره نماید . بعقیدهٔملکم جزیرهٔ خارك ممکن بود درآتیه مبدأ حمله وپایگاه نظامی برای اقدام برضددولت ایران گردد . محمدعلی‌خان نام ازمدعیان تاج وتخت ایران راهم که از طایفهٔ زنـد پسرعلی مرادخان وازبستگان کریم‌خان زند بود و درهندوستان مقام نـوابی داشت آماده کرد تـا درموقع مناسب برای تهدید دولت ایران ازوجود وی استفاده کنند.

گاردان دراین خصوص ضمن نامهٔ مورخ ۲٦ نوامبر۱۸۰۸ (۷ شوال۱۲۲۳)به شامپانی وزیر امورخارجهٔ فرانسه مینویسد : «انگلیسها اغلب وزراءدربار را بوسیلهٔ پول‌بخود جلب کرده‌اند. درصورتیکه دولت ایران ازقبول‌آنان خودداری کندتهدید میکنند بجنوب ایران حمله برند ویکی ازنوادگان کریمخان موسوم به‌محمدعلی خان پسرعلیمرادخان را بپادشاهی ایران انتخاب کنند .

اطلاعاتی که بمن‌رسیده‌حاکی‌است دولت هندوستان‌شاهزادهٔ جوان رااز کن که درآنجاسمت نوابی داشت به‌بمبئی احضار کرده وتدارکات‌مفصلی می‌بینند .

پیشنهاد ملکم برای اشغال جزیرهٔ خارك واعزام قوا ازطرف لرد مینتو قبول شد زیرا بدین وسیله حکومت هندوستان ممکن بود از عملیات قوای فرانسوی جلوگیری کند. ولی درست درموقع حرکت قوای هند اوضاع اروپا روشن‌تر گردید زیرادیگربرای دولت فرانسه میسرنبودکه ازقسمتی ازلشکریان خود بنفع ایران صرف نظر کند بنابراین دولت هندوستان ازاعزام قوابسوی ایران منصرف شد.

دوش بدوش اقدامات دولت هندوستان دولت انگلستان نیز تصمیم گرفت‌در ایران اقداماتی کند. این تصمیم برائر نامهٔ مورخ۲۰ اوت ۱۸۰۷ (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۲۲) روبردندر (۱) به ژورژ کانینك (۲) وزیرامورخارجهٔ انگلستان اتخاذ شد.

دراین‌نامه روبردندرلزوم اعزام‌هیئیی‌را بایران درتحت سرپرستی سرهارفورد جونس تذکردادوچنین مینویسد: «بخصوص مساعی جونس نه تنها برای جلوگیری ازتحریکات دولت فرانسه‌مفید خواهد شد بلکه درصورت امکان ایشان دامنه‌ووسعت این تحریکات را کشف خواهند کرد وهمچنین تعهداتی را که دولتین ایران‌وفرانسه و یا هر دولت دیگری که با آنها در جنگی برضد ما متحد خواهد شد روشن خواهد ساخت اعم از اینکه این تعهدات قبول شده و یا در آتیه مورد قبول واقع گردد....»

«اطلاع ازوسعت ودامنهٔ تمام پیشنهاداتی که ازطرف دولت فرانسه بدولت ایران شده اهمیت فوق‌العاده خواهد داشت زیرا با بدست‌آوردن این اطلاعات دقیقاً نوع وترتیب حملاتی که برضد متصرفات ما درهندوستان درنظر گرفته شده است روشن میشود (۳).

انتخاب سرهارفوردجونس برای‌این مأموریت فوق‌العاده مناسب بودزیراوی‌از ۱۷۸٤ تا ۱۷۹٤ (۱۲۰۹-۱۱۹۸) دربصره مقیم بودوهنگامی که شاهزادگان‌زند در شیرازحکومت میکردند بآن‌شهرمسافرت کرده بود. بعلاوه‌جونس‌از۱۷۹۸تا۱۸۰۶

1 - Robert Dunders

2 - G. Canning

۳ - نامهٔ مورخ ۲۰ اوت ۱۸۰۷ روبردندر به ژورژکانینك

London : P.R.O.P.Fo 60.T.I

(۱۲۲۱-۱۲۱۲) کنسول بریطانیای کبیردربغداد بود و درجریان این مأموریتهای مختلف اطلاعات عمیقی ازامور مشرق بدست آورده بود. پس از پیشنهاد رو بردندر سرهارفورد جونس ازطرف ژورژ کانینك وزیرخارجهٔ انگلستان مأموریت یافت که بعنوان سفارت بتهران حرکت کند. بموجب تعلیماتی که بنمایندهٔ دولت انگلستان داده شده بود وی بایستی اتحادی بادولت ایران وپیمان مودتی باپاشای بغداد منعقد سازد. درنامهٔ مورخه ۱۲ فوریه خود کانینك به سرهارفورد جونس چنین دستور میدهد. «چنانکه درمأموریت خویش باعدم توفیق مواجه شدید در صورت امکان صلاحست بنام دولت هندوستان باروٴسای وهابی روابط دوستانه دایر کنید ولی چون تعرضات و اقدامات افراد این طایفه برخلاف مصالح پاشای بغداد و دولت ایرانست بایستی این روابط با نهایت مهارت صورت گیرد بخصوص اگرازطرف دودولت یایکی از آنها امیدی برای تأمین منافع بریطانیای کبیرباشد»(۱).

کشتی‌های ندرید(۲) وسافیر(۳) که حامل اعضای هیئت نمایندگی سرهارفورد جونس بود روز ۱۴ اکتبر ۱۸۰۸ (۲۳ شوال ۱۲۲۳) در خلیج فارس دربندر بوشهر انگرانداخت. پس ازمکاتبات زیاد میان سرهارفورد جونس و لردمینتو(۴) فرمانروای کل هندوستان بادرنظر گرفتن اوضاع اروپاو گرفتاریهای دولت فرانسه ازنقشهٔ ملکم دایر باشغال جزیرهٔ خارك منصرف شد وبنمایندهٔ اعزامی ازلندن اختیارات تام داد.

هنگام پیاده شدن نمایندهٔ بریطانیای کبیر دربندر بوشهر تظاهرات برضد فرانسویان بشدت ادامه داشت.

ایرانیان متوجه شده بودند که ژنرال گاردان تاآنزمان بیش از آنچه عمل کرده وعده داده است ولی در حقیقت بازی را باخته بود. سرهارفورد جونس بخصوص نشانداد که وساطت دولت فرانسه برای ممانعت ازروسها کافی نبود.

---

۱ - نامهٔ مورخ ۲۱ فوریهٔ ۱۸۰۷ کانینك به سرهارفوردجونس

London : P.R. O. P.Fo.60 T I

2 – Nedreid

3 – Saphir

4 – Lord minto

نمایندهٔ دولت انگلستان پیشنهاد کرد پیمان اتحادی میان دولتین ایـران و بریطانیای کبیر بامضاء برسدووعده داد مادامیکه دولت انگلستان بـا دولت فرانسه درحال‌جنگ استسالیانه مبلغ یکصدوشصت‌هزارتومان (معادل ۱۲۰ هزارلیره‌بدولت ایران کمک خواهد شدوافسران انگلیسی تعلیم ارتش ایران‌را عهده‌دارخواهند بود. فتحعلیشاه نظریات نمایندهٔ دولت انگلستان را قبول کـرد وبژنرال گاردان اجازهٔ مرخصی داد . بااین ترتیب بی‌علاقگی وعدم توجه دولت فرانسه وطلای بریطانیـای کبیر یکباردیگر برتحکیم نفوذدولت انگلستان درایران کمک کرد . درماه‌دسامبر ۱۸۰۸ (شوال ۱۲۲۳) سرهارفورد جونس بوشهررا ترك گفت و درتاریخ ١٤ فوریـه ۱۸۰۹ (۲۸ ذیحجه ۱۲۲۳) یعنی دوروز پس ازجلسهٔ خدا حافظی ژنرال گاردان ، وارد تهران شد و در ۱۷ فوریه (۲ محرم ۱۲۲٤) اعتبار نامه هـای خود را تقدیم فتحعلیشاه کرد[1]

نمایندهٔ بریطانیای کبیر که‌حامل هدایای زیاد و گرانبها برای پادشاه ووزراء بودموردا‌ستقبال‌شایان قرار گرفت . درمیان هدایا الماس خالصی که ازطرف‌ژورژ[2] سوم پادشاه انگلستان برای فتحعلیشاه ارسال شده بود توجه شاه را جلب کرد. چند روز پس ازرسیدن نمایندهٔ انگلستان میرزا شفیع صدراعظم مأمورشد معاهده‌ای بـا هیئت اعزامی دولت انگلستان منعقد سازد . درخلال این احوال لرد مینتو کـه از تغییراوضاع سیاسی تهران وجریان حوادث بی‌اطلاع بود بتصوراینکه اقدامات دولت انگلستان به‌نتیجهٔ مطلوب نخواهد رسید اختیاراتی راکه سرهارفورد جونس‌تفویض کرده بود پس گرفت ـ نمایندهٔ انگلستان بدون توجه بدستور لردمینتوبنام‌نمایندهٔ مختار ژرژ سوم پادشاه‌انگلستان بادولت ایران داخل مذاکره شد ومعاهدهٔ‌مقدماتی منعقد کرد که درتاریخ ۲۵ محرم ١٢٢٤ (۱۲ مارس ۱۸۰۹) بامضاء رسید.

درجریان مذاکرات میان‌دولتین ایران‌وانگلستان چندین مرتبه وقفه‌حاصل

---

۱ - نامهٔ مورخ ۱۷ فوریهٔ ۱۸۰۹ سرهارفورد جونس به کانینك

Londn:P.R O P.Fo.6o.T'II

2 – George III

زیرا ازیکطرف کلکته بباز گشت سرهارفورد جونس اصرارداشت و ازطرف دیگر لندن اقدامات ویرا تأئیدنموده ودستوراقامت‌صادرمیکرد . تااینکه بالاخره نمایندهٔ انگلستان درتاریخ ۱۵ ماه مارس ۱۸۰۹ (۲۸ محرم ۱۲۲۴) ضمن گزارشی پیشرفت کامل مأموریت خودرا به ژورژ کانینك اطلاع داد (۱)

این معاهدهٔ مقدماتی بوسیلهٔ جمس موریه (۲) (مؤلف کتاب حاجی‌بابا در انگلستان) بلندن فرستاده شد .

حاجی میرزا ابوالحسنخان (۳) هم که بعنوان‌سفیرایران نزدد ژرژسوم‌پادشاه انگلستان تعیین شده بودهمراه‌موریه حرکت کرد . مقصود اصلی این‌سفارت‌تقاضای پرداخت کمکی بود که مطابق معاهدهٔ مورخ ۱۲ مارس ۱۸۰۹ . دولت انگلستان متعهدشده‌بودبدولت‌ایران‌بپردازد.لرد مینتودفرمانروای کل هندوستان بالاخره‌قرار منعقدبوسیلهٔ سرهارفوردجونس را قبول کرد ولی اصرارداشت که اجرای این‌معاهده بافسری که‌ازطرف حکومت‌هندوستان تعیین‌خواهدشدمحول گردد . وبهمین‌منظور ملکم‌دررأس‌هیئت مهمی سومین‌باربایران‌اعزام گردید. سفیراعزامی ازطرف‌حکومت هندوستان بطرز مجللی مجهزبود وستاد مفصلی با خود همراه داشت . دولت ایران ازشتابزدگی‌دولت‌انگلستان‌وحکومت هندوستان برای اعزام نمایندگان در حیرت بود زیرا موقع ورود ملکم سرهارفورد جونس بعنوان سفیردولت انگلستان مسئول اداره کردن روابط‌سیاسی ودیپلوماسی درتهران بود .

دولت ایران همچنین ازاصراری که دولت بریطانیای کبیر برای ازبین بردن نفوذ دولت فرانسه وجلب اتحاد دولت ایران داشت سخت درشگفت بود .

فتحعلیشاه بنمایندهٔ خود درلندن دستور داد که وضع نمایندگی آندولت را

---

۱ - نامهٔ مورخ ۱۵ مارس ۱۸۰۹ سرهارفورد جونس به‌ژورژ کانینك

London:P.R.O P.Fo.60. T II

2 - James morier

۳- میرزا ابوالحسن خان خواهرزاده حاجی ابراهیم کلانتر (اعتمادالدوله) ونیز

بقیه پاورقی در صفحهٔ بعد

درایران روشن کند واطلاع حاصل نماید کدامیك ازدونفر، نمایندهٔ واقعی ومعرف دولت بریطانیامیباشد . نظر باینکه معاهدهٔ منعقده بوسیلهٔ سرهارفورد جونس درلندن بامضاء رسید دولت بریطانیا بالاخره سرهارفورد جونس را بعنوان نمایندهتامالاختیار خود درتهران معرفی کرد تامسئولیت روابط سیاسی ودیپلماسی میان‌تهران‌ولندن‌را عهده‌دار گردد وبااین ترتیب‌ملکم‌دربار ایرانرا ترك کردوبهندوستان مراجعت‌نمود.

درسال ۱۸۱۱ (۱۱۲۶) سرگوراوزلی [۱] جانشین سرهارفوردجونس گردید ماژوردارسی معروف‌به‌دارسی‌تاد [۲] وعده‌ای ازسربازان‌درجه‌داران‌هنك۴۷ انگلستان نیزجزءملتزمین رکاب سفیر بودند ، سرویلیام اوزلی [۳] که نوشته‌هـای وی راجع بایران درردیف کتابهای کلاسیك قرار گرفته همراه این هیئت بود .

بقیه پاورقی ازصفحهٔ قبل

داماد او بوده درسال ۱۲۱۵ که فتحعلیشاه فرمان قتل عام خانوادهٔ حاجی ابراهیم خان‌را داد میرزا ابوالحسن خان بوساطت درباریان ازمرك نجات یافت درمسافرت بلندن بعلت آشنا نبودن او بآداب اروپائی بعضی حرکات و اطواری که پیش اروپائیان مضحك جلوه میکرداز اوناشی شد جیمز موریه انگلیسی که دراین سفرهمراه اوبوده کتابی بنام(حاجی بابا درلندن) نوشته که بسیار غرض‌آلود است وحرکات سفیررا صد چندان بزرگترجلوه داده درصورتیکه‌میرزا ابوالحسن‌خان‌مردی مدبرومبادی‌آداب بوده‌است میرزاابوالحسن خان نیزراجـع باین مسافرت کتابی نوشته بنام حیرت نامهٔ سفرا که یک نسخه ازآن‌در کتابخانه موزهٔ بریتانیا درلندن موجود است میرزا ابوالحسن خان پس از این مسافـرت مشهور به‌ایلچی‌شده وچنانکه خواهیم گفت برای رفتن بروسیه نیزانتخاب شده است.

1 - Sir Gore Ouseley
2 - D' Arcy Tadd
3- Sir - William Ouseley

٤ - بی‌نتیجه ماندن مذاکرات عسکران و نقشی که سرهارفورد جونس دراین مذاکرات بازی کرد

بااینکه دولت عثمانی نیزدرجنك بود اتحاد دولت ایران باانگلستان دربرابر تجاوزات دولت تزاری ازاتحاد باناپلئون مفیدتر ومؤثرترنشد .

درماههای اخیر۱۲۲۳ (۱۸۰۸) نیروی دریائی دولت روس کرانه های دریای خزررا دائماً بمباران کــرده وجنك درطول تمام جبهه های شمالغربی ادامه داشت ولی باوجود این روسها نتوانستند ازحملات واقدامات خود نتیجهٔ قطعی بگیرند .

دوام جنگ‌وکندی عملیات موجب تغییراتی د فرماندهی‌عالــی‌روس درجبههٔ قفقاز گردید ـ روسها قلعهٔ ایروانراازشش ماه‌قبل محاصره کرده بودندولی چنانکه دیدیم حمله های آنان از طرف قوای ایران دفـع شد و ناچار مجبور بعقب نشینی شدنــد .

این عدم توفیق وتأنی درپیشرفت عملیات جنگی سبب شد کــه دولت روسیه ژنرال گودوویچ را ازفرماندهی قوای روس بردارد وژنرال تورموسوف[1] را در جبههٔ قفقاز بجای اوبگمارد . درارتش ایران نیزپسرارشد فتحعلیشاه محمد علی میرزای دولتشاه‌حاکم کرمانشاه مأمورشد که‌درعملیات برضدروسها شرکت کند ربیع‌الثانی ۱۲۲٤ (مه ۱۸۰۹) .

جنك روس وعثمانی درجبههٔ بالکان مجددا در آوریل ۱۸۰۹ (صفر ۱۲۲٤) شروع شده بود ودولت عثمانی ناچاربود دردوجبههٔ بالکان وقفقازباقوای روسیه‌مقابله کند نظرباهمیتی که جنك بالکان داشت دولت عثمانی نمیتوانست بلشکریان خــود در قفقاز که دور از قسطنطنیه بودند کمکهای موثر برساند و بهمین جهت آندولت

---

1 – Tormossoff

ناچاربود درجبههٔ قفقازحالت دفاعی اتخاذ کند وبعملیات جناح چپ لشکریان ایران کمك نماید .

دراین هنگام اتحادیهٔ پنجم دراروپا برضددولت فرانسه درشرف تشکیل وتوجه تزار باین امرمهم معطوف بود .

آلکساندر درآغاز امرداخل دراین اتحادیه نشد وخودرا برای جنك برضد ناپلئون حاضر کرد وعملیات درجبههٔ ایران باتأنی پیش میرفت . دولت روس درماههای آخرسال ۱۲۲٤ (۱۸۰۹) بایجاد شورش وانقلابات در ناحیهٔ طالش بریاست مصطفی خان طالش کمك میکرد وبوی اسلحه وآذوقه ومهمات تحویل میداد[1] در نتیجه دولت ایران برای ریشه کن ساختن این انقلابات اقدام بلشکر کشی کردوبدینوسیله دولت روس موفق شد که قسمتی ازقوای ایرانرا فلج سازد .

جهت تطبیق عملیات نظامی دو کشورایران وعثمانی برضد روسها نمایندهٔ بریطانیای کبیر درتهران بدولت ایران تلقین نمود که یك اتحادنظامی میان دو کشور منعقد گردد . بهمین مناسبت سرهارفورد جونس در نامهٔ مورخ ۲۰ مه ۱۸۰۹ به روبرآدر[2] نمایندهٔ دولت انگلستان درقسطنطنیه ازتمایل دولت ایران برای عقد چنین اتحادی صحبت میکند : « دونکتهٔ اساسی توجه شاه را جلب میکند : اقدام بتعرض ازطرف عثمانیهادرناحیهٔ قارص وتعیین یکنفروزیر مختارازطرف دربارعثمانی در تهران[3] » . دیپلمات انگلیسی که سیاست اصلی وی حتی الامکان تبدیل جنگ روس وایران بیك جنك مذهبی بود ودراین سیاست نیز تاحدی توفیق یافته بوددرهمین نامه مینویسد : « من بپادشاه خاطرنشان کرده ام که جنك روس وعثمانی جنبهٔ مذهبی دارد » .

بنوبهٔ خوددولت روسیه مایل بودجنك را هرچه زودتر بادولتین ایران وعثمانی

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ٦ دسامبر ۱۸۰۹ ژنرال تورموسوف
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.III

2–Robert Adair

۳ ـ نامهٔ مورخ ۲۰ ماه مه سرهارفورد جونس به روبرآدر
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.II

خاتمه دهد تا باخیال آسوده ازجانب مشرق بتواند مقدمات حمله واشغال لهستان‌را را فراهم سازد وبرضد ناپلئون رسماً وارد جنك شود بنابراین بفرماندهان‌لشکریان قفقازازجانب تزار دستورداده شد که درانعقاد معاهدهٔ صلح بادولتین ایران و عثمانی تعجیل کنند .

در عرض نیمهٔ دوم سال ۱۸۰۹ (۱۲۲٤) وشش ماه اول سال ۱۸۱۰ (۱۲۲۵) برای پایان دادن بجنك باایران ژنرال تورموسوف پیشنهادهای متعدد کرد[۱]چون عباس‌میرزا نیزازماه اوت باینطرف (جمادی‌الثانی۱۲۲٤)تمایل خودرا نسبت بانعقاد صلح اظهار داشته‌بود ژنرال‌تورموسوف‌پیشنهاد کرد که یکنفرنماینده‌ازطرف دولت ایران برای مذاکره دربارهٔ موادمعاهده بهسن پطرزبرك اعزام گردد[۲]ژنرال‌روسی درنامهٔ مورخ اوت۱۸۰۹ از عباس‌میرزا تقاضانمود که« شماسپاهیان‌خودرا از اراضی ماااحضار کنید وبزجر دادن واسیر کردن رعایای ماخاتمه دهید ».

تورموسوف همچنین‌ازپیشرفت محمدعلی‌میرزای دولتشاه درسمت گرجستان شکایت کرد وحرکت بارون‌ورد[۳] وتورموسوف رابرای مذاکره بنزد عباس میرزا اعلام نمود .

نمایندگان‌اعزامی‌دولت‌روسیه‌درنخجوان‌بقرارگاه‌شاهزاده عباس‌میرزارسیدند ولیعهد ایران نامهٔ‌مفصلی درجواب ژنرال تورموسف ارسال داشت که ماخلاصهٔ آنرا دراینجا درج میکنیم : « شما اگرحقیقاً مایل بصلح هستید این صلح بایـد طوری برقرار گردد که منافع طرفین‌را تأمین کنند .

درایام گذشته که‌اختلافی میان ماوجود نداشت دولتین برای هرناحیه‌حدودی تعیین کرده‌بودند ....

این سرحدات تا شش یا هفت سال قبل مورد احترام وقبول طرفین‌وصلح‌میان

---

۱ ـ مکاتبات تورموسوف و عباس میرزا

London : P.R.O . P . Fo . 60 T . III

۲ ـ نامهٔ مورخ ۲۰ اوت تورموسوف به‌عباس میرزا

London:P.R.O.P.Fo.6oT.III

3 – Baron Vrede

دو کشوربرقراربود . اگردولت روسیه مایل بصلح است ومیخواهد دشمنی‌مابدوستی مبدل گردد باید فوراً سپاهیان‌خودرااز کشورایران احضار کندبدین‌ترتیب‌وبخواست خداوندی،رعایای‌ما،درصلح زندگی کرده‌وسربازان ماازمرك نجات‌خواهندیافت [۱].

ژنرال تورموسوف که جداً مایل بود بجنك با ایران خاتمه دهد وصول نامهٔ شاهزاده عباس میرزا را اعلام کرد ودرنامهٔ مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ بوی چنین‌نوشت : «پیشنهادهای صلح شما نشان میدهد که والاحضرت مایل است منافع کشور خودرا حفظ کند [۲].

درهمین‌نامه فرمانده کل‌قوای روس میگوید‌وی برای امضای قراردادمتارکه ویاصلح قطعی باایران اختیارات تام دارد واطمینان میدهد که طی پیامی دربارسن پطرزبرگ را ازتمایلات شاهزاده مطلع ساخته ویقین دارد که جواب دولت روسیه بانظریات وتقاضاهای شاهزاده مساعد خواهد بود .

فعالیت ونفوذ سرهارفورد جونس مایهٔ شکست و وقفهٔ اقدامات تورموسوف و پیشنهادهای صلح طرفین گردید . این پیشنهادها بشهادت اسناد وزارت امورخارجهٔ انگلستان برای ایران بمراتب مفیدتر ازپیشنهادهائی بود که درسال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بامساعی ووساطت سرگوراوزلی [۳] برخلاف منافع ومصالح دولت ایران‌درگلستان مورد قبول واقع شد .

وضع اروپا رفتار و معاملهٔ سرهارفورد جونس را ایجاب میکرد زیرا دولت انگلستان‌میترسید که‌اگردولت روسیه‌ازجانب‌ایران‌آسوده خاطرشودبرای‌مستعمرهٔ هندوستان خطرناك گردد .

پس ازورود نمایندگان دولت‌روسیه به‌تبریزسرهارفورد جونس درنامهٔ‌مورخ اکتبر۱۸۰۹ (رمضان ۱۲۲٤)ازمیرزا بزرك وزیرعباس میرزا تقاضا کرد که‌رونوشت

---

۱ ـ نامهٔ عباس میرزا به‌تورموسوف

London:P.R.O.P.Fo.60.T · II

۲ ـ نامهٔ مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ تورموسوف به‌عباس میرزا

London :P.R.O.P,Fo.60.T.II

3 – Sir – Gore – Ouseley

مکاتبات متبادله میان ژنرال تورموسوف وولیعهد ایران را برای اطلاع وی بفرستد. درضمن سفیر کبیرانگلستان نظریات ودلایل چهارگانهٔ خودرا برضدانعقاد امضای قرارداد متارکه یا انعقاد صلح با دولت روسیه چنین شرح میدهد: «اولا اصرار تورموسوف برای انعقادمعاهدهٔ صلح ثابت‌میکند که قوای‌روس‌برای ادامهٔ‌جنك کافی ومجهز نیست‌ثانیاً برای‌اثبات همین موضوع توجه میرزابزرك را بشکایت تورموسوف دربارهٔ پیشرفت یکدسته از لشکریان‌ایران تحت‌فرماندهی‌محمدعلی میرزا دولتشاه جلب کرده واین مطبرا دلیل دیگری بعدم قدرت نظامی دولت روسیه بادامهٔ جنك میداند ثالثاً سرهارفوردجونس نشان میدهد که برطبق نوشتجات تورموسوف دولت روسیه بهیچوجه حاضرنیست شرایط صلحی را که قبلا ازطرف گودوویچ پیشنهاد شده تغییردهد ـ آخرین دلیل سفیرانگلیس اینست که دعوت دولت روسیه ازدولت ایران برای اعزام یکنفرنماینده به‌دربارسن پطرزبرگ ممکن است برروابط تهران وقسطنطنیه خللی وارد کند.

سرهارفورد جونس درنامهٔ مورخ سپتامبر ۱۸۰۹ (شعبان ۱۲۲٤) خود به روبرت‌آدر[۱] وزیرمختاربریتانیای کبیردرقسطنطنیه تعقیب سیاست دوپهلوی خود را چنین توجیه میکند«هرگاه دولت روسیه بسیاست خود ادامه دهد و بانعقاد صلح باایران موفق گرددبرنفوذ وتفوق‌مادرتهران وقسطنطنیه لطمه خواهدزد[۲]درهمین نامه درجواب سؤالات روبرت‌آدر راجع به‌پیشنهاد باب عالی برای ایجاداتحاد میان دوکشورایران وعثمانی‌وتأثیر آن درتهران‌سرهارفوردجونس میگوید: «این‌پیشنهاد از طرف دولت ایران باحسن قبول تلقی خواهد شد زیرا ایرانیان عثمانیها را ملت مسلمان وهم کیش خود میدانند.»

نمایندگان اعزامی دولت روس‌نزد عباس میرزا پس ازملاقات بامیرزابزرگ پیشنهاد کردند قرار ملاقاتی برای تهیهٔ کنفرانس مقدماتی میان میرزابزرك وژنرال

1- Robert Adair

۲ ـ نامهٔ مورخ سپتامبرسرهارفورد جونس بروبرآدر
London :p.R.O.p.Fo.60.T.II

ترموسوف داده شود. دربارتهران نظرنمایندهٔ بریطانیای کبیررا راجع باین ملاقات سؤال کرد سرهارفورد جونس جواب داد. «هیچگونه جواب مثبتی قبل از نوروز نباید به‌بارون ورد داده‌شود [۱]. درهمین نامه سفیرانگلستان پس‌ازبیان دلایل‌زیادی برای مخالفت بامکاتبه‌واعزام نماینده ازطرف دولت ایران‌برای انعقاد معاهدهٔتعرضی وتدافعی میان دولتین ایران وروس میگوید وی نمیتواند قبل از وصول نظردولت متبوع‌خود دراین مورد اظهارنظر کند. راجع باصرار بارون ورد برای‌فراهم‌آوردن وسایل ملاقات میان میرزا بزرك و ترمرسوف برای تهیهٔ مقدمات کنفرانس صلح سرهارفوردجونس عقیده دارد که نتایج چنین کنفرانسی بضرر دولت ایران خواهد بود زیرا سیاست تحریك حس حسادت و دشمنی میان دولتین ایران و عثمانی بنفع دولت روسیه تزاری است. مساعی سرهارفورد جونس برای ممانعت از نزدیك شدن دولتین‌ایران وروس‌به‌نتیجه رسیدومذاکرات وملاقاتهای نمایندگان دودولت‌بالاخره میسرنشد.

تأثیرعقیده‌ونفوذ سرهارفوردجونس‌دردربارایران ازمضمون فرمانی که‌فتحعلی شاه بعنوان‌عباس‌میرزافرستاده‌بخوبی معلوم میگردددراین‌فرمان‌پادشاه ملاقات میرزا بزرگ را باترموسوف اجازه داده ودستور میدهد نمایندهٔ ایران باید سعی کند که دراین کنفرانس مقصود واقعی ومیل دولت روسیه را بفهمد ومذاکراتراباانهایت احتیاط و فطانت ودوربینی ادامه دهد و بدون هیچگونه ابهامی به ترموسوف اظهار کند که دولت ایران متحددولتین انگلستان وعثمانی است بنابراین تمام تصمیماتی که‌اتخاذ خواهد شد بایستی براساس تأمین منافع سه کشورمتحد انجام پذیرد [۲]

بالاخره پس‌ازمذاکرات زیادمیان نمایندگان دولت روس ودولت ایران‌مقرر شد ملاقاتی میان ژنرال ترموف ومیرزا بزرگ درعسکران انجام گیرد. [۳]

---

۱ - نامهٔ سرهارفورد جونس به‌میرزاشفیع بتاریخ ۱۸ فوریه ۱۸۰۹
Lon don :p.R.O.p.Fo.6o.T.III

۲ - فرمان مورخ ٦ صفر ۱۲۲۵ (١٦ مارس ۱۸۱۰ فتحعلی‌شاه به‌عباس میرزا
Lon don :P.R.O.P.Fo.6o.T.III

۳ - نامهٔ مورخ ۱۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفورد جونس به کنت باترست Bathurst وزیرمستعمرات‌دولت انگلستان Lon don :P.R.O.P.Fo.6o.T.III

بمحض اطلاع از اینکه تشکیل کنفرانس میان سیاستمدار ایرانی و ژنرال روسی حتمی است نمایندهٔ انگلستان ازمیرزا بزرگ تأمین وتعهد گرفت درصورت انعقاد پیمان متارکه میان دولتین ایران و روس منافع دولت عثمانی تضمین و منظور گردد(۱). بااین ترتیب درتاریخ ۱۰ ربیع الاول ۱۲۲۵ (۱۵ آوریل ۱۹۱۰) میرزا بزرگ برای حضوردرمحل کنفرانس تبریزرا ترک گفت.

برای مطمئن ساختن دولت عثمانی ازجریان مذاکرات دولتین روس وایران سرهارفورد جونس درنامهٔ خودبه‌روبرت آدر که‌درتاریخ اول آوریل ازتبریز نوشته شده تصریح میکند که‌میرزا بزرگ‌وزیرعباس‌میرزاراضی شده‌است که در صورت‌انعقاد معاهده صلح یا پیمان متارکه بادولت روسیه ماده‌ای بگنجاند که مطابق آن روسها ازهر گونه‌تعرضی باراضی‌دولت‌عثمانی‌خودداری کنند.با اطمینان‌ازاینکه مذاکرات میان‌دولتین ایران وروس بنتیجه نخواهد رسید سرهارفورد جونس در همین نامه به روبرت آدر اعلام میدارد « نظربه‌اینکه منظور وهدف نهائی ترموسوف پس از انعقاد معاهده صلح ویا امضای پیمان متارکه بادولت ایران حمله بخاك عثمانی است پس فرمانده کل قوای روس‌بگنجاندن‌مادهٔ پیشنهادی ازطرف نمایندهٔ دولت ایران رضا نخواهد داد »(۲)

نمایندهٔ بریطانیای کبیر درپیشرفت مقصود خود تردیدی نداشت‌برای احتراز ازهر گونه پیش آمدغیر مترقب هنگامی که‌میرزابزرك درعسکرن بودسرهارفورد جونس جهت‌تهیهٔ متن ومواد پیمان‌متارکه‌ای که بایستی بوسیلهٔ میرزا بزرك بژنرال ترموسوف تسلیم گردد درتاریخ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۲۵ (۱۵ مه ۱۸۱۰) به تبریز نزد عباس میرزا رفت (۳).

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱ آوریل ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌روبرآدر
Lon don :P.R.O.P.Fo.6o.T·IIl

۲ـ نامه سرهارفوردجونس‌به روبرت آدر
L ondon:P.R·O.P.Fo.6oT.III

۳ـ نامهٔ مورخ ۲۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به باتر **Bathurst**
London: P.R.O.P.Fo.6oT.III

برای اینکه طرح مز بور مورد قبول دولت روسیه واقع نشود نماینده بریطانیای کبیر مواد آنرا طوری تنظیم کرد ودرمتن آن اصطلاحاتی بکاربرد که منظور سیاسی دولت انگلستان را تأمین می‌نمود . این طرح درشش ماده تهیه شده بود ومواد ٥ و ٦ آنرا که باعث شکست مذاکرات عسکران گردید دراینجا ذکرمیکنیم :

ماده ٥ : درمدت اعتباراین قرارداد قوای ایران درآذربایجان وقوای روس در گرجستان نباید اضافه ویاتعویض شود .

بادرنظر گرفتن اتحاد میان دولتین ایران وعثمانی درمدت اعتبار این قرارداد هرگاه قوای روس بنقاطی ازسرحدات حمله کنند این حمله اختلاف نظر میان دربارهای ایران و عثمانی ایجاد خواهد نمود . بنابراین نمایندگان مختار موافقت میکنند که درطول مدت این قرارداد قوای روس بهیچیك از نقاط سرحدی عثمانی بخصوص شهرهای قارص ووان وآلکالسیکه[1] حمله نکنند .

ماده ٦ : هرگاه درمدت اعتباراین قرارداد پادشاه ایران مناسب دانست سفیری برای پیشنهاد صلح به سن‌پطرز برك بفرستد دولت روسیه تخلیهٔ تمام گرجستان و استرداد تمام ایالات اشغالی ایران‌را بعنوان اساس معاهدهٔ صلح قبول میکند[2].

ولی چنانکه سرهارفوردجونس پیش‌بینی کرده بود زمامداران روس پیشنهاد های دولت ایران را قبول نکردندوقراردادی در ۱۲ ماده بنمایندهٔ ایران ارائه‌دادند. مواد این قرارداد باندازه‌ای بامواد پیشنهادی دولت ایران مغایرت ومباینت داشت که بالاخره مذاکرات عسکران سرنگرفت ومیرزا بزرك بدون اخذ کمترین نتیجه به تبریزمراجعت کرد وژنرال ترموسوف عازم تفلیس شد . جمادی‌اول ۱۲۲۵ (ژوین ۱۸۱۰) نمایندهٔ بریطانیای کبیروقتی ازنتیجهٔ مذاکرات عسکران اطلاع حاصل کرد

---

1 — Alkalsikeh

۲ ــ طرح یك قرارداد متارکه میان دولتین روس وایران که از طرف سرهارفود جونس تهیه ودرتاریخ ۱۵ مه ۱۸۱۰ تقدیم گردیده است

London :p.R.O.p Fo.60T·III

بلافاصله وزارت امورخارجهٔ انگلستان را ازقطع مذاکرات میان‌دولتین‌ایران وروس در جریـان گذاشت.(۱)

سرهارفوردجونس درتاریخ ۲۴ مه نیزاستراتفورد (۲) کانینگ سفیر کـبیر انگلستان را درقسطنطنیه که جانشین روبرت آدر شده بود از قطع مذاکرات میان دولتین ایران وروس مطلع ساخت(۳).

استراتفورد کانینگ بنوبهٔخود خلاصهٔ چندنامهٔ محرمانه‌را که روش وسیاست کلی دولت روسیه را روشن میسازد برای اطلاع سفیر انگلستان در ایـران ارسال داشته (٤) وازموفقیتی که درمسائل ایران و روس نصیب وی شده تبریك میگوید :

۱ ـ نامه مورخ ۲٦ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌ولزلی
London : P.R.O.P.Fo.6o.T.III

2 - stratford – Canning

۳ ـ نامهٔ مورخ ۲٤ مه سرهارفورد جونس به‌استراتفورد کانینك
London:P.R O.P.Fo.6o.T.III

٤ ـ خلاصهٔ چند نامهٔ محرمانه که ازسن‌پطرزبرك بدست‌استراتفورد کانینك رسیده ووی رونوست آنهارا برای اطلاع سرهارفورد حونس ارسال داشته بود : « در روسیه بعلت خرابی فوق‌العادهٔ اوضاع مالی که مواجه باورشکستی‌است امیدوارند جنك راخاتمه دهند. نتیجهٔ این جنگها ومخصوصاً ادامهٔ دوجنك عثمانی وایران که فعلا درجریان است محتـاج بمقادیر فوق‌العاده زیاد پول است که در حال حاضر در روسیه کـمیاب میباشد. بطوریکه ادامهٔ این دوجنك باوضعی‌که مالیهٔ دولت روسیه گرفتار شده برای این‌دولت غیرممکن است».

«برای انعقاد معاهدهٔ صلح باایران منتظرامضای پیمان متارکه هستند که بعلت اشغال ایمرسی ازطرف سپاهیان امپراطوری و حبس پادشاه سلیمان بعلت خیانت بدولت روسیه بتأخیر افتاده است ـ اشغال ایمرسی هنوزاعلام نشده ولی میگویند باانضمام این ناحیه علاوه براینکه دولت روسیه بقلاع مستحکمی دست خواهد یافت‌که برای ادامهٔ‌جنك باعثمانیها درجبههٔ طرابوزان بی نهایت مفید است چهل هزار نفر نیز بجمعیت آندولت اضافه خواهد شد ـ واگذاری دوایالات همجوار گرجستان راازایـران میخواهند البته این امر بنظرهر شخص‌فهمیده نامعقول بنظرمیرسدزیرا روسها که نتوانستندایروان‌رامتصرف‌شوند چگونه میخواهند‌که پادشاه ایران این ایالت را با انعقاد معاهدهٔ صلحی بـدولت روسیه واگذار کند؟ مسیولازار متصدی‌امورفرانسه دردربارایران دراینجا است وطرف توجه

بقیه حاشیه درصفحه بعد

« شمامیتوانید متوجه خدمت مهمی باشید که باممانعت از امضای قرار متارکه و یا پیمان صلح میان دولتین ایران و روس بمنافع عمومی انجام داده اید.» استراتفورد کانینك از نظر یکنفر بریطانیائی چنین قضاوت میکند: « بزرگترین خدمتی که شما انجام داده اید اینست که توانسته اید جنك را باشدت هرچه تمامتر میان ایران و روس ادامه دهید آلکساندر از انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس و ایران مأیوس و ناامید شده است »(۱)

بقیه حاشیه از صفحه قبل

امپراطور آلکساندر نیز میباشد ـ وی منتظر ورود سفیر ایرانست معلوم نیست بچه علت پادشاه ایران بایستی نماینده ای باینجا بفرستد درصورتیکه وی میتواند معاهدهٔ صلح را درهمان سرحدات خود منعقد کند. این نکته نیزشایان توجه است که دربارروسیه محکوم به تعقیب یك سیاست ناپایدار و تغییرپذیر و غیرمطمئنی است که بهیچوجه با منافع آندولت ومنافع اروپا تطبیق نمیکند.

«دراینجا هنوزهم زیاد علاقمند باصول سیاست فرانسه هستند. امیدوارند بزودی بدوجنك ایران وعثمانی بزوراسلحه خاتمه داده خواهد شد. باوجود تمام ملاحظاتی که بایستی در نظر گرفت روسها درعقیدهٔ خود راجع بانعقاد قریب الوقوع پیمان صلح با ایران راسخ می باشند وامیدوارند که این صلح باورود نمایندهٔ ایران عملی خواهد شد. همچنین انتظاردارند که پس ازعبورلشکریان روس از رود دانوب جنك با عثمانیها نیز بزودی خاتمه خواهد یافت.

اسناد منظم بنامهٔ استراتفوردکانینك که در اول اوت ۱۸۱۰ بهسرهارفوردجونس فرستاده شد.

London:P.R.O.P.FO.6o.T-III

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۱ اوت ۱۸۱۰ استراتفوردکانینك به سرهارفوردجونس

London :P.R.o.P.Fo.6o.T.III

۵ ـ اتحاد ایران وعثمانی از رجب ۱۲۲۵ تا معاهده بخارست جمادی‌الاول ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۰-۱۸۱۲)

درنتیجهٔ اقدامات سرهارفورد جونس واسترانفورد کانینگ بالاخره پیمان اتحادی میان دولتین ایران وعثمانی درماه رجب ۱۲۲۵ (اوت ۱۸۱۰) بامضاء رسید.

پس ازقطع مذاکرات صلح باروسها جنگ درطول تمام جبهه‌های ایران وعثمانی ازنو بشدت آغاز شد (۱).

بعد ازمستشاران نظامی انگلیس ووصول توپ ومهمات مختصر بهبودی دروضع سپاهیان ایران حاصل شد. مهندسین انگلیسی درطول کرانه‌های رودارس به‌تحکیم نقاط سوق‌الجیشی پرداختند ـ ازطرف لنکران در کناردریای خزر بیک حمله لشکریان روس باموفقیت جواب داده شد واقدامات دشمن عقیم ماند.

سال ۱۲۲۶ (۱۸۱۱) نسبتاً آرام بود زیرا دولت روسیه ازیکطرف مصمم بود پنهانی ونا گهانی به‌لهستان حمله کند.

ازطرف دیگر میخواست جنگ رابشدت برضد عثمانیها ادامه دهد. وبااین ترتیب تمام فعالیت زمامداران روسیه ازطرف دانوب برضد عثمانیها وازسمت مغرب برضد دولت لهستان متوجه بود نیات خصمانهٔ آلکساندر ازهمان ملاقات ارفورت(۲) برضد ناپلئون معلوم‌بود بطوریکه درتاریخ ۳۱ دسامبر بنادرروسیه‌رابروی کشتیهای تجارتی باانگلستان باز کرد ودستورداد بحقوق گمرکی مال‌التجاره‌هائی که از فرانسه وارد میشود بیفزایند وباادامه‌این روش ازطرف دولت روسیه بسیاست محاصرهٔ بری ناپلئون

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌ولزلی

London: P.R.P.Fo.6o.T.lII

2 - ERFURT

برضد دولت انگلستان ضربهٔ شدیدی وارد آمد .

پس از این اقدام آلکساندر موفق شد سوئدیها و دانمارکی‌ها را نیز از فرانسه دور کند . مترنیخ (۱) با اینکه همه گونه وعدهٔ مساعدت به ناپلئون داده بود با آلکساندر اطمینان داد که درصورت ظاهر جنگ را برضد دولت روسیه اعلام خواهد کرد بدون اینکه بهیچوجه برتعداد سپاهیان اطریش بیفزاید . علاوه براین یك قرارداد سری درتاریخ ۲ ژوین ۱۸۱۱ میان دولتین روسیه و اطریش بامضاء رسید و مترنیخ با اتخاذ این روش یعنی تعقیب یك سیاست دوپهلو استقلال اطریش را تأمین نمودو منتظر شد تا فرصت مناسب‌تری بدست آید .

درجنك باعثمانیها روسها موفقیت بیشتری داشتند پس ازشکست‌های پی‌درپی درجبههٔ دانوب که ازطرف ژنرال باگراسیون به‌عثمانیها وارد آمد آندولت درتلاش بود که بحملهٔ سختی درجبهه قفقاز برضد دولت روسیه اقدام نماید .

بهمین مناسبت درماه ربیع‌الثانی ۱۲۲۶ (آوریل ۱۱۸۱) هیئتی ازطرف دولت عثمانی مرکب ازسیدعبدالوهاب افندی‌وحیرت‌افندی بهمراهی چهارنفرافسرمهندس برای حل یك اختلاف مرزی و بمنظور تشیید اتحاد نظامی میان دو دولت بتهران وارد شد.

پس ازتبادل افکار وجلب نظرافسران‌تصمیم گرفته شد که‌سپاهیان‌ایران‌وعثمانی از ماه جمادی‌الثانی(ژوین) حملات خود رامتحداً درسمت تفلیس ادامه‌دهند.

متأسفانه نقصان‌وسایل حمل ونقل جریان عملیات را کندساخته ونقشه‌روسها راکه ممانعت ازالحاق قوای‌ایران وعثمانی بودبی‌نهایت آسان میکرد تازه‌لشکریان ایران ازشوره گل وسپاهیان عثمانی ازقرارگاه خود ازقارص حرکت کرده بودند که بواسطهٔ حملات شدید ژنرال پولوچی (۲) مجبور شدند بقارص عقب نشینی کنند و لشکریان ایران پس ازچند روز مقاومت بسمت ایروان پس نشستند.

اوضاع اروپا باسرعت فوق‌العاده دگرگون میشد. دولت روسیه مصمم بود که

1 – **Metternich**

2 – **Pauluceci**

بلهستان حمله کندو باناپلئون ازدرجنك در آید. بهمین جهت آلکساندر تعجیل داشت که بجنك بادولت عثمانی هر چه زودتر خاتمه دهد بخصوص که این دولت درجبهه دانوب وقفقاز باشکستهای شدیدی مواجه گردیده بود. سرانجام هنگامی که نزدیك بودحمله ناپلئون بروسیه آغاز گردد آلکساندر اجازه دادپیمان صلح بادولت عثمانی منعقد شود وعهدنامه صلح بخارست در تاریخ ۲۸مه ۱۸۱۲ جمادی الاول ۱۲۲۷) میان دودولت بامضاء رسید. و بااین ترتیب ژنرال چیت چاقوو (۱) که جانشین ژنرال کوتوزوو (۲) شده بود موفق شد بسمت شمال پیشروی کند در صورتیکه لشکریان آسیائی تزار که از جانب دولت عثمانی آسوده خاطر شده بود برضد دولت ایران بمشرق جبههٔ قفقاز متوجه شدند

---

1 – Tchitchacow
2 – Koutosow

فصل چهارم

۱- مرحله سوم جنگهای ایران و روس از امضای معاهدهٔ بخارست

جمادی‌الاول ۱۲۲۷ (مه ۱۸۱۲) تا امضای معاهدهٔ گلستان

ذیقعدهٔ ۱۲۲۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

باامضای پیمان صلح بخارست جنك میان دولتین روس وعثمانی پایان یافت و سپاهیان‌عثمانی درجبهه‌های اروپا وقفقازدست ازتعرض برضد قوای روسیه‌برداشتند لشکریان تزارچون‌ازجانب عثمانی آزاد و آسوده‌خاطر شدندبحملات جدی‌بر ولایات ایران پرداختند.تخلیهٔ جناح چپ‌جبههٔ قفقازازطرف لشکریان عثمانی‌صدمهٔ جبران ناپذیری بوضع نظامی سپاهیان ایران وارد ساخت روسها درجبهٔ ایران‌ازسمت‌شوره گل بحملات وپیشرفتهای خود ادامه دادند.

درضمن پیشرفت، مأمورین ونظامیان‌روس، اهالی تمام‌نقاطی‌را که از آغازجنك برای حفظ منافع وطن خود برضد روسهااقدام کرده بودند مورد شکنجه‌قراردادند. بچه‌های خردسال‌را درآبجوش انداختندومردان وزنان‌را بچهارمیخ کشیدند.سکنهٔ ایالات سرحدی‌شمالغربی قفقازبخصوص مردم‌قره‌باغ درمقابل فجایع وتعدیات‌روسها بقرارگاه عباس‌میرزا پناه‌آوردند. ولیعهد ایران مجبورشد پناهندگان‌را از صحنهٔ عملیات دورسازد ودر آذربایجان سکونت دهد. این نقل و انتقالات مستلزم صرف هزینه‌های فوق‌العاده بود که بناچارازجیره واعتبارسربازان تأمین شد.

تعدی وبدرفتاری روسها ازماه‌جمادی‌الثانی باینطرف یعنی‌یکماه‌پس‌ازامضای معاهدهٔ بخارست شروع شد.

این طرزرفتارواجحافات روسها باعث ایجاد شورش وانقلاب عمومی در تمام

نواحی اشغالی گردید. عصیان وانقلاب بگرجستان نیز سرایت کرده ودر آنجا اسکندر میرزا ازاولادهراکلیوس که نسبت بدولت ایران وفادارمانده بود درراس شورشیان قرار گرفت. روسها همه جامورد حملات مسلمانانی قرار گرفتند که ازفجایع ومظالم ایشان جان بدربرده بودند.

سر گوراوزلی(۱) سفیر بریطانیای کبیر در ایران ویکونت کاسلره(۲) وزیر امور خارجهٔ انگلستان را باین عبارات از جریان اوضاع نواحی اشغالی روسیه مستحضر میسازد: «ازوقتی که اسکندرمیرزا والی گرجستان که نسبت بدولت ایران وفادار مانده شورش وانقلابات عمومی برپا کرده است قسمت اعظم نواحی اشغالی دولت روسیه باعصیان وانقلابات عمومی ومداوم مواجه است وباین ترتیب دولت ایران حاضر نخواهد شد قبل ازتصرف گرجستان بادولت روسیه کنار بیاید.»(۳)

---

1 - Sir – Gore – Ouseley.

2- Viconte-Castlereagh.

۳ - نامه سر گوراوزلی به ویکونت کاسلرهٔ

Lundon: P.R.O.P.Fo. 6o.T.VII

۲- مقدمات انعقاد معاهدهٔ گلستان

بی‌نتیجه بودن وساطت انگلستان ومذاکرات اصلان دوز

سیاستمداران انگلیسی که درسال ۱۸۱۲ (۱۲۲۷) ازفتوحات ناپلئون دراروپا فوق‌العاده نگران بودند، سعی‌داشتند که دولتهای سوئد وروسیه‌را از دولت فرانسه جدا سازند. بارسیدن کاسلره بوزارت امورخارجه بالاخره دولت انگلستان موفق شد در ۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ (۶ رجب ۱۲۲۷) پیمان اتحادی باتزار آلکساندرامضاء کند.

درجریان ماه آوریل یعنی دوماه قبل ازامضای پیمان اتحاددولت روسیه بوسیلهٔ سفیراسپانیا کمك دولت انگلستان را تقاضا کرده و ازآندولت مخصوصاً درخواست نمود که آلمانها واسلاوهای آدریاتیك رامسلح کند وارتش‌های اسپانیاوسوئدراتقویت نماید و عملا نشان دهد که جنك جدید برضد دولت فرانسه اصولا جنك برای استخلاص واستقلال ملت‌هاست.

درمشرق نیز بهمین‌منوال دولت روسیه میانجی‌گری انگلستان راتقاضا کرد. قیام‌هاواغتشاشات مداوم‌درنواحی‌متصرفی روس، تهیه وتجهیزات‌قوای‌ایران‌برای‌حمله ومخصوصاً عزیمت ارتش‌بزرك ناپلئون بطرف‌روسیه، ژنرال‌نیکولادوریچف[1] جانشین ژنرال ترموسوف را مجبورووادار کرد که تا وصول اخبارصحیح از هجوم و استیلای فرانسویان ازحملات خوددرجبههٔ ایروان بکاهد.

درنتیجهٔ همین تحولات سیاسی ونظامی ووضع جبهه‌های غربی‌روسیه بود که ژنرال نیکولا دوریچف فرمانده کل‌قوای قفقاز کلنل‌فریقان[2] مشاوردربارومازور

1- Nicolas-De-Ritcheff.

2 - Colenel-Freygang.

پاپف[1] رابرای ملاقات سر گوراوزلی سفیرانگلستان بایران فرستاد.[2] هیئت نمایندگی روس حامل نامه‌هائی ازطرف دوك دوسرا کاپریولا [3] نمایندهٔ پادشاه دوسیسیل[4] دردربارسن پطرزبرگ بود. در این نامه ها تصریح شده بود که استراتفورد کانینك سفیربریطانیا درباب‌عالی ازنمایندهٔ دوسیسیل دردربار آلکساندر تقاضا کرده‌است که ازبذل مساعدت برای پایان دادن بجنگ روس وایران مضایقه ننماید.[5]

---

1 - Papoff

۲ - نامهٔ مورخ ۲۷ژوئن ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به‌دوك دوسرا کاپریولا
London: P.R.O: P.Fo.60T.VI

3 – Duc – De – Serra Capriola.

4 – Deux – Siciles.

۵- بمناسبت ارزش تاریخی نامهٔ مطول دوك دوسرا کاپریولا به سر گوراوزلی که سیاست کاسلره را روشن کرده واهمیت جنك ایران‌را ازنظر دولت روس نشان میدهد بترجمهٔ قسمتی ازآن مبادرت میکنیم.

«من که‌این نامه‌را بدون‌داشتن افتخارشناسائی بشمامینویسم امیدوارم آنراغیرعادی تلقی نفرمائید. فوریت‌امور که دولت انگلستان اینهمه بدان اهمیت میدهدومایلست که انعقاد پیمان صلح‌را میان‌دولتین ایران و روس مشاهده کند، خوشبختی که باجلب اعتماد سفیر انگلستان نصیب من گردید و توانستم بنام وزیر اعلیحضرت پادشاه دوسیسیل تمایلات دولت شمارا نزد اعلیحضرت امپراطورروسیه ابرازدارم، دلایلی است که بمن اجازه داد باین اقدام‌مبادرت‌کنم واطلاعات مهمی حاکی ازوسعت دامنهٔ تشبثات برای انعقادپیمان صلح مفید بحال‌دولتین ایران وروس که دولت انگلستان نیزجداً طالب آنست دردسترس شما بگذارم.

«مسیو کانینك سفیرانگلستان درقسطنطنیه که باوی افتخار مکاتبه را دارم از هنگامیکه استقرارصلح‌دولتین روسیه وباب عالی بعهدهٔ ایشان محول گردیده آثار جدیت خودرا نشان داده وموضوع مأموریت‌محوله‌را بجائی که‌مورد علاقه بود رسانیده است‌وی در تاریخ ۱۹ فوریه بمن نوشته‌که ضمن مسائل مورد بحث که عثمانیها مطرح میکنند میخواهند پیمان صلح باآندولت متضمن صلح میان دولتین ایران وروس نیز باشد.

«من که افتخارداشتم درچندین جلسه کنفرانس باکنت‌دوروما نزوف Conte-De Romanzoff صدراعظم امپراطوری روسیه شرکت کنم همین موضوع‌را باایشان در میان گذاشتم-جناب‌ایشان اظهار داشتند که جنك با ایران کاملا مشخص ومتفاوت‌باجنگی است که اعلیحضرت امپراطوری باترکها دارد. لزومی ندارد وحتی‌خوش‌آیندهم نیست که این‌دوجنك باهم مخلوط شود. این عمل برای دولت مقتدری مانند ایران یکنوع

بقیه حاشیهٔ درصفحه بعد

بقیه حاشیه از صفحه قبل

تحقیر و بی‌احترامی است که بدون اطلاع و برای آندولت معاهده‌ای بامضاء برسد که دولت ایران را تحت حمایت و تابع سیاست دولت عثمانی قرار دهد ولی اعلیحضرت امپراطور حاضر است با دولت ایران صلحی براساس وضع حاضر و بوسیلهٔ سفیر انگلستان در ایران منعقد سازد ...

«تصدیق میکنید که من مضایقه نکردم چنین خبری را فوراً باطلاع مسیو کانینك برسانم تامشارالیه باب عالی را ازموضوع مستحضر سازد و بشما نیز اطلاع دهد تا در نتیجه بتوانید اقدام کنید.

«اکنون افتخار دارم این خبر را بشما مستقیماً ابلاغ کنم که درضمن ملاقات دیگری که باصدراعظم امپراطوری کردم بمن اظهار داشت علاوه بر آنچه که بمسیو کانینك نوشته شده برای اثبات تمایلی که اعلیحضرت امپراطور جهت امضای معاهدهٔ صلح با پادشاه ایران دارد نه تنها حاضر است پیشنهادهای خود را باتقلیل آنها بوضع حاضر تعدیل کند بلکه میخواهد تمام اختیارات سلطان فعلی و تمام عناوین را بشناسد ... اقدامات مفید شما مورد قبول بوده و بفرمانده کل قوا در گرجستان دستور داده شده است که مذاکرات را بوسیله شما شروع کند.

«گمان میکنم ناچارم بشما اطلاع دهم که در دوم ماه جاری امپراطور بوسیلهٔ صدر اعظم بمن اجازه داد جوابی بمسیو کانینك بدهم که مضمون آن نه تنها تسهیلات مهمی برای انعقاد پیمان صلح باامپراطوری عثمانی را فراهم میسازد بلکه امپراطور امضای یك پیمان اتحاد تعرضی ودفاعی را باتضمین متقابل در برابر حملهٔ یکی ازدول اروپائی پیشنهاد میکند این رویه بطور کامل وصریح ثابت میکند که دولت روسیه به بقای امپراطوری‌های عثمانی و ایران تاچه حد علاقمند است دریافت این خبر ازپیش بشما کمك خواهد کرد که پادشاه ایران را متقاعد کنید ومذاکرات صلح را که این همه مورد توجه دولت شماست و در وضع حاضر تااین حد ضروریست تسریع نمائید.

«ملاحظه میکنید که وضع فعلی روسیه وساطت صریحی را اجازه نمیدهد ولی اقدامات مفید ودخالت شما این موضوع را جبران خواهد کرد. مخصوصاً اگر توجه داشته باشید که با هم آهنك کردن این اقدامات مفید باساس طرحی که ازطرف دولتین روس و انگلیس دردست تهیه است کمك خواهد شد من هیچ تردید ندارم که شما باهمیت این حقیقت پی برده‌اید وهیچ اشکالی دراین خصوص مشاهده نمی کنید واگر بااشکالی مواجه شوید دررفع آن ابدا کوتاهی نخواهید فرمود تابسهم خود دراین کار مهم که تااین حد متضمن نفع مصالح عمومی است توفیق یابید.

«قبلا بشما اطلاع میدهم حدس میزنند که درضمن پیشنهادهای مختلفی که بناپارت در

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

وارد ومنتظر ورود سر گوراوزلی سفیر کبیر انگلستان شدند .

علاوه براین اقدامات ، ژنرال دوریچف ماژور پاپف را مأمور کرد نامه‌ای بعنوان عباس میرزا تسلیم نماید که در آن نامه مجدداً برای ختم غائله پیشنهاد سازش شده بود. دراین موقع باامضای معاهدهٔ اتحاد میان دولتین روس وانگلیس منافع بریطانیای کبیرایجاب میکرد که قوای روس ازسرحدات قفقاز آزاد گردد تانقشهٔ بزرك دفاعی برضد ناپلئون وبنفع عملیات مهم‌تری که برای تأمین مصالح عمومی ضرورت داشت تکمیل شود. درتعقیب همین سیاست بود که بالاخره سفیرانگلستان پس ازاصرارزیاد در ماه جمادی‌الثانی ۱۲۲۷ بتحصیل اجازه از طرف فتحعلی شاه موفق شد که برای عقد قرارداد صلح باروسها داخل مذاکره شود . (۱)

نمایندهٔ بریطانیای کبیر در تاریخ ۸ جمادی‌الثانی ۱۲۲۷ (۱۹ ژوین ۱۸۱۲) وارد تبریز شد وپس ازمذاکرات وملاقاتهای متعدد بانمایندگان دولت روس وعباس میرزارضایت ولیعهد ایرانرا برای انعقاد معاهدهٔ صلح بفرمانده کل قوای روس اطلاع داد وبهمین منظورروبر گوردین (۲) را که مورد اعتمادوی بود برای مذاکرات صلح میان دولتین روس و ایران نزد ژنرال دوریچف فرستاد (۳) .جمس موریه (٤) وابستهٔ

آخرین مرحله برای اجتناب ازجنك بدولت روسیه خواهد کرد یکی تقسیم امپراطوری عثمانی ومنظور کردن مادهٔ مخصوصی است برای اجازه عبورارتشی ازاراضی امپراطوری عثمانی که بایدازراه ایران برای حمله بهندوستان اعزام گردد . بناپارت برای جنك کاملا آماده است بازهم میخواهد تمام وسایل‌را برای اجتناب ازجنگی که نتیجهٔ آن قابل تردید است بکار برد بنابراین فوق العاده اهمیت دارد که قبلا وسائلی کـه بناپارت بـا اینهمه مهارت ازآنها استفاده میکند ازبین برداشته شود وخاتمه دادن باختلافی که میان دولتین روس وایران حکمفرماست ازجمله این وسایل بشمارمیرود .

« لازم میدانم مسیو کانینك ووزارت‌خارجهٔ انگلستان‌را ازاین‌اقدام‌خودمطلع نمایم».

سن پطرزبورگ ۱۵ آوریل ۱۸۱۲

London :P.R.O.P.Fo.6o.T.VI دوك‌دوسرا کاپریولا

۱ ـ نامه مورخ ۲۷ژوین ۱۸۱۲ سر گوراوزلی بهولزلی

London :P.R.O.P.Fo.6o.T.VI

2 -R obert Gordon.

۳ ـ نامه مورخ ۲۱ ژوین سر گوراوزلی به‌ژنرال دوریچف

London :P.R.O.P.Fo.6o.T.V

4 - James.Moriei .

سفارت انگلیس در کتاب مسافرت خود بایران جریان اوضاع‌را چنین شرح‌میدهد:
«درموقع ورود به‌تبریز دراین شهریك افسرروسی دیدم که ازطرف ژنرال‌دوریچف
فرمانده کل گرجستان برای ملاقات سرگوراوزلی آمده وحامل نامه‌هائی بود کـه
تصمیم‌دولت‌سن پطرزبرك‌را برای شروع مذاکرات بادولت ایران بوساطت‌بریطانیای
کبیرشرح میداد .

انقلابات‌جدید گرجستان که بنفع‌ایران‌بودبطوری غرور آندولت‌رازیاد کرده
بود که بهیچ وجه‌حاضرنمیشد پیشنهادهای حریف‌را گوش بدهد. ولی‌باوجوددخالت
ووساطت دولت انگلستان شاهزاده نتوانست تقاضای اورا رد کند .

بنابراین سفیرانگلستان بارضایت شاهزاده ، روبر گوردون‌را با افسر روسی‌به
تفلیس فرستاد تاازژنرال دوریچف مفهوم صریح یادداشت روس‌را سؤال کند واطلاع
حاصل نماید که دولت روس یکنفرنمایندهٔ تام‌الاختیاربرای صلح‌درنظرداردیانه»

دراوایل‌ماه‌اوت ١٩١٢ (شعبان١٢٢٧) مراسلات روبر گوردون به‌تبریز رسید.
جمس‌موریه‌مامور شدآنهارا بعباس میرزا که درادوگاه یام (٤٠ کیلومتری تبریز)
اقامت داشت برساند .

جمس موریه‌میگوید یکی‌ازنامه‌های فرمانده کل قوای روس حاوی‌رونوشت
معاهده‌ای بود کـه جدیداً میان دولتین روسیه و عثمانی (مقصود معاهدهٔ بخارست
میباشد) بامضاء رسیده بود[١] عباس‌میرزا این معاهده‌را در کمال سکوت و به‌تفصیل
مطالعه کرد و ملاحظات ویادداشت‌های فوق‌العاده دقیقی در خصوص بعضی از مواد
معاهده نمود · معلوم بود که شاهزاده اطلاع کامل از کـیفیت روابط سیاسی موجود
میان دودولت‌دارد .علاوه‌براین‌ژنرال‌دوریچف‌درمکاتبات‌تقاضای‌متارکهٔ‌جنك‌را کرده
واطلاع‌داده بود که‌اختیارات‌تمام‌برای‌عقد قراردادصلح دارد« درصورتیکه‌دولت‌ایران
برای‌برداشتن اولین قدم‌صمیمانه مایلست من‌حاضرم درنقطه‌ای ازسرحد که ازجانب
طرفین تعیین خواهدشد حضوریافته درخصوص متارکهٔ جنك‌مذاکره کنم ودرضمن

---

١ ـ مکاتبات روبر گوردون باسر گوراوزلی
London:P.R.O.P.Fo.60.T.VII

با نمایندگان تام‌الاختیار پادشاه ایران عباس میرزا و جنابعالی مذاکرات مربوط باساس‌صلح راشروع نمایم.(۱)

دولت روس تقاضا کرده بود جنك برای مدت چهل روز متار که شود در ماه شعبان ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۲) از طرف دولت ایران بااین تقاضا موافقت شد وجنك‌در طول تمام جبهه متوقف گردیدباستثنای ناحیهٔ طالش که درآنجا مصطفی خان طالش با کمك روسها اغتشاشاتی برضد دولت ایران‌بر پا کرده بود.فرمانده کل قوای‌روس وعباس میرزاقرار بود یکدیگر را پس‌از انقضای‌مدت متار که در سلطان حصاری‌در کنار رودارس ملاقات نمایند ولی دراوایل ماه رمضان ۱۲۲۷(سپتامبر ۱۸۱۲)ژنرال حق وردی (۲) بمر کزستاد عباس میرزا آمده و اظهار داشت نظر باینکه ایرانیان بدستیاری اسکندر میرزا اغتشاشات گرجستان را برپا ساخته شروط متار کهٔ‌جنك‌را رعایت‌نکرده ومحترم نشمرده‌اندملاقات سلطان حصاری مورد نخواهد داشت.صاحب ناسخ التواریخ درحسن نیت ژنرال‌روس‌بدون دلیل تردید دارد ولی بنظرمیرسید که این‌تغییرسیاست دولت روس بااوضاع مسکو که دردست سپاهیان ناپلئون‌بودبستگی داشته است .

بدین‌معنی که فرماندهی روس گمانداشت فرارسیدن فصل زمستان بایجاد هرج‌ومرج وانحلال لشگریان فرانسه کمك کرده ودرنتیجه فتح‌قطعی بادولت‌روسیه خواهدبود بنابراین روسهاحق داشتند که دربرابرایران پرتوقع باشند وهمین‌انتظار وپیش‌بینی عاقبت‌لشگریان فرانسه درروسیه ازاهمیت وضرورت صلح بادولت‌ایرانرا میکاست . بعلاوه ژنرال حق‌وردی اظهارمیداشت که ژنرال دوریچف دیگراختیارات تام برای امضاء وانعقاد معاهدهٔ صلحی که منافع دو کشوررا تأمین کند ندارد. برای حفظ ظاهر ژنرال حق‌وردی پیشنهاد کرد نمایندگانی ازطرف دولت ایران بـرای ملاقات بانمایندگان دولت روس باصلان دوزواقع در کناررود ارس اعزام شوند.

۱- نامه مورخ ژوئیه ۱۸۱۲ ژنرال دوریچف بسر گوراوزلی
London:P.R.O.P.F.o.6o.T.VII

2 - Akcwerdoff.

سر گوراوزلی که برای تسریع انعقاد معاهدهٔ صلح اصرار داشت عباس میرزا را باعزام میرزا ابوالحسن‌خان نمایندهٔ سابق ایران درلندن برای مذاکرات‌مقدماتی صلح مصمم گردانید. جمس‌موریه نمایندهٔ‌ایران‌برای شرکت در کنفرانس‌اصلان‌دوز حرکت کرد ودستورداشت قبلا درضمن کنفرانس محرمانه‌ای بافرماندهٔ کل قـوای روس ملاقات کند .

نمایندگان در تاریخ ۱۳ رمضان (۲۰ سپتامبر) از آق‌تپه مرکز ستاد ولیعهد ایران که ازاصلان دوز چندان فاصله‌ای نداشت حرکت کردندودرهمان وقت میرزا بزرك وزیرعباس میرزا نیزمامورشد که دولت روسیه راازبی طرفـی دولت‌ایران در اغتشاشات گرجستان مطمئن سازد .

جمس موریه‌پس ازجلسات متعدد وتبادل نظرباروسهاقرارگاه‌ژنرال‌دوریچف رادرمعیت ژنرال حق‌وردی که نمایندگی دولت روسیه را درمذاکرات عهده‌دار بود ترك گفت .

مذاکرات نمایندگان‌دودولت فوق‌العاده دشوار وطولانی شد زیراروسهابهیچ وجه نمیخواستند ازپیشنهادهای سابق خود صرف نظر کنندوایرانیها حاضر نبودند براساس وضع‌حاضر(۱)سازش نمایندبطوریکه از کنفرانس اصلان‌دوزنتیجهٔ مطلوب بدست نیامد وامیدانعقاد معاهدهٔ صلح قطع گـردید ومذاکرات بدون‌نتیجه خاتمه یافت ودرروز ۲۹ رمضان (۲۷ سپتامبر ۱۸۱۲) صورت مجلسی تنظیم شد کـه علت شکست‌مذاکرات‌راروشن میکند(۲) .

دولت‌روسیه شرایط آتی‌را که ممکن بوداساس‌معاهدهٔ‌صلح قرارگیرد پیشنهاد میکرد: نواحی که بانیروی‌سپاهیان روس فتح‌شده‌وهمچنین مناطقی که‌تحت‌حمایت دولت روسیه قرارگرفته‌اند درتحت نفوذ وقدرت تزارباقی میماند. ناحیهٔ طالش که بتازگی تحت حمایت دولت روس درآمده و سابقاً متعلق بدولت ایران بود ازدولت ایران خواهد بود .

---

1 - Statu - Quo.

۲ - صورت مجلس مورخ ۲۷ سپتامبرمربوط به کنفرانس اصلان دوز
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.VII

درصورتیکه ایرانیان این شرایط را قبول کنند امپراطور روسیه درحین انعقاد قرارداد فرمانفرمای فعلی ایرانرا بسمت پادشاه قانونی ایران شناخته ، عباس میرزا رابعنوان جانشین تاج و تخت ایران خواهدشناخت دولت روسیه همچنین تعهدمیکند که درمقابل دشمنان دولت ایران بآندولت کمك کند .

درمقابل پیشنهادهای نمایندگان دولت روس نماینده دولت ایران شرایطی را که ممکن بود ازطرف دولت ایران پذیرفته شود بدین شرح بیان نمود : نواحی که سابقاً متعلق بایران بود ودولت روسیه بزور اشغال کرده وهمچنین نواحی که سکنهٔ آن در تحت حمایت دولت روس قرار گرفته‌اند بایستی بدولت ایران مسترد گردد . دولت ایران تعهدمیکند پولی بدولت روسیه بپردازد ودرمقابل دشمنان دولت روسیه نیرو به کمك آن دولت بفرستد .

بااین ترتیب تباین واختلاف نظر لاینحل بود وچنانکه گفتیم کنفرانس اصلان دوز بدون اخذ نتیجه خاتمه پذیرفت .

مؤلف ناسخ التواریخ میگوید ایرانیان که تا کنفرانس اصلان دوز باقید وانتظار ملاقات عباس میرزا وژنرال دو ریچف بودند ملتفت شدند که تمام این ملاقاتها ومذاکرات تزویر وبرای اغفال دولت ایران است . سرگوراوزلی درنامه‌ای که بعنوان کاسلره (۱) بلندن فرستاده عدم میل بسازش و لحن محکم نمایندگان ایرانرا در کنفرانس اصلان دوز بیشتر به نفوذ نمایندگان دولت فرانسه در بغداد متوجه میسازد ومعتقداست نمایندگان دولت فرانسه که بااطرافیان ووزرای عباس میرزا مربوط هستند ازپیشرفتهای درخشان بناپارت سخن گفته و وعده میدهند که بزودی ایرانرا ازدست روسها خلاص خواهد کرد.(۲) درهمین نامه نمایندهٔ دولت انگلستان ازروابط میرزابزرگ بانمایندگان دولت فرانسه دراسلامبول اظهار نگرانی کرده ومیگوید که این وزیر مشغول عملیاتی برضد دولت انگلستان وبنفع دولت فرانسه است . وی تمام مساعی خودرا برای برکنارساختن میرزا بزرك که مانع انعقاد پیمان صلح است بکاربرده ولی باخذ نتیجه موفق نگردیده است

1 – Castlereagh

۲ ـ نامهٔ مورخ ۲٤ دسامبر ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به ویکونت کاسلیره
London : P . R. O . P . Fo . 60T · VII

۳ـ آخرین زدوخوردهای سال ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)

قبل‌ازحرکت ازاصلان‌دوز نمایندگان مقرر داشتند که درانقضای مدت‌معین جنگ مجدداً شروع‌شود.

امضاء کنندگان‌متارکه ماه‌اوت۱۸۱۲ (شعبان ۱۲۲۷) ازعملیات‌مصطفی‌خان درطالش که ازطرف روسها کمك وحمایت‌میشد (۱) اسمی‌نبرده‌بودند واوضاع طالش رفته‌رفته بدترمیشد بطوریکه در رمضان ۱۲۲۷ (سپتامبر ۱۸۱۲) عباس میرزا تصمیم گرفت بانقلابات طالش خاتمه‌دهد. دراینموقع‌سپاهیان‌روس ازپل‌سالیان عبور کرده وبه‌لنکران که دردست مصطفی خان‌بود رسیده‌بودند. عباس‌میرزا قسمتی ازنیروهای جبههٔ شمالغرب راکه درآنجا مخاصمه متوقف شده‌بود بطرف لنکران اعزام داشت. مصطفی‌خان که نمیتوانست به‌تنهائی درمقابل لشکریان ایران مقاومت کندبدهکدهٔ گامیشاوان حرکت کرد واین‌نقطه ازطرف قوای‌ایران محاصره‌شد.

---

۱ ـ راجع بمدخالت روسیه درناحیه طالش بدرج خلاصه‌ای ازنامهٔ‌ژنرال‌ترموسوف بعباس میرزا که درآن رابطهٔ آشوبگران طالش بادولت روس بیان شده مبادرت‌میکنیم:
«...شما لشکری بطالش‌فرستادید که مطابق‌میل‌سکنهٔ آن ناحیه درتحت حمایت‌دولت‌روسیه قرارگرفته‌است.. اکنون‌مینویسید که من‌بایددرامورواین‌ایالت دخالت‌کنم زیرااین‌ایالت هیچگاه‌تحت حمایت روسیه نبوده‌است.
«.... من‌چندین‌مرتبه وضع‌مصطفی‌خان‌را بشما بیان کردم.. تمام اهالی‌طالش حمایت‌دولت‌روسیه‌راخواستارشده‌اندوچندین کشتی‌جنگی‌امپراطوری‌هم‌اکنون برای‌حمایت ساکنین درساحل‌این‌ناحیه لنگرانداخته است.
«درسال ۱۸۰۲ هنگامیکه مصطفی‌خان برادرزاده خویش محمد بیك‌رانزدژنرال لیدمان‌گوازنین Leedmand - Gouezneen اعزام‌داشت خودرا تحت‌حمایت دولت روس قرارداده ومعاهده‌ای امضاءکرد وسوگندوفاداری نسبت باین‌دولت یادنمود.
بعهدهٔ اینجانب میباشد که بنام‌فرماندهی کل‌قوی وبموجب‌معاهده‌ای که میان‌مصطفی خان‌ودولت روسیه بامضاءرسیده ازناحیه‌طالش دفاع کنم.
نامهٔ‌مورخ ۷دسامبر ۱۸۰۹ژنرال ترموسوف بعباس میرزا

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T. III

هنگامیکه مذاکرات صلح میان نمایندگان دولتین روس وایران در ماه‌اوت ۱۸۱۲ ادامه‌داشت‌لشگریان روس‌درجبههٔ قفقاز تقویت‌یافت‌زیرا شکست‌های‌پی‌درپی نیروهای ناپلئون درجبههٔ غربی‌روسیه بآندولت اجازه‌میداد بفشار خود درجبههٔ‌قفقاز نسبت‌بدولت ایران‌بیفزاید . مدت‌متارکهٔ جنگ سپری شده‌بود ژنرال دوریچف بـه جبههٔ شمالغرب که عباس میرزا آنجارا برای‌قلع وقمع شورشیان ناحیهٔ‌طالش ضعیف کرده‌بودحمله‌نمود . سپاهیان ایران درمقابل‌فشارقوای‌روس تااصلان‌دوزعقب‌نشینی کردند ومدت‌ده‌روز درهمان‌جا استقراریافتند شوال۱۲۲۷(مطابق‌اکتبر۱۸۱۲).

عباس‌میرزا وقتی‌از پیشرفت قوای‌روس اطلاع حاصل‌نمود بانیروی‌خودازاهر نقطه‌سوق‌الجیشی که‌مشرف باجلگهٔ‌اصلان‌دوز وطالش‌میباشد حرکت کرد وباصلان دوزرسید وقسمت اعظم لشکریان‌وی درسمت قره‌باغ بطرف شکی حرکت کرد .

نمایندهٔ‌دولت‌انگلستان که بوسیلهٔ‌فرمانده‌نیروهای‌روس در گرجستان ازامضای‌پیمان اتحاد میان‌دولتین روس وانگلیس اطلاع حاصل کرده‌بود [۱] بافسران انگلیسی که درارتش ایران خدمت میکردند دستور داد پستهای خودرا ترك گفته وبعداً نیز در عملیات‌نظامی برضد دولت‌روسیه شرکت‌نکنند [۲]

بدین‌ترتیب یکباردیگر ایران‌باتکاء اتحادخود بادولت‌انگلستان فریب‌خورده ودریك‌همچو موقع‌سختی خیانت‌افسرانی‌را که‌عهده‌دار تعلیم‌سربازانش‌بودند مشاهده میکرد . بی‌جهت‌نیست که‌میرزابزرك قائم‌مقام‌دریکی ازنامه‌های‌خودسفیرانگلستان رامتهم ساخته‌میگوید که انگلستان دوست‌سابق‌ایران ومتحدفعلی دولت‌روسیه باعث شکست ایران گردید [۳] .

عباس‌میرزا تازه‌دراصلان‌دوز موضع گرفته‌بود که ژنرال کوتلور ویسکی [٤]

---

۱ ـ نامه‌مورخ دسامبر۱۸۱۲ سرگوراوزلی به‌ویکونت کاسلیره

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VII

۲ ـ نامه‌مورخ ۳٦نوامبر ماژوردارسی به‌ژنرال کوتلوروویسلی

London . P . R . O . P . FO . 60 . T . VII

۳ ـ نامه‌مورخ ۲٤دسامبر ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به‌ویکونت کاسلیره

London : P . R . O . P . FO . 60 T . VII

4- Kutloroviski

بحمله مبادرت کرد . ولی باوجود نبردهای خونین جنك بطول انجامید و عباس میرزا بایك حرکت ماهرانه تپه‌ای را که از نظر نظامی به مواضع لشگریان روس مسلط بود اشغال کرد ولی درشب ۱۲ شوال ۱۲۲۷ (اکتبر ۱۸۱۲) روسها بوسیلهٔ جاسوسان خود ازموضع نظامی عباس میرزا اطلاع یافتند و بحمله مبادرت نمودند . این بار شکست جبران ناپذیری بلشگریان عباس میرزا وارد آمد وسپاهیان وی در کمال آشفتگی متفرق شدند .

بنابر گزارشی که ژنرال دوریچف در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۸۱۲ بامپراطور داده است پس از این شکست : «فوجهای پیاده نظام جدید دولت ایران ازپای درآمدند یازده عراده توپ بغنیمت گرفته شد ودرحدود ۵۰۰ نفر سرباز وعده زیادی افسر اسیر شدند[۱] پس از این شکست ولیعهد بالهایت اشکال توانست ازرود ارس بگذرد وخود را نجات دهد .

نبرد اصلان‌دوز درواقع علامت شروع حملات عمومی و عملیات سریع درطول جبهه بود زیرا درهمان موقع ژنرال کاوت [۲] که در گنجه بود سپاهیان سلیمان‌خان رادرهم شکست وازرود کر عبور کرد . قوای ماژور ژنرال لیسانیوویچ[۳] هم که نواحی پمبك را گرفته بودند لشگریان ایرانرا عقب زدند وبشهر ایروان حمله بردند . شهر ایروان که بوسیله سردار حسین‌خان «قهرمان صدجنك» ازسال ۱۲۱۸ (۱۸۰۳) دفاع میشد این بار نیز در مقابل حملهٔ سپاهیان روس مقاومت کرد و آنانرا بمواضع نخستین خود عقب راند .

همینکه عباس میرزا پس از شکست اصلان‌دوز بطرف تبریز رفت تادر آنجا مقدمات مقاومت خودرا برای سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) فراهم سازد ماژور ژنرال کوتلورو ویسکی بجانب بحرخزر متوجه شد تا گامیشاوان را که در آنجا سپاهیان روس ومصطفی خان محصور بودند نجات دهد . درنتیجه رسیدن قوای تازه نفس و کمك نیروی دریائی دولت روس لنکران پس ازچهارماه مقاومت درتاریخ ۹ محرم ۱۲۲۸ (۱۲ ژانویه ۱۸۱۳ سقوط کرد وبااشغال لنکران تمام ساحل طالش بتصرف سپاهیان روس درآمد .

---

۱ - گزارش مورخ ۳۱ اکتبر ژنرال دوریچف بامپراطور روسیه
London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VI

2 – Klot

3- Lissaniewitch

ده‌ماه پس از سقوط لنکران سپاهیان دشمن کاملا درمواضع خود مستقر شدند . لشکریان ایران در نتیجه شکست های پیاپی تقریباً منحل شده بود . سر گواوزلی ادامه‌جنك را مصلحت نمیدید . روسها نیز نمیخواستند بعملیات جدیدی مبادرت ورزند زیرادرسیاست اروپا واتحاد عمومی که برضدناپلئون منعقدمیشد گرفتار و با دولت انگلستان درتاریخ ۵ژوین ۱۸۱۳ (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۲۸) درریشن باخ (۱) پیمان اتحادی امضاء کرده‌بودند .

ناپلئون‌نیز که‌بنوبهٔخودمیخواست برضدروسیه‌اقداماتی‌نماید سعی‌میکردبلکه پیمان‌اتحادجدیدی‌بادولت‌ایران منعقدسازد . بهمین‌منظوردولت‌فرانسه‌نماینده‌ای‌بنام ونسنتروموریتیزیو (۲) که‌اصلاایتالیائی‌وازاهالی‌روم‌بودومدتهادرآسیای‌صغیروعربستان هم‌مسافرت کرده‌بودبانزلی آمدتااز‌نظریات‌دولت‌ایران‌دراین‌خصوص‌اطلاع‌حاصل (۳) کندولی‌اقدامات سر گوراوزلی عملیات‌نمایندهٔ فرانسه‌راعقیم گذاشت .

دولت‌روسیه نیز برای‌اینکه دراتحادیه برضدناپلئون موثر واقع‌شود وباقدرت بیشتری باین اتحادیه کمك کند مایل‌بود که بجنك باایران خاتمه دهد . چندین بار ژنرال‌دوریچف‌ماموریت‌یافت که برای‌عقدقرارداد صلح‌باایران‌نامه‌ای‌بسفیرانگلستان بنویسد زیرافرمانده کل‌قوای‌روس‌بخوبی‌متوجه‌بود که‌باوجوداینهمه‌فتوحات ، دولت روسیه‌هنوزموفق‌نشده‌است که‌بهدف‌اصلی‌خود یعنی‌سرحدارس‌برسد . سفیرانگلستان لزوم‌انعقادمعاهدهٔ صلح‌رابه‌فتحعلی‌شاه گوشزد کرد ومیرزاشفیع صدراعظم در حضور شاه نظریهٔ سفیرانگلستان‌را بصلاح‌ایران تشخیص‌داد بخصوص که سفیردولت‌انگلیس قول‌میداد که موادعهدنامه مطابق‌میل‌زمامداران دولت‌ایران تنظیم‌خواهدشد .

بالاخره فتحعلی‌شاه باوجود مقاومت عباس‌میرزا بانعقاد پیمان صلح تن‌داد وبا این‌ترتیب سر گوزاوزلی بیك‌توفیق‌سیاسی جدیددیگرنایل آمد .

1 – Reichenbach

2 – Vineintro – Morizzio

۳ ـ نامه‌مورخ ٤مه۱۸۱۳ سر گوراوزلی به‌ویکونت کاسلره

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VII

فصل پنجم

۱ - معاهدهٔ گلستان

سر گوراوزلی پس از آنکه نتوانست از کنفرانس اصلان‌دوز نتیجه بگیرد بتهران مراجعت کرد و پس از توقف کوتاهی در پایتخت بهمدان رفت تا رابطهٔ خود را با فتحعلیشاه که در سلطانیه بود بآسانی برقرار سازد. وی از وقتی که تبریز را ترك کرده بود رابطهٔ خود را با فرمانده کل قوای روس قطع ننموده بود و برای برقرار کردن صلح با دولت روسیه بفتحعلیشاه اصرار میورزید. (۱)

سفیر انگلستان در تعقیب تقاضای مجدد فرمانده کل قوای روس برای وساطت میان دولتین ایران و روس همدان را ترك گفت و در تاریخ ۱۰ رجب ۱۲۲۸ (۹ ژوئیه ۱۸۱۳) وارد تبریز شد تا با نمایندگان دولت روسیه در تماس باشد (۲) وقتی سفیر انگلستان بسمت تبریز رهسپار شد فتحعلیشاه نیز از سلطانیه بسمت اوجان در صد کیلومتری تبریز حرکت کرد و در تاریخ ۲۴ بهمن ماه (۲۳ ژوئیه) باوجان رسید. (۳)

سفیر انگلستان فردای ورود خود به تبریز به کاسلره وزیر خارجه انگلستان چنین گزارش داد: با تهدید قطع پرداخت کمك مالی بالاخره موفق شدم اجازهٔ پادشاه را تحصیل کنم که با نمایندگان دولت روس بدون دخالت میرزا بزرگ و اطرافیانش داخل مذاکره شوم اکنون افتخار دارم باطلاع شما برسانم که ما توفیق یافتیم بر فیق و متحد خود روسیه حتی از این ناحیهٔ دور کمك کنیم زیرا من اختیار تام دارم متارکهٔ جنگ میان دولتین ایران و

---

۱ - مکاتبات سر گوراوزلی باوزارت خارجه انگلستان
London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲ - نامه مورخ ۱۰ ژوئیه سر گوراوزلی به ویکونت کاسلره
Lodon : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۳ - یادداشت ۱۰ ژوئیه سر گوراوزلی به ژنرال ریچف فرمانده کل قوای روس
London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

روس را برای مدت یکسال بمرحلهٔ قطعی برسانم بااین ترتیب روسها خواهندتوانست از سپاهیان قفقاز برضددشمن مشترك استفاده نمایند . (۱)

درجواب نامهٔ ژنرال دوریچف سفیر انگلستان شخص مورد اعتماد خود دکتر کامپبل(۲) رابانامه‌ای باردوگاه روس فرستاد . سر گوراوزلی دراین نامه بفرمانده کل قوای روس اطلاع داد که قریباً طرح سازشی پیشنهاد خواهد کرد که بانظریات دولت روسیه مطابقت میکند .

متارکهٔ پنجاه روز جنك برای شروع مذاکرات موردقبول واقع شد ومذاکرات میان دودولت آغاز گردید . این مذاکرات که بوسیلهٔ مکاتبه ازراه دور وبدون داشتن وسایل سریع انجام مییافت بسیار کندصورت میگرفت . برای سرعت درجریان مذاکرات مقررشد نمایندگان مختار دودولت مجددا برای کنفرانسی جمع شوند و مقدمات صلح رانهیه کنند . ژنرال دوریچف ازطرف سن پطرزبرگ ومیرزاابوالحسنخان ازطرف ایران بنمایندگی انتخاب شدند . چنانکه سفیرانگلستان بوزارت خارجه آندولت اطلاع داده بود میرزابزرك قایم مقام که یکی ازسیاستمداران زبردست ایران بوددرمذاکرات دخالت نداشت . قصبهٔ گلستان در کناررودسیرا درقره باغ برای انعقاد جلسات کنفرانس صلح تعیین شد . آجودان ژنرال دوریچف باعده قزاق برای هدایت نمایندهٔ ایران بمحل کنفرانس به تبریز واردشد و پس از ملاقات فتحعلیشاه در اوجان و مذاکرات زیاد بهمراهی میرزاابوالحسن خان بطرف گلستان حرکت کرد . سفیردولت انگلستان که اینهمه برای عقد پیمان صلح جدیت بخرج داده بود از حضور در مذاکرات گلستان خودداری نمود. شایدعلت استنکاف سر گور اوزلی ازشرکت درمذاکرات صلح این بود که نمایندگان دولت روسیه درمقابل نمایندهٔ ایران که ازفهم مسائل سیاسی بکلی بی بهره وبی اطلاع بود آزادی عمل داشته باشند .

نمایندگان پس ازتبادل اعتبار نامه‌های خود در گلستان مذاکرات را شروع

---

۱ نامه مورخ ۱۰ ژوئیه سر گوراوزلی به ویکونت کاسلره

Lnodon : P . R . o . P . Fo . 60 T . VII

2 - CamPdell

کردند . پس از مباحثات طولانی بالاخره درتاریخ ۲۹شوال۱۲۲۸ (۲۵اکتبر۱۸۱۳) موافقت حاصل شد که یك معاهدهٔ مقدماتی بامضاء برسد .

انعقاد این معاهده برای بریطانیای کبیر اهمیت بسیارداشت زیرا درنتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ صلح بادولت ایران یکقسمت ازسپاهیان روس آزادشد وتزار توانست باخاطر آسوده دراروپا برضدفرانسه اقدام کند . سر گوراوزلی درنامهٔ مورخ ۳۰ اکتبر بکاسلره خدمات خود را شرح داده و مخصوصاً میخواهد لیاقت و استعداد سیاسی خویش را تعریف کند ونشان دهد که درنتیجهٔ اقدامات مؤثر ومفید وی نه تنها دولت انگلستان دولت روشیه را ممنون وسپاسگذار کرده بلکه ایرانیان رانیز که بهزبردستی و بازی ماهرانهٔ دیپلمات انگلیسی پی نبرده اند راضی نموده است (۱) . برای اینکه وزیر خارجهٔ انگلستان را مطمئن سازد که سیاست وی مورد تأیید دولت ایران نیزهست در تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۸۱۳ چنین مینویسد : «اگر توهم حاصل نمیشد که ممکن است تصور کنید مجاهدتهای من برای انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس وایران یکنوع تخطی از اختیارات و قدرت خود در مقابل دولت اخیر بود ویا اینکه ازنفوذ خود درنزد شاه استفاده کرده ومنافع حقیقی ایرانرا فراموش کرده باشم علت نداشت که با بیان طرز رفتار وسیاست خودشمارا تصدیع دهم ...»

«همانوقت که آخرین نامهٔ خودرا از اقامتگاه مراغه برای شما فرستادم تبریکاتی برای شاه بتهران نوشتم که جواب آنرا برای اطلاع شما بااین نامه میفرستم . میخواهم شمارا مطمئن سازم که نامههائی ازوزراء واعیان دربار دریافت کرده ام که همگی تشکر وقدردانی خودرا اظهارداشته اند .... (۲)

۱ ـ نامهٔ مورخ ۳۰ اکتبر سر گوراوزلی بهویکونت کاسلره
London : P . R . O . P Fo . 60 T .VII

۲ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ نوامبر سر گوراوزلی بهویکونت کاسلر
London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲- بررسی مواد معاهدهٔ گلستان

پیمان صلح گلستان درتعقیب سیاست روز و موقع شناسی دولت انگلستان و با درنظر گرفتن اوضاعی که ناپلئون دراروپا بـوجود آورده بود بامضاء رسید. این پیمان رادرحقیقت نمیتوان معاهدهٔ صلح گفت بلکه باید آنرا قرارداد متارکـه‌ای نامید که روابط میان دولتین ایران وروس درمدت ۱۳ سال بر آن استوار بود. اصطلاحات مبهم وعدم وضوح ونارسابودن حدود ارضی این معاهده رامی‌توان بهترین مثال ابهام یك سند سیاسی دانست. بدودلیل مواد ارضی این معاهده مبهم وتاریك تهیه وتنظیم شده بود دلیل اول آنکه روسها ناچاربودند قوای خودرا برای تصفیهٔ حساب باناپلئون دراروپا بکاربیرند تعهد داشتند تانیل بهدف اصلی ازتقاضاهای ارضی خود در ایران صرف نظرنکنند و برای همین منظور بهر گونه علت وعنوانی تشبث می جستند که بآنان اجازه دهد در آتیه ودر فـرصت مناسبتر و بهتری بتوانند رود ارس راسرحد طبیعی متصرفات خوددرقفقازیه قراردهند. دلیل دوم باسیاست اروپائی دولت انگلستان روشن میگردد باین معنی انگلیسها که برای پیشرفت سیاست اروپائی خود احتیاج مبرم بقوای روسیه داشتند وسعی میکردند نتیجهٔ سریعی ازامضای پیمان صلح بگیرند ولومتن معاهده پس از روشن شدن اوضاع اروپا ایجاد اشکالاتی برای دولت ایران بکند.

بااین ترتیب ایرانیان کور کورانه راهنمائی ونصایح انگلیسها راقبول کردند ودرمقابل اظهار دوستی سیاستمداران آن دولت حس تنقیدرا ازدست دادند و معاهدهٔ گلستان باصرار سیاستمداران انگلیسی بنفع دولت روسیه بامضاء رسید ولی چنانکه خواهیم دید طولی نکشید که روابط دولتین روس وایران بعلت وضع تاریك و نامعلوم مواد ارضی معاهده تیره شد ودولت روسیه برای بسط متصرفات خود در جنوب قفقاز ورسیدن بسرحد ارس به بهانه های گـونا گون باشغال نواحی جدید درخاك ایـران مبادرت ورزید.

معاهدهٔ گلستان حاوی یازده ماده ویك مقدمهٔ طولانی است که میل دو پادشاه را

نه‌تنها باستقرار صلح میان دو کشور نشان میدهد بلکه برقراری روابط دوستی دیرین موجود میان دو کشور را نیز تأئید میکند. همین نظریه درمادهٔ اول تصریح شده ودو دولت متعاهد اعلام میدارند که بمخاصمه وسوء تفاهماتی که تاکنون میان امپراطوری های ایران وروس رخ داده باانعقاد این معاهده خـاتمه داده میشود وصلح دائم میان امپراطور روسیه وپادشاه ایران وجانشینان آنان برقرار میگردد.

معاهدهٔ گلستان نه تنها صلح رامیان دو دولت متخاصم برقـرار میسازد بلکه مطابق مواد ۸و۹و۱۰ این معاهده روابط تجارتی که بعلت بروز جنك قطع شده بود مجدداً برقرار میگردد:

درمادهٔ ۸ علاوه بر استقرار مجدد روابط تجارتی طرز مسافرت تجار واقامت و مراجعت آنان درممالك روسیه وایران تعیین ومشخص گردیده است.

درمادهٔ ۹ مقرراست ۵٪ حقوق گمرکی برای مال‌التجاره هائی که ازدو کشور وارد میشود گرفته شود.

درمادهٔ ۱۰ آزادی عمل تجار هریك ازدو دولت مصرح است.

روسها بدون آنکه صراحتاً میل مداخلهٔ خودرا در کارهای داخلی ایران اعلام دارند در مادهٔ چهار این حق را که نتایج آن برای دولت ایران بسیار وخیم و سنگین بود قائل شده‌اند. مطابق این ماده اعلیحضرت امپراطور روسیه بمنظور ابراز احساسات دوستانه ومیل واقعی خود به برقراری قدرت پادشاه ایران همسایهٔ دولت روسیه ازطرف خود وجانشینانش رسماً تعهد میکند درصورت لزوم بیکی ازاولادشاه که ولیعهد تعیین خواهد شد کمك کند وبمنظور اینکه هیچ دولت اجنبی نتواند در کارهای دولت ایران دخالت کند دربار ایران از طرف دربار روس تقویت خواهد شد واگر اختلافی میان پسران شاه رخ دهد دولت روسیه دخالتی نخواهد کرد مگر بتقاضای پادشاه وقت.

مادهٔ ٦ وضع اسرا و کسانی را که ازشهرهای خود دورافتاده‌اند روشن می کند.

علاوه برمواد تجاری وسیاسی مطابق مادهٔ ۵ معاهده شرایط کشتی رانی بازرگانی دو دلت را در دریای خزر مشخص کرده وحق داشتن نیروی دریائی را دربحر خزر

منحصراً بدولت روسیه واگذار میکند. مطابق این ماده کشتی‌هـای روس مثل سابق مجاز خواهند بود در کرانه‌های خزر آمدوشد کرده ولنگر بیندازند. کشتیهای تجارتی ایران نیز مانند سابق حق خواهند داشت در کرانه‌های روس آمدوشد نمایند اما «در خصوص کشتی‌های عسکریه جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند حال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد واحدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشد.» چنانکه می‌بینیم این حق انحصار برای نیروی دریائی دولت روس مستند بهیچ دلیلی نبود و این طرز استدلال فقط برای این بود که دولت ایران هیچگاه نتواند کشتی جنگی در دریای خزر داشته باشد باستناد همین ماده از تاریخ امضای پیمان گلستان بحر خزر درواقع یك دریای روس محسوب شد و دولت ایران از کلیهٔ حقوق و مزایای خود در این دریا صرفنظر کرد.

مواد ارضی معاهده اهمیت فوق‌العاده‌ای در روابط آیندهٔ دو کشور داشت و برای مدت کوتاهی بیك بحران طولانی خاتمه داد که تا کنون نکات بر جستهٔ آنرا شرح دادیم مادهٔ۲ تصریح میکند که قرارداد صلح بر اساس وضع حاضر (۱) منعقد خواهد شد بدین معنی که طرفین نواحی و خانات و اراضی که در موقع امضای پیمان در اختیار دارند متصرف خواهند بود. خطی که مسیر سرحدی میان دو کشور را تعیین و تحدید میکند نهایت مبهم وقابل تفسیر و تردید است این خط: « از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط مستقیم ازراه صحرای مغان تابه معبر یدی‌بلوك رود ارس وازبالای کنار رود ارس تاانصال والحاق رودخانهٔ کپنك‌چای به پشت کوه مقری واز آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان وایروان و نیز رسدی ازسنور (۲) گنجه جمع ومتصل گردیده بعداز آنحدود که بولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس‌الدین لوتامکان ایشك میدان مشخص و مفصل میسازد وازایشك میدان تابالای سر کوههای طرف راست طرق و رودخانه‌های حمزه چمن وازسر کوههای پنبك الی گوشهٔ محال

1- Statu-Quo

۲ــ سنور بمعنی مضافات و توابع ولایت یاشهری است ٠

شوره گل واز گوشهٔ شوره گل ازبالای کوه‌برف آلاگوز گذشته ازسرحد محال‌شوره گل ومیانهٔ حدود قریه سدره برودخانه‌آرپاچای ملحق ومتصل شده معلوم‌ومشخص میگردد وچون ولایات خوانین‌نشین طالش درهنگام عداوت ودشمنی دست بـدست افتاده وبجهت زیادهٔ صدق و راستی ، حدود ولایات طالش مزبور را ازجانب انزلی و اردبیل بعد ازتصدیق این صلحنامه ازپادشاهان عظام معتمدان ومهندسان مأموره که بموجت قبول ووفاق یکدیگر ومعرفت سرداران جانبین جبال ورودخانها ودریاچه‌و امکنه ومزارع طرفین تفصیلا تحریر وتمییز وتشخیص میسارند ، آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه درحال تحریراین صلحنامه دردست ودرتحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده‌آنوقت خط‌حدود ولایت طالش نیزدربنای‌اسطاطسکواوپر زندیم‌مستقر ومعین ساخته‌هریك ازطرفین آنچه‌درتصرف‌دارد برسرآن باقی خواهد ماندهمچنین درسر حـدات مزبورهٔ فوق اگر چیزی ازخط طـرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأمورطرفین هریك طرف موافق اسطاطسکواو پرزندیم رضاخواهدبود. »

چنانکه گفتیم متن‌مادهٔ۲ معاهدهٔ گلستان که درنظم وانشاءآن تعمدبکاررفته نمونهٔ ابهام یك‌سند سیاسی‌است . مشخص نبودن خطوط سرحدی معین نبودن‌حدود طالش « که درهنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده » ابهام جملات و استعمال اصطلاحات دوپهلو نشان میدهد روسهابرای تأمین دعاوی ارضی خود درآتیه‌چگونه فکرمیکردند .درواقع میتوان گفت که درهم وبرهمی وابهام‌مادهٔ ارضی‌معاهده‌زمینه را برای ادعاهای بعدی آزاد گذاشت و اختلافات جدیدی را بوجود آورد که منجر بجنك دوم ایران وروس گردید .

بالاخره مطابق خط سرحدی که درمادهٔ۲ تعیین شده وبموجب مادهٔ۳ معاهده گلستان دولت ایـران تملك خانات واراضی‌آتی رابـدولت روسیه واگذار میکرد . خانات‌قره باغ‌و گنجه که اکنون‌این دوناحیه بنام‌الیزابت پول[1] معروفست‌همچنین خوانین‌نشین شکی‌وشیروان وقبه ودربند وبادکوبه‌وقسمتی ازاراضی متعلقه‌به‌طالش

1- Elisabethpool

که درموقع انعقاد قـرارداد درتصرف دولت روس بـود . بعلاوه تمامی داغستـان و گرجستان ومحال شوره گل و آچوق باشی و کورنه و منکریل وابخازی « تمامی اولکا[۱] واراضی که درمیانهٔ قفقازیه وسرحدات معینه‌الحالیه بوده ونیز آنچه ازاراضی واهالی قفقازیه‌الی کناردریای خزرمتصل است مخصوص ومتعلق بممالك امپریه‌روسیه‌میدانند .

درتاریخ ۷شوال۱۲۲۸(۱۳ اکتبر۱۸۱۳) این معاهدهٔ مقدماتی درقصبهٔ گلستان بامضاء رسید . نمایندهٔ ایران که حامل متن معاهده بود در ماه ذیحجه بتهران وارد شد. درتهران مباحثات زیادی قبل ازامضای قطعی معاهده بعمل آمد ولی بطوریکه جمس موریه[۲] اظهارمیدارد این مباحثات مربوط بمطالب اساسی معاهده نبود بلکه راجع بعبارت وعناوین نمایندگان ومطالب بی اهمیت صحبت میشد . مطالعهٔ مقدمه معاهده بطول انجامید زیرا قبلا بـایستی عناوین نمایندگـان مختاردولتین راتعیین کنند . برعکس مطالعهٔ مواد مربوط بکشتیرانی دریاچهٔ خزربسرعت خاتمه پذیرفت حاجی میرزاآغاسی که بعدها وزیرمحمدشاه شد بااظهارجملهٔ تاریخی خود « ماچه احتیاجی بآب شورداریم » بمباحثات خاتمه داد وبالاخره دولت ایران معاهده را بنحوی که در گلستان تنظیم گردیده بود امضاء نمود . بی اطلاعی سیاستمداران ایران ازاوضـاع آنزمان اعتماد زعمای دولت ایران نسبت بسرگوراوزلی سفیرانگلستان و بخصوص امیدواری زمامداران ایران بوعده‌های صریح نمایندهٔ دولت انگلستان راجع بتجدید نظردر مواد ارضی معاهدهٔ گلستان عللی است که تأئید وامضای معاهدهٔ گلستان رااز طرف دولت ایران روشن وبیان میکنند .

میرزا ابوالحسنخان مأمورشدمعاهده رابسن پطرزبرگ برده وتقاضای تجدید نظردر مواد ارضی معاهده کرده پس ازموافقت پیمان صلح رامبادله کند .

سفیرانگلستان پس ازانجام مأموریت خود قصد حرکت بطرف لندن داشت . فتحعلیشاه ازوی خواهش کرد که بمنظورتأمین منافع ایران در دربار سن پطرزبرك

---

۱ ــ اولکاء کلمه مغولی بمعنی دهات وزمین آمده

2- James Morier

ازطریق روسیه بانگلستان‌مراجعت کند وازحفظ منافع‌ایران دردربار روسیه‌مضایقه ننماید. درجریان‌ماه‌جمادی‌الثانی۱۲۲۹ (مه۱۸۱۴) سر گوراوزلی ایرانرا ترك کرده و از راه تبریز بسن پطرزبرك حر کت کرد. سفیر انگلستان با احترامات زیادی از طرف تزارپذیرائی شد زیرا نقشی که وی‌درعقد قراردادایران وروس بازی کرده‌بود بحدی مورد توجه تزارقرار گرفت که عنوانی‌بسفیرانگلستان ازطرف او اعطاء شد و تجلیلات فوق‌العاده‌ای ازوی درپایتخت روسیه بعمل آمد.

دوماه پس‌ازحر کت سفیرانگلستان‌میرزا ابوالحسنخان بطرف روسیه‌حر کت کرد. آلکساندر همواره وعدهٔ استرداد اراضی اشغالی را بایران میداد و هنوز در رمضان۱۲۲۹ (سپتامبر۱۸۱۴) تشریفات مبادلهٔ معاهده انجام نیافته بود بانعقیب‌این روش روسیه درحقیقت میخواست به تعلل گذرانیده وازفرصت استفاده کند تا اینکه پس ازاستعفاء و کناره گیری‌ناپلئون نا گهان آلکساندرتغییرروش داده وبالحن‌خشن ومحکم اظهارداشت که این اراضی بارضای سکنهٔ‌آن اشغال شده ودولت ایران نباید امید استرداد یك وجب ازاین اراضی راداشته باشد. ایرانیان که درمقابل عمل‌انجام شده قرار گرفته بودند جزقبول چاره ای نداشتند[۱]. نمایندگان مختار دو دولت بالاخره درتفلیس متن معاهدهٔ امضاء شده رامبادله نمودند. روسها باتحصیل رضایت کامل مترصد بودند در اولین فرصت‌مناسب همسایهٔ ضعیف و مغلوب خود را ازپای درآورند.

۱ــ صورت هدایائی که میرزا ابوالحسن خان تقدیم تزار کرده در فارس نامه ناصری چنین تفصیل‌شده ده‌هزار تومان وجه نقد دوزنجیرفیل‌ده‌اسب‌بی‌عدیل صدطاقه‌شال کشمیر ده رشته مروارید بی‌نظیر چند دانه لعل بدخشان و یاقوت رمانی و شمشیر های خراسانی وزریهای مفتول‌باف اصفهانی وقوطی‌های‌مرصع پادزهر. حیوانی شبانکاره و قالیهای هراتی (جلد۲ ص۱۰۶).

۳- نتایج معاهدهٔ گلستان در اوضاع داخلی ایران

جنگ دهساله بین‌ایران‌وروسیه اولین جنگ طولانی قارهٔ آسیا است. این‌جنگ با کمال‌خشونت‌وسبعیت اجراشد. تلفات ایرانیها به‌دویست هزارتخمین زده شدتعداد تلفات روسها بحدود همین‌رقم‌میرسید، ساکنین مناطق‌جنگی درطول جنگ ازهستی بکلی ساقط شدند و یاتلف گردیدند و یا مهاجرت کردند و نتایج آن برای ایران بسیار سنگین و وخیم‌بود.

معاهدهٔ گلستان چه ازنظرسیاست داخلی وچه ازنظر سیاست خارجی آغاز دوران جدیدی را درتاریخ ایران نشان میدهد.

جنگ طولانی وبالاخره شکست قوای ایران، اشکالات مالی فراوان درداخلهٔ ایران ایجاد کرد ودرنتیجه شاه و دولت مرکزی راضعیف نموده و باعث سرپیچی و شورش رؤسای قبایل گردید. درسیاست خارجی نیزوضع نوین ایجادگشت وفعالیت جدیدی درروابط دولت ایران بادول انگلستان وروسیه وعثمانی آغازشد.

اشکالات مالی که در نتیجهٔ جنگ بوجود آمده بود مبانی مختلف داشت. ده سال جنگ خزانهٔ فتحعلیشاه راخالی کرده وذخیرهٔ عباس میرزا را ازمیان برده بود. زیرا شاه وولیعهد هریك مستقیماً مسئول نگهداری لشکریان خود بودند.

بعلاوه دربارعباس میرزا مانند تمام ولیعهدهای خانوادهٔ قاجار در آذربایجان بود وعایدات وی‌ازمالیاتهای وصولی این ایالت تأمین میشد وخزانهٔ ولیعهد ازخزانهٔ سلطنتی مجزی بود بنابراین جنگهای ایران وروس که صحنهٔ آن آذربایجان بود بالطبع نقصان‌قابل توجهی‌درمیزان مالیات‌هابوجود آورده ومالیاتهای وصولی بزحمت هزینه‌های هنگفت جنگی عباس میرزا را تکافو میکرد بخصوص که تمام سنگینی جنگ‌بدوش‌ولیعهد بوده‌وازهیچیك‌ازایالات‌دیگرایران هیچگونه کمکی‌بآذربایجان نمیشد.بهزینه‌های کمرشکن‌جنگ بایستی‌خرابکاریهاوویرانیهارا که‌درثروتمندترین نواحی ایران رخ‌داده بود اضافه نمود.

پس ازامضای پیمان‌صلح خرابیها درنتیجهٔ مساعی‌وزحمات سکنهٔ آذربایجان

بتأنی ترمیم یافت . دولت مرکزی حتی فکر نکرد که یك سیاست اصولی از روی اساس وقاعدهٔ صحیحی برای ترمیم خرابیهای ناشیه از جنك اتخاذ نماید . دولت تنها باسکان موقتی سکنهٔ آن نواحی که نمیخواستند تسلیم دشمن شوند وسلطهٔ دولت روس راقبول کنند قناعت کرد . اغلب نواحی که مطابق معاهـدهٔ گلستان تسلیم روسها شد جزء ایالت آذربایجان بود که سابقاً مالیات آن نواحی بنفع خزانهٔ ولیعهد ایران وصول میشد.علاوه براین چون ایالت ایروان درجنك صدمات فراوان دیده ودرمقابل حملات شدید روسها مقاومت دلیرانه کرده بود در حین جنك ازپرداخت مالیات معاف شده بود . چنانکه می بینیم بااین ترتیب تمام سنگینی هزینهٔ جنگی و کمك بخزانه فقط متوجه شهرتبریز و ایـالت آذربایجان بود . بنابراین بـرای جبران نقصان عایدات بافزایش مالیات مبادرت ورزیدند ونتیجهٔ این عمل ازصدمات جنك کمتر نبود بطوری که ادامهٔ این سیاست نارضایتی هائی ایجاد کرد مخصوصاً درتبریز اللهیارخان آصف الدوله حاکم شهر نسبت بـاهالی ستمدیده آنسامـان ازاعمال هیچگونـه اجحاف و تعدی خودداری نکرد. درنتیجهٔ این خلافکاریها وسیاستهای ناشایست دولت درحین بروز جنك دوم ایران وروس درسال ۱۲٤٤ (۱۸۳۷) بخوبی مشاهده گردید .

رؤسای عشایر که اصولا مترصد فرصت بودند موقع را برای تحصیل آزادی مناسب یافتند این بود که پس ازشکست اصلان دوز وبعد پس ازامضای معاهدهٔ ننگین گلستان رؤسای ایلات انقلابات متعددی درنواحی مختلف کشور مخصوصاً درقسمتهای مشرق دریای خزر درمیان ترکمانان ودر نواحی شمالشرقی (خراسان) برپا کردند .

درسال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) حاجی یوسف نامی ازاهالی آسیای مرکزی ترا کمه را برضد دولت شورانید ولی پس ازمرك وی دستجات ترکمن متفرق شدند ویاغـی گری خاتمه پذیرفت . رؤسای ایلات خراسان نیز برضد دولت قیام کردندو یاغیگری آنان از۱۲۲۸تا۱۲۳۹(۱۸۱۳-۱۸۲٤)بطول انجامید محمدولی میرزا یکی ازپسران فتحعلیشاه که بحکومت این ایالت منصوب شده بود نسبت باهالی نهایت بدرفتاری را میکرد . سکنهٔ خراسان بسرپرستی اسحق خان قرائی احضارمحمد ولی میرزارا از

مرکز تقاضا کردند ولی در نتیجهٔ اقدامات حاکم خراسان و وعده هائی که برئیس ایل قرائی داد وضع خراسان نسبتاً آرام شد. سایر رؤسای عشایر که ازعاقبت کارخود مضطرب بودند ازمحمد رحیم‌خان حاکم خوارزم کمك خواسته‌وازوی تقاضا کردند خراسانرا اشغال وتصرف نماید. وقتی محمدرحیم‌خان اطلاع حاصل کرد که قدرت ونفوذ حاکم خراسان در نتیجهٔ سازش با رئیس ایـل قرائی تقویت یـافته از تصمیم خود منصرف شد. خان خیوه نیز چون از خرابی اوضاع خراسان مطلع گردید تـا استراباد پیشروی کرد ولی نظر باختلافاتی که میان عشایررخ داد کاری ازپیش‌نبرد ویکی از کسان خود را برای تقاضای عفو نزد محمد ولی میرزا فرستاد حاکـم خراسان تقاضای ویرا قبول نکرد. تابالاخره درنتیجهٔ شکست سپاهیانش خان‌خیوه فراراختیار کرد.

بااستفاده ازاوضاع هرج ومرج خراسان‌محمد زمان عزالدین لوی‌قاجارحاکم بسطام که بایاغیان خراسان درتماس بود بخیال خودسری افتاده ودرحدود سی‌هزار نفرازتر کمانان‌لایموت و کوکلان را دورخود جمع کرده بالاخره وی نیزدستگیرو زندانی شده وبابرادرش بتهران اعزام گردیدوتر کمانان چـون خود را بی‌سرپرست دیدند بدرهٔ اترك عقب‌نشینی کردند.

این‌اغتشاشات راههای بازرگانی‌بین‌چین وایران‌را نا امن کرد وارتباط‌تجارتی بین‌این دو کشوررا که ده‌هاقرن برقراربود برای همیشه‌قطع کرد که دیگر هیچگاه مفتوح نشد.

باوجود تفرقه‌ای که میان رؤسای عشایر خراسان حکمفرمابود انقلابات این ناحیه بآسانی خاتمه نیافت.

اسحق‌خان قرائی مجدداً علم طغیان برافراشت. محمدولی‌میرزا که از وجههٔ رئیس ایل‌قرائی هراسان بودوی وپسرش را باحیله وتزویز دستگیر کرد. این عمل بشخصیت محمدولی میرزادربرابرمردم خراسان لطمه‌زدوعدم اطمینان‌رؤسای‌ایلات نسبت بوی‌زیادتر شد. بالاخره محمدولی میرزا که موفق بقلع وقمع‌یاغیان‌وتسکین

انقلابات خراسان نگردیده بود بتهران احضار گشت وحسنعلی‌میرزا شجاع‌السلطنه حاکم شیرازبحکومت‌خراسات منصوب شد. ودراوایل محرم ۱۳۲۲ (نوامبر ۱۸۱٦) واردمشهد گردید درنتیجهٔ کاردانی واقدامات‌حاکم‌جدیدیاغی گری‌طایفهٔ قرائی‌پایان یافت وشهرهرات ازطرف شجاع‌السلطنه تحت محاصره قرار گرفت و بالاخره مطیع گردید بااین اقدام جنگهای جدیدی برضد رؤسای افغان‌آغازشد .

٤ ـ نتایج معاهدهٔ گلستان درروابط خارجی ایران

در تاریخ ۲۹ صفر ۱۲۲۷ (مطابق ۱۲ ماه مارس ۱۸۱۲) عهدنامه مودتی در دوازده‌فصل میان دولتین‌ایران‌وانگلیس بوسیلهٔسر گوراوزلی‌نمایندهٔ دولت‌بریطانیای کبیردرتهران بامضاء رسید که بعهدنامهٔ مفصل معروفست[1] . مطابق فصل اول این معاهده دولت ایران متعهدمیشد که تمام معاهداتی‌را که تاتاریخ امضای این معاهده با دول اروپائی منعقد کـرده لغووبی‌اعتبارتلقی کند و بهیچ یك از نمایندگان دول بیگانه اجازهٔ ورود بخاك ایرانرا ندهد .

در فصل دوم معاهده مقرر بود «اگردشمنی از طوایف فرنك بمملکت ایران آمده باشد یا بیاید و اولیای دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش‌اعانت وامداد نماید فرمانفرمای مملکت هند یااز جانب دولت بهیهٔ انگلیس‌هرگاه‌امکان‌و قدرت داشته باشد بقدریکه خواهش دولت علیه ایران باشد عسکر وسپاه از مملکت هندوستان‌روانه‌سمت ایران‌نماید»واگر بعللی اعزام قوای امدادی میسرنباشد درسال دویست هزار تومان برای نگهداری قشون ایران به‌پردازد برای‌حصول اطمینان که این‌وجه‌بمصرف هزینه‌های‌نظامی‌میرسد سفیرانگلستان‌درخرج آن حق‌نظارت‌خواهد داشت .

درفصل سوم‌انگلستان‌قبول‌میکرد اگر بادولی که دولت ایران در حال جنك میباشند معاهده‌ای منعقد کند جدیت خواهد کرد که پیمان صلح میان دولت‌ایران ودولت متخاصم نیزبامضاء برسدوالا دولت انگلستان بایستی‌بااعزام قوا و یا پرداخت دویست هزارتومان درسال دولت ایرانرا کمك کند .

درفصل چهارم طرزوترتیب پرداخت کمك‌مالی تعیین گردیده

---

۱ ـ رونوشت معاهده‌ای که ازوزارت خارجهٔ ایران بدست آمده وضمیمه کتابست

فصول پنجم وششم مربوطست بافغانستان مطابق فصل پنجم دولت ایران متعهد میشددرصورتیکه امیرافغان قصدتجاوزبمتصرفات انگلستان درهندوستان داشته باشد دولت ایران بافغانستان حمله کند در فصل ششم دولت انگلستان تعهد میکرد که در جنگهای میان ایران و افغانستان مداخله نکرده و بیطرفی خود را کاملا رعایت کند.

فصل هفتم مربوطست به تأسیسات کشتی سازی.

درفصل هشتم مقرراست اگریاغیان ایرانی بمستملکات انگلیسی فرار کنند بمجرد تقاضا تحویل دولت ایران گردند.

فصل نهم مربوطست به کمك دریائی انگلستان بایران درخلیج فارس

درفصل دهم حقوق ومقرری صاحبمنصبان ومعلمانی که ازطرف دولت انگلستان برای تعلیم وتربیت سربازان ایران اعزام میشوند مشخص و معین گردیده است.

درفصل یازدهم تصریح شده که ولیعهدهای دولتین مدلول مواد این عهدنامه را محترم خواهند شمرد.

فصل دوازدهم مربوطست به تقویت دولت ایران از طرف دولت انگلستان و استفاده از کمکهای متقابل وعدم مداخلهٔ دولت انگلستان در مناقشاتی که میان شاهزادگان درداخلهٔ ایران رخ میدهد.

یکسال پس ازامضای معاهدهٔ گلستان هانری الیس (۱) وجمس موریه (۲) مأموریت یافتند در مواد معاهده بوسیله سر گوراوزلی تجدید نظر نمایند درنتیجه در تاریخ ۱۲ ذیحجة الحرام ۱۲۲۹ (۲۵ نوامبر ۱۸۱٤) معاهدهٔ قطعی مشتمل بریازده ماده درتهران میان نمایندگان دولت انگلستان ودولت ایران بامضاء رسید که بمعاهدهٔ تهران معروف است (۳).

---

1 - **Henry Ellis**

2 - **James Morier**

۳ ـ رونوشت معاهده‌ای که از وزارتخانهٔ ایران بدست آمده رجوع شود بضمیمه کتاب.

معاهدهٔ تهران درحقیقت براساس مواد معاهدهٔ مفصل که‌بوسیلهٔ سر گوراوزلی بامضاءرسیده‌بود تنظیم یافت . تغییراتی که دربعضی موادابن معاهده بعمل آمد باموا د معاهدهٔ گلستان ارتباط مستقیم داشت زیرا دولت انگلستان چون ازنفوذ روز افزون دولت روسیهٔ تزاری دردربار ایران نگران بود سعی‌داشت با برقرار کردن نفوذ خود حتی‌الامکان سلطهٔ سیاسی دولت روسیه را تعدیل کند .

درفصل اول معاهدهٔ تهران تصریح شده که تمام عهدنامه‌های اتحاد میان دولت ایران ودول دشمن‌بریطانیای کبیر ازدرجهٔ اعتبارساقط است‌وعبورسپاهیان‌دول‌دشمن بریطانیای کبیر ازخاك ایران بسمت هندوستان وبنادرهند قدغن میباشد

این ماده درحقیت جواب معاهدهٔ ایران وفرانسه‌بود که‌درتاریخ۲۵صفر۱۲۲۲ (٤مامه ۱۸۰۷) میان‌فتحعلیشاه و ناپلئون درفین کن اشتاین بسته شد. بایدیدانست که درموقع انعقاد معاهدهٔ تهران میان دولتین ایران وانگلیس‌هنوزهم‌خطر ناپلئون در اروپا بکلی ازبین نرفته بود و دولت انگلستان همچنان بفعالیت خود برضد ناپلئون در اروپا و درآسیا ادامه میداد واطمینان نداشت که ممکن است‌جنگهای اروپابنفع‌انگلستان خاتمه پذیردباصطلاح‌قضایای۱۸۱۵وشکست ناپلئون‌راپیش‌بینی نمیکرد .

درفصل سوم دولتین انگلیس وایران تعهد میکنند که در برابرحملهٔ دشمنان بیکدیگر کمك متقابل نمایند : «این‌عهدنامه محض‌ازبرای‌رفع‌سبقت‌نمودن‌دشمنان درنزاع وجدال استقرارپذیرفته‌است ومراد ازسبقت‌تجاوزنمودن ازخاك متعلقه‌بخود وقصدملك‌خارج ازخود نمودن است وخاك متعلقه بهریك ازدولتین ایران وروس از ازقراریست که باطلاع و کلاء دولتین ایران وانگلتره ودولت روس بعدازاین‌معین‌و مشخص گردد.» بااین ترتیب دولت انگلستان که ازنفوذ روزافزون‌دولت روسیه در دربارایران بسیارمضطرب ونگران بود میخواست درمقابل تعدی‌روسها بتواندبدولت ایران کمك کند . ومخصوصاً با ذکراین جمله که خط سرحدی‌میان ایران و روس بااطلاع‌نمایندگان‌دولت‌بریطانیای کبیروایران‌وروسیه تعیین‌خواهدشدانگلیسها قصد

داشتند درکارهای ایران وروس مداخله کرده وامیدواربودند بلکه‌بدینوسیله‌ازنفوذ دولت روسیه حتی‌الامکان دردربارایران بکاهند.

درفصل چهارم راجع بپرداخت دویست هزارتومان سالانه شرطی قائل شدند بدین معنی که‌دولت انگلستان مبلغ‌تعهدی‌را بشرطی پرداخت خواهد کرد که دولت ایران برضد دولت اروپائی مبادرت نکند.

فصول هشتم‌ونهم معاهدهٔ تهران مربوطست بافغانستان و درمتن آن نسبت بـه معاهده‌ای که بوسیلهٔ سر گوراوزلی بسته شد تغییری‌رخ نداد. چنانکه‌می بینیم‌دولت ایران‌درتمام معاهدات‌خودباانگلستان مخصوصاً بموضوع‌افغانستان‌اهمیت‌فوق‌العاده‌ای قائل شده وموضوع افغانستان را همواره از کارهای داخلی ایران شمرده وبهیچوجه بنمایندگان انگلستان اجازهٔ دخالت درامورافغانستانرا نمی‌دهد.

پس‌ازامضای معاهدهٔ گلستان دولت‌ایران بمساعدتهای دولت‌انگلستان‌مطمئن بودوانتظارداشت قسمتی ازاراضی ایران که پس‌ازامضای پیمـان صلح بتصرف دولت روسیه‌درآمده‌بدولت‌ایران‌مسترد گرددولی‌متأسفانه‌تقاضای مکررمیرزاابوالحسنخان سفیرایران و کمکهای لرد کاتکار(۱) نمایندهٔ دولت‌انگلستان دردربارسن‌پطرزبرگ بنتیجه‌ای نرسید.

درفصل دوم معاهدهٔ گلستان که مربوط بمسائل ارضی‌وسرحدی‌است مقرربود بمهندسین ونمایندگان معتمد دو دولت مأموریت داده شود که پس ازامضای پیمان صلح بمسائل مبهم ومتنازع فیه رسیدگی کرده وبارضایت طرفین خاتمه‌دهند.

آلکساندریرملوف(۲) حاکم‌جدید گرجستان‌وفرمانده کل قوای قفقازبسمت سفیرفوق‌العاده مأموریت یافت که بتهران آمده واختلافات موجوده‌را برطرف‌سازد. یرملوف پس ازدوماه اقامت در تفلیس و قره‌باغ که جهت رسیدگی باوضاع نواحی متصرفی‌جدید خود مصروف‌داشت‌درتاریخ ۱۷ شعبان ۱۲۳۲ (۲ژوئیه ۱۸۱۷)بتهران وارد شد.

---

1 - Lord Cathcart

2 - Alexandre Yermoloff

سفیردولت روسیه پیشنهاد کـرد معاهدهٔ اتحادی میان‌دودولت‌بامصاء برسدو ازفتحعلیشاه تقاضا کرد بادولت‌روسیه متفقاً بخاك دولت عثمانی‌حمله کندولی‌پادشاه ایران راجع بپیشنهاددولت روسیه تعمق کرد . فتحعلیشاه ازجریان روابط خود بـا دولتین‌فرانسه وانگلستان‌درس‌خوبی گرفته‌بودوی کاملابخاطر داشت که‌دولت فرانسه درتیلسیت(۱) برای جلب دوستی تزارمنافع ایرانرا پایمال کرد . و همچنین خوب متوجه بود که عمال دولت انگلستان بادرنظر گرفتن اوضاع اروپا منافع‌حیاتی‌دولت ایران‌را فدای سیاست اتحاد اروپا نمودند . بااین رفتاردولتهای بیگانه که یك حس عدم اعتماد درفتحعلیشاه نسبت باروپائیان تولید کرده بود پیشنهاد سفیر دولت روس برای دولت ایران قابل قبول نبود بهمین مناسبت فتحعلیشاه بدون تردید تقاضـای شرکت‌درجنك بادولت عثمانی‌را رد کرد .

یرملوف همچنین تقاضا کرد که لشکریان ایران بخوارزم رفته به‌تاخت وتاز های ازبکان که بتجارروس صدمه وارد میآوردند خاتمه دهددرصورتیکه دولت‌ایران با این‌اقدام موافقت نکند بدولت‌روس اجازه داده شود که دراستراباد قوا پیاده کرده وازآنجا برای‌قلع وقمع وخاتمه‌دادن بغارت ازبکان مبادت ورزد .فتحعلیشاه‌جوابداد که‌درفصول یازده گانهٔ‌معاهدهٔ گلستان‌چنین‌وضعی پیش‌بینی‌نشده وبنابراین نمیتواند بااین پیشنهاد موافقت کند. ولی بسفیرروس اطمینان‌داده شد بمجرداینکه‌اغتشاشات هرات خاتمه پیدا کند دولت ایران بایں لشگر کشی مبادرت خواهد کرد .

بازهم بدون اخذ نتیجه سفیردولت روس تقاضد کردیك نمایندگی‌تجارتی در رشت‌دایر گرددوهمچنین‌پیشنهاد نموداز‌طرف‌دولت‌روس افسرانی‌برای تعلیم‌سپاهیان ایران اعزام گردد .

درمقابل‌رفتاردولت‌ایران هنگامیکه‌راجع‌بموادارضی معاهدهٔ گلستان‌مذاکره شدسفیرروس فوق‌العاده سخت گیری کرده واظهارداشت که وی‌حتی‌بااستردادیك‌متر زمین که بانیروی قوای روس بدست‌آمده موافقت نخواهد کرد .

---

1 - Tilsit

بااین اظهاربامیدواریهای دربارایران برای بدست آوردن قسمتی از متصرفات قدیم خاتمه داده شد .

بالاخره تقاضا کرد که مطابق فصل دوم معاهدهٔ گلستان سرحد ناحیهٔ طالش تعیین وتحدید گردد . دولت ایران انجام این مأموریت را بعهدهٔ عباس میرزا واگذار نمود .

یرملوف اظهار داشت حضور کمیسرهای دودولت جهت تعیین حدود الزامی است دولت ایران بسفیر روس پیشنهاد کرد که پس ازمراجعت به تفلیس نماینده‌ای بادستور مشروح مأموریتش بایران اعزام دارند .

سفیر دولت روسیه که باتجلیل تمام درتهران ازوی پذیرائی شده بودباهدایای گرانبهائی که ازطرف دولت ایران تقدیم امپراطور گردید بدون کمترین موفقیت دیپلوماسی پایتخت ایران را ترك گفت وهمین عدم موفقیت کینه‌ای برضد ایرانیان درقلب سفیر روس ایجاد کرد .

فتحعلیشاه که بوسیلهٔ یرملوف ازنقشه‌های دولت روس برضد دولت عثمانی اطلاع حاصل کرده بود دراواخر شوال ۱۲۳۳ (اوایل سپتامبر ۱۸۱۷) محب علیخان حاکم ساوه‌را باسلامبول نزد سلطان محمد روانه کردوآن دولت ایران‌را ازامکان یك حملهٔ ناگهانی دولت روسیه مستحضر گردانید. نمایندهٔ دولت ایران درضمن پیشنهاد کرد درصورت وقوع حمله‌ای ازطرف روسها درسرحدات دو کشور متحدا از طرف دولتین اقدام شود .

بارفتار محکم دولت ایران ورد کلیهٔ پیشنهادهای یرملوف تجدید مخاصمات میان دودولت روس وایران پیش‌بینی میشد .

پس ازمراجعت ژنرال یرملوف تزارالکساندر افکارونیات خودرا ضمن صدور بیانیهٔ مورخ ۱۶ ژانویهٔ ۱۸۱۸ باطلاع ملت قفقازرسانیدواعلام اینکه پیمان گلستان بیك معاهدهٔ قطعی بشمار میرود تمام امیدواریهای زمامداران ایران را نقش بر آب کرد .

«صلح باایران امنیت‌را درسرحدات شرقی امپراطوری ماتأمین کرده.این صلح

قطعیت داشته‌و هنگامی بامضاء رسیده که در آن زمان مقدرات اروپا تعیین شده و کلیهٔ آرزوهارا پاداش بخشیده است .

پس از برقراری این وضع جدید ملتها از مزایای صلح عمومی برخوردارند. روابط دوستی میان ایران و روس درظرف چهارسال اخیر بیش از پیش تحکیم یافته وبراساس خلل ناپذیری ازطرف دودولت تقویت میشود .

بااعلام این خبرخوش برعایای باوفای خود که نتیجه و نشانهٔ یك‌هم آهنگی و آرامش کامل مورد اطمینانست امردادیم متن معاهده‌ای‌را که بادولت ایران درتاریخ ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در گلستان منعقد گردیده منتشرنمایند»

سن پطرزبرگ ۱۶ ژانویه ۱۸۱۸ آلکساندر(۱)

دولت انگلستان که بوسیلهٔ سفیردولت روسیه از نیات تزار نسبت‌بدولت عثمانی اطلاع پیدا کرده بوداز پیشنهاد یرملوف برای انعقادپیمان اتحادبادولت‌ایران‌بمنظور حمله بخاك عثمانی بسیارنگران بود . نمایندهٔ دولت بریطانیای کبیردرتهران جدیت داشت که‌ازپیشرفت نفوذ ونقشه‌های دولت‌روسیه دردربارایران جلو گیری کند. باید دانست که دولت انگلستان ازیکطرف‌باامضای معاهدهٔ تهران در سال ۱۸۱۶ که در واقع پیمان اتحادی بود و بانفوذ زیادی که در دربارعثمانی داشت از طرف دیگر میخواست بهرقیمتی که‌باشد ازوقوع جنك‌میان دومتحدخود ممانعت نمایدویالااقل عنداللزوم بتواند میانجی گری کند .

ازوقتی که یرملوف بدون اخذ نتیجه برای ایجاد جنك میان دو دولت‌ایران وعثمانی تهران‌را ترك گفت نمایندگان دولت روس لحظه‌ای درتعقیب سیاست‌دولت خود دردربار ایران بیکارننشستند ـ عمال تزار بخصوص مازاروویچ(۲) نایب سفارت دولت سن پطرزبرگ درایران دامن زدن بآتش نفاق میان دولتین ایران و عثمانی اعمال نفوذ فوق‌العاده‌ای دردربارایران کردند ـ مازاروویچ که تمام هم خودرابرای

---

1 - Demartens: supplement au recueil des principaux traitésT . VIII p·95.

2– Mazarowitch

کاشتن تخم اختلافات مذهبی مصرف کرد و سعی داشت تحقیر وسرافکندگی ملت ایران را ازعدم موفقیت و شکستهای ناشی ازجنك ایران وروس را جبران کند . از ضعف امپراطوری عثمانی استفاده کرده وموقع را بسیارمناسب تشخیص داد که در طبیعت جاه طلب عباس میرزا اعمال نفوذ نماید ووی را باشغال متصرفات عثمانی ترغیب وتحریص کند . تا بالاخره حمایت حاکم ارز روم ازدو ایل چادرنشین ایرانی که آذربایجان را ترك گفته ودرخاك عثمانی اقامت گزیده بودند برای اعلان جنك بدولت عثمانی بهانه بدست دولت ایران داد . تعقیب این سیاست ازطرف نمایندگان دولت روس از متن نامهٔ مورخ ۱۳ فوریهٔ ۱۸۲۵ هانری ویلوك [۱] نایب سفارت انگلستان در تهران به ژورژ کانینك [۲] روشن میگردد [۳] بامشاهدهٔ تیرگی روابط دولتین ایران وعثمانی هانری ویلوك تصمیم گرفت درمقابل مساعی روس ازنفوذ دولت انگلستان دفاع کند وبامتابعت ازمیل دولت خود سعی کرد بلکه ولیعهد ایران را بدتعقیب یك سیاست مسالمت آمیزوادارد و وی را از شروع بجنك بادولت عثمانی منصرف سازد . بهمین منظور پیشنهاد کرد مقداری وجه از کمك مالی که دولت انگلستان مطابق معاهدهٔ تهران متعهد گردیده است پرداخت کند .

ولی اقدامات نمایندهٔ بریطانیا بنتیجه‌ای نرسیدوچنانکه ذکرشد نمایندگان روس بخصوص مازارو ویچ ولیعهدرا بشروع جنك تشویق میکردند. درحقیقت میتوان گفت که نمایندهٔ دولت روسیه عباس میرزا ولیعهد ایران را عامل ووسیلهٔ خوبی برای اجرای سیاست دولت خود تشخیص داده بود زیرا پس ازشکست اصلان‌دوز و قبول معاهدهٔ ننگین گلستان عباس میرزا در نظر داشت بلکه با اقدام باین عمل نفوذ وقدرت خودرا تحکیم نماید ـ جنك بادولت عثمانی که از۱۲۳۶ تا۱۲۳۸ (۱۸۲۱ـ ۱۸۲۳) بطول انجامید بافتح دولت ایران وامضای معاهدهٔ ازروم خاتمه پذیرفت . بااین ترتیب میتوان گفت که جنك ایران وعثمانی ازنتایج مستقیم معاهدهٔ گلستان درروابط ایران وعثمانی بشمارمیرود .

---

1 - Henry-willolk

2 - G Canning

۳ـ نامهٔ مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوك به کانینك

London: P.R.O.P.F.o 60.T.XXV

قسمت سوم

دورهٔ فترت میان دو جنگ

فصل اول

۱ـ علل سیاسی و اجتماعی جنگ دوم ایران و روس

۱۲۴۱ ۱۲۴۳ (۱۸۲۶ ـ ۱۸۲۸)

علل سیاسی واجتماعی‌را که دراین فصل بیان خواهیم کرد نباید یگانه علل بروز جنگ دوم ایران و روس شمرد. گفتیم که سیاستمداران روس برای تکمیل فتوحات خود درایران و رسیدن بسرحد رودارس چنین تشخیص داده بودند که اعمال یك سیاست تجاوزکارانه درحق کشورایران ضروریست. حوادثی که مابیك نظراجمالی درپیرامون آن مطالعه و به‌بحث خواهیم پرداخت درواقع علل دور و ثانوی جنگ دوم ایران و روس بشمارمیرود وازهمین لحاظ حائزاهمیت میباشد:

دیدیم که باامضای معاهدهٔ گلستان دولت‌ایران ایالات گرجستان وایمرسی و مین‌قره‌لی ودربندوباکو وشیروان وشکی‌و گنجه وقره‌باغ ومغان وقسمتی ازطالش را بدولت‌روسیه واگذار کرد سکنه‌سه‌ناحیهٔ‌اولی‌مسیحیان گرجی وپیروان کلیسیای ارتودوکس ارامنه بودند. ولی اکثریت سکنه سایرنواحی اشغالی بامسلمانان بود.

دراین نواحی یك رژیم سیاسی واداری ازقدیم برقراربود که مابنکات‌برجستهٔ آن‌دراینجااشاره‌میکنیم.هریك‌ازاین‌ایالات ازدوران‌حکومت صفویه بوسیلهٔ یکنفر والی اداره میشد. درنتیجهٔ‌مأموریت طولانی واعمال نفوذ شغل و الیان این نواحی بالاخره موروثی شده بود. هریك ازپادشاهان ایران که بقدرکافی قدرت ونفوذ پیدا میکرد‌این‌حکام نیمه‌مستقل‌را ملزم مینمودسوگندوفاداری یاد کنند.حکام همچنین موظف‌بودندسالیانه مالیاتی بپادشاه ایران‌بپردازند ونظربابنکه درحوزهٔ فرمانروائی خود قدرت مطلقه داشتند همواره‌پی‌فرصت می گشتند بلکه خودراازسلطهٔ‌حکومت مرکزی برهانند وهمینکه بقدر کفایت‌قدرت می‌یافتند خودرا مستقل میخواندند.

بهمین‌علت بود که والیان وفرماندهان مستقل این نواحی ازپادشاهان باقدرت صفوی اطاعت کرده وازفرمانبرداری‌سلاطین ضعیف این‌سلسله استنکاف میورزیدند چنانکه درزمان حکومت ضعیف شاه‌سلطانحسین، پطر کبیر دربند وبا کووقسمتی‌ازشیروان‌را اشغال کرد. این‌ایالات تاظهور نادرمطیع‌روسها وعثمانیها بودند وبااستقرارقدرت‌نادر شاه افشار مجدداً باطاعت دولت ایران درآمدند.

باهرج‌ومرجی که پس‌ازمرگ نادر درایران رخداد حکومت گرجستان خودرا مستقل کرده وازاطاعت حکومت ایران سر باز زد وقتی آغامحمدخان بقدرت رسید این‌ناحیه‌را مطیع ساخت ولی قتل‌ناگهانی‌سلطان‌قاجار دامنهٔ فتوحات وی‌را ناقص گذاشت وباوقوع این‌حادثه نقشه‌های‌روسیهٔ تزاری نسبت بایالات شمالغربی‌ایران در نهایت سرعت وسهولت انجام یافت.

بایددانست کلیهٔ نواحی که‌بموجب معاهدهٔ گلستان‌بدولت‌روسیه وا گذار گردید بوسیلهٔ قوای نظامی‌آندولت فتح نشده بود. مثلاهرا کلیوس‌حا کم گرجستان که‌برای استخلاص‌خود ازاستبداد ومظالم دربارایران‌حمایت‌تزاررا درخواست کرد وسا کنین ناحیهٔ اردوباد تصور کردند که با تقاضای حمایت دولت روسیه از تعدیات واجحافات حا کم ایران نجات خواهند یافت . بنابراین پادشاهان قاجار بعلت وضع اسف‌آور سازمانهای‌اداری‌موفق‌نشدند رضایت وموافقت سکنهٔ ناحیهٔ قفقازرا نسبت‌بخود جلب کنند.درمقابل‌روسها که خودرا ناجی‌ملل‌قفقازمعرفی کرده‌بودندناراضیان‌و یاغیان‌را برضد دربار تهران برانگیختند. سکنهٔ این‌نواحی‌بامید اینکه مداخلهٔ دولت‌روسیه درامور داخلی قفقاز یك‌امر موقتی‌خواهد بود خبط مللی‌را مرتکب شدند که برضد دشمن‌خانگی‌ازبیگانه‌یاری‌میطلبند. اشغالگران‌تامدتی‌درنواحی‌متصرفی‌خوش‌رفتاری کردند ووالیان وفرماندهان که قسمتی‌ازامتیازات‌موروثی‌خودرا محفوظ‌داشته‌بودند تصورمیکردند این‌امتیازات را باعقاب خود بارث وا گذار خواهند کرد. ولی بارژیم جدیدی که پس‌ازامضای معاهدهٔ گلستان بوجودآمد اساس‌تشکیلات اداری وسیاسی این‌نواحی بتدریج تغییریافت بمرور افسران روسی نفوذ رؤسای محلی‌را ازبین برده

وحکومت خودرا محکمتر ساختند. کینهٔ روسها دردل خوانین ایرانی جای گرفت و عکس العمل آن با ایجاد تحریکات واخلال برضد حکومت استبدادی روس که خود قبول کرده بودند ظاهر گشت روسها بااعمال زور وزجر وشکنجه باقدامات حکام و رؤساء محلی قفقاز جواب دادند درنتیجه کلیه رؤسای مسلمان املاك ومتصرفات خود را ترك گفته وبایران پناه بردند.

اگر حکام ورؤساء موفق شدند بسهولت ازمناطق نفوذ روس دورشوند خوانین ونجبای محلی درمناطق مسکونی منافع زیادی داشتند ونمیتوانستند بآسانی اوطان خودرا ترك گویند بتدریج که قدرت ونفوذ آنان تحت الشعاع نفوذ وقدرت زمامداران روسیه قرار گرفت نتوانستند حتی عایدات املاك خودرا نیز وصول کنند بعدها نیز برای ادامهٔ زندگی، جزئی اندوختهٔ خودشان را ازدست دادند. بدرفتاری ولحن آمرانهٔ افسران روسی حیثیت آنان را جریحه دار ساخت وبدون امید نجات درمیان عامهٔ مردم ناپدید گردیدند. ورود بخدمات دولتی تنها درمحل تولد مجاز بود وترقیات آنان خیلی محدود بود دخول درارتش روس موکول بود به چشم پوشی از کلیهٔ مزایای حقوقی، آنانکه وارد خدمت نظام میگردیدند مجبور بودند عادات محلی وبعضی ازمعتقدات مذهبی خودرا نیز ازدست بدهند تابتوانند باافسران روسی معاشرت کنند. ولی این قبیل محرومیتها و فداکاریها نیز زندگی آنانرا آسانتر نساخت بطوریکه حتی ارامنهٔ مسیحی غیرارتودوکس و گرجیان ازسختگیریهای زمامداران روس برای قبولاندن عادات ورسوم روسی بستوه آمدند

باقبول عادات ورسوم دولت غالب ازطرف مسلمانان، مانندپوشیدن لباس وتطبیق رفتار زنان و کودکان باعادات ورسوم روسی بدگمانی روسها نسبت بساکنین نواحی اشغالی برطرف نشد بلکه نارضایتی‌ها باز هم شدت یافت.

نسلی که درحال رشدبود نظر باینکه ازوضع گذشته اطلاعی نداشت نفوذروس را متحمل میشد ولی قبول این وضع برای نسل حاضر نهایت دشوار ونامطبوع بود. از قرنها باینطرف دراغلب ایالات متصرفی تنها طبقهٔ مسلمان صاحب نفوذوامتیاز بودووضع اجتماعی مسیحیان نسبت بمسلمانان پست‌تر بود ولی با تحکیم واستقرار نفوذ دولت روسیه وضع مسیحیان تغییر یافت ومسلمانان حتی درتحت فشار قرار گرفتند.

مکرر مسیحیان بآداب مذهبی مسلمانان اهانت کرده و آنرا مورد استهزا قرار دادند وحتی خواستند از انجام تشریفات مذهبی مسلمانان جلوگیری کنند. وقتی علمای دینی ملاحظه کردند که نفوذ شاه بتدریج کاسته میشود ومنافعشان درخطر است ناچار بارژیم روس آغاز مخالفت کردند. روسها باین موضوع بی اعتنائی کامل بخرج دادند و علما سعی داشتند کینهٔ معتقدین خودرا برضد دولت روس شدیدتر نمایند. متنفذین مذهبی تحمل ظلم اجنبی واطاعت ازبیگانه وغیرمسلمان را که باعث وهن و سرافکندگی بود اساس تبلیغات وشکایات خود قراردادند. روحانیون نه تنها بهپیروان خود زیاده رویهای عمال تزاررا گوشزد کردند بلکه بی اعتنائی وحس بدبینی واقدامات اصولی و خطرناك آنانرا برضد اسلام اعلام داشتند.

رفتار افسران روسی وافراد نظامی وحتی رفتار دولت روس شایستهٔ رفتار یك دولت غالب نبود. سکنهٔ نواحی متصرفی که برای زیارت مشاهد متبرکه مسافرت میکردند بدرفتاری های عمال روسی راشرح میدادند وازخطرات متوجه بافراد مسلمانی که زیر یوغ دولت تزاری روس قرار گرفته بودند صحبت میکردند باادامهٔ این وضع روزبروز وحشت علمای شیعه زیادتر میگردید. اخراج دسته جمعی مسلمانان کریمه برنگرانی روحانیون افزود واین رفتار دولت روس شاهد بارز پیش بینی های آنان قرار گرفت.

بااینکه قدرت دردست دولت روس بود وحکام ایرانی که مانع تحولات بنفع دهقانان بودند نواحی اشغالی را ترك گفته بودند، بهیچوجه دروضع دهقانان تغییری حاصل نشد واقدامی بنفع آنان ازطرف دولت روس بعمل نیامد ووضع زندگی دهاتیها دررژیم استبدادی دولت تزاری بهتر ازحکومت خوانین قفقاز نگردید.

نظر باینکه خدمت درایالات جنوبی قفقار ازطرف دولت روس یکنوع تنبیهی تلقی میشد لذا دولت سن پطرزبرگ کارمندان فاسد ونالایق را برای اشتغال باین ناحیه اعزام میداشت. افسران جزء ارتش معمولا بی سواد و بی تربیت و نسبت بز بردستان بیرحم بودند جمع آوری مالیات دراین نواحی بدست این قبیل افراد بالطبع باعث ایجاد تعدیات

و بدرفتاریها میشد ودهقانان بیچاره دائماً در تحت فشار مأمورین خشن دولت روس قرار داشتند.

اجحافات ورفتار بی رویهٔ مأمورین دولت روس که باعث تنفر مردم در ایالات متصرفی گردیده بود از همان سال ۱۲۳۰ (۱۸۱۵) سکنهٔ این نواحی را تکان داد وبالاخره درسال ۱۲٤۱ (۱۸۲٦) مبدل بیك شورش وهیجان عمومی گردید که بانیات وسیاست انتقامجویانه زمامداران ایرانی تطبیق میکرد.

۲ـ علل آنی جنگ دوم ایران وروس

مذاکرات درباره تعیین سرحدات

درموقع تنظیم پیمان گلستان روسها تعمد بخرج دادند که حتی‌الامکان ازاتخاذ تصمیم قطعی برای تعیین سرحدات میان دودولت جلوگیری کنند. اتخاذ این رویه و تعقیب چنین سیاستی ازطرف زمامداران دولت روس اختلافاتی میان دو کشوربوجود آورد که نتیجهٔ آن منتهی به آغاز جنگ دوم ایران وروس از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ (۱۸۲۶ـ۱۸۲۸) گردید.

هنگام حرکت ازتهران ژنرال یرملوف وعده داده بود نماینده‌ای برای حل مسائل متنازع فیه میان دودولت تعیین واعزام دارد. بهمین مناسبت در سال ۱۲۳۳ (۱۸۱۸) مازاروویچ[1] بعنوان نمایندهٔ دولت روسیه بایران آمد وپس ازاقامت خیلی کوتاه درتهران به تبریز مسافرت کردتاازنزدیک باعباس میرزا که ازطرف دولت ایران برای حل اختلافات سرحدی نمایندگی داشت درتماس باشد. عباس میرزا نمایندگانی ازطرف خود جهت تعیین وتجدیدحدودمناطق متنازع فیه تعیین کرد. هنگامیکه نمایندگان طرفین درمحل حضور یافتند وازنزدیک وضع مناطق مورد اختلاف را بازدید کردند بااشکالات جدید مواجه شدند.

نمایندگان دولت روس مواداراضی پیمان گلستان رابنفع دولت خودتعبیرمیکردند ونمایندگان دولت ایران ازواگذاری مناطقی که بعقیدهٔ آنان بدولت ایران تعلق داشت امتناع میورزیدند. بااین ترتیب حل اختلاف مشکل بنظر میرسیدونمایندگان ایران هنوز ازحدود قره‌باغ جلوتر نرفته بودند که ازطرف ولیعهد احضار شدند.

هنگامیکه مذاکرات جهت تعیین سرحدات ادامه داشت دولت روس درناحیهٔ گوگچه واقع درطول سواحل شمالی وشمالغربی دریاچهٔ گوگچه وهمچنین درسرحدات قره‌باغ مشغول تأسیس پاسگاههای نظامی بود.

---

1 – Mazarowitch

پس از شکست مذاکرات، عباس میرزا درسال ۱۲۳۵ (۱۸۲۰) مهندس میرزا مسعود یکی از منشیان خودرا جهت حل اختلافات و ملاقات ژنرال یرملوف به‌تفلیس فرستاد ولی فرمانده کل قوای روس حاضر نشد بهیچوجه تغییری درتصمیمات دولت‌خود نسبت بمواد معاهدهٔ گلستان قائل شود. نظر باینکه دولت روسیه هنوز از گرفتاریهای اروپا آسوده نشده بود و قصد تعرض بر ضد دولت عثمانی را داشت لذا برای گذراندن وقت و بدست آوردن فرصت مناسب‌تری ژنرال یرملوف شروع مذاکرات را به‌سال بعد موکول نمود.

پس از مراجعت نمایندهٔ دولت ایران مکاتبات زیادی تا شروع جنگ ایران و عثمانی ۱۲۳۶-۱۲۳۸ (۱۸۲۱-۱۸۲۳) میان عباس میرزا و فرمانده کل قوای گرجستان مبادله گردید.

درا ثنای جنگ ژنرال یرملوف از فرصت استفاده کرده چندین نقطه از اراضی ایران را اشغال و بعد در سال ۱۲٤۰ (۱۸۲٤) دولت روسیه نواحی بالغ‌لو و گونی و گوگچه را متصرف گردید.

دولت ایران رسما بدست اندازیهای جدید دولت روسیه اعتراض کرد. نمایندگان دودولت لاینقطع و بدون هیچ نتیجه برای تعیین نقاط سرحدی و حل اختلاف بمحل حرکت میکردند.

مازاوویچ نمایندهٔ دولت روسیه در برابر اعتراضات دولت ایران برای حل اختلافات سرحدی پیشنهادهائی تسلیم کرد که مورد موافقت فتحعلیشاه و عباس میرزا قرار گرفت ولی هنگامیکه ژنرال یرملوف از اقدامات نمایندهٔ خود در تهران اطلاع حاصل کرد اظهار داشت تعهدات مازاوویچ خارج از حدود اختیارات وی بوده و مورد قبول دولت روسیه نیست، وقتی عباس میرزا ار رد پیشنهادهای مازارووبچ مطلع شد فتحعلی‌خان حاکم تبریز را در تاریخ ۱۱ جمادی الثانی ۱۲٤۰ (ژانویه ۱۸۲۵) بنمایندگی از طرف دولت ایران به‌تفلیس روانه کرد[1]. در تفلیس موافقت‌نامه‌ای میان ژنرال یرملوف و نمایندهٔ دولت ایران بامضاء رسید. فتعلیخان پس از ورود به تبریز گزارش مأموریت خود را

۱- نامهٔ مورخ ۵ فوریه ۱۸۲۵ هانری و یلوك به‌ژورژ کانینك
London : p. R. o. p. Fo. 60. T. xxv

بعباس‌میرزا داد ولی نظر باینکه موادموافقت‌نامه نظریات دولت ایران‌را تأمین‌نمیکرد بتصویب نرسید.

درماه رجب ۱۲٤۰(فوریهٔ ۱۸۲۵) مذاکرات مجدداً آغاز شد وملاقاتی میان عباس‌میرزاوژنرال‌یرملوف‌بعمل آمد.دراین‌ملاقات‌قرارشدفتحعلی‌خان‌دوباره‌برای‌حل اختلاف به‌تفلیس‌نزدژنرال‌یرملوف فرستاده شود[۱]. درنتیجهٔ این‌مذاکرات نمایندهٔ ایران برای بار دوم به تفلیس رفت ودرتاریخ ۸شعبان ۱۲٤۰ (۲۸ ماه مارس ۱۸۲۵) موافقت‌نامه‌ای‌باحضورژنرال‌ویلهینوف[۲]ومدداوف[۳]بامضاءرسید کدماآنراقرارداد تفلیس خواهیم خواند. نمایندهٔ ایران قرارداد تفلیس‌را بشرطی‌امضاء کرده بود که‌از طرف دولت ایران مورد قبول واقع گردد[٤].

مطابق‌مواد قرارداد تفلیس‌ناحیهٔ گوکچه بدولت روسیه تسلیم‌ودرمقابل‌دولت روسیه ناحیهٔ‌قپان‌را بدولت‌ایران‌واگذارمیکرد.ولی‌درحقیقت‌قراردادتفلیس‌یك‌نیرنك سیاسی بیش نبود زیرا ناحیهٔ گوگچه وناحیهٔ قپان هردو متعلق‌بایران بود وروس‌ها درمقابل اشغال یکی ازنواحی‌ایران واگذاری ناحیهٔ دیگری‌را که‌آنهم‌متعلق‌بدولت ایران بود پیشنهادمیکردند بااین‌وصف عباس‌میرزا وفتحعلیشاه ناچارازتأییدقرارداد تفلیس خودداری کردند[۵]

دولت روسیه ازنیل بمقصود وحصول نتیجه ناامید نبود بطوریکه درماه شوال ۱۲٤۰ (اواخر ماه مه) مازاروویچ بتهران آمد تاازفتحعلیشاه تأیید قرارداد تفلیس‌را تقاضا کند ، جلسات مشورتی برای مطالعهٔ مواد قرارداد در تهران تشکیل گردید و عباس‌میرزا نیز برای شرکت دراین‌جلسات بتهران احضار شد.

۱ــ نامهٔ مورخ ۱٦/۲٦ ژوئیه منچیکوف به قائم‌مقام
London : P. R. O. p. FO. 60. T. XXVII

2– Wilheminoff

3– Madadoff

٤ــ ترجمهٔ نامهٔ ژنرال یرملوف به‌عباس‌میرزا
London : p. R. O. p. Fo. 60. T.xxv

۵ــ نامهٔ مورخ ۱٤ اکتبر ۱۸۲۵ هانری‌ویلوك به‌کانینك
London : p. R. O p. Fo. 60. T.xxv

حسن‌خان صاری‌اصلان برادر حاکم ایروان نیز که درجنك اول‌ایران‌وروس شرکت کرده بود بتهران‌خوانده شد تانظریات وتجارب وی مورد استفاده‌قرار گیرد. وی که بنواحی‌سرحدی ایروان آشنائی کامل‌داشت ثابت کرد که ادعای دولت روسیه مورد ندارد وباواگذاری ناحیهٔ گوگچه امنیت شهرایروان‌درخطرخواهد بود. دربار ایران بالاخره پس ازمباحثات طولانی عدم امکان قبول مواد قرارداد تفلیس‌را رسماً باطلاع نمایندهٔ دولت روسیه رسانید.

دربرابر تصمیمات راسخ دولت ایران ژنرال‌یرملوف باتکاء قرارداد تفلیس یك هنك سرباز ۱۸۰۰نفری‌روس‌را باچهارعراده توپ برای اشغال وتصرف ناحیهٔ گوگچه واخراج سکنهٔ ایرانی آن ناحیه مأمورساخت(۱).

فتحعلی‌شاه که درمقابل عمل انجام‌یافته قرار گرفته بود میرزا صادق مروزی وقایع‌نگار درباررا مأمور کرد که درمعیت مازاروویچ بملاقات ژنرال‌یرملوف برود. نمایندگان دودولت دراواخر ماه شوال ۱۲٤۰ (ژوئن ۱۸۲۵) تهران را ترك گفتند. نمایندهٔ دولت ایران مأموریت داشت باشغال‌اراضی‌ایران ازطرف قوای روس اعتراض کرده ودر صورت لزوم بدربار سن پطرزبرگ مراجعه و شکایت خود را تسلیم امپراطور کند

پس‌ازورود به‌تبریز نمایندهٔ دولت روس پیش‌دستی کرده وقبل‌ازنمایندهٔ‌ایران به‌نزد ژنرال‌یرملوف رفت تاوی‌را ازجریان مذاکرات تهران مسبوق سازد. درنتیجه زمامداران‌روس‌تصمیم گرفتندقبل‌ازورودنمایندهٔ دولت‌ایران‌ناحیهٔ بالغلورانیز بوسیلهٔ قوای‌قراکلیسا اشغال کنند.این‌بود که‌درشب۲۵صفر۱۲٤۱(۱۹اکتبر۱۸۲۵)یکدسته از سربازان روس با دو عراده توپ بدهکدهٔ بالغلو وارد شده ایلات ایرانی را بیرون کرده ومحل‌های مسکونی آنانرا خراب کردند(۲) ولی باورود قوای سردار ایروان

۱ـ نامهٔ مورخ ۲۸ نوامبر ۱۸۲۵ هانری‌ویلوك به‌کانینك
London : p R.O.p.Fo 60 T.xxv

۲ـ نامهٔ مورخ ۱ کتبر ۱۸۲۵ عباس‌میرزا به‌ژنرال‌یرملوف
Lodon : p.R·O·p.Fo.60 T.XXVII

روسها مجبور شدند ناحیهٔ بالغلو را تخلیه کنند.

میرزاصادق مروزی درتاریخ ۱۰ ربیع‌الاول۱۲٤۱(۲۳ اکتبر۱۲۸۵) ازتبریز حرکت کرد ودرتاریخ۱۱ربیع‌الثانی۱۲٤۱(۲۳نوامبر۱۲۸۵)واردتفلیس گردید[۱].

قبل‌ازورود نمایندهٔ ایران ژنرال‌یرملوف تفلیس‌را ترك گفته بود. میرزاصادق مروزی ازطرف ژنرال‌ویلهمینوف که مأموررسیدگی‌باختلاف سرحدی‌بود پذیرائی شد مذاکرات میان نمایندگان دودولت بجائی نرسید ومرك آلکساندراول درتاریخ ۱۹ ربیع‌الثانی۱۲٤۱ اول‌دسامبر۱۸۲۵ باعث قطع‌مذاکرات گردید[۲]،نمایندهٔایران پس‌ازدوماه اقامت درتفلیس‌تقاضا کردوی‌را ازتصمیمات دولت روسیه مستحضردارند ژنرال ویلهمینوف ضمن یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲٦(۱۲جمادی‌الاول) اطلاع داد که ژنرال‌یرملوف فرمانده کل‌قوای گرجستان‌نمیتواند بدون اجازهٔ امپراطوری اراضی اشغال‌شده را بدولت ایران مسترد دارد[۳] بالاخره نماینده دولت ایران بدون موفقیت واخذکمترین نتیجه تفلیس را ترك گفت ودر رمضان ۱۲٤۱ (مارس۱۸۲٦) وارد تهران گردید[٤]

پس‌ازمرك آلکساندراول تغییری‌درسیاست‌عباس‌میرزا پدیدآمد ولیعهدایران که تا این تاریخ سیاست سازش ومسالمت‌آمیزی نسبت بدربار سن‌پطرزبرگ پیش گرفته بود درنتیجهٔ دخالت مأمورین‌سیاسی‌درتبریز تغییرروش‌داد واین‌تغییرسیاست آغاز جنك دوم ایران وروس را تسریع کرد.

۱ـ نامهٔ مورخ ۲٤ اکتبر هانری‌ویلوك به‌کانینك
London : p.R.O.p·Fo.60·T.XXVII

۲ـ نامه مورخ۱۷ فوریه هانری‌ویلوك به کانینك
London : p.R.o.p·Fo.6oT.XXVII

۳ـ یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲٦ ویلهمینوف به‌میرزاصادق مروزی
London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

٤ـ نامهٔ مورخ ۳۱ مارس ۱۸۲٦ هانری‌ویلوك به‌ژورژکانینك
London : p.R.O.p.Fo.60.T· XXVII

۲- تغییر سیاست عباس میرزا پس از مرگ آلکساندر اول و اعلان جهاد

اشغال نواحی گوگچه وبالغ لوو گونی ازطرف روسها توأم باانواع آزار و شکنجه نسبت به مسلمانان آن نواحی بود وچنانکه بدان اشاره شد ظلم وفجایع دولت روسیه علمای مسلمان را درمشاهد متبرکه سخت مضطرب ونگران ساخته بود. دیپلماسی انگلستان برای اقدام برضد نفوذ روزافزون وتهدیدآمیز دولت روس از این فرصت مناسب استفاده کرد.

گفتیم که عباس میرزا نسبت برفتار ناهنجار عمال دولت روس بامسلمانان نواحی اشغالی بژنرال یرملوف وسایر فرماندهان قوای قفقاز اعتراض کرد. ولی نظربانیکه ولیعهد ایران پس ازامضای معاهدهٔ گلستان مستقیماً تحت نفوذ دولت سن پطرزبرگ قرارداشت نمیتوانست درمقابل روش دولت روس اقدام مؤثر وجدی کند[۱]. عباس میرزا درجریان مذاکرات برای تحدید حدود سرحدات، تمام هم خودرا صرف کرد تاروابط میان دودولت قطع نگردد ودیدیم که نمایندگان وی بکرات جهت حل اختلافات نزد فرمانده کل قوای گرجستان رهسپار شدند.

سیاست وآرزوی تزار این بود که متصرفات روسیه را تاسرحد ارس بسط دهد بدین منظور درمعاهدهٔ گلستان قید شده بود ازمیان پسران شاه آنکه جانشین تاج وتخت ایران تعیین شود ازطرف روسیه نیز برسمیت شناخته خواهد شد.

دولت روسیه بااین عمل درحقیقت تعهدمیکرد که ازعباس میرزادرمقابل برادر ارشدش محمدعلی میرزای دولتشاه حمایت وجانبداری کند تزار باطرفداری وحمایت ازمنافع ولیعهد درواقع یکنوع حق نظارت درسیاست داخلی ایران تحصیل کرده و

۱- گزارش سیاسی مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوك به کانینك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.xxv

امیدوار بود عباس‌میرزا بنوبهٔ خود ازپیشرفت سیاست دولت‌روسیه درایران‌طرفداری نماید. پس عباس‌میرزا بااینکه‌نمیخواست بهیچوجه خودرا کاملا تحت نفوذ تزارقرار دهد مجبور بود قدرت ونفوذ دولت روسیه را بحساب بیاورد.

در مکاتبات عباس‌میرزا باتزار ودولت روسیه مشاهده میشود که ولیعهد ایران سعی و کوشش دارد احترام وقدرت واختیارات خودرا بابکاربردن عناوین وتعارفات رسمی تشریفاتی که معمول دیپلماتهای ایران آنزمان بود حفظ کند.

محمدعلی‌میرزادرسال۱۲۳۷(۱۸۲۲)درحین‌جنگ ایران‌وعثمانی‌در گذشت وبا مرگ وی عباس‌میرزا جانشین‌بلامعارض‌تاج‌وتخت‌ایران گردیدوبااین‌ترتیب کمک‌تزار برای‌تعیین ولیعهد ایران دردرجهٔ دوم اهمیت قرار گرفت.

درتاریخ شعبان ۱۲۴۱ (مارس۱۸۲۶) شاهزاده منچیکوف[۱] بعنوان نمایندهٔ فوق‌العاده بدربار ایران اعزام گردید[۲].

سفیر دولت روسیه مأموریت داشت که جلوس نیکولای اول را رسما باطلاع دولت ایران برساند ولی در حقیقت منچیکوف موظف بود باختلافات سرحدی دو دولت خاتمه داده ودولت ایران را برای امضای معاهدهٔ اتحادی برضد دولت‌عثمانی حاضر کند.

وقتی دولت روسیه طالب اتحاد بادولت ایران بود دولت انگلستان بوسیلهٔ اقدامات وفعالیت مأمورین‌سیاسی‌خود دردربارعباس‌میرزاجدیت‌داشت تشبثات دولت روسیه را عقیم سازد ونفوذ سیاسی خودرا محکمتر ومؤثرتر بکند. ماژورهارت[۳] ودکتر کرومك[٤]عمال انگلیسی که جریان‌حوادث نیزبآنان کمک‌میکرد داطمینان شاهزاده‌عباس‌میرزارابخودجلب کرده‌بودند وازمرگ آلکساندراول‌برای‌تغییرسیاست عباس‌میرزا استفاده نمودند.

1- Menchikoff

۲ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس هانری‌ویلوك به کانینك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

3- Major Hart

4- Cromk

(باید تذکرداد که علاوه‌برمرك محمدعلی‌میرزادولتشاه درگذشت‌میرزابزرك قایم‌مقام نیز درسال ۱۲۳۷(۱۸۲۲) که یکی ازرجال‌سرسخت ضد سیاست انگلستان دردربارعباس‌میرزا بود درپیشرفت سیاست انگلستان فوق‌العاده تأثیر داشته ووظیفهٔ عمال انگلیسی‌را بی‌نهایت آسان میکرد) .

هانری‌ویلوك درنامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ (۱۰ شعبان۱۲٤۱)بوزارتخارجه انگلستان گزارش‌میدهد که درنتیجهٔاقدامات‌مأمورین‌انگلیسی‌وقتی‌پرنس منچیکوف به‌تبریزرسید یکنفرنمایندهٔ طرف‌اطمینان ازطرف شاهزاده‌عباس‌میرزا اعزام گردید که شاه را برای اعلان جنك برضد دولت روس تشویق کند.

هانری‌ویلوك کاردار سفارت انگلیس‌درهمین‌نامه تذکرمیدهد که ورود پرنس منچیکوف وضع جدیدی دردربار عباس‌میرزا بوجودآورده‌است.ولیعهدایران معتقد است مادامیکه قبلاازمذاکرات‌درتبریزنتیجه‌ای گرفته‌نشود ودولت‌روسیه حاضر به تخلیهٔ ناحیهٔ گوگچه‌نگرددنمایندهٔروسیه نباید بطرف‌تهران‌حرکت کند[۱].کاردار سفارت درهمین‌نامه اضافه میکند که پادشاه تردید دارد آیا بجنك مبادرت ورزد یا ناحیهٔ گوگچه‌را بتصرف روسها بدهد ولی‌توسل‌بجنك حتمی‌بنظرمیرسد زیرادرنظر زمامداران ایران استقراروسهادرناحیهٔ گوگچه وایجادپاسگاهها درنزدیکی‌ایروان حفظ وحراست این‌ایالات ثروتمند را بخطر خواهد انداخت[۲].

پس از ورود منچیکوف آقاسیدهاشم مجتهد برای تحریك احساسات مذهبی مردم پایتخت برضد روسها درتاریخ ۱۷شوال ۱۲٤۱(۲۵ مه ۱۸۲۶) وارد تهران شد تافتحعلیشاه را بجنك وادار کند[۳].

۱ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ هانری‌ویلوك به‌کانینك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲۶ هانری‌ویلوك به‌کانینك

London : p.R·O.p.Fo.60·T.XXVII

۳ـ دراسناد وبایگانی‌وزارتخارجهٔ انگلستان برای روشن کردن این‌مطلب که‌آیا رؤسای ایالات وعلمای مذهبی بمیل‌خود میخواستند که جنك بین دولتین روس‌وایران را

بقیهٔ‌حاشیه درصفحهٔ بعد

چنانکه گفته شد مکاتبات وتقاضاهای زیادی‌ازطرف ساکنین نواحی سرحدی وپیشوایان‌مذهبی بدولت‌ایران رسیده‌بود که درخواست میکردند دولت ایران برای رفع‌اهاناتهائی که ازطرف دولت روسیه‌بدین‌اسلام وارد آمده‌بود اقداماتی‌بعمل بیاورد.

هنگامیکه درتبریز میان پرنس منچیکف و عباس میرزا و وزیرش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام مکاتبات زیادی راجع‌باختلافات سرحدی مبادله‌میشد[1] فتحعلیشاه بمناسبت فصل تابستان‌تهران رانرك وبسمت سلطانیه حرکت کرد شوال۱۲۴۱(ژوئن ۱۸۲۶) شاه که ازجریان حوادث بسیار مضطرب بود برای تعیین‌خط مشی سیاسی تصمیم گرفت ضمن کنفرانسی نظرمشاورین خودرا جلب کند.

دراین کنفرانس هانری ویلوك کاردارسفارت انگلستان‌به‌فتحعلیشاه توصیه کرد روش‌مسالمت آمیزی اختیار کند وآقاسیدمحمدمجتهدراکه‌ممکن‌است گرفتاریهائی

بقیه ازحاشیهٔ صفحهٔ قبل

بیك جنك مذهبی مبدل کنند بااینکه‌مأمورین یك‌دولت بیگانه‌دراین‌مورد فعالیت بخرج‌میدادند سندی بدست‌نیامد ولی درمکاتبات سیاست مداران دولت روسیه علایم واشاراتی موجود است که سیاست نخست‌وزیرانگلستان رادراینمورد روشن میسازد: چنانکه کنت‌دو نسلرود Conte-de-nesslrode صدراعظم‌دولت روسیه درجلد ششم صفحهٔ ۲۵۹ مجموعهٔ‌مکاتبات خود چنین بیان میکند: بنظرمیآیدکانینك وزیر خارجهٔ انگلستان که ازنفوذ وشهرت ژنرال یرملوف مضطرب ومتحیربود میخواست ایرانرا بجنك برضد ما وادار کند وقتی وزیرانگلستان ازسیاست مسالمت‌آمیز امپراطور آلکساندر اطمینان حاصل نمود مصمم گردید ازاحساسات ضدروسی ایرانیان جلوگیری کند ولی جلوگیری ازغلیان احساسات ملی برای‌وی غیرمقدوربود. همچنین‌دوشرودر De-shrœder که درنیمهٔ اول‌قرن‌نوزدهم ازطرف وزارتخارجهٔ روسیه مأموریتهای مختلف سیاسی داشته راجع بسیاست‌انگلستان نسبت بیونان و ایران چنین مینویسد: «بنظر میآیدکه سیاست انگلستان با ایجاد جنك جدیدی میان‌دولتین روسیه وایران دوهدف راتعقیب‌میکندتاازیکطرف ازپیشرفت‌روسها بطرف مشرق ایران درسمت هندوستان جلوگیری کند از طرف دیگربرای تزارکه در مسئلهٔ یونان‌گرفتاراست اشکالاتی تولید نماید تابالاخره وی را مجبور کندکه ازدولت انگلستان کمك طلبد وبالنتیجه موضوع بنفع دولت انگلستان خاتمه پذیرد».

۱- مکاتبات عباس میرزاومنچیکف‌نامهٔ مورخ ۹ذیقعدهٔ۱۲۴۱ (۱۵ژوئن ۱۸۲۶) میرزا ابوالقاسم قایم مقام به منچیکف London·P·R·O·Fo·60.T.XXVII

برای دولت ایران ایجاد نماید بحضور نپذیرد. هانری ویلوك درواقع یك سیاست دوجانبه بازی میکرد . رسماً فتحعلیشاه را باتخاذ رویهٔ محتاطی توصیه میکرد در صورتیکه نمایندگان وی ماژورهارت ودکتر کرومك درتبریز شاهزاده عباس میرزا رابجنك با دولت روسیه تحریك میکردند .

درنامهٔ مورخ ذیقعدهٔ ۱۲۴۱ (۲۷ ژوئن ۱۸۲۶) هانری ویلوك بهژورژ کانینك نظر سیاستمداران ایرانی رانسبت بدولت روسیه چنین شرح میدهد: «درنتیجهٔ مذاکرات سری که باالله‌یارخان آصف الدوله داشتم وی مایل بجنك نیست ولـی مجبوراست از نظرشاهزاده تبعیت کند ..میرزا عبدالوهاب وزیرخارجهٔ سابق که درموارد مهم باوی مشورت میشود وشاه بعقیدهٔ اواهمیت فوق‌العاده‌ای میدهـد مایل است روابط بادولت روسیه اصلاح شود[۱]

فتحعلیشاه مایل بود سیاست عباس میرزا راتعقیب کند ولی وزراء توصیه کردند که نمایندهٔ دولت روسیه رابپذیرد والاممکن است باعث رنجش امپراطور جدید کـه دراعزام نماینده پیشقدم بوده است گردد . بنابراین درتاریخ ٤ذیحجه ۱۲۴۱ (۱۰ژوئیه ۱۸۲۶) پرنس منچیکوف بقرارگاه سلطانیه وارد شد[۲]

پس ازسه روز ورود، فتحعلیشاه بهپرنس منچیکوف اجازهٔ شرفیابی داد: دراین شرفیابی پنج تن ازوزا: آصف الدوله وامین الدوله ومعتمدالدوله ومیرزا ابوالحسن خان ومیرزا ابوالقاسم قایم‌مقام حضور داشتند[۳] . مذاکرات باحضورشاهزاده عباس میرزا آغاز گردید[٤] نمایندهٔ دولت روسیه اظهارداشت که وی نمیتواند ازموادقرارداد تفلیس

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۷ ژوئن ۱۸۲۶ هانری ویلوك بهژورژ کانینك ازسلطانیه
Londn : P.R.O P.Fo.6o.T.XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۱۷ ژوئن ۱۸۲۶ هانری ویلوك بهژورژ کانینك ازسلطانیه
London:P.R.O P.Fo.6o.T XXVII

۳ـ نامهٔ مورخ ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London: .P.R.O.P.Fo.6o.T.XXVII

٤ـ نامهٔ مورخ ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London: P.R.O.P.Fo.6o.T.XXVII

مورخ ۸ شعبان ۱۲۴۰ (۲۸ مارس ۱۸۲۵) عدول کند. با این ترتیب مذاکرات به نتیجه‌ای نرسید وجواب صریح نمایندهٔ دولت سن پطرز برك، تمام طرفداران صلح را مأیوس کرد[۱] یکنوع احساسات هیجان آمیزی تمام کشوررافرا گرفت وسیاست عباس میرزا که بطورمؤثری درتحت نفوذ کتر کرومك وماژورهارت قرارداشت قرین توفیق گردید.

افکارمردم بحداعلا برضد روسیه تهییج شده بود. ملت وروحانیون واغلب زمامداران تقاضای اعلان جنك برضد دولت روسیه داشتند. درتاریخ ۵ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ (۱۱ ژوئیه ۱۸۲۹) آقاسیدمحمد مجتهد بهمراهی یکصدتن ازروحانیون واردسلطانیه شد دستهٔ دیگری ازاهالی بسر پرستی ملااحمد نراقی نزد فتحعلیشاه آمدند وبه تظاهرات پرداختند[۲]

چندتن ازوزراء که طرفدارصلح بادولت روسیه بودند درحال یاس وناامیدی. آخرین باربا منچیکوف مذاکره وبوی خاطرنشان کردند که اگر دولت روسیه از استرداد گوگچه منصرف گردد جنك بطورقطع شروع خواهد شد، زیرا امنیت ناحیهٔ ایروان بااشغال گوگچه که ظاهرا بی‌اهمیت بنظرمیآید درمخاطره خواهد افتادولی منچیکوف درروش خود تغییری نداد.

بالاخره در مجمع وزراء تصمیم گرفته شد در مقابل تظاهرات مردم وبمنظور حفظ حیثیت دربار سعی شود موافقتی ولوبی اهمیت هم باشد ازنمایندهٔ دولت روسیه تحصیل گردد. منچیکوف اظهارداشت مذاکرات راقطع کنند تاوی از دولت خود دستورات جدیدی دریافت داردوبآصف الدوله پیشنهاد کرد هیئتی برای حل اختلافات ازطرف دولت ایران بسن پطرزبرگ فرستاده شود[۳]

دولت ایران موقتاً قطع مذاکرات راقبول کرد واصراروزید تاوصول دستورات

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۴/۲۶ ژوئیه ۱۸۲۶ پرنس منچیکوف
London:P.R.O.P.Fo 60.T XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London:P.R O.P.Fo.T:XXVII

۳ـ نامه مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۸۲۶ـ۱۳ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ منچیکوف بآصف الدوله
London:P.R.O.P.Fo 60.T XXVII

ازطرف دولت روسیه ناحیهٔ گوگچه تخلیه گردد ودولت ایران تعهد کرد که تاوصول دستوراز طرف دولت روسیه این ناحیه را اشغال نکند . منچیکوف بدون اجازه نمیتوانست پیشنهاد دولت ایران رابپذیرد .

درجریان این مذاکرات اعمال نفوذ نمایندگان سیاسی ودیپلماتهای انگلستان فوق العاده مؤثر بود . زمامداران بریطانیای کبیربا ایجاد جنك میان دولتین ایران و روس در نظر داشتند دولت روسیه رابا جنك خسته کنندهای در سرحدات شمالغربی ایران مشغول سازندتابتوانند ازفعالیت روسها درمشرق ایران که برای دولت هند خطرناك بودبکاهند . این نظریه ازمطالعهٔ یادداشتهای سری سرجان ملکم که راجع بپیشرفتهای دولت روسیه درآسیا نوشته شده روشن میگردد. بنظر ملکم فعالیت روسها درمشرق ایران ازسمت افغانستان بتدریج شدت می یافت واین فعالیت برای سیاست انگلستان فوق العاده خطرناك بنظر میرسید[1] همچنین دونامهٔ مورخ دسامبر ۱۸۲۵ هانری ویلوك یکی بعنوان ویلیام پیت لرد آمرست[2] فرمانفرمای کل هندوستان ودیگری بعنوان ژورژ کانینك نشان میدهد که چگونه دولت انگلستان از نفوذروزافزون وپیشرفتهای دولت روسیه درایران وحشت ونگرانی داشت بالاخره درتعلیماتی که ازطرف لرد کاتکار سفیر انگلستان درسن پطرزبرگ بکاردار سفارت انگلستان در تهران داده شد این نگرانی ظاهر میشود[3]

---

۱ - یادداشتهای سری سرجان ملکم راجع بهپیشرفتهای دولت روسیه درآسیا که بیشتر مربوط بنواحی افغانستان وخراسان وترکستان وکرانه های دریای خزر
London:P.R.O.P.Fo.6o.T.XXV

2- William,Pitt-Lord-Amhurst.

۳- نامههانری ویلوك بهویلیام پیت لرد آمرست London:P.R.O.P.Fo.60T.xxv
دراین نامه هانری ویلوك ازفعالیت روسها دربخارا و افغانستان صحبت کرده و باقدامات ژنرال یرملوف درخراسان وتوسعه و پیشرفت نفوذ دولت روس در مشرق ایران اشاره میکند ودرضمن تمایل رؤسای مستقل نواحی شمالشرقی ایرانرا بههمکاری بادولت روسیه شرح میدهد هانری ویلوك همچنین درنامهٔ مورخ ۲۳ دسامبرخود بهویلیام پیت لرد آمرست اشاره میکند که لرد کاتکار Lord-cathcart سفیر انگلستان درروسیه ازاقدامات دولت سن پطرزبرك درنزد عباس میرزا بسیار نگران ومضطرب است

دولت ایران که ازهرطرف درتحت فشار قرار گرفته بود و اطمینان داشت که سکوت درمقابل تعدیات مأمورین دولت روس باعث سرافکندگی خـواهد بود و از اجحافات‌دولت روسیه در آینده فـوق العاده نگرانـی داشت بالاخره تصمیم گـرفت جنك کند.

بااینکه موقتاً مذاکرات میان دودولت قطع شده بود هانری ویلوك‌مأموریت یافت که مذاکرات‌رابا نمایندهٔ دولت روسیه‌ادامه دهد(۱) ولی نظربااینکه‌فتحعلیشاه امیدی باین اقدامات نداشت بدون انتظاربنتیجهٔ مذاکرات‌هانری ویلوك‌ومنچیکوف درتاریخ۱۵ ذیحجهٔ۱۲٤۱ (۲۱ژوئیه ۱۸۲٦) ازسلطانیه بسمت اردبیل حرکت کـرد تابصحنهٔ عملیات نزدیك شود(۲)

بالاخره منچیکوف بدون اخذ نتیجه در تاریخ ۱۸ذیحجه (۲٦ژوئیه ۱۸۲٦) اقامتگاه سلطانیه راترك گفت وهانری ویلوك کاردار سفارت انگلیس نیزباردبیل نزد فتحعلیشاه رهسپارشد(۳)

بروحانیون وپیشوایان مذهبی‌دستورداده شد احساسات مذهبی مردم رابرضد روسها تحریك کنند وجنك دوم ایران وروس باصدور فتوای جهاد آغاز گردید.

برای اینکه صحنه های مختلف جنگی روشن تربیان گردد جنك دوم ایران وروس را درسه‌مرحله بیان میکنیم:

مرحلهٔ اول: پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجهٔ ۱۲٤۱ تا آخر محرم ۱۲٤۲ (ژوئیه ۱۸۲٦ سپتامبر ۱۸۲٦) دراین مرحله تمام نواحی که مطابق معاهدهٔ گلستان

۱- نامهٔ مورخ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك

London:P R.O P.Fo.6o.T.XXVII

۲- نامهٔ مورخ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك

London:P R.O P Fo 6o.T.XXVII

۳- نامهٔ مورخ ۱۰ اوت۱۸۲٦ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك

London:P.R.O.P.Fo 6o.T.XXII

تسلیم روسها شده بود ازطرف قوای ایران اشغال شد .

مرحلهٔدوم: شکستهای ایران ازصفر۱۲٤۲ تاسقوط دژعباس آباد ۲۷ ذیحجهٔ ۱۲٤۲ (سپتامبر۱۸۲٦ - ۲۲ژوئیه ۱۸۲۷)

مرحلهٔسوم: سقوط ایـروان و تبریـز معـاهدهٔ تـر کمانچای شعبان ۱۲٤۳ (فوریه۱۸۲۸) .

قسمت چهارم

جنگ دوم ایران و روس از

(۱۲۴۱-۱۲۴۳) (۱۸۲۶-۱۸۲۸)

فصل اول

مرحلهٔ اول: پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجهٔ ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ (ژوئیه ۱۸۲۶ سپتامبر ۱۸۲۶) دراین مرحله تمام نواحی که مطابق معاهدهٔ گلستان تسلیم روسها شده بود ازطرف قوای ایران اشغال گردید.

هنگامیکه مذاکرات بانمایندگان دولت روس درسلطانیه ادامه داشت هزاران نفر داوطلب بسلطانیه آمده وبقرارگاه عباس میرزا که بفرماندهی کل قوای ایران در جنگ منصوب شده بود متوجه گردیدند.

باید دانست که جنگ بدون اعلان رسمی آغازشده بود. پس ازشکست مذاکرات ویلوک- منچیکوف نمایندهٔ دولت روسیه قرارگاه سلطانیه راترک گفت وشاهزاده عباس میرزا بطرف تبریز حرکت کرد تا در رأس لشگریان تحت فرماندهی خود قرار گیرد.

اسمعیل میرزا یکی ازفرزندان فتحعلیشاه که باپانزده هزار نفر بکمك عباس میرزا مأموریت یافته بود بدستور ولیعهد بسمت ارس حرکت کرد[۱] عباس میرزا درتبریز اسکندرمیرزا نوهٔ هراکلیوس، مصطفیخان شیروانی ومحمد حسینخان شکی،رؤسای نواحی اشغالی ازطرف روسها راکه ناراضی بودند بحضورخود پذیرفت. این سه نفر پس از مشورت باعباس میرزا واخذ تصمیمات باوطان خود مراجعت کردند تابمنظور مقاومت در مقابل روسها بایاغیان وناراضیان همکاری نمایند. اقدامات این اشخاص فوق العاده مفید ومؤثر واقع شد[۲]

۱- نامهٔ مورخ ۱۵ ژویه ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London: P·R·D·P.Fo·6o·T·X.XVII

۲- نامهٔ مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London: P·R.O·P·Fo·6o·T·XXVII

عباس‌میرزا تصمیم‌داشت که رود ارس را ازپل خداآفرین عبور کند وقبل از آنکه ژنرال مدداوف بقره باغ مراجعت کرده و بمقاومت بپردازد وارد قره‌باغ گردد .

همچنین لازم بود هرچه زودتر قلعهٔ شوشی ازطرف لشگریان ایران اشغال گردد واین مسئله نهایت اهمیت‌را داشت که سپاهیان ایران قبل از آنکه وسائل دفاعی قلعه تکمیل گرددآنرا بتصرف خوددرآورند . قبلا نیز سکنهٔ ناراضی نواحی قره‌باغ وعده داده بودند بمجرد رسیدن قوای ایران قلعه‌را تسلیم خواهندکرد .

لشگریان عباس میرزا ازرود ارس عبورنکرده بودند که عملیات جنگی در سواحل دریای خزرآغاز شد . میرحسنخان رئیس طوالش مصمم‌بودبه‌تسلط روسها درآن ناحیه خاتمه دهد بدینمنظور خودرا بادولت ایران درتماس گذاشت. فرمانده قوای‌روس درلنکران که ازرابطهٔ میرحسنخان بادولت‌ایران ظنین‌شده بودهمسروی را بعنوان گروگان درساری محبوس کرد [۱]

میرحسنخان درمقابل این‌رفتار دولت روس علناً برضدقوای‌روس قیام کرد و یکدسته‌ازسربازان دشمن‌را که بسمت لنکران درحرکت بودند موردحمله‌قرارداد. بااین اقدام میرحسنخان‌جنگ درطالش آغاز گردید. میرحسنخان قوائی‌جمع آوری کرده وازدولت ایران تقاضای کمک نمود . پس‌ازوصول این‌خبربه‌محمدخان قاجار دستورداده شد که‌باعده‌ای سربازوچهارعراده توپ برای کمک بقیام کنندگان‌بقوای میرحسنخان به‌پیوندند ـ ولی میان میرحسنخان ومیرعباسخان که طرفدار روسها بود اختلاف ورقابتی وجودداشت[۲] میرعباسخان ازفرمانده قوای روس در لنکران کمک خواست وقوای امدادی‌روس بسمت طالش حرکت کردند . ولی پس‌ازرسیدن قوای محمدخان قاجار وقتی میرعباسخان تشخیص داد قادربمقاومت نیست به پسر

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲٦ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.XXVII

۲ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك به کانینك ازاردبیل
London:P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

عموی خود پیشنهاد کرد حاضراست بندرلنکران را تسلیم کند . بندرازسمت خشکی تحت محاصرهٔ قوای ایران درآمد روسها مجبور شدند درتاریخ ۱۹ ذیحجه ۱۲۴۱ (۲۵ ژوئن ۱۸۲۶) شبانه بندرراتخلیه کنند ودرنتیجه شش عراده توپ ومقدارزیادی اسلحه ومهمات بدست ایرانیان افتاد [۱] باتخلیهٔ لنکران تمام ناحیهٔ طالش آزادشد. پس ازعزیمت روس‌ها میرحسنخان ومیرعباسخان که درناحیهٔ طالش نهایت قدرت و اقتداررا بدست آورده بودند بامردم ناحیه بنای بدرفتاری را گذاشتند و بدین جهت مورد خشم وغضب رؤسای قبایل شدند .

عباس میرزا پس ازعبور ازرود ارس بجای اینکه بسرعت بسمت قلعهٔ شوشی که بهیچوجه قادر بدفاع نبود حرکت کند وقت خودرا چندین روز بیهوده تلف کردو با ناراضیان تماس گرفت . ولیعهد بپسرارشد خود محمدمیرزا دستورداد ازبیراهه از طریق نخجوان بسمت قره‌باغ حرکت کند . کلنل رویت [۲] که درغیاب ژنرال مدداوف عهده‌دارفرماندهی بود ازفرصت استفاده کرده وبرای محافظت وتقویت مدافعین قلعهٔ شوشی قوای امدادی گسیل داشت. دستهٔ دیگری ازسپاهیان ایران درتحت فرماندهی اسمعیل میرزا برای کمك به محمدمیرزا بسمت قره‌باغ متوجه گردید . درنتیجهٔ فعالیت شورشیان قره‌باغ دویست نفرازروسها کشته شده و ۷۵۰ نفراسیر گردیده‌بودند واهالی قره‌باغ برای ادامهٔ مقاومت ازعباس میرزا تقاضای کمك کرده بودند .

درتاریخ ۲۲ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ (۲۷ ژوئیهٔ ۱۸۲۶) اسمعیل میرزا درخطسیرخود با یکدسته ازسربازان روسی که بسمت شوشی درحرکت بودند در ناحیه خنزیرك روبرو شد . افراد اسمعیل میرزا باکمك ساکنین ناحیه ازپیشروی روسها ممانعت کردند . قوای روس بسختی مقاومت نمودند ولی بالاخره درنتیجه فشاروخستگی و

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك به کانینك ازاردبیل
London:P.R.O.P Fo.60.T XXVII

2 — Colnel Reuit

۳ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London:P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

شدت گرما تسلیم شدندو اسلحه خودراتحویل دادند .

پس ازاین موفقیت عباس میرزا مصمم گشت برای تسخیرقلعه شوشی پیشروی کند ولی دراینمدت کلنل رویت وسایل دفاعی قلعه‌را تکمیل کرده بودبدین ترتیب اقدامی که در آغاز عملیات ممکن بود با موفقیت انجام یابد اکنون محکوم بشکست بود .

بمحض اینکه سپاهیان ایران درسمت قره‌باغ پیش رفتند نواحی گـوکچه و بالغ‌لوازطرف لشگریان ایران‌مأمورایروان‌اشغال گردید(۱) وسرداری ایروان‌دستجات روسی‌مأموراین دوناحیه‌را مورد حمله قرارداد روسها باآنکه خوب مقاومت کردند بالاخره مجبور بتسلیم گردیدند . این ناحیه درسرراه تفلیس دارای موقع نظـامی حساس و محکمی بود که درآنجا ژنرال سواردزامیدزوف(۲) فرمانده ناحیهٔ پمبك پس ازتخلیه قره کلیسا خودرابرای دفاع آماه کرده بود . حسنخان که درمسیرخود تمام ناحیه را تانزدیکی اردوگاه روس ویران کرده‌بودشیوهٔ‌جنك و گریزرا بکار برد و بادستبردهای‌مداوم خود مانع‌شد که قوای‌سواردزامیدزوف‌باتفلیس‌مرکزفرماندهی روس ارتباط برقرار کند .

هنگامیکه لشگریان ایران بسمت شوشی‌پیشروی میکردند به‌ژنرال‌مدداوف فرمانده قوای روس در گنجه دستور داده شد تعداد زیادی از اهالی را بداخل قلعه گنجه پذیرفته وسپس باعمده قوای پادگان گنجه به کمك ژنرال سواردزامیدزوف که‌باپنجهزارنفرپیاده وتعداد کمی‌سواردرمقابل قوای حسنخان قادربمقاومت‌نبودند بشتابـد .

همینکه پادگان شهر گنجه ضعیف شد اهالی که بدستورژنرال مـدداوف در داخل قلعه جمع شده بودند قیام کرده و قسمت عمدهٔ افراد روسی‌رابقتل رسانیدند

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London : P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

2 - Swardzamidzoff

چندتن از فراریان که بزحمت نجات یافته بودند خود را بتفلیس رسانیدند [۱]
اهالی گنجه که بنوبهٔ خود بشهر تسلط یافته بودند ازعباس‌میرزا که مشغول محاصره
بود استمداد کردند .

برای کمك باهالی گنجه بمحمدمیرزا دستور داده شد با پنجهزار نفر بسمت
گنجه حرکت کنند. امیرخان سرداراغورلوخان‌پسرداودخان‌ازرؤسای قدیم و محلی
گنجه دررکاب محمدمیرزا بودند ـ اغورلوخان ازطرف عباس میرزابحکومت شهر
گنجه منصوب گردید[۲]

دراواخرمحرم ۱۲۴۲ (اواخراوت ۱۸۲۶) شاهزاده شیخعلی میرزا حکمران
ملایریکی ازپسران فتحعلیشاه بایکدسته سوار درسرحد طالش بمحمد خان ملحق
گردید . شیخعلی‌میرزادرحین عبورازرود کر بوسیله پل متحرکی جزیرهٔ سالیان‌را
که درآنجا روسها آذوقهٔزیادی ذخیره کرده بودند بتصرف درآورد . سپس‌درسمت
شیروان‌پیشروی کرد تاباقیام کنندگان آن‌ناحیه بسرپرستی‌مصطفی‌خان که در آغاز
مخاصمات بدستور عباس میرزا بشیروان‌رفته بودهمکاری کند مصطفی‌خان‌درشیروان
بایجاد مقاومتی‌در برابر روسها توفیق یافته بود و این اقدام مصطفی‌خان برای قوای
ایران بسیارمفید بود زیرا درنتیجهٔ کمك شورشیان و فشار لشگریان ایران روسها
مجبور شدند شیروان را تخلیه کرده وبه‌سمت تفلیس عقب‌نشینی کنند

قیام‌واغتشاش بتمام‌ایالات‌مسلمان نشین‌قفقازسرایت کرد. کوه‌نشینان‌داغستان
بصحرا آمده و دستجات روسی را مورد تعقیب قرار دادند روسها مجبور شدند
برای تجدید سازمان بشهرهای مستحکم دربند و باکوپناه ببرند . ولی شورشیان
بسرپرستی‌سرخای‌خان لزگی‌وابراهیم‌خان بادکوبه‌ای‌روسهارادراین‌دوشهرمحاصره
کردند .

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London:P.R O.P.Fo 6o.T XXVII

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت‌هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London:P.R.P.Fo.6o.T.XXVII

درظرف سه‌هفته سپاهیان ایران موفق شده بودند اغلب نواحی‌را که بموجب معاهدهٔ گلستان تسلیم روسها شده بود پس‌بگیرند . لشگریان که ازنقاط مختلف حرکت کرده بودند موفق شدند بایکدیگرتماس یابند ودرمحرم ۱۲۴۲(آخراوت ۱۸۲۶) خط زنجیری تشکیل دادندکه ازایروان وقره‌باغ وشیروان وشکی وطالش میگذشت .

برای اینکه اشغال این نواحی مکمل گردد لازم بود قلعهٔ شوشی نیزبتصرف قوای ایران درآید وسپس تمام لشگریان ایران بمقصد اصلی خود تفلیس که لشگریان‌روسی‌به‌آنجا عقب‌نشینی کرده بودند متوجه گردند . بنابراین عباس‌میرزا مصمم شد درتسلیم قلعه شوشی که درمحاصرهٔ لشگریان ایران بود تعجیل کند . مذاکرات باکلنل رویت‌آغازگردید وفرمانده روسی وعده‌داد درظرف شش‌روزقلعه را تسلیم کند برای تضمین این‌قرار گروگانهائی ازطرف روسها دراختیارقوای‌ایران قرارداده شد .

ولی بزودی مسلم گردید که کلنل رویت فقط برای امراروقت این‌وعده‌راداده وبهیچوجه خیال تسلیم قلعه‌را ندارد .

جریان حوادث بسرعت مناظرصحنه جنگ‌را تغییرداد .

فصل دوم

مرحله دوم : جنك ایران وروس

۱ - شکستهای ماه صفر ۱۲۴۲ (سپتامبر ۱۸۲۶) تاسقوط قلعهٔ عباس آباد ۲۷ ذیحجهٔ ۱۲۴۲ (۲۲ ژوئیهٔ ۱۸۲۷)

همینکه پیشروی لشکریان ایران آغاز شد ژنرال یرملوف تمام پستهای مقدم ارتش روس را فرا خواندو کلیهٔ پاسگاه‌های سرحدی‌را تخلیه کرد وبچند دسته از سپاهیان روس که در ایالات اشغالی مقاومت میکردند دستور داد بسمت تفلیس عقب‌نشینی کنند.

این تصمیم فرماندهی کل قوای روس علت‌اصلی پیشروی‌سهل‌وسریع‌لشکریان ایران درآغاز مخاصمات میباشد . این موفقیتهای سریع روحیهٔ سربازان ایران را تقویت کردوآنان‌را که‌معتقد بودند جنك بادولت‌روسیه جزشکست واضمحلال‌نتیجه دیگری ندارد امیدوارساخت .

تأخیرولیعهد ایران دربرابرقلعه‌شوشی بفرماندهی کل قوای‌روس‌درتفلیس‌وقت کافی‌داد تاسازمان نظامی‌خودرا تکمیل‌وتجدید کند وقوای امدادی وافسران کاردان وورزیده ازمسکو دریافت دارد . لشگریان ایران درحین پیشروی ازقتل وغارت و تعدی وبدرفتاری نسبت بساکنین نواحی کوتاهی نکرده بودند این رفتارقوای ایران باعث انزجار اهالی گردید بطوریکه دربعضی نقاط حتی از عزیمت سپاهیان روس متأسف‌بودند واین پیش‌آمدوضع سپاهیان‌ایران‌را دشوارساخت ولطمه‌شدیدی‌بوجهه عباس‌میرزا واردآورد .

دراواخر محرم ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۶) پنجاه هزارنفرازلشگریان‌روس‌درتفلیس

متمرکز شد ومقدمات یك حمله عمومی ودامنه‌داری ازهرجهت آماده شده‌بود.اولین دسته ازلشکریان روس مرکب ازچهارهزارنفرپیاده که بوسیلهٔتوپخانه وعده‌ای‌سوار تقویت میشد بسمت دهکدهٔ شمخورواقع درنزدیکی گنجه حرکت کرد .

محمدمیرزا که عهده‌دار فرماندهی قوای گنجه‌بود خودرا برای‌مقابله‌باروسها آماده ساخت ــ قوای طرفین درناحیهٔ شمخورتماس حاصل کردند ودرتاریخ۱٤صفر ۱۲٤۲ (۱۷سپتامبر۱۸۲٦) قوای محمدمیرزا بادادن تلفات سنگین باشکست‌سختی مواجه شد وامیرخان سردار دراین زد وخورد بقتل رسید وخودمحمدمیرزابامواجه اشکالات زیادی نجات یافت .

فراریان بسمت گنجه متوجه شدندودرنتیجه‌وحشت واضطراب عجیبی‌درمیان قوای مأمورشهرایجاد شد .

نظرعلیخان‌مرندی که مأمور دفاع قلعه بود بدون آنکه حتی ذخیره‌وآذوقه راخارج کند ویاآتش بزند تابتصرف دشمن در نیاید قلعه‌را تخلیه‌کرد ودرتایخ ۱٤ صفر۱۲٤۲ ژنرال مدداوف شهر گنجه‌را اشغال وتصرف نمود .

نظرعلیخان مرندی بدستورعباس میرزا تیرباران شد .

فتحعلیشاه که درحین سقوط شهر گنجه دراهربود پیش‌بینی کرد که پس از اشغال شهر گنجه‌قوای روس متوجه قلعهٔ شوشی خواهندشد. برای‌جلوگیری‌ازحملهٔ قریب‌الوقوع سپاهیان روس باللهیارخان آصف‌الدوله دستوردادقوای عباس میرزارا که‌هنوز دربرابرشوشی متوقف‌بودند تقویت کند. با این ترتیب تعدادلشکریان‌ایران درشوشی به‌بیست هزار پیاده وده هزار سوار و بیست عراده توپ رسید با این عده قلعهٔ شوشی ممکن بود بآسانی مسخر گرددولی عباس میرزا که از نتیجهٔ یك حملهٔ عمومی اطمینان‌نداشت‌چنین دستوری نداد ــ این عمل عباس میرزا یك خبط نظامی بودزیرالشکریان ایران قادربودند بایك‌حمله قلعهٔ شوشی‌را بتصرف درآورده‌وسپس بشهر گنجه‌حمله کنند. وحتی اگرقوای ایران‌درمقابل شهر گنجه باشکست مواجه میشد ممکن‌بود بسهولت‌مجدداً بسمت شوشی‌عقب نشینی کنند وروسها قادربتعقیب

لشگریان ایران نبودند زیرا فاصلهٔ میان شوشی و گنجه بکلی ویران شده بود و تمام آذوقهٔ موجود دراین ناحیه بمصرف سپاهیان عباس میرزا که چندین هفته دربرابر شوشی معطل شده بودند رسیده بود .

درخلال این مدت قوای مدافع روس درشوشی بوسیلهٔ جاسوسان ارمنی با قوای گنجه ارتباط پیدا کردند . درنتیجه دسته‌ای ازلشگریان روس از گنجه بسمت قلعهٔ شوشی حرکت کرد . نفرات محاصره شدهٔ قلعه که ازرسیدن قوای امدادی اطلاع یافتند بوسیلهٔ شکافی که در دیوارقلعه ایجاد کردند به‌لشگریان عباس میرزا حمله نمودند. درنتیجهٔ این حملهٔ ناگهانی وحشت و بی‌نظمی عجیبی دراردوگاه عباس میرزا رخ داد وسربازان ایرانی فرار کردند ـ وحشت واضطراب طوری قوای ایران رادرهم شکست که تمام اقدامات برای جلوگیری ازاین پیش آمد بی‌نتیجه ماند و سپاهیان ایران بابی‌نظمی کامل ازرودارس گذشتند وعقب نشینی درجلگهٔ اصلاندوز متوقف شد.

دراصلاندوزعباس میرزا توانست قوای فراری رامتمرکز کند .این شکست روحیه ووضع لشگریان ایران را بکلی مختل کرد . اغلب سربازان که تجهیزات وحتی سلاح خودراازدست داده بودند باوطان خود مراجعت کردند .

چندروزپس ازاین شکست ولیعهد در تاریخ اول ربیع‌الاول ۱۲۴۲ (۸ اکتبر ۱۸۲۶) دراهر بخدمت فتحعلیشاه رسید که درآنجا آصف‌الدوله وافسران ارشد حضور داشتند پس ازمباحثات طولانی راجع بعملیات نظامی درجبهه‌های جنگ بالاخره تصمیم گرفته شد دستجاتی را برای حفاظت کرانه‌های ارس مأموربکنند تایك خط دفاعی درمقابل روسها تشکیل بدهند.

فتحعلیشاه مقدمات مراجعت خودرابه‌تهران درمعیت کلنل ماکدونالد(۱) وزیر

---

۱ ـ مطابق نامهٔ مورخ ۲۰ مه ۱۸۲۶ هانری ویلوك به کانینك کلنل ماکدونالد Colenel-Macdonald درتاریخ ۱۱ آوریل به‌بوشهررسیده بود ومطابق نامهٔ ۱۴ اوت ۱۸۲۶ ژورژکانینك باشارل وین Charles-wyn دربارایران بااین انتصاب که از طرف کمپانی هند بعمل آمده بود موافقت نکرده بود . پس از اقدامات زیاد ازطریق

بقیهٔ حاشیه درصفحهٔ بعد

مختاردولت انگلستان تهیه دیده بود . عباس میرزا برای تعیین دستجات محافظ کرانه های ارس قرارگاه سلطنتی را ترک گفت .

درربیع الثانی ۱۲٤۲ (نوامبر ۱۸۲٦) وقتی عباس میرزا تشخیص داد فصل عملیات مناسب نیست و لشکریان روس مصمم اند تمام فصل زمستان را در ناحیهٔ آق اوغلان نزدیکی رود ارس درداردوگاه بسر ببرند به تبریز مراجعت کرد .

شکست شوشی روحیهٔ سایرفرماندهان نظامی ایران راخراب کرده بود بطوریکه اغلب آنان ازمواضعی که بدست آورده بودند عقب نشینی کردند : لشکریان مامور شیروان تا آنطرف رودخانهٔ کرعقب نشستند ولشکریان اوری ازسرحدایران گذشتند وبالنتیجه دولت ایران تمام نواحی راکه ازآغاز جنگ بدست آورده بود باستثنای طالش ومغان ازدست داد . شروع فصل زمستان باعث وقفهٔ عملیات گردید .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

دیپلماسی بالاخره انتصاب کلنل ماکدونالد مورد تأییددولت ایران قرارگرفته ومطابق نامهٔ مورخ ۱۷ سپتامبرهانری ویلوك به کانینك کلنل ماکدونالد در تاریخ دوم سپتامبر ۱۸۲٦ دراردبیل بحضورفتحعلیشاه باریافته بود

نامهٔ مورخ ۲۰ اوت ۱۸۲٦ ویلوك به کانینك ونامهٔ مورخ ۱۲ اوت کانینك بشارل وین

London : P . R . O . P . Fo . 60.T.XXVII

۲ - بی نتیجه ماندن آخرین اقدامات دولت ایران برای استقرار صلح

جنگ میان دولتین ایران و روس تازه شروع شده بود که فتحعلیشاه به‌عباس میرزا دستورداد نماینده‌ای برای مذاکره به سن پطرزبرگ بفرستد. داودخان از طرف ولیعهد برای انجام این مأموریت در نظر گرفته شد. چون ژنرال یرملوف اجازه نمیداد که دولت ایران ازطریق گرجستان باسن پطرزبرگ تماس حاصل کند نمایندهٔ ایران در ماه محرم ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۶) ازطریق قسطنطنیه عازم پایتخت روسیه گردید. داودخان مأموربود چگونگی وعلل اختلافات دودولت را بعرض امپراطور برساندودرقسطنطنیه بانمایندهٔ‌دولت اطریش ملاقات کرده تقاضا کند که‌دولت‌اتریش دررفع اختلاف میان دولتهای ایران وروس میانجی گردد.

نمایندهٔ دولت ایران پس ازورود به‌قسطنطنیه درنامهٔ مورخ ۱ ربیع‌الاول ۱۲۴۲ (۱۷ اکتبر ۱۸۶۶) که‌به پرنس مترنیخ [۱] صدراعظم‌اتریش نوشت علل اختلافاتی‌را که‌منتهی بآغازجنگ میان دودولت گردیده بودشرح‌داد. وبخصوص ازاشغال اراضی ایران بدون مجوزوبرخلاف مواد معاهدهٔ گلستان ازجانب لشگریان روس و رفتار نمایندگان آندولت شکایت کرد. داودخان ازصدراعظم‌اتریش‌تقاضا کرد که بنمایندهٔ خوددرقسطنطنیه که حافظ منافع دولت روسیه نیزبود دستوردهد گذرنامه‌ای برای مسافرت‌بروسیه بنمایندهٔ ایران تسلیم کند. داودخان همچنین ازمترنیخ‌خواهش کرد که‌بنمایندهٔ خوددرسن پطرزبرگ توصیه کند که وسایل پیشرفت‌مأموریت ویرادر دربارتزارفراهم سازد.

داودخان که در۲۹محرم۱۲۴۲ (اول سپتامبر۱۸۲۶) واردقسطنطنیه شده بود

---

1 - Metternich

بیش ازیکماه درپایتخت دولت عثمانی معطل شد نمایندگان دولت روس بعنوان اینکه جنگ میان دودولت آغاز گردیده است بوی اجازهٔ مسافرت بسن پطرزبرگ را نمیدادند. نمایندهٔ ایران بالاخره مجبورشد علت وموضوع مأموریت خودرا به کنت نسلرود (۱) صدراعظم رسیه اطلاع دهد تاوی دستورتهیه وسائل مسافرت نمایندهٔ دولت ایران را بمأمورین خویش صادر کند. نمایندهٔ ایران نامه‌ای ازطرف شاهزاده عباس میرزا به پرنس کنستانتین (۲) داشت که قراربود آنرا درحین عبورازسرحد لهستان تسلیم نماید.

درمدت اقامت داودخان درقسطنطنیه ازطرف دولت روسیه جوابی نرسید پس اوپایتخت دولت عثمانی را ترك گفت وبطرف سرحد لهستان حرکت کردتا درآنجا منتظر وصول جواب دولت روسیه باشد. بالاخره کنت نسلرود درنامه‌ای به ژنرال گراف پلن (۳) حاکم عدسه دستورداد که بتوسط مأمورین سرحدی باطلاع نمایندهٔ ایران برساند که جنگ درجبهه ایران وروس متوقف گشته ومأموری برای شروع مذاکرات ازطرف دولت ایران تعیین شده و قریبا بسرحد خواهد آمد نظر باینکه امپراطور مسئولیت امورمربوط بایران را بعهدهٔ ژنرال فرمانده کل قوای قفقاز محول کرده است مسافرت داودخان بسن پطرزبرگ ضرورت ندارد.

نمایندهٔ ایران درتاریخ ۲۶ جمادی الاول ۱۲۴۲ (۲۶دسامبر۱۸۲۶) بدون اخذ نتیجه بایران بازگشت. مأموری که ورود ویرا کنت نسلرود بداودخان داده بود میرزا محمدعلی برادرزادهٔ ابوالحسنخان وزیرخارجه بود. فتحعلیشاه از متارکه جنگ که بعلت فرارسیدن فصل زمستان پیش آمده بود استفاده کرده باصرار وصوابدید سرجون ماکدونالد وزیر مختار انگلستان نماینده‌ای بگرجستان فرستاده بود. میرزامحمدعلی مأموریت داشت که پس از کسب نظریات دولت روسیه بفرمانده کل قوای گرجستان اطلاع دهد درصورتیکه مذاکرات برای صلح آغاز گردد وی بعنوان

---

1 - Comte-ncsselrode

۲ ــ پرنس کونستانتین Prince - constantin دوك ورشوی پسر دوم پل اول امپراطورروسیه بودکه پس ازآلکساندر بایستی برتخت نشیند ولی از حقوق ومزایای سلطنتی استعفا دادوازسال ۱۸۱۶ باینطرف نایب السلطنهٔ لهستان بود.

3-General - Graff-plain

سفیردولت ایران بسن پطرزبرگ حرکت خواهد کرد. میرزامحمدعلی حامل نامه‌هائی ازطرف وزرای ایران به کنت نسلرود بود که در آن نامه‌ها به تمایل زمامداران ایران به برقرار گشتن مجدد روابط دوستانه میان دودولت اشاره شده بود . فتحعلیشاه برای اثبات حسن نیت خود دستورداد ۳۰۰ نفر ازاسیران جنگی روس هم بهمراهی میرزا محمد علی حرکت کنند ودرسرحد تسلیم زمامداران دولت روس شوند

میرزا محمدعلی درماه جمادی‌الاول ۱۲٤۲ (دسامبر ۱۸۲٦) ازتهران حرکت کردومدتی درتبریز معطل شد زیرا برخلاف انتظار، ژنرال مدداوف دراواسط ماه دسامبر دربحبوحه سرما که معمولا انجام عملیات نظامی متوقف میشد باششهزارنفر ازسپاهیان روس ازرود ارس گذشت وبجانب تبریز پیش آمد . این اقـدام روسها عباس میرزا را متعجب ساخت زیرا نظربشدت سرما ولیعهد ایران اطمینان داشت که تاپایان فصل زمستان لشگریان روس ازقرارگاه خودتجاوز نخواهند کرد وبهمین گمان فرمانده قوای ایران قسمت اعظم سربازان پیاده وتمام لشگریان سوار خودرا درفصل زمستان مرخص کرده بود وشهرتبریز قوای کافی برای دفاع نداشت .

درچنین وضعی بعلت اشکالات موجوده عباس میرزا بهیچوجه نمیتوانست درمدت کمی قوای کافی دربرابر پیشرفت دشمن تجهیز کند. درمقابل پیشرفت سپاهیان مدداوف تهیه وسایل دفاعی شهرتبریز باشدت وسرعت هرچه تمامتر آغاز شد . وقتی اهالی تبریز اطلاع یافتند ناحیه مشگین که بوسیلهٔ قوای نیرومند شاهسون دفاع میشد سقوط کرده وبتصرف روسها درآمده است وافراد ایل شاهسون بادشمن همکاری نموده او را بتصرف تمام ایالت آذربایجان ترغیب وتحریص میکنند مضطرب ومتوحش شدند. هرگاه روسها ازاین ضعف وهرج ومرج واضطراب استفاده میکردند وبه پیشروی خود ادامه میدادند قطعاً شهرتبریز بایك حمله سقوط میکرد وبتصرف روسها درمیآمد . ولی فرماندهی قوای روس نتوانست ازاین فرصت مناسب و برتری قوای نظامی خویش استفاده کند . پیشروی روسها خیلی بتأنی انجام گرفت . تعلل روسها وتأخیر پیشروی ایشان روحیه اهالی راتقویت کرده وعباس میرزا موفق شد با کمك اهالی عدهٔ کافی برای دفاع تجهیز کند.

ولیعهد با اقدامات خود علاوه بر اینکه از پیشروی قوای ژنرال مدداوف ممانعت کرد روسها را بادادن تلفات سنگین بعقب‌نشینی وادار ساخت و با نسوی رود ارس راند. جمادی الثانی ۱۲۴۲ (ژانویه ۱۸۲۷)

بلافاصله پس از عقب‌نشینی قوای روس میرزا محمدعلی بهمراهی اسیران روس بسمت تفلیس حرکت کرد. پس از ورود بآنشهر باژنرال یرملوف ملاقات نمود و نامه‌های کنت نسلرود را تسلیم وی کرد. از مذاکرات طولانی میان ژنرال یرملوف و نمایندهٔ دولت ایران نتیجه‌ای حاصل نشد و بالاخره میرزا محمدعلی مجبور شد بژنرال دبیچ(۱) که از سن پطرزبرگ بتفلیس آمده بود مراجعه کند.

در تاریخ شعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) ژنرال دبیچ و فرماندهان قفقاز اظهار داشتند درصورتیکه دولت ایران بقبول شرایط زیر رضایت دهد انعقاد پیمان صلح امکان‌پذیر خواهد بود:

۱ ــ دولت ایران متارکه جنگ را برای مدت پنج هفته امضاء کند

۲ ــ تمام نواحی واقع درشمال رود ارس که ازطرف لشگریان تزار اشغال شده بدولت روس واگذار گردد.

۳ ــ دولت ایران هفتصد هزار تومان بابت غرامات جنگی بپردازد

اظهارات ژنرال دبیچ و نظریات فرماندهان قوای قفقاز شرایط سنگین معاهدات ترکمانچای را که دولت ایران بایستی پس ازدوسال جنگ تحمل کند نشان میداد

میرزا محمدعلی مجاز نبود چنین شرایطی را مورد بحث قراردهد. نمایندگان دولت روس اطمینان دادند که جواب مراسلات ایران پس از وصول از طرف کنت نسلرود بدولت ایران ارسال خواهد شد و تادریافت دستور ازسن پطرزبرگ بهیچیك از سفرای ایران اجازهٔ مسافرت بپایتخت روسیه داده نمیشود

بااین ترتیب میرزا محمدعلی نیز مانند داودخان بدون اخذ کمترین نتیجه‌ای ازمأموریت خود درشعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) بایران بازگشت. درموقع حرکت از تفلیس بوی وعده‌دادند که درمقابل عمل دولت ایران ۳۰۰ نفر ازاسیران جنگی ایران

1- General - Debytch

آزاد خواهدشد پس‌ازمراجعت میرزامحمدعلی کنت نسلرود درنامه‌ای بوزیر خارجهٔ ایران‌اطلاع‌داد که‌تعلیمات‌لازم برای‌شروع‌مذاکرات‌بفرمانده کل قوای‌روس درقفقاز داده‌شده وراجع به استرداد اسرای جنگی ایران اعلام میداشت که دولت روسیه‌خود را باقدام متقابل ملزم نمیداند .

شکست مأموریت نمایندگان ایران نشان میداد که دولت‌روسیه مشغول تهیه قوای تازه‌است ودرپایان زمستان عملیات‌جنگی‌را مجدداً آغاز خواهد کرد

۳ - آغاز مجدد عملیات جنگی

دولت سن‌پطرزبرگ کندی عملیات نظامی را بفرمانده کل قفقاز ایراد میگرفت بهمین مناسبت درماه رمضان ۱۲۴۲ (اوریل ۱۸۲۷) ژنرال یرملوف وعدهٔ زیادی از افسران تحت فرماندهی وی بسن‌پطرزبرگ احضار گردیدند وفرماندهی کل قوای قفقاز بعهدهٔ ژنرال پاسکویچ[1] محول شد.

دولت روسیه قوای امدادی معتنابهی بگرجستان فرستادو آذوقه ومهمات از بنادر بحرخزر ودریای سیاه بداخلهٔ قفقاز ارسال گردید. این اقدامات دولت روسیه وتهیهٔ تدارکات آغاز عملیات جنگی‌را پیش‌بینی میکرد.

ژنرال دبیچ دراوایل ماه شوال ۱۲۴۲ قلعهٔ سردار آباد ایروان‌رامحاصره کرد.

ژنرال بنکندورف[2] که‌درایران باسم منخروف معروفست باهفت هزارپیاده وسه‌هزارسوار و۱۸عراده توپ درناحیه باش‌آپاران ازسرحد گذشته‌بی‌آنکه‌قراولان ایران‌ازاین‌اقدام اطلاع حاصل کنند بسمت‌اوچ کلیسا(اچمیادزن) پیشروی کرد ودر اوایل‌ماه شوال‌این‌شهررا اشغال کردوبتهیه استحکامات پرداخت.

پس‌ازآنکه‌بیمارستان وآذوقه ومهمات افراد خودرا درصومعه اوچ کلیسادور ازدستبردلشگریان‌ایران قرارداد درتاریخ ۸ شوال ۱۲۴۲(۵مه ۱۸۲۷) بسمت‌ایروان پیشرفت. پس‌ازسه روز زدوخورد مختصری دشت ایروان بتصرف قوای روس درآمد (۱۱شوال) ومقدمات سقوط شهروقلعه ایروان فراهم‌شد.

حسینخان سردار بایکدسته سواربراردوگاههای روس حمله بردوسعی داشت رابطه لشگریان روس‌را قطع کندومانع رسیدن مهمات وقوای امدادی‌بسمت‌ایروان گردد. روسهاسواران حسینخان سرداررا مورد حمله قرار دادند واو ناچار بساحل

1 – Paskewitch
2 – Benkendorff

راست رودخانهٔ ارس عقب‌نشینی کرد . درتاریخ ۲٤ شوال ۱۲٤۲ (۲۶مه۱۸۲۷) قوای قره باغ تحت فرماندهی ژنرال مدداوف تصمیم گرفت ازپل خداآفرین که نصف آن خراب شده بود ازرود ارس عبور کند .

بدین‌منظورروسها اقدام‌بتعمیرومرمت پل کردند ولی درنتیجه عملیات‌توپخانه ایران که این‌نقطه‌را زیرآتش قرارداد مجبورشدند ازتصمیم خود چشم بپوشند.

دراوایل ذیحجهٔ۱۲٤۲(ژوئن۱۸۲۷) یکدسته‌ازسربازان‌روسی مأمورمحاصرهٔ قلعه ایروان برای حمله بدستجات‌حسینخان‌سردار از رودارس گذشتندحسینخان که ازاین اقدام روسها بموقع باخبرشده‌بود خودرا بدامنه کوههای‌آرارات‌رسانیدوموقع دفاعی‌محکمی‌انتخاب کردبهمین سبب‌وقتی‌روسها بلشکریان‌وی‌حمله کردندشکست خوردندومجدداً بسمت ایروان عقب نشستند .

فتحعلیشاه چون ازغبورلشکریان روس ازرود ارس اطلاع یافت برای نزدیك شدن بصحنه‌جنك‌بطرف سلطانیه‌حرکت کردوبرای تقویت قوای ایران‌درجبهه‌جنك بهمه سپاهیان دستورداده‌شد که درچمن سلطانیه متمرکزشوند. ولی قحطی عمومی که‌درنتیجه خشکسالی وخرابی محصول بخصوص درنواحی تبریز وتهران حکمفرما بود تهیه‌آذوقهٔ افراد و علوفهٔ دواب را فوق‌العاده مشکل کرده بود و بهمین مناسبت تمرکزقوی درچمن سلطانیه‌بتأخیرافتاد . فتحعلیشاه دراوایل ذیحجه (ژوئن ۱۸۲۷) بدشت‌اوجان‌پنجاه کیلومتری تبریزآمدوسپس بسمت خوی‌حرکت کرد .

دراین مدت عباس میرزا لشکری ازافراد زبده فراهم‌آورده وستاد خودرا در ناحیهٔ چورس واقع میان خوی وعباس‌آباد دایرکرده بود .

فتحعلیشاه‌ازاوجان حرکت کرد ولی هنوزوارد خوی نشده بود که‌خبر رسید ژنرال پاسکویچ در رأس لشکریان روس بسمت قلعهٔ ایروان درحرکت است .ژنرال پاسکویچ پس‌ازورود بدشت ایروان دستورداد قلعه وشهررا بسختی‌بمباران کنندولی چون‌این‌اقدام نیزبنتیجه‌نرسید در۱۱ذیحجه فرمانداد ازمحاصرهٔ‌ایروان‌دست‌بردارند پس ازآن بهمراهی قوای‌ژنرال نبکندوزف بسمت‌عباس‌آباد قلعهٔ‌مستحکم نخجوان

متوجه شد. احسان‌خان پسر حاکم سابق نخجوان که مأمور حفظ قلعه بود ژنرال پاسکویچ رابااین اقدام‌دعوت کرده بود. هنگامیکه عباس میرزا متوجه شد که‌خطر بزرگی قلعهٔ عباس‌آباد راتهدید میکند بسمت خوی مقرفتحعلیشاه حرکت کرد.در آنجا جلسهٔ مشورتی باحضور ولیعهد ایران تشکیل یافت وتصمیم گرفته شد تمام قوا درناحیهٔ چورس مرکزفرماندهی عباس میرزامتمرکزشوند واز آنجا برای‌نجات‌قلعهٔ عباس‌آباد حرکت کنند. درنتیجه وقتی‌شاهزاده علینقی میرزا پسرفتحعلیشاه حاکم قزوین بادوازده هزار نفر وارد خوی شد بلافاصله بسمت چورس حرکت کرد. آصف‌الدوله نیزبا سواران‌خود دنبال شاهزاده علینقی‌میرزا بمحل‌تمرکزقوی‌رهسپار گردید. قوای حسینخان‌سردارهم که مأمور مراقبت لشگریان‌روس درایروان‌بودند پس ازپایان یافتن محاصرهٔ ایروان ازرود ارس گذشتند و بقوای متمرکز درچورس ملحق شدند.

بااین ترتیب عدهٔ سپاهیانی که برای استخلاص قلعهٔ عباس آباد درمرکزستاد عباس میرزا تمرکز یافته بود به ۲۵ هزارنفر میرسید. این عده بااستفاده ازدره های سمت راست رودخانهٔ ارس شروع به‌پیشروی کردند. وقتی ژنرال پاسکوویچ ازنقشهٔ عباس میرزا اطلاع حاصل کرد دستورداد یکدسته سواربا توپخانهٔ سبك وپنج هنگ پیاده نظام روس باکمك آتش توپخانه بوسیلهٔ پلهای متحرك ازرود ارس عبور کنند. عباس میرزا که درقلب سپاه ایران قرارداشت دریك‌تپهٔ نسبتا مرتفعی باعدهٔقلیل‌پیاده وسوار موضع گرفته بود. جناح راست لشگریان ایران بوسیلهٔ سواران‌آصف‌الدوله که دردره‌ای مستقرشده بود حمایت میشد ودستجات حسینخان سردارجناح چپ‌را حفظ میکردند.

روسها باتأنی پیشرفت میکردند ـ توپخانهٔ عباس میرزا شروع بفعالیت کرد ـ نفرات حسینخان سردارنه تنها مواضع خود را حفظ کردند بلکه چندین بارحمله کردند وروسها رامجبور بعقب نشینی ساختند. دراین نبرد خونین مادامیکه روسها باسواران آصف الدوله که درجای تنك و دره‌ای موضع گرفته بودند تماس حاصل

نکرده بودند ازشدت گرما وعطش درزحمت بودند ووضع جنك روشن نبود.

همینکه روسها باقوای آصف‌الدوله تماس گرفتند و سواران وی‌را درتنگنای دره زیر آتش توپخانه قراردادند سواران ایرانی که وسعت کافی برای انجام عملیات نظامی نداشتند ازشدت آتش توپخانهٔ دشمن متوحش شدند ودر کمال هرج ومرج و بدون نظم درتمام جهات فرار کردند. چون قدرت‌جنگی سواران آصف الدوله‌درهم شکست وازمیدان جنك خارج شدند وضع‌جبهه تغییر کرد. وحتی‌عقب نشینی‌عباس میرزا بسمت چورس فوق‌العاده دشوارشد.

نتایج این شکست‌برای ایرانیان فوق‌العاده وخیم وسنگین بود. درنتیجهٔاین پیش‌آمد دژمستحکم عباس‌آباد سقوط کرد ودرتاریخ ۲۷ذیحجه (۲۲ژوئیه۱۸۲۷) بدست احسان‌خان تسلیم ژنرال پاسکویچ گردید. شیخعلی خان برادر احسان خان فرمانده ساخلواردوبادنیزپس ازاستماع این خبربتقلید برادرخود شهروقلعهٔ اردوباد را تسلیم دشمنان ایران کرد.

فصل سوم

مرحلهٔ سوم جنگ ایران و روس

سقوط ایروان و تبریز و آغاز مذاکرات صلح

باوجود فتوحاتی که نصیب لشگریان روس شده بود فرمانده کل قوی‌قفقاز از موقع استفاده نکرده وموفقیتهای خودرا جداً تعقیب ننمود. اگرروسها به پیشروی خود ادامه میدادندبسهولت میتوانستندبدون برخورد باشکال،خوی اردوگاه‌سلطنتی رااشغال کنند. سقوط خوی ممکن بودهرج ومرج وبی‌نظمی عمومی درارتش‌ایران ایجاد و بالنتیجه انعقاد پیمان صلح را تسریع کند. بر عکس ژنرال پاسکویچ قلعهٔ عباس‌آبادرااشغال کردوساخلوی برای‌حفاظت آنجا گماشت‌وبرای اینکه‌لشکریانش مدتی استراحت کنند بسمت سرحد عقب نشست.

شاهزاده عباس میرزا که مایل بود جنگ خاتمه یابد میرزا صالح[1] نمایندهٔ مورد اطمینان خود را برای شروع مذاکرات نزد پاسکویچ فرستاد. میرزا صالح همچنین حامل نامه‌ای ازطرف سرجون ماکدونالد به ژنرال پاسکویچ بود.

ازمذاکرات نمایندهٔ ایران وفرمانده کل قوای روس نتیجه‌ای حاصل نشدولی

۱- میرزا صالح ازجوانانی بودکه ازطرف عباس میرزا برای تحصیل بانگلستان فرستاده شده بود کلنل دارسی D,Arcy افسر توپخانهٔ سلطنتی و وابستهٔ نظامی سفارت انگلستان درایران موقع مراجعت بانگلستان درسال ۱۸۱۵ بنابخواهش عباس میرزا و برخلاف میل سر گوراوزلی وزیرمختار انگلستان پنج نفراز جوانان ایرانی را درمعیت کلنل دارسی برای تربیت وادامهٔ تحصیلات بانگلستان فرستاد ـ این محصلین پس‌ازپنج سال اقامت درانگلستان بدون آنکه نتیجه‌ای ازمسافرت خودگرفته باشند ودر رشته‌ای تحصیل کرده باشند درسال۱۸۱۹ بایران مراجعت کردند.

براثراقدام میرزا صالح ژنرال پاسکویچ ، گریبایدوف(۱) را بـرای ادامهٔ مذاکرات بایران فرستاد. نمایندهٔاعزامی‌دولت روسیه‌برای انعقادپیمان صلح شرایط‌پنجگانه‌ای را که درتاریخ شعبان۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) ازطرف ژنرال دبیچ به میرزا محمد علی پیشنهاد شده بود پایهٔ مذاکرات قرارداده و اظهار داشت که دولت ایران تمام نواحی اشغالی درشمال رودارس رابدولت روسیه واگذار کندوهفتصد هزارتومان بابت‌غرامت جنگی بپردازد . عباس میرزا که نمیتوانست شرایط پیشنهادی دولت روسیه‌رااساس پیمان صلح قراردهد ازادامهٔ مذاکرات خودداری کرد و نمایندهٔ ژنرال پاسکویـچ بدون اخذ نتیجه مجبوربمراجعت شد .

عباس میرزا ادامهٔ عملیات جنگی را درطول‌جبهه‌ای که ازقره بـاغ تا طالش امتداد داشت بعهدهٔ فرماندهان مسئول واگذارنمود و بهمراهی سردار حسینخان در محرم۱۲۴۳ (ژوئیه۱۸۲۸) برای سرکشی باوضاع ایروان ازچورس حرکت کرد . درایروان پس ازرسیدگی بوسائل دفاعی شهروقلعه ، ولیعهدوسردار حسینخان برای محاصرهٔ شهراوچ کلیسا (اچمیادزن) عزیمت نمودند . در ضمن محاصرهٔ شهراطلاع رسید که‌فرماندهی‌روس ازساخلوقوای‌عابران تقاضای کمک کرده‌است . برای‌ممانعت از رسیدن قوای امدادی دشمن ، عباس میرزا چهار هزار نفر ازافـراد خودرا مأمور محاصرهٔ شهراوچ کلیسا کرد وباعده‌ای بمقابلهٔ لشکریان روسی که ازعابران‌حرکت کرده بودند شتافت ودر ناحیهٔ اشترك درده کیلومتری اوچ کلیسا بالشکریان‌ژنرال کراکوفسکی(۲) مواجه شد .

پنجهزارنفر پیاده وپنجهزار نفرسوار و۱۸ عراده توپ همراه عباس میرزا بود عده ونفرات ژنرال روسی عبارت بود ازچهارهزار نفرپیاده ودو هزار نفرسـوار و۲۰ عراده توپ . دستجات حسینخان سردارنبرد را آغاز کردند وآتشبار توپخانهٔ ایران کدبوسیلهٔافسران‌انگلیسی‌اداره میشدموثرواقع‌شدوروسهارامجبوربعقب‌نشینی کرد. توپخانهٔ ایران سپاهیان روسی رادرحین عقب نشینی زیرآتش خودقرارداد و

1- Gribaydoff
2- Krakofsky

قوای عباس میرزا بکمك توپخانه، لشگریان روسی را تعقیب کردند ودرصفر ۱۲۴۲ (اوت۱۸۲۷) شکست سختی بسپاهیان با انضباط روسی وارد آوردند تلفات دشمن در نبرد اشترك به ۱۲۰۰ نفر رسید . درتعقیب این پیشرفت لشگریان ایران درخنزیرك در حوالی نخجوان درجریان نبرد خونینی قوای ژنرال اریستوف[1] را نیزدرهم شکستند
برای اینکه عباس میرزا بتواند فتوحات خودرا تعقیب کند احتیاج به کمك فتحعیشاه داشت زیرا ولیعهد به تنهائی قادرنبود سنگینی تمام هزینهٔ جنك رابدوش بگیرد.
عباس میرزا بطور دقیق وروشن وضع جبهه‌های جنك رابه فتحعلیشاه گزارش داد واز وی تقاضای کمك کرد، ولی اصرارودرخواستهای مکررولیعهد دربرابرخست ولئامت پدرش که نمیخواست بخزائن خود دست بزند مؤثر واقع نشد وفتحعلیشاه ازابراز مساعدتی که ممکن بود وظیفهٔ پسرش راتسهیل کند رسماً خودداری کرد وبااین عمل فعالیتهای خستگی ناپذیرعباس میرزا رامانند همیشه عقیم گذاشت وبرای اینکه از صحنهٔ عملیات جنگی دورباشد فتحعلیشاه درجریان ماه صفر ۱۲۴۲ قرارگاه خودرا ترك گفت ودرتاریخ ۱۲ ربیع‌الاول (۱۳ اکتبر ۱۸۲۷) بتهران باز گشت .

باقطع کمك مالی ازطرف فتحعلیشاه عایدات عباس میرزا منحصربوصول مالیاتهای ایالت آذربایجان شد. بادرنظر گرفتن اینکه قسمت اعظم این ایالات درجنك اول ایران وروس ویران شده و نواحی معمور آن بدست روسها افتاده بود وضع خزانهٔ ولیعهد فوق‌العاده بدبود . چنانکه درنتیجهٔ این پیش آمد ، عباس میرزا مجبورشدقسمت عمدهٔ لشگریان تحت فرماندهی خودرا مرخص کند . اجرای این تصمیم ساخلوشهرتبریز راضعیف کرد وپایتخت ایالت مهم آذربایجان بلادفاع ماند .

فرمانده ساخلو قلعهٔ سردار آباد نیزدر نتیجهٔ تقلیل تعداد سربازان ناچار شد سردارآباد راتخلیه کندودرتاریخ ۹ ربیع‌الاول ۱۲۴۳ دژمحکم ایروان بدون مقاومت بتصرف روسها درآمد. پس ازسقوط سردارآباد وعباس آباد ورسیدن پنجهزارنفرسرباز تازه نفس وتعداد زیادی توپ ، ژنرال پاسکویچ یکبار دیگرشهرایروان را که بکلی مجزی شده بودتحت محاصره درآورد . ایروان تنها نقطه‌ای بود که بااشغال آن تمام

1- Aristoff

ایالات واقع درشمال رودارس بتصرف روسها در میآمد .

مدافعین شهر ایروان که از آغاز جنك دوم ایران وروس دربرابر حملات دشمن مقاومت کرده بودند پس ازمحاصرهٔ مجدد وفعالیت شدید آتش توپخانهٔ دشمن بسیار خسته وفرسوده بودند. رفتارناپسند تهران وبیعلاقگی فتحعلیشاه اهالی غیورایروان رانا امید کرده بود . پس از ۸ روزنبرد های خونین ' شهری که اینهمه دربرابـرتمام فعالیتهای ارتش روس پافشاری کرده وشاهد اینهمه فتح وپیروزی بود در تاریخ ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۴۳ (۱۵ اکتبر۱۸۲۷) تسلیم دشمن گردید .

موازنهٔ عملیات جنگی درسال۱۲۴۳ (۱۸۲۷) بضرر وشکست قوای دولت ایران بود . این شکست بیشترمدیون ضعف و سستی وبیعلاقه گی فتحعلیشاه بود و قریحهٔ نظامی فرماندهان ارتش روس دراین موفقیتها تأثیرزیادی نداشت ودرحقیقت میتوان گفت بدون خیانت فرماندهان ساخلوهای نقاط مختلف وفعالیت جاسوسان ارمنی و بعضی ازصاحبمنصبان ایرانی هیچگونه تغییری دروضع جبههٔ جنك بنفع ارتش روس حاصل نمیشد . سعادت با ژنرال پاسکویچ یاری کرد وخیانتهای پی‌درپی وخودداری فتحعلیشاه ازدادن کمك شکست سپاهیان ایران وپیشرفت سربازان روسی راتسهیل نمود.

کشیش اوچ کلیسا که ازسن پطرزبرگ فرستاده شده وازطرف دولت روس حمایت میشد بوسیلهٔ جاسوسان ارمنی از اوضاع آذربایجان باخبرمیشد و اطلاعات خودرا دراختیار فرمانده کل قوای روس قرارمیداد . بـدین نحوژنرال پاسکویچ از نواقص وسایل دفاعی آذربایجان اطلاع یافت . چنانکه گفته شد نظرعلیخان مرندی بعلت خیانت بدستور عباس میرزا اعدام شده بود . اهالی مرند که ازاین پیش آمـد مضطرب ومتوحش بودند باژنرال آریستوف رابطه پیدا کردند و وی رابهمکاری و اشغال شهرتبریز دعوت نمودند .

اللهیارخان آصف‌الدوله از۱۱۴۳ (۱۸۲۷) باینطرف حاکم شهر تبریز بود . اهالی تبریز ازاین انتخاب ناراضی بودند زیرا مردم آذربایجان که قسمت مهم هزینه وصدمات جنگ اول ایران وروس راتحمل کرده بودند احتیاج بحاکمی داشتند که بتواند اوضاع مالی رابهبود بخشد وازفقر وپریشانی اهالی جلوگیری کند. برعکس

نتظارسکنهٔ آذربایجان آصف‌الدوله‌بدرفتاری کرد ومردم راتحت فشارقرار داد واز هرگونه اجحافی درحق آنان خودداری ننمود. وقتی‌ژنرال آریستوف بسمت تبریز حرکت کردآصف‌الدوله مصمم‌شد درمقابل سپاهیان‌روس مقاومت کند ووسایل‌دفاع شهررا آماده سازد. ولی اهالی که ازرفتار حاکم تبریز فوق‌العاده ناراضی‌وخشمگین بودند حاضربهمکاری باوی نشدند. بطوریکه وقتی سربازان روسی بدو کیلومتری تبریزبه آجی‌چای رسیدند آصف‌الدوله نتوانست اقدام مؤثری برای جلوگیری از پیشرفت ایشان بکند. میرفتاح خائن وماجراجو مردم تبریزرا تحریك کرد که در برابرروسها مقاومت‌نکنندوباین عمل نیزاکتفانکرده همراه‌عده‌ای ازاهالی شهرنزد ژنرال روسی رفت وسربازان روسی را بورود شهر دعوت کرد. بااین ترتیب ژنرال آریستوف درتاریخ‌سوم‌ربیع‌الثانی۱۲۴۳ (۲٤ اکتبر۱۸۲۷)بدون برخوردبکمترین مقاومتی شهرتبریزرا اشغال کرد.

عباس‌میرزاپس‌ازاینکه‌ازتصمیم‌ژنرال آریستوف‌اطلاع‌یافت‌بتمرکزقواپرداخت وازخوی بسمت تبریزحرکت نمود. وچون خبرخیانت میرفتاح وسقوط شهرتبریز بوی رسیدچنین تشخیص داد که پیشروی بسمت‌تبریز بی‌نتیجه خواهدبودلذابسلماس رفت ومقرفرماندهی خودرا درآنجا دایرساخت ومشغول جمع‌آوری قواشد.

ژنرال‌آریستوف پس ازورود به‌تبریزارتفاعات قلعهٔ تاریخی ارك علیشاه راکه کاملا مسلط بشهرمیباشد اشغال کرد وگزارش‌اقدامات خودرا به‌پاسکویچ فرستاد.

ساکنین شهرتبریز که فریب خورده وکورکورانه تسلیم نظریات میرفتاح ماجراجوگردیده بودند وقتی باهمیت موضوع پی‌بردند وازخطری که تمامیت‌ایران راتهدید میکرد مطلع‌شدندسربازان وافسران‌روسی را درکوچه‌های شهرموردحمله قرارداده بقتل رسانیدند ولی‌چند روزبعد ژنرال پاسکویچ بعجلهٔ هرچه تمامترجهت تقویت قوای ژنرال آریستوف به‌تبریزآمد وازاهالی دلجوئی کرد.

باسقوط شهرتبریز استقلال ایران درخطر بود و دولت روسیه تهدید میکرد که به‌پیشروی خود تاتهران ادامه خواهد داد.

نتیجهٔ آنی سقوط شهر تبریز بروز قیام وانقلاب عمومی رؤسای ایلات درسراسر کشور بود . رؤسای ایل که بنفع پسران ونواده های فتحعلیشاه قدرت ونفوذ خود را ازدست داده بودند پی فرصت مناسب میگشتند که مزایا وامتیازات سابق خودرا مجدداً بدست بیاورند .

اغلب رؤسای ایلات آذربایجان بهمین منظوربا روسها همکاری کردند.قسمت اعظم ایالات آذربایجان یعنی خوی و مرند وقره باغ وتبریز ومشگین و سراب ومیانه و گرمرود وقسمتی ازمراغه وخلخال بدست روسها افتاده بود . عباس میرزا بامشاهدهٔ این وضع فتحعلیخان وسپس میرزا ابوالقاسم قائم مقام رابرای مذاکرات مقدمات صلح نزد پاسکویچ فرستاد ودر نتیجه مقرر گردید ولیعهد و پاسکویچ همدیگر را برای تشکیل کنفرانس صلح درتاریخ ۹ ربیع الثانی (۹ نوامبر) دردهخوارقان (آذرشهر) ملاقات کنند .

عباس میرزا بهمراهی آصف الدوله بدهخوارقان رفت وپس ازمذاکرات زیاد بالاخره فرمانده کل قوای روس اظهارداشت که دولت روسیه شهرهای ایروان ونخجوان واردوباد رامسترد نخواهدداشت ورودارس سرحد دو کشورخواهد بود بعلاوه دولت ایران باید ایالت مغان وناحیهٔ طالش رابدولت روسیه واگذار کند و۱۵ کرورتومان (حدود ۵۲۵۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی) بعنوان غرامات جنگی بپردازد .

شرایط پیشنهادی فرمانده کل قوای روس بتهران اطلاع داده شد ولی فتحعلی شاه که در تحت تلقینات دولت عثمانی قرار داشت امضای معاهده رابر اساس شرایط پیشنهادی دولت روسیه رد کرد . ضمنا بدون آنکه عباس میرزا راازاقدام خود مطلع گرداند قوائی تهیه نمود ودرجمادی الثانی ۱۲٤۳ (ژانویه ۱۸۲۸ بسمت قزوین حرکت کرد

عباس میرزا که ازتصمیمات فتحعلیشاه بی خبر بود میرزا ابوالقاسم قائم مقام راازطرف خودو کلنل دالقورسکی را[1] بنمایندگی ازطرف ژنرال پاسکویچ برای جلب رضایت فتحعلیشاه جهت امضای معاهدهٔ صلح بتهران فرستاد.دراین هنگام درتهران شایع بود که فتحعلیشاه ناراضی ازاقدامات وتصمیمات عباس میرزا وی را از ولایت عهد خلع

۱- Dalgoursky

وحسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه‌را بجانشینی خود انتخاب کرده‌است .

کلنل دالقورسکی‌پس ازورود بتهران فرمانده کل‌قوای روس‌رااز‌اوضاع‌مطلع گردانیدوچون ازفتحعلیشاه جوابی نرسید کنفرانس دهخوارقان بدون اخذ نتیجه پایان پذیرفت . عباس‌میرزا به گروس مراجعت کرد. ژنرال‌پاسکویچ و آصف‌الدوله نیزبسمت تبریزرفتند. ژنرال پاسکویچ پس‌ازورود به‌تبریزبکلیهٔ فرماندهان‌دستورداد مجدداً عملیات جنگی‌راآغاز کنندودرتمام جبهه‌ها به پیشروی خودادامه‌دهندهدف نهائی سپاهیان روس تهران پایتخت ایران بود .

بفرمان ژنرال پاسکویچ لشگریان روس از تبریزتاپای قافلانکوه پیش رفتند. قوای مأمور گیلان‌درطول کرانهٔ دریای‌خزرتاناحیهٔ طالش را متصرف‌شدند.یك‌لشگر روسی اردبیل‌رااشغال کردومقبرهٔ شیخ‌صفی و کتابخانهٔ‌مهم وگرانبهای‌آن‌موردنهیب وغارت سربازان روسی قرار گرفت وآثاروتألیفات قیمتی‌آنجا باعث ازدیاد ثروت و شهرت موزه‌های سن‌پطرزبر گ گردید .

پیشروی‌وتهدید لشگریان‌روس سرجان‌ماکدونالد نمایندهٔ بریطانیای‌کبیررا مضطرب کرده‌بودوی بخوبی‌متوجه‌بود که‌اینهمه فتوحات‌وموفقیتهای ارتش روس در ایران بالنتیجه امنیت مستعمرهٔ بریطانیای کبیررا درهندوستان تهدید میکند[۱]

بنابراین‌برای‌جلوگیری ازپیشرفت‌روسها نمایندهٔ‌انگلستان‌میانجیگری خود رابه‌فتحعلیشاه پیشنهاد کردوحتی‌پرداخت دویست هزار تومان از غرامات جنگی را تعهد کرد مشروط‌براینکه مواد۳و٤ معاهدهٔ‌ایران‌وانگلیس مورخ‌سال۱۲۲۸(۱۸۱۳) لغوگردد : فتحعلیشاه باپیشنهاد نمایندهٔ دولت انگلستان موافقت کرد. این اقدام در واقع یك‌موفقیت‌سیاسی برای سرجان‌ماکدونالدبود زیراوی‌بدین‌وسیله‌خطربزرگی راکه مستعمرهٔ هندوستان را تهدید میکردمرتفع ساخته بود[۲]

---

۱ - نامهٔ‌مورخ ۱۲مارس سرجان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان
London . P . R . O . P . FO . 60 . T. XXX

۲ - نامهٔ‌مورخ ۱۲ مارس سرجان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان
London : P . R . O . P . FO . 60 T . XXX

گرفتاریهای دولت روسیه در یونان و در بالکان که در آن نقاط مسیحیان از حمایت وپشتیبانی دول معظم اروپائی برخوردار بودند وظیفهٔ نمایندهٔ دولت انگلستانرا آسان میکرد بخصوص انعقاد پیمان اتحاد مثلث لندن در تاریخ ۱۶ ژوئیهٔ ۱۷۲۷ که مسیحیان بالکانرا ازقید اسارت دولت عثمانی نجات داد باعث شد کـه نمایندگان دولت روس باپیشنهادهای سرجان ماکدونالد موافقت کنند . پس از حصول توافق میان فرماندهی کل قوای روس و نمایندهٔ بریطانیای کبیر ماک نیل[1] عضو سفارت انگلستان بتهران آمد تاموافقت ورضایت فتحعلیشاه را برای امضای پیمان صلح جلب کند .

فتحعلیشاه بالاخره حاضر شد مبلغی را که بعنوان غرامات جنگی از طرف دولت روسیه تعیین شده بود بپردازد بشرطی که نمایندهٔ بریطانیای کبیر تضمین وتعهد نماید که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد را مراعات کرده ومحترم خواهد شمرد .

سرجان ماکدونالد تقاضای فتحعلیشاه را قبول کرد ومقرر گردید مذاکرات مجدداً درمیانه درقریهٔ ترکمانچای که محل ملاقات نمایندگان مختار دو دولت تعیین شده بود آغاز گردد .

---

1 – Mac-Neill

فصل چهارم

۱ـ معاهدهٔ ترکمانچای

وقتی سر جان ماکدونالد اطمینان داد که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد پیشنهادی را محترم خواهد شمرد مالك نیل و میرزا ابوالقاسم قایم‌مقام درماه رجب ۱۲۴۳ (اواخر ژانویهٔ ۱۸۲۸) از تهران بسمت ترکمانچای حرکت کردند. میرزا ابوالحسنخان وزیر خارجه نیز در زنجان بآنها پیوست و عباس میرزا برای شرکت در کنفرانسی که قرار بود باحضور ژنرال پاسکویچ در ترکمانچای تشکیل گردد از گروس حرکت نمود.

در اواخر رجب (اوایل فوریه) نمایندگان دودولت در قریهٔ ترکمانچای واقع درچند کیلومتری میانه جمع شدند.

دواطاق درخانهٔ مشهدی محمد برای پذیرائی ولیعهد وژنرال پاسکویچ آماده شده بودو درهمین خانهٔ محقر بود که سرنوشت کشور ایران در قرن نوزدهم تعیین گردید زیراپس ازامضای قراردادصلح ترکمانچای درتمام معاهداتی که‌دولت‌ایران بادول بیگانه منعقد کرد مواد معاهدهٔ ترکمانچای مورد استنادقرار گرفت. پس‌از تهیه وتنظیم پیمان صلح بلافاصله یك معاهدهٔ تجارتی مکمل فصل دهم‌همان پیمان‌و یك‌صورت‌مجلس دایربچگونگی‌تشریفات‌پذیرائی سفراومأمورین دیپلماسی‌خارجی مکمل فصل‌نهم پیمان‌صلح بامضاءرسید. معاهدات ترکمانچای به‌پیمان‌صلح‌ومعاهدهٔ تجارتی وصورت مجلس منضم بمعاهدات اطلاق میگردد.

پیمان‌صلح‌ترکمانچای‌شامل شانزده‌فصل‌است. این‌پیمان‌مانندمعاهدهٔ گلستان دارای مقدمه‌ایست دایربه‌خاتمه دادن بجنك ومیل دوپادشاه به‌برقراری مجددروابط حسنهٔ همجواری میان دودولت.

فصل اول برقراری صلح‌را میان دودولت تصریح میکند.

درفصل دوم بالغاء مواد معاهدهٔ گلستان اشاره شده است.

فصول سه‌وچهار وپنج مواد ارضی پیمان صلح تر کمانچای را تشکیل میدهد. مطابق فصل‌سوم این معاهده «اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران ازطرف‌خودواخلاف ووراث خود خانات ایروان‌را که درروی رودارس واقع است ونیزخانات نخجوان‌را بملکیت مطلقه بدولت روس واگذارمیکند» بااین ترتیب دولت‌ایران شهرها ونواحی‌ایروان ونخجوان‌را که نمونهٔ اینهمه‌دلاوریها وشاهداینهمه صحنه‌های زدوخوردهای خونین بود برای همیشه ازدست داد . در فصل چهارم سرحد جدید میان دو دولت بشرح و تفصیل‌ذکرشده‌ودرفصل‌پنجم چنین قید گردیده که: «اعلیحضرت‌شاهنشاه‌ایران‌محض اثبات دوستی خالصانهٔ که نسبت باعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارندبموجب‌همین فصل ازطرف خود وازطرف وراث واخلاف خود واضحاً وعلناً تصدیق مینمایند که ممالك وجزایریکه مابین خط تحدیدی‌فصل اخیروتیزهٔ جبال قفقازودریای‌خزراست وهمچنین اهالی بدوی وغیره این‌نواحی متعلق بدولت روسیه است».

فصل هشتم مربوطست بمقررات کشتی‌رانی دردریای خزر . مفادآن کاملاشبیه بمفاد مادهٔ ٦ معاهدهٔ گلستان میباشد: «سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطورآزادی دردریای خزر ودر امتداد سواحل آن سیر کرده وبکناره های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحرخزر سیر نموده و بسواحل روس بروند ودرصورت غرق وشکست‌هم بآنها کمك و امداد خواهد شد .

امادرباب کشتیهای جنگی چون‌آنهائیکه بیرق نظامی روس‌دارندازقدیم‌الایام بالانفراد حق سیردربحرخزررا داشته‌اند حال‌هم بدین سبب‌این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهدبود بطوریکه بغیراز دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که‌سفاین جنگی دردریای خزرداشته باشد»

با این ترتیب دولت مغلوب تسلط کامل دولت تزار را در دریای خزر قبول میکرد و در نتیجه آخرین نشانهٔ قدرت و نفوذ دولت ایران در این دریا بکلی از میان رفته و نواحی شمال ایران در برابر تعرضات احتمالی دولت مقتدر روسیه کاملا بی‌دفاع میماند

مطابق فصل هفتم پیمان صلح ترکمانچای موضوع جانشینی تاج و تخت ایران درشخص عباس‌میرزا محرز میگردد .

«چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس‌میرزا همایون فرزند خودرا وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانهٔ خودرا مکشوف و میلی را که درمساعدت باستحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند متعهد میشوند که از امروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث و ولیعهد دولت ایران شناخته و ایشان را از جلوس بتخت سلطنت سلطان حقهٔ این مملکت بدانند».

فصول ۱۲ و ۱٤ و ۱٥ مربوطست بوضع اسرای جنگی و نقل و انتقالات افراد و فراریها ومتارکهٔ جنك .

درفصل شانزدهم پایان مخاصمات میان طرفین و امضای پیمان صلح رسماً از طرف دودولت اعلام شده .

دولت ایران باامضای این معاهده علاوه براینکه زرخیزترین و ثروتمندترین نواحی خودرا ازدست میداد و برای همیشه حق کشتی رانی را در دریای خزر از خود سلب میکرد بموجب فصل ششم متعهد میشد غرامات جنگی بدولت روسیه بپردازد: «محض تلافی مصارف کثیره که از این جنك بین‌الدولتین برای روسیه حاصل شده است و در عوض خسارات و ضرر هائیکه بدین جهت باتباع روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تأدیه کرده مصارف وضررهای مزبور را جبران نمایند .

طرفین معظمین معاهدین این وجه خسارت را بده کرورتومان رایج یا بیست ملیون

مناط[1] نقره تعیین کرده ومقرر میدارند که ترتیب اقساط وتضمین تأدیهٔ آن در قرارداد مخصوص مرتب شود . اعتبار واستحکام قرارداد مزبور کانه لفظ بلفظ درهمین عهدنامه درج شده باشد».

فصل یازدهم مربوط بدعاوی اتباع طرفین است کـه بعلت وقوع جنك بعهدهٔ تعویق افتاده اعم ازاینکه این دعاوی مربوط بمطالبات اتباع طرفین ازیکدیگر ویا ازخزانهٔ دولتی باشد .

فصل دوازدهم مقرر میدارد که اموال غیرمنقول اتباع طرفین بایستی درمدت سه سال بفروش رسیده ویامعاوضه گردد ولی اعلیحضرت امپراطور کل روسیه «حسینخان سردارسابق ایروان وبرادرش حسنخان وکریمخان حاکم سابق نخجوان را ازانتفاع مدلول شرط مزبور مستثنی میدارد» این کینهٔ تزار نسبت بسردار حسینخان وبرادرش حسن خان و کریمخان حاکم سابق نخجوان بعلت فداکاریها ورشادت هائی بود که این اشخاص درحق ایران کرده ومدتها لشگریان نیرومند روسی را در مقابل شهر ودژ ایروان مستأصل کرده بودند .

فصل نهم مربوط بتشریفات ومقررات نمایندگان سیاسی است که: «برای انجام مأموریت موقتی وخواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود ومطابق شأن وحیثیت طرفین ومطابق مودت واتحاد بین الدولتین ونیز برحسب عادت مملکتی مورد اعزاز واحترام شوند . علیهذا درباب تشریفاتی که بایدازطرفین ملحوظ ومنظورشود دستورالعملی مخصوص مقرر خواهدشد».

برای شرح وتفسیر وتکمیل همین فصل است که صورت مجلسی درباب تشریفات پذیرائی سفرای کبار ومأمورین سیاسی درتر کمانچای بامضاء رسید. مطابق این صورت مجلس مقرراست : «بمحض اینکه وزیران ازورور سفیر کـبیر روس بهتفلیس رسماً مطلع گردیدند بدون اتلاف وقت شخصی که رتبهٔ اومناسب شأن سفیر بوده باشدمنتخب نموده تاسرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد این شخص که درمتن صورت مجلس

---

۱ ــ در حدود سه ملیون وپانصد هزار لیرهٔ انگلیسی

مهماندار نامیده شده‌مسئول حفظ جان و عزت و احترام سفیر کبیر خواهد بود در هرمنزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب ازرئیس یامعتبرترین آن محل‌وچندنفراز معارف است بامن تبع شایسته برای‌پذیرائی سفیر کبیرخواهدآمد».

درهرشهری که سفیر کبیرتوقف میکند هیئت مذکوردرتحت ریاست حاکم بسفیر کبیرتبریك ورود خواهد گفت واگرسفیر کبیردرشهری توقف کندکه حاکم آنجا یکی‌ازفرزندان‌شاه باشد شاهزاده وزیرخودرا برای استقبال وعرض‌تبریك نزد سفیر کبیرخواهد فرستاد.

درمسیرسفیر کبیرقوای نظامی‌درحق وی‌احترامات‌نظامی‌معمول‌خواهندداشت

«وقتیکه سفیر کبیربآخرین منزل پایتخت یابه‌آخرین منزل‌اردوی‌همایونی رسید شخص‌معتبرمشارالیه را ازطرف اعلیحضرت همایونی خواهدپذیرفت».

«درنیمهٔ راه الی پایتخت یانیمهٔ راه اردوی همایونی هیئت محترمی ازطرف اعلیحضرت شاهنشاهی‌بریاست یکی از رجال دربار باستقبال جناب معزی‌الیه‌خواهد آمدوعساکرساخلوی شهریاعساکراردوبجناب‌معزی‌الیه پیش‌فنك زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت ورئیس‌مستقبلین همایونی‌فی‌الفورسفیر کبیررا بمنزلی که برای مشارالیه مهیاشده ودرآنجا گارد دونور گذاشته‌شده است راهنمائی خواهد نمود. فردای ورود سفیر کبیر، وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب‌معزی‌الیه خواهندآمد وپس‌فردای آن جناب سفیر کبیربحضورهمایونی مشرف خواهد شد»

این بودمراسم ومقرراتی که زمامداران درترکمانچای انجام‌آنرابنمایندگان ملت مغلوب تحمیل کردند.

درفصل دهم پیمان صلح ترکمانچای حقوق نمایندگان‌سیاسی وتجارروسی تعیین شده‌ومواد شکایت‌ازکنسول ونمایندگان روس شرح‌داده شده‌ومقرراتی‌بمنظور حمایت تجاروضع گردیده است.

برای تکمیل‌همین فصل است که معاهدهٔ تجارتی درنه ماده متعاقب‌پیمان‌صلح

ترکمانچای درهمان تاریخ بامضاء رسید .

بامضای همین معاهدهٔ تجارتی است که دولت روسیه منظورسیاسی خودرا کاملا تأمین کردوپایه واساس قضاوت کنسولی را درایران استوارساخت وبرای نمایندگان خود حقوق واختیارات خارج ازسرحد (برون مرزی) یارژیم قضاوت کنسولی رادر ایران دایر نمود .

در موقع مطالعهٔ نتایج پیمان صلح ترکمانچای دراین مورد مفصلا بحث خواهیم کرد .

۳ - نتیجهٔ معاهدات ترکمانچای

مواد وشرایط معاهدات ترکمانچای درتمام جریانات تاریخی ایران در قرن نوزدهم مؤثربود . درداخلهٔ کشور پس‌ازعقد پیمان صلح احساسات مردم براثرخفت وتوهینی که نسبت بملت ومردم ایران واردآمد برضددولت روسیه برانگیخته شد بطوریکه درتهران رفتار وحرکات بی‌رویهٔ گریبایدوف سفیردولت روسیه و قتل وی نزدیك بود صلح میان دودولت را مختل سازد . درولایات رؤساء طوایف و ایلات که همواره برای رهائی از نفوذ دولت مرکزی پی فرصت می‌گشتند ازضعف وناتوانی دولت‌مرکزی استفاده کردندوبخصوص درمشرق‌ایران انقلاباتی برپاساختند.معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای ازیکطرف بتجارت وعواید گمرکی ایران صدمه زد وازطرف دیگریك رژیم قضاوت کنسونی را درایران برقرارساخت .

حادثهٔ قتل گریبایدوف : چند ماه پس ازامضای معاهدات ترکمانچای‌دربار سن‌پطرزبرگ گریبایدوف‌را بعنوان سفارت بایران فرستاد وبوی‌مأموریت دادسواد معاهداتی را که بامضای تزارنیکولای اول رسیده تسلیم دولت ایران کند .

سفیردولت روسیه ازراه تبریزعازم محل مأموریت خود گردید . گریبایدوف پس ازورود به تبریز تصمیم گرفت چندروز دراین شهر توقف کندولی رفتار ناپسند وحرکات تندوخشن همراهان وی درتبریز شاهزاده عباس‌میرزارا فوق‌العاده نگران ومضطرب کرد. برای جلوگیری ازوقوع حادثهٔ ناگواری ولیعهد بوسیلهٔ مهماندار بسفیرروس‌اطلاع دادکه اعمال ناشایست همراهان وی ممکن‌است عواقب‌وخیمی در برداشته باشد .

گریبایدوف درتاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۲۴۴ (۲۰ دسامبر ۱۸۲۸) بهمراهی

چهل نفر خدمهٔ خود شهر تبریز را ترك کرد . همراهان سفیر روس که نظم وانضباطی نداشتند در مسیر خود در شهرها و قصبات از انجام اعمال ناپسند و بی‌رویه بهیچوجه خودداری نکردند . رفتار ارمنیها و گرجیان بخصوص فوق‌العاده زننده و ناپسند بود(۱)

گریبایدوف درتاریخ ۵ رجب ۱۲۴٤ (۱٦ ژانویهٔ ۱۸۲۹) وارد تهران شد. درتهران بمناسبت ورود سفیر، استقبال شایانی بعمل آمد ومهمانیهای مجللی بافتخاروی داده‌شد فردای ورود خود ، سفیر کبیر سواد معاهدات امضاء شده‌را تقدیم فتحعلیشاه کرد.

بااینکه گریبایدوف درتبریز ودرعرض راه ازرفتاروحرکات ناپسند مأمورین سفارت اطلاع داشت درمدت توقف خوددرتهران اقدامی بعمل نیاورد که تغییری در رفتار آنان حاصل گردد . همراهان سفیر بحدی بامردم پایتخت باخشونت رفتار کردند که نزدیك بود چندین‌بار نزاع و کشمکش فوق‌العاده شدید میان مردم ومأمورین سفارت رخ‌دهد . قزاقها وپیشخدمتهای سفارت درحال مستی دربازارها ومعابر هرنوع خفت وبی‌احترامی درحق مردم روامیداشتند .

---

۱ ـ منشی مهماندار راجع بحرکات ناشایست اطرافیان گریبایدوف وتقاضاهای بیمورد آنان چنین مینویسد :

« ...سفیر روس برای غذای روزانهٔ خودو کسانش یك گاوویك گوساله وسی مرغ ودویست تخم‌مرغ و پنجاه کیلو برنج و ۱۵ کیلو کره و ۱۸ کیلو ماست و ٦ کیلو پنیر و ۱۲ کیلو قند ویك کیلو و نیم ادویه ویکصدوبیست کیلو نان ودو کیلو مغز بادام و ۹ کیلو پیاز و ۹ کیلو شمع و ۵ کیلو شیر ومیوه‌جات مختلف و سیصد لیتر مشروبات مختلف و هزار و هشتصد کیلو کاه برای علیق اسبها تقاضا کرده بود. ارزش تمام این اجناس به ٦۰ تومان یا ۷۵ دکای Ducats هلندی بالغ میشد.

البته این مقدار جنس خیلی بیش‌ازحدمصرف روزانه بودو اغلب آنها در دهات پیدا نمیشد. رستم بیك رئیس پیشخدمت‌ها بهای اجناس نایاب‌وموادی‌را که اضافه برمصرف غذای روزانه بود وبهای آن ۹ ۱۰ تا ۱۵ تومان بالغ میشد نقداً دریافت میداشت.

دریکی ازدهات مسیر راه رستم بیك ازاین بابت پانزده تومان مطالبه کرد پیرمردی بهزاز زحمت ومشقت توانست هفت تومان تهیه کند ـ رستم بیك که‌ازاین عمل نهایت ناراضی وغضبناك بودضربه‌ای بسر پیرمرد وارد آورد این‌رفتار رستم بیك نزدیك بود شورش و انقلابی برپا کند... »

گریبایدوف ازمهاجرین نواحی جدیدی که بموجب پیمان صلح‌تر کمانچای بدولت روسیه واگذارشده بود حمایت میکرد.

میرزا یعقوب اراهالی ایراوان خزانه‌دار وناظرومباشر جواهرات حرمسرای فتحعلیشاه سی‌تاچهل هزارتومان پول دزدید وبه بهانهٔ اینکه مایل است بایروان‌موطن اصلی خود مراجعت کند بسفارت روس پناهنده شد .

دربار ایران چندین مرتبه تسلیم میرزا یعقوب‌را ازسفارت تقاضا کرد وچون سفیر روس بدرخواست های مکرر دربار ترتیب اثر نداد فتحعلی شاه دستورداد خانهٔ میرزا یعقوب را اشغال ومهروموم کنند . گریبایدوف شبانه بکسان‌خود دستو داد تا مهر ها را شکسته و مایحتاج و اثاثیهٔ میرزا یعقوب را از خانه‌اش خارج سازند . ولی درنتیجهٔ مقاومت وجلو گیری مستحفظین ، مأمورین سفارت موفق بانجام مقصود نشدند .

قضیهٔ میرزایعقوب هنوزخاتمه نیافته بودومذاکرات میان درباروسفارت‌روس جریان داشت وقتی گریبایدوف‌تقاضا کرد زنانی که ازایالات متصرفی روس درتهران اقامت دارند باید نزد سفیررفته واطمینان بدهند که برضای خود مایلند در تهران اقامت کنند .

گریبایدوف بخصوص اصرارداشت که دونفر زن ازاهالی ایروان که درخانهٔ آصف‌الدوله اقامت داشتند بوطن اصلی خود مراجعت کنند . برای اجرای دستور مأمورین سفارت روس بخانهٔ آصف‌الدوله رفتند واز دونفر زن‌سئوال کردند آیامایل بترك تهران‌هستند یانه ؟ زنان مورد توجه‌سفارت اظهارداشتند مایلند درتهران‌اقامت کنند. گریبایدوف که ازاین پش آمد ناراضی بوددستورداد بزوردونفرزن‌را بسفارت روس جلب کنند تاسفیرشخصاً ازصحت اظهارات وتمایل آنان‌اطمینان حاصل کند.

این اقدام سفیرروس‌جنبش وهیجان عمومی درتهران ایجاد کرد - دولت که‌ازجریان قضیه وخشم وغضب مردم باخبربود چندین بار اقدام کرد بلکه سفیر ازاقدام خود و نگهداری زنان در سفارت منصرف گردد ولی گریبایدوف بهیچوجه وقعی باین

تقاضاها ننهاد .

درنتیجه احساسات مذهبی نیز برضد مأمورین دولت غالبی که اینهمه توهین و خفت دربارهٔ ملت مغلوب روا میداشت اضافه گردید .

علما ومجتهدین درروز دوم شعبان ۱۲۴۴ (۷ فوریهٔ ۱۸۲۹) برهبری میرزا مسیح مجتهد درمسجد اجتماع کردند واعلام داشتند که اجحافات واقدامات خلاف رویهٔ مأمورین سفارت روس مردم را بستوه آورده است . اجتماع کنندگان تصمیم گرفتند هیئتی بنمایندگی مردم نزد شاهزاده علیشاه حاکم تهران بفرستند وبوی اطلاع دهند اگرسفیرروس میرزا یعقوب ودونفرزن را تسلیم مقامات ایرانی نکند مردم مستقیماً اقدام کرده و آنانرا ازسفارت خارج خواهند کرد. حاکم تهران تقاضا های هیئت اعزامی را باطلاع سفارت روس رسانید ولی گریبایدوف حاضر نشد مطلقاً این تقاضاهارا اجابت کند . وقتی که اجتماع کنندگان درمسجد ازبی‌اعتنائی سفیر روس اطلاع یافتند سیل جمعیت‌خشمگین وناراضی ومتعصب به‌تهییج وتشویق میرزا مسیح بسمت سفارت روانه گشت وساختمان سفارت ازطرف مردم محاصره شدتابزور میرزا یعقوب وزنان را از آنجا خارج کنند.

فتحعلی‌شاه که ازجریان قضیه بسیار مضطرب ونگران بود علیشاه و چندنفر ازشاهزادگان را مأمور کرد بلکه با وعده ونصیحت ازشدت احساسات مردم بکاهند و آنانرا بسکوت و آرامش دعوت کنند .

ولی جمعیت بطرزبدی ازفرزندان فتحعلیشاه‌استقبال کرد فریاد زنان آنهارا مخاطب قرارداده ومیگفتند :

«برویدزنان خودرا تسلیم‌روسها کنید چنین‌رفتار، لایق‌ریشی‌است که‌پدرشما هرروزباآب گلاب آنرا معطرمیکند» .

بالاخره مردم بداخل سفارت حمله برده گریبایدوف و۳۷نفرازهمراهان‌ویرا بقتل رسانیدند .

تنها مالتسوف(۱) منشی اول سفارت از این کشتار جان بسلامت برد.

دربار فتحعلیشاه از وقوع این حادثه بسیار مضطرب و نگران بود و برای جلوگیری از عواقب وخیم این پیش آمد به عباس میرزا دستور داده شد اقدام لازم بعمل بیاورد - دراین هنگام عباس میرزا تصمیم گرفته بود میرزا مسعود مستوفی را برای تقدیم نشان شیروخورشید به ژنرال پاسکویچ به تفلیس بفرستد.

میرزا مسعود در ماه شعبان ۱۲۴٤ از تبریز حرکت کرد. وی حامل دو مکتوب ازطرف عباس میرزا یکی بعنوان امپراطور و دیگری بعنوان فرماندهٔ کل قوای قفقاز بود که در آن نامه ها از پیش آمد حادثهٔ ناگوار و تأثر آور گریبایدوف معذرت خواسته بود.

مالتسوف بخصوص دراین مورد نهایت مساعدت را کرد وبدولت متبوع خود خاطرنشان ساخت که رفتار و حرکات ناشایست گریبایدوف و اطرافیانش علت بروز اصلی این حادثهٔ ناگوار بشمار میرود.

دولت روسیه که دراین زمان بادولت عثمانی برسر قضایای بالکان اختلاف داشت برای اینکه مبادا مجددا میان دولتین ایران وروس قطع رابطه گردد یکنوع سیاست سازش وملایمی نسبت بایران اتخاذ کرد ودر نتیجهٔ اقدامات عباس میرزا و مسافرت میرزا مسعود واظهارات مالتسوف، امپراطور بوسیلهٔ سفیر جدید خود ژنرال دالگوروکی(۲) که پس ازقتل گریبایدوف بایران آمد توصیه نمود که دولت ایران یکنفر از شاهزادگان درجهٔ اول را برای عذرخواهی بدربار سن پطرزبرگ اعزام دارد و یکنفر از مسببین اصلی قضیه را اعدام کند و میرزا مسیح مجتهد محرك این پیش آمد را تبعید نماید.

دولت ایران پیشنهاد های دولت روسیه را پذیرفت و خسرو میرزا

---

1 – Maltsoff

2 –Dalgouroki

پسرعباس میرزا بعنوان سفیرفوق‌العاده درماه ذیقعده ۱۲٤٤ بسمت مسکو حرکت کرد . محمدخان امیرنظام و محمد حسینخان ایشیك آقاسی‌باشی ومیرزا باباحکیم باشی ومیرزاتقی‌خان‌فراهانی که بعدهاامیرنظام‌وامیرکبیرشد همراه شاهزاده‌خسرو میرزا بودند .

نمایندهٔ دولت ایران که حامل نامه های معذرت خواهی فتحعلیشاه و عباس میرزا بود با تجلیل و احترامات فراوان از طرف دولت روس مورد استقبال قرار گرفت. علاوه براینکه امپراطوراز‌تعقیب قضیهٔ گریبایدوف صرف نظر کردحاضرشد حتی دو ملیون روبل از بقیهٔ چهار میلیون روبل غرامات جنگی را بدولت ایران تخفیف دهد .

انقلابات مشرق ایران پرداخت غرامات‌ومبالغ زیادی که برخلاف میل فتحعلیشاه صرف هزینه‌های‌جنگی‌شده بود خزانه را ورشکست کرده بود . رؤسای قبائل وایلات که همواره برای مقاومت درمقابل قوای مرکزپی فرصت مناسب میگشتند ازبحران مالی وشکست قوای نظامی و گرفتاری های‌دولت‌استفاده کرده ودرمشرق ایران برضد حکومت مرکزی قیام کردند .

درسال ۱۲٤۲ (۱۸۲٦)هنگامیکه دولت ایران گرفتارجنك بادولت روس بود محمد قاسم‌خان دربم‌علم طغیان برافراشته‌بودولی قوائی که درتحت سرپرستی محمد ولی‌میرزا بآن صفحات اعزام گردید به‌فتنهٔ محمد قاسمخان پایان داد .

در۱۲٤٤ (۱۸۲۹) پس ازامضای معاهدات ترکمانچای انقلابات دامنه داری درتمام مشرق ایران برپا شد وقدرت ونفوذ دولت درنواحی یزدو کرمان و خراسان بکلی ازمیان رفت .

عباس میرزا برای فرونشاندن انقلابات مشرق ایران مأموریت یافت‌ودررمضان ۱۲٤٦ (۱۸۳۱) ازتهران حرکت کرد . ولیعهد در ۱۱ شوال ۱۲٤٦ (مارس ۱۸۳۱) یزدرا اشغال کردوپس ازاستقرار امنیت درآن ناحیه بسمت کرمان رهسپارشد ،ودر تاریخ ۲۲ شوال (٥آوریل) وارد کرمان شد . یاغیان و گردنکشان درمقابل‌اقدامات

عباس میرزا ازدر اطاعت درآمدند ودرنتیجهٔ فعالیت وپیشرفت قوای دولتی شورشیان کرمان متواری گردیدند وسلطه ونفوذ دولت درآنسامان نیزتقویت یافت.

عباس میرزا پس‌ازفراغت از کار کرمان متوجه خراسان گردید تادرآنجا بـه انقلابات تراکمه خاتمه دهد .

قلعهٔ سلطان میدان‌واقع‌درمیان‌سبزوار ونیشابور که درآنجارضاقلیخان‌وسایل مقاومت خودرا فراهم کرده بوددرتاریخ ۵ رجب ۱۲۴۷ (۱۰ دسامبر ۱۸۳۱) بآسانی اشغال شد . سپس ولیعهد بسمت مشهدپایتخت خراسان حرکت کرد و در تاریخ ۸ شعبان ۱۲۴۷ (۱۲ ژانویهٔ ۱۸۳۲) وارد مشهد گردید ودرمدت شش‌ماه‌تابستان‌وخزان سال ۱۲۴۷ــ ۱۲۴۸ قوای تحت فرمان عباس‌میرزا ، قلعهٔ‌امیرآباد وشهرهای ترشیزو خبوشان وسرخس وتربت حیدریه‌را گرفتندونظم‌وآرامش رادرتمام صفحات خراسان برقرارساختند .

درسال ۱۲۴۸(۱۸۳۳) اقدامات وعملیات نظامی درمشرق‌ایران‌خاتمه‌پذیرفت وعباس میرزا درمدت دوسال درسایهٔ فعالیت خستگی ناپذیرموفق‌شدتمام شورشیانرا مطیع و منکوب کرده نواحی مشرق ایرانرا از وجود یاغیان و گردنکشان پاك سـازد .

قضیهٔ هرات و افغانستان

بجریانات‌داخلی واغتشاشات مشرق‌ایران موضوع‌افغانستان نیزاضافه شد. دولت ایران که شهرهرات‌را مرکزوپایتخت واقعی ناحیهٔ خراسان میدانست نمیتوانست نسبت باین شهر بیعلاقه‌باشد . درآغازقرن نوزدهم بعقیدهٔ زمامداران دولت انگلیس اشغال افغانستان ازطرف دولت ایران ازنظر امنیت امپراطوری هندوستان اقدام بس مفیدی بـود و چنانکه دیدیم فتحعلیشاه باتشویق‌وپشتیبانی‌فرستادگان فرمانفرمای کل‌هندوستان دوبار بسمت افغانستان لشگر کشید. ولی بعد ازسال ۱۲۲۸(۱۸۱۳) وبخصوص‌پس‌از انعقاد معاهدات ترکمانچای در۱۲۴۳ (۱۸۲۸) کـه نفوذ دولت روسیه در ایـران فوق‌العاده تقویت یافت بنظرزمامداران‌انگلستان وعمال‌آندولت‌درهندوستان‌،تصرف

و اشغال افغانستان از طرف دولت ایران برای مستعمرهٔ بریطانیای کبیر عمل بس خطرناکی بود. باید تصدیق کرد که دولت تزار بخوبی متوجه این نکته بود که دولتی که درمشرق ایران نفوذ پیدا کند بسهولت خواهد توانست سلسله جبال هندوکش را دور زده وبجنوب قندهار و یا جنوب کشمیر دست رسی یابد . بنابراین کشور ایران بنظر زمامداران دولت روسیه وانگلستان بمنزلهٔ کلید هندوستان بود . بهمین مناسبت است که دولت بریطانیای کبیر و فرمانفرمای کل هندوستان پس ازامضای معاهدات گلستان وترکمانچای میان دولتین ایران وروس چنین تشخیص دادند بهر قیمتی که باشد افغانستان را ازحیطهٔ نفوذ روس وایران دورنگه دارند .

از ۱۲۲۸ تا ۱۲۷۳ (۱۸۱۳–۱۸۵۷) زمامداران ایران که ازطرف سن پطرزبرگ حمایت وپشتیبانی میشدند توجه خودرا بسمت هرات معطوف ساختند . عمال دولت روس مناسب وصلاح میدانستند که ازمیل طبیعی زمامداران دولت ایران پشتیبانی کنند تا بتوانند درازاء ایالاتی که درشمالغرب ازدست داده بود متصرفاتی در مشرق ایران بدست بیاورد وحیثیت ازدست رفتهٔ خودرا جبران کند . بااین ترتیب دولت روسیهٔ غالب سیاست عاقلانه‌ای درحق دولت مغلوب تعقیب مینمود و باتشویق دولت ایران به‌پیشروی درسمت افغانستان نقش مطمئنی‌بازی میکرد .

زمامداران دولت روس متوجه بودند اگردولت ایران موفق باشغال شهرهرات گردد بلافاصله بتصرف شهرهای کابل وقندهارخواهد پرداخت دراینصورت اگردولت انگلستان دربرابراقدام دولت ایران سیاست بیطرفی پیش گیردامنیت هندوستان بخطر خواهد افتاد وبطورقطع نفوذ دولت روس در سرحدات هندوستان زیاد خواهد شد ، بالعکس هرگاه دولت انگلستان که همواره باسترداد ایالات ازدست رفتهٔ ایران اظهار تمایل کرده، دفاع هرات ووسائل استقلال افغانستان رافراهم کند احساسات ملی ایرانیان را برضد خود جلب خواهد کرد . بنابراین پس ازآنکه عباس میرزا خطهٔ خراسان را امن کرد بکامران میرزا حاکم هرات دستورداد بدولت ایران مالیات بپردازد . دربرابر پاسخ نامساعدی که ازطرف کامران میرزا رسید ولیعهد به پسرخود محمدمیرزا مأموریت

داد بهرات رفته وآنشهررا محاصره نماید .

لشگریان محمدمیرزا دربرابرشهرهرات بودند که خبررسید عباس‌میرزا براثر ناخوشی کبد درتاریخ ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۲۴۹ (۱۵ اکتبر ۱۸۳۳) درسن ۴۸ سالگی پس ازسی‌سال خدمت بایران درخراسان درگذشت .

فتحعلیشاه در سال ۱۲۰۳ یعنی در سن ۱۸ سالگی دارای چهار پسر شد که بترتیب عبارتند از: محمدعلی میرزا دولتشاه ، محمدقلی میرزا ملك‌آرا ، محمدولی میرزا ، عباس میرزا .

عباس‌میرزا با بزرگترین برادرخود بیش از ۸ ماه اختلاف سن نداشت ولـی چون ازبطن دختر فتحعلیخان قاجار دولوبود بنابروصیت آغا محمد خان بولیعهدی برگزیده شد .

ازنتیجهٔ مشاهدات‌وقضاوتهای‌نمایندگان‌خارجی‌ومستشاران نظامی ومسافرین بیگانه چنین استنباط میشود که عباس میرزا یکی ازشاهزادگان لایق وشایان‌توجه وباشخصیت‌خانوادهٔ قاجاربود. فریکان (۱) مستشار در بارسن پطرزبرگ که‌درتاریخ ۲۰ جمادی الاول ۱۲۲۷ (مه ۱۸۱۲) بعنوان نمایندهٔ دولت روسیه برای مذاکرات صلح به‌تبریز آمد راجع به‌عباس میرزا چنین اظهارنظرمیکند : «این شاهزاده قیافه نجیب ومردانه‌ای داشت . توانا وبااراده وآتشین ومتین وفرزانه وباحزم واحتیاط که درکمترشخصی یافت میشود ، ازمزایای اخلاقی بود که دروجود عباس میرزا جمع بود . دارای احساسات نجیب وافکاربلند ، حریص یاد گرفتن تمام عواملی بود کـه باعث سیرسریع ترقیات دراروپا شده‌بود . نهایت سادگی را دررفتار وحرکات خـود رعایت میکرد. بی‌باك وباتقوی، عباس میرزا نجیب‌ترین شخصیت خانوادهٔ قاجاربود» بااینکه روزگار اوبیشتربجنك ولشگرکشی گذشت ازهنر وادب نیز بی‌بهره نبود خط نستعلیق را زیبا می‌نوشت ونظم ونثررا نیك میدانست .

پس ازمرك ولیعهد محمدمیرزا ازمحاصرهٔ شهرهرات منصرف گردیدوبتهران

1– freygang

احضارشد وبسمت ولیعهدوجانشین فتحعلیشاه تعیین گشت .

فتحعلیشاه یکسال پس ازمرك فرزند خوددر ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۲۵۰ (۲۳ اکتبر۱۸۳٤) در٦۸ سالگی در گذشت وشصت پسرو٤۸ دخترو۱۵۸ زن ارخودباقی گذاشت در دوران سلطنت این پادشاه شهوت پرست و متکبر و خسیس وخودخواه بدبختی های فراوان برای کشور ایران روی داد . فریکان راجع بصفات فتحعلیشاه چنین‌میگوید: «ضعیف وبی‌اراده وسست وبیحال بود. دائماً درعیش وطرب‌غوطه‌ور بود. ازکارو فعالیت بیزار وتنفرداشت. دردوران سلطنت‌طولانی۳۷ سالهٔ وی‌مهمترین وحاصلخیزترین ایالات ایران ازدست رفت .

فتحعلیشاه بحدی در ادارهٔ کشور ناشایستگی بخرج داد که نژاد قاجار مورد انزجاروتنفرعمومی قرار گرفت. نالایق در ادارهٔمملکت ، فاقد ذوق‌نظامی،خوشحال بود که شعرمیگویدوبتاریخ وادبیات علاقه دارد.»

قضیهٔ هرات بامرك فتحعلیشاه خاتمه نیافت . سیمونیچ(۱) نمایندهٔ دولت روس درتهران که نفوذ فوق‌العاده‌ای درشخص محمدشاه داشت بنوبهٔ خوددر۱۲۵۳ (۱۸۳۷) محمدشاه‌را بمحاصره هرات تشویق کرد ولی پادشاه قاجار ازاقدام خودطرفی نبست وبدون اخذ نتیجه ازمحاصرهٔ هرات دست کشید . بالاخره ناصرالدین شاه در ۱۲۷۲ (۱۸۵٦) هرات را اشغال کرد ولی دربرابر تهدید دولت انگلستان در جنوب ایران ناچارشد ازتصرف هرات منصرف گردد ودرتاریخ ۸ رجب ۱۲۷۳ (۱٤ مارس۱۸۵۷) معاهده‌ای‌میان دولتین ایران وانگلستان درپاریس‌بامضاء رسید که مطابق آن معاهده استقلال افغانستان برسمیت‌شناخته شد ودولت‌ایران ازتمام دعاوی خود درافغانستان صرف نظر کرد .

☆☆☆

1- Simonich

تجارت وعواید گمرکی امضای معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای صدمهٔ زیادی بتجارت ایران واردآورد وعواید گمرکی‌ایرانرا فوق‌العاده تقلیل داد. درحقیقت معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای برای مدت‌یکقرن تمام پایه واساس روابط دولت ایران بادول بیگانه قرار گرفت. درطی این قرن دولت ایران استقلال قضائی خودرا از دست داد و دول خارجی با ما، مانند دولت‌ضعیف و مغلوبی معامله کردند. امضای معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای آغاز دوره‌ای‌رادر تاریخ ایران نشان میدهد که ما این دوره را دوران معاهدات تحمیلی و یکجانبه مینامیم.

دولت ایران قبل از انعقاد معاهدات گلستان وترکمانچای ازمال‌التجاره های وارده حقی دریافت نمیکرد وفقط دونوع مالیات یکی‌باسم دروازه‌بانی درموقع‌ورود اجناس بشهرها ودیگری‌باسم عوارض‌راه داری درسرراه‌وگذرپلها ازمال‌التجاره ها گرفته میشد. این عوارض بدون تشخیص مبدأ ومقصد مال‌التجاره ازاجناس‌وارداتی وصادراتی وترانزیتی وصول میشد ومنبع عایدی بزرگی راتشکیل میداد. مطابق این اصل عوارض سنگین فوق‌العاده ازمال‌التجاره‌هائی که بنواحی دوردست ارسال میشد دریافت میگردید. وجود این عوارض داخلی وهزینهٔ بسیارگران حمل ونقل ازعلل عمده‌ای بودکه ازرقابت مال‌التجاره‌های روس‌درجنوب و اجناس انگلیسی در شمال‌ایران‌جلوگیری‌میکرد.

با امضای معاهدهٔ گلستان مقررات موجود ازمیان رفت و درسرحدات ایران وروس ۵٪ قیمت اجناس بعنوان عوارض گمرکی ازمال‌التجاره های وارده و صادره وصول شد. مادهٔ سوم معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای طرز وصول ۵٪ عوارض گمرکی را چنین تأیید کرد: «ازمال‌التجاره‌ای که اتباع روس بایران وارد و ازآن مملکت خارج میکنندونیز ازامتعهٔ ایران که اتباع دولت علیه ازراه بحرخزر و یا از سرحد خشکی بین‌الدولتین‌بمملکت روسیه حمل می‌نمایند وهکذا ازمملکت روسیه و از طریق فوق‌الذکر خارج‌میکنند کمافی‌السابق حقوق‌صدی‌پنج فقط یکدفعه در موقع

ورود یا خروج دریافت شده وعلاوه بر آن هیچ حقوق گمرکی مطالبه نشود . »
این ماده که اخذ هر گونه مالیاتی را از مال‌التجارهٔ روس در داخلهٔ ایران جلوگیری کرد وضع تجارت روسیه‌را درایران ممتاز کرد وبآن مساعدت نمود و رونق بسیار بخشید .

این امتیازی که دولت ایران با عقد قرارداد مخصوصی نسبت بتجارت اتباع روس قائل شد لطمهٔ زیادی‌بموقعیت تجارتی انگلستان واردساخت ولی‌طولی نکشید که دولت انگلستان نیزهمان امتیازات را نسبت بتجارت اتباع خود در سال ۱۲۵۲ (۱۸۲٦) بافرمان محمدشاه‌بدست آورد. پس ازدولت انگلستان سایردولتهای‌خارجی ذینفع درتجارت ایران‌بتدریج امتیازاتی شبیه بامتیازات تجاری دول‌روس وانگلیس درایران‌تحصیل کردند.

بابرقراری رژیم گمرکی عایداتی که دولت ایران بابت عوارض از مال‌التجاره های وارده وصادره دریافت میکرد از میان رفت وعواید ۵٪ دریافتی از واردات و صادرات بمراتب کمتر ازعایدات عوارض داخلی بود که درسابق دریافت میشد .

دولت روسیه ازمال‌التجاره‌های ایرانی که بنواحی ماورای بحر خزر بخارا و ترکستان روس فرستاده میشد ۵٪ عوارض گمرکی دریافت ولی از مالتجاره های بمقصد روسیه اروپا ۲½٪ علاوه بر۵٪ دریافت میکرد .

دولت روسیه برای رقابت وممانعت از دایربودن راه ترانزیت طرابوزان بتمام وسایل متشبث شد . بهمین منظور امتیازات مخصوصی بمال‌التجاره‌هائی که به‌بنادر دریای سیاه میرسیدقائل شد وراههای شوسه بداخلهٔ کشور ایجاد کرد . وحتی بعدها مال‌التجاره‌های ایران‌را که ازطریق عشق‌آباد یاسایرایستگاههای ماوراء خزربمقصد اروپا حمل میشد بدون عوارض گمرکی بطور ترانزیت قبول میکرد .

دولت روسیه بااتخاذ این تدابیر ، تمام تجارت ترانزیت راکه سابقاً از طریق آسیای صغیر بعمل میآمد بطرف روسیه جلب کردودرنتیجه تمام تجارت‌شمال‌ایران ازاواسطقرن‌نوزدهم دراختیار وتسلط‌کامل دولت روسیه درآمدومقدرات‌تجارایرانی در تحت ارادهٔ زمامداران روس قرار گرفت . چنانکه اولیای دولت روسیه بعدها

اشکالات و اختلافات زیادی در تجارت ایران ایجاد کردند .

☆ ☆

☆

امتیازات کنسولی

گرچه‌شرایط تجارتی‌وگمرکی‌معاهدهٔ‌تجارتی‌ترکمانچای فوق‌العاده سنگین و برای اقتصادیات ایران زیانبخش بود ولی‌مضارامتیازات قضائی معاهدهٔ‌مزبوربمراتب‌بیشتربود . زیرا دولت روسیه باتحمیل این مواد ، حتی استقلال‌ایران را بخطرانداخت .

مادهٔ ۷ معاهدهٔ تجارتی حقوق برون مرزی برای دولت‌واتباع روس در ایران قائل بود . مطابق این ماده بایستی بتمام اختلافات واموزمتنازع فیه‌میان اتباع‌روس بوسیلهٔ مأمورین روس ومطابق قوانین روس قضاوت ورسیدگی شود .

اختلافات ویا محاکمه میان اتباع ایران واتباع روس بحاکم مراجعه میشد . رسیدگی‌وصدورحکم بایستی‌درحضوردراکومان سفارت یاکنسول بعمل‌آید» تمام امورمتنازع‌فیهاومرافعاتی که‌مابین‌اتباع‌روس‌بوقوع میرسدموافق قوانین‌ورسوم‌دولت روسیه‌فقط برسیدگی وحکم‌سفارت یاقنسول‌های اعلیحضرت امپراطور روس‌رجوع خواهد شد .

وهمچنین‌است اختلافات‌ودعاوی واقعه‌مابین‌اتباع روس واتباع‌مملکت‌دیگری درصورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نماید .

اختلافات‌ومرافعاتیکه مابین‌اتباع ایران وروس بظهور میرسد مراجعه‌بحاکم شده رسیدگی وحکم‌آن‌باید درحضور دراکومان‌سفارت یاقنسولگری بعمل‌آید» .

مطابق مادهٔ ۸ معاهدهٔ ترکمانچای رسیدگی به‌تخلفات جنائی و جنحه‌ای که میان اتباع روس ویامیان یکنفرتبعهٔ روسی ویکنفرازاتباع دول بیگانه درایران‌رخ میداد ازصلاحیت محاکم ایرانی خارج بود : «چون وزیرمختاروشارژدافروقنسول

حق قضاوت دربارهٔ هموطنان خود دارند لهذا درصورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمهٔ آن راجع بمشارالیهم خواهد بود .

اگرشخصی‌ازاتباع‌روس‌بااتباع‌مملکت‌دیگری‌متهم‌بجنایتی گردیدموردهیچگونه تعرض ومزاحمت نخواهد بود مگر درصورتیکه شرکت او درجنایت مدلل وثابت شودودراینصورت و نیز درصورتیکه تبعهٔ روس‌بشخصه‌منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی‌بدون حضورمأموری ازطرف‌سفارت یاقنسول روس نباید بمسئلهٔ جنایت رسیدگی کرده‌وحکم دهندواگردرمحل وقوع جنحه سفارت یاقنسولگری وجود ندارد کارگذاران آنجا مجرم‌را بمحلی اعزام خواهند داد که درآنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد . حاکم وقاضی محل استشهاداتی‌راکه برعلیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده وامضاء مینماید واین‌دوقسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و بمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی‌محسوب خواهدشد مگراینکه شخص‌مقصرخلاف‌وعدم صحت‌آنرا بطورواضح ثابت نماید .

پس از آنکه کماهوحقه تقصیرشخص مجرم به ثبوت رسیده‌وحکم‌صادر شد مومی‌الیه بوزیرمختاریاشارژدافر یاقنسول‌روس تسلیم خواهدشد که بروسیه‌فرستاده شده ودرآنجا موافق قوانین سیاست شود .»

باتحمیل این دوماده درمعاهدهٔ تجارتی ترکمانچای پایه‌واساس رژیم قضاوت کنسولی درایران گذاشته شد. بتدریج ملل‌دیگر که‌باایران‌روابط دیپلماسی‌داشتند بااستفاده ازوضع حاضرهمان امتیازاتی‌راکه روسها وسپس انگلیسها تحصیل کرده بودند بوسیلهٔ عقد معاهدات جداگانه بدست‌آوردند و درمدت قریب یکقرن روابط ایران باملل‌بیگانه براساس‌رژیم متقابلی که امتیازبیگانگان‌را تأمین میکرداستوار گردید. استقرار رژیم قضاوت کنسولی در ایران بتمام دول حق‌دخالت در تدوین و اجرای قوانین ایران داد .

درمدت‌یکقرن فعالیت‌تجارتی ایران فلج شد. استقلال گمرکی‌ایران ازدست

رفت وباستقلال قضائی ایران عملا خاتمه داده شد بطوریکه در آغاز قرن بیستم نزدیك بود کــه ایران حتی استقلال ظاهری خودرا نیزازدست بدهد . در نتیجهٔ اقدامات و مجاهدات اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تغییرات مهمی در روابط خارجی ایران رخ داد که کشورماراازپرتگاه خطر نجات بخشید. این تغییرات مهم لایق ملت کهنسالی بود که سوابق وتمدن درخشانی داشت ودرجریان تاریخ فعالیتهای فوق العاده ای ازخود بروزداده بود .

دولت ایران هفت سال پس ازجلوس اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر برژیم قضاوت کنسولی درایران خاتمه داد .

درسال ۱۹۲۰ دولتین چین وافغانستان حقوق وامتیازات کنسولی خودرادرایران لغو کردند . دولت روسیهٔ شوروی این امتیازات راباامضای معاهدهٔ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ ازبین برد بالاخره درتاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ بوسیلهٔ یادداشتی که ازطرف کفیل وزارت امورخارجه ایران ارسال شده بدول امضاء کنندهٔ معاهدات یکجانبه که به آنان حق قضاوت کنسولی درایران میداد اعلام داشت که تمام این معاهدات لغووبلااثر بوده و پس ازانقضای یکسال ازتاریخ ارسال یادداشت هیچگونه حقی بدول خارجی درایران قائل نخواهد بود.

نتیجه

ضعف وتجزیهٔ دول اسلامی درقرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) یکی‌از مسائل مهم و جالب توجه سیاسی جهان میباشد. موهوم پرستی ورضا بقضا و قدر و تلقینات مضر دردنیای باعظمت اسلام که پایه واساس‌آن برروی فضیلت وتقوی‌وسعی وعمل نهاده شده رخنه کرده وبتدریج مسلمانان را ازجادهٔ حقیقت که‌ازارکان‌مذهب اسلام‌بشمارمیرود منحرف ساخت. تاوقتیکه اروپائیان مترقی‌توجه خودرا فقطباروپا معطوف ساختند دنیای اسلام صدمه‌ای ندیدوهمچنان بزرك ماند.ولی‌تماس بااروپا درقرن سیزدهم برای کشورهای اسلامی رقت‌بار وفوق‌العاده زیان‌بخش‌بود. این‌تماس علاوه بررقابتهای سیاسی ونظامی صحنه‌های رقابت جدید درپیشرفت سیاست‌انبساط ارضی درخارج ازقارهٔ اروپا بوجودآورد.

چنانکه گفتیم قرن سیزدهم دوران انحطاط ممالك اسلامی بشمارمیرود. علل اساسی این انحطاط تاحدی مربوط بمعتقداتی است که ازجبروتقدیر وتفویض الهام میگیرد. این انحطاط مواجه با جریان ترقیات فوق‌العاده وتمدن ملل مغرب زمین میگردد که در نتیجهٔ علم و عمل قدرت عظیم صنعتی آنان روز بروز افزایش می‌یابد.

زمین میان مردان‌باارادهٔای که علم وعمل وقدرت، آنان‌را باوج‌ترقی‌رسانیده تقسیم میگردد وغلبهٔ علم وصنعت جدید درپیشرفت سیاست انبساط ارضی اروپائیان درعالم‌اسلام شایدبیشترازسایرجاها مشهودمیباشد. دولتی مانندایران دورهٔفتحعلی‌ـ شاه که وسائل کهنه وقدیمی دراختیاردارد وازرموز وفنون جنگی بی‌بهره است در برابر حملات‌قوای مسلح اروپائی که جنگهای انقلابی‌وسپس جنگهای ناپلئون‌آنان را تعلیم داده وورزیده کرده است قادر بمقاومت نیست. «مسئلهٔ مشرق» یا تاریخ

تجزیهٔ امپراطوری عثمانی یکی ازمسائل مهم سیاسی قرن سیزدهم هجری است . در این قرن موضوع مهم سیاسی دیگری نیزوجود دارد که مربوط است باوضاع ایران- درصورتیکه درمسئلهٔ مشرق تمام دول معظم اروپا ذینفع هستند درموضوع ایران رقابت و اختلاف دو دولت انگلیس و روس روشن تر و شدیدتر از مسئلهٔ بالکان نمایان می‌شود .

دولت روسیهٔ تزاری درسیاست انبساط ارضی خود مواجه با سیاست تعمیم نفوذ و بسط تسلط دولت انگلستان میشود . رفته رفته دربرابر تزار که خودراحامی مسیحیان مینامد دولت بریطانیای کبیر قدعلم میکند وخودراپشتیبان ملل مسلمان میخواند .

بنوبهٔ خود بناپارت که مصمم بود بدولت انگلستان درمصر تعرض کند زمینهٔ مساعدی برای اجرای این تصمیم یعنی ادامهٔ جنك برضد بریطانیای کبیر در ایران که بادولت روسیه درجنك است پیدا میکند . با سقوط ناپلئون جنك مجدداً میان دودولت متحد سابق یعنی روسیه وانگلستان ادامه می‌یابدورقابت میان آنان شدیدتر میشود .

باوضعی که دولت ایران داشت قادربجلو گیری ازحرص وولع دولت روسیه نبود. فتحعلیشاه درقصر فقط بدباریان وحرمسرا حکومت میکرد . این مردخسیس وعیاش وفاسدالاخلاق معنی ومفهوم دولت وحکومت را طوردیگردرك وتعبیرمیکرد. بدون ابراز کمترین علاقه بوظایف سنگین وپرمسئولیت مقام سلطنت میخواست ازتمام مزایای حکومت استفاده کند .

اطرافیان وی جزجمع کردن وحفظ ثروت منظور وهدف دیگری نداشتند . علاوه‌براین، طلای انگلستان نیز آنان‌را ازجادهٔ راست منحرف ساخته بکلی فاسد کرده بود . افکارورفتار عباس میرزا ولیعهد ایران جلوس سلطان بزرگی‌را برتخت سلطنت ایران نوید میداد . وی شاید قادربودوموفق میشد که باوجود چنین دربار فاسدی سیاستی‌را تعقیب کند که بامنافع ایران منطبق باشد متأسفانه بامرگ نابهنگام وی

کشور ایران نتوانست از افکار بلند شاهزادهٔ قاجار بهره‌مند گردد.

البته وظیفهٔ سنگین بعهدهٔ عباس میرزا محول بود زیرا در آغاز قرن سیزدهم در ایران تشکیلات دولتی بمفهوم واقعی وجود نداشت هیچ قوه‌ای اختیارات شاه را تعدیل نمیکرد مگر نفوذ چندنفر رئیس ایل که در رأس طوایف چادرنشین، شهر یا ایالت یا ناحیه‌ای را در تحت سلطهٔ خود قرار میدادند. شاه نیز گاهی این عمل را رسماً تأیید کرده و آنان را در منطقهٔ نفوذ خود بحکومت منصوب میکرد ولی غالباً همینکه قدرت مرکزی ضعیف میشد این رؤسا که در کمین نشسته و در پی فرصت مناسب بودند علم طغیان بر افراشته و تمام مساعی خودرا برای رهائی از نفوذ وقدرت شاه بکارمیبردند.

با آنکه سربازان ایرانی بردبار وجسور وقانع ومتحمل بودند ودرارزش انفرادی آنان تردیدی نبود فتحعلیشاه باوضع نظامی موجود نمیتوانست بلشگریان روس فایق آید. بی‌انضباطی افراد و رؤسای آنان، بی‌بصیرتی فرماندهان نظامی ازفنون جنگی که درایران ازقرنها باینطرف تغییری نکرده بود بسهولت علاج پذیر وقابل ترمیم نبود.

بالاتر ازتمام این معایب، ایران آنزمان تشکیلات اداری منظمی نداشت وخزانهٔ دولت وخزانهٔ شاه باهم مخلوط بود.

فتحعلیشاه هیچگاه ندانست ونتوانست هزینه‌های ضروری را تشخیص داده و بالنتیجه سیاست روشنی را اتخاذ وتعقیب کند، اتخاذ وتعقیب سیاست روشن ومناسبی لازمهٔ این بود که زمامداران ایران اطلاعات وتجارب سیاسی کافی داشته باشند ولی متأسفانه رجال آن زمان فاقد اطلاعات سیاسی بودند وبارموز دیپلماسی و بازی های دقیق سیاستمداران مغرب زمین آشنائی نداشتند. از آنجاست که بی‌تجربگی وعدم بصیرت واعتماد کورکورانهٔ آنان دربرابر اظهارات مأمورین دول بیگانه اغلب باعث حیرت وتعجب است.

فقدان نیروی نظامی، فقدان مردان بزرك سیاسی، فقدان یك تشکیلات محکم

ومنظم کشوری علل اساسی شکستهای پی‌درپی دولت ایران بشماره‌میرود . بی‌اطلاعی زمامداران ایران از سیاست جهانی ، کشور مارا دراین دوره بازیچهٔ سیاستمداران اروپائی گردانید . یکبارناپلئون بامیدواهی ایجاد یك اتحاد دائمی بـا دولت روسیهٔ تزاری ایرانرا فدای سیاست جهانی خود کرد . باردیگردولت بریطانیای کبیرباابراز دوستی واغفال‌رجال ایران رضای خاطرمتحدخود دولت‌روسیه‌را جلب‌نمود. بالاخره زمام داران انگلستان ایران‌را وسیلهٔ دفاع مستعمرهٔ پرارزش هندوستـان قراردادند و مطابق سیاست روز ، کشور ما را بر ضد افغانستان یا برضد روسیه وادار به جنك کـردند .

درنتیجهٔ این سیاست‌ها و کشمکشها ، دولت ایران‌مستعدترین وثروتمندترین ایالات خودرا ازدست داده ونفوذ واعتبارش‌صدمه دیدوازهرحیث ضعیف وناتوان شد ودرنتیجه زمینهٔ پیشرفت رقابت‌های دول بیگانه در کشور ما تاسال ۱۳٤۰ (۱۹۲۱) بآسانی فراهم گردید .

ضمائم

I - معاهدات

II - منابع و مآخذ

III - فهرست اسامی

الف - اسامی اشخاص وطوایف و معاهدات

ب - اسامی امکنه و بلاد

۱ـ معاهدات منعقده بادولتین روس و انگلیس

از ۱۲۳۴ تا ۱۲۴۳

عهدنامهٔ مجمل (۱)

صورت عهدنامهٔ مبارکهٔ میمونه که بوکالت سرهرفردجانس ایلچی مختار دولت انگلیس در دارالخلافهٔ طهران صانهاالله عن الحدثان سمت تحریر یافته با جناب صدراعظم میرزا شفیع وحاجی محمد حسینخان نظام‌الدوله .

چون دراین اوان سعادت نشان سفیر بی نظیر روشن ضمیر صائب تدبیر صاحب نشان همایون هوالله عثمانیه عالیجاه عمدة الاعاظم المسیحیه سرهرفردجانس برونت ازجانب سعادت جوانب شهریار کامکار خیر وعدل گستر مکارم شعار نظم آرای بناظم کشورستانی صدرنشین ارایك سلطنت وتاجداری شرف افزای سپهر جلالت وبختیاری خدیو باذل عادل دارای ابر کف دریا دل پادشاه والاجاه فلك دستگاه ممالك فسیح المالك انگلستان وهندوستان ادام‌الله تعالی ایام سلطنة الباهره برسم سفارت با نامهٔ همایون پادشاهی وارد آستان سپهرنشان وشرف اندوز تقبیل عتبهٔ علیهٔ اعلیحضرت قدرقدرت قضا همت گردون حشمت جهاندار خدیو مکرم فلك یاور خسرو اعظم بلنداختر داور انجم خدم مالك رقاب الامم غوث الاسلام والمسلمین عون الملة والدین قهرمان الماء والطین شهریار عجم اقتدار کشور خجسته ایران وتوران لازالت شارق اقباله مطاع کواکب الاجلال گردیده موافق وکالت نامچهٔ معتبرهٔ میمونهٔ ممهوره بمهر مهرآثار پادشاه والاجاه معظم الیه در تشیید مبانی یکجهتی والفت دولتین علیتین وکیل مطلق ومعتمد مختار بود از طرف بهی الشرف شاهنشاه سپهر بارگاه ممالك ایران نیز عالیجاهان جلالت ونبالت پناهان مجدت وحشمت همراهان مقرب الخاقان صدرالوزراء الفخام معتمدالدولة العلیة الباهره میرزا محمدشفیع وزیر وامیرالامراء العظام امین الحضرت البهیة القاهره

۱ـ وزارت خارجهٔ ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل اداری دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

حاجی محمدحسین خان مستوفی الممالك دیوان همایون ازقرارفرمان اشرف جداگانه وکالت مطلقه تعویض رفته که باعالیجاه ایلچی مشارالیه بتمهید شرایط مودت و یکجهتی و وفاق دولتین پرداخته ارکان اتحاد حضرتین را بنحوی که متضمن صلاح طرفین باشد مستحکم ومشید ساخته باشند لهذا عالیجاهان مشارالیهم بعداز انعقاد مجالس عدیده وطی مقالات ومکالمات لازمه باستصواب ورضای یکدیگربنای عهد ومیثاق و ادای شروط یگانگی ووفاق فیمابین دولتین باصول مفصلهٔ ذیل گذاشته بر اولیای هردو دولت ثابت داشتند که ازین پس هریك بنهج مسطورعمل را متروك و مهمل نگذارند.

فصل اول – چون تفصیل شروح و توضیح و تعیین مقاصد جانبین موقوف میبود بمکالمات گوناگون ومجالس متعدده عجالةالوقت این وثیقهٔ میمونه که عهد نامهٔ مجمل است مرقوم میگردد تاکاخ دوستی واتحادرا بنیادی متین باشد مکنونات ضمایر جانبین بنیانی مبین و قرار اینکه من بعد عهدنامهٔ مفصلی مشتمل بر جمیع مقاصدوحاکی تمامی شرایط وضوابط مرقوم وبخط ومهرو کلاء ثلاثه مختوم گردد ومداریکجهتی دولتین برآن باشد.

فصل دوم - باید که این عهد خجسته که در میان دو دولت بصدق و راستی بسته‌اند ازهرگونه تغییروتبدیل مصون وروزبروز ملزومات ومقتضیات یگانگی در میانه افزون باشد و پیوند مواحدت و موافقت بین این دوپادشاه زاده همالله ملکا و سلطاناً و ولیعهد و فرزندان واحفاد و امجاد ایشان ووزراء وولات وحکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالاباد استوار ماند.

فصل سوم - اولیای دولت علیهٔ ایران برخود لازم داشته که ازتاریخ این عهد نامه هر عهد و شرطی که باهریك از دولتهای فرنك بسته‌اند باطل سازند و لشکر فرنك را ازحدود متعلقهٔ بخاك ایران راه عبور بطرف مملکت هندوستان وسمت بنادر نخواهند داد

فصل چهارم - دراینصورت که لشکری ازطوایف فرنك بمملکت ایران آمده

باشد یادرصورتیکه بیاید پادشاه انگلستان قشون وتدارك واسباب یادرعوض وجه نقد توپ وتفنك ومعلم وعمله بقدری که صلاح دولتین باشد بخدمت‌شهریار سپهراقتدار ایران بفرستدودررفع ودفع ایشان بلشکریا پول کمال اعانت وامداد نمایند وبعد از این قشون بامبلغ وجه و مقدار تدارکات واسباب ازقراریست که در عهدنامهٔ مفصل مشخص‌ومعین خواهد شدواگراحیاناً بنای مصالحه فیمابین الطایفه فرنك که‌بادولت ایران‌جنك دارند بااولیای دولت انگلیس اتفاق افتد پادشاه والاجاه ممالك انگلستان کمال سعی ودقت واهتمام نماید که فیمابین ایران و آنطایفه نیزرفع دشمنی شده صلح واقع گردداگرخدا نخواسته این سعی بجائی نرسد شاه انگلستان بطریقیکه مرقوم‌شده درعهدنامهٔ‌مفصل تشخیص داده خواهد شد قشون ولشکریا وجه‌نقدواسباب بکومك ایران بدهند واین اعانت و کومك را مادام که جنك فیمابین ایران‌وانطایفه باشد داده تاهنگامیکه رفع جدال بشود وانطایفه با دولت ایران صلح نماید مضایقه دردادن کومك‌ننمایند وهرگاه افاغنه هندوستان‌را بااولیای انگلیس نزاعی وجدالی باشد اولیای دولت‌ایران ازاینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولت‌انگلیس‌اعانت وامداد نمایند ازقراریکه‌درعهدنامه مشخص خواهد شد .

فصل پنجم ـ اگر از سواحل هندوستان قشون ولشکر وارد بحرالعجم شده باشد قبل ازاذن ورخصت اولیای دولت‌ایران درجزیره خارك یاجای دیگرازسواحل عمان نزول کرده باشد بهیچوجه من‌الوجوه دخلی وتصرفی درآنجا نکرده از تاریخ عهدنامهٔ میمونه قشون مذکوره درتحت اختیاراولیای دولت ایران باشداگرعالیجاه حشمت‌دستگاه فرمانفرمای هندوستان‌قشون مزبوررابرای حراست‌حدود هندوستان ضرور نداشته باشد و اولیای دولت ایران خـواهند برای ادارهٔ خود همان قشون را نگاهدارند واگرنخواهند روانهٔ هندوستان نمایند ودرعوض قشون بطریقی که سبق ذکریافت ودرعهدنامه مفصل‌مشخص خواهد شد وجه نقد برای اخراجات وتدارکات بازیافت‌بنمایند .

فصل ششم ـ اگـر قشون مذکور بخواهش اولیای دولت ایران در جزیرهٔ خارك یاجای دیگر ازسواحل عمان توقف نمایند بایدازجانب کار گذاران ایران کمال شفقت ومهربانی نسبت بایشان بعمل آید وبحکام ومباشرین بنادر فارس قدغن نمایند که هرقدر سیورسات و آذوقه برای قشون مذکور ضرور باشد بنرخ وتسعیرعادلـهٔ وقت بایشان فروخته قیمت بازیافت بنمایند ٠

فصل هفتم ـ اگر جنك ونزاعی فیمابین ایران وافغان اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس رادرآن میان کاری نیست وبهیچ طرف اعانت وامداد نخواهد کرد مگراینکه بخواهش طرفین واسط صلح گردند .

فصل هشتم ـ این عهد نامچهٔ میمونه برسم معنی بجهة محافظت مرقوم و در ضمن العهدشرط رفت که مادامیکه این عهد جاویدمشروط مقرره مفصله بین الدولتین برقرار است اولیای دولت دوران مدت ایران عهدوشرطی که مخالف دوستی انگلیس وباعث اهانت واضرارایشان درحدود هندوستان شود باهیچیك ازطوایف فرنك ننماید امید که این عهد همایون خجسته تاابدپایدارواین پیوند میمون بااولیای هردو دولت محاسن وفوایدآثار گردد ما که وکلا میباشیم براستی واستحکام این عهدنامه میمونه دستخط ومهر گذاشته ایم بتاریخ دوازدهم ماه مارچ هزاروهشتصدونه عیسویه مطابق بیست وپنجم شهرمحرم الحرام سنه ۱۲۲٤ من هجرة المصطفویه .

عهد نامه مفصل

صورت عهدنامهٔمبارکهٔ میمونه که بوکالت سر کوراوزلی برونت ایلچی مختار انگلیس درثانی بطریق مشروح مفصل دردارالخلافهٔ طهران صانها الله عن الحدثان بوکالت جناب صدر اعظم میرزا محمد شفیع وحاجی محمدخـان نظام الدوله فیمابین دولت علیه ایران ودولت بهیه انگلیس بسته شد.

الحمدلله الوافی الکافی امـا بعد این خجسته اوراق دسته گلیست که از گلزار بیخار وفاق رسته وبدست و کلای حضرتین علیتین برسم عهدنامهٔ مفصل برطبق خلود پیوسته میگردد جون قبل ازاینکه عالیجاه زبدة السفرا سرفردجنس برونت ازجانب دولت علیه انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولتین وارد دربار شهریاری شده بود عهد نامهٔ مجملی فیمابین و کلای دولت ایران اجل الکفات الفخام صدرالوزراء العظام شرفـاًللصدارة والوزارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم وامیرالامراء الکرام المؤتمن الحضرت العلیة العالیه امین الدولة البهیه السنیه قواماً للجلالة و النباله حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالك دیوان معظم بامشارالیه که وکیل وسفیر دولت انگلیس بود بشروط چند که تعیین وتبیین آن بعهد نامـهٔ مفصل رجوع شده مرقوم گردیده بودند حال که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و فخامت همراه شهامت و صداقت اکتناه فطانت ودرایت آگاه دولتخواه بلااشتباه سر کوزاوزلی برونت ایلچی بزرك دولت مزبور بـرای انجام عهود و اتمام مقاصد دولتین شرفیـاب التزام درگاه خلایق پناه پادشاهی میباشد وازجانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات یکجهتی است و کلای این همایون حضرت قاهره بصلاح و صوابدید مشارالیه شروع در تفصیل

۱- وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل اولیای دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

عهود کردن وتفصیل مقاصد از قرار یست که درفصول لاحقهٔ دوازده گانه شرح داده خواهد شد وامور متعلقه بتجارات ومعاملات ازقرار یست که درعهدنامهٔ تجارنامه مفصل خواهد گشت .

فصل اول ـ اولیای دولت ایران برخود لازم دانستند که از تاریخ این عهدنامهٔ فیروز هرعهد وشرطی که بهریك ازدولتهای فرنك بسته‌اند باطل وساقط سازند و لشکرسایرطوایف فرنگستان‌را ازحدود متعلقهٔ بخاك ایران راه عبوربطرف هندوستان وسمت بنادر ندهند واحدی ازاین طوایف را نگذارند که داخل مملکت ایران شوند واگرطوایف مزبور خواهند که ازراه خوارزم یا تاتارستان وبخارا و سمرقند وغیره عبوربمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی‌المقدورپادشاهان ووالیها و اعیان آن ممالك را مانع شوند وازراه طوایف مزبوررا بازدارند خواه ازراه تهدید وتخویف و خواه ازروی وفق ومدارا .

فصل دوم ـ اگردشمنی ازطوایف فرنك بمملکت ایران آمده باشد یابیاید واولیای دولت ایران ازدولت انگلیس خواهش اعانت وامداد نمایند فرمانفرمای هند ازجانب دولت انگلیس هرگاه امکان وقدرت داشته باشد بقدری که خواهش اولیای دولت ایران است عسکروسپاه ازمملکت هندوستان روانهٔ سمت ایران نمایند و اگر بعلت بعضی گرفتاریها فرستادن سپاه امکان نداشته باشد هرساله مبلغ دویست هـزار تومان بجهة اخراجات سپاه بسرکار دولت ایران بدهند مادام کـه جنك وجدال بـا طوایف مزبوره در میان باشد وجوه مزبور برقرار کارسازی شود و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت انگلیس‌را لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضرومطلع وخاطرجمع شود و بداند که درخدمت مرجوعه صرف می‌شود .

فصل سوم ـ اگراحیاناً طایفه فرنك‌را که با دولت ایران نزاع وجدال دارند بادولت انگلیس مصالحی اتفاق افتدپادشاه انگلستان کمال سعی ودقت نماید که فیمابین آنطایفه نیزدفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد واگراین سعی بجائـی نرسد پادشاه ذیجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شد ازمملکت هند سپاه بکومـك ایـران

مأمور نمایندیاآنکه دویست‌هزارتومان مقرره را برای خرج لشکر و غیره کارسازی دولت ایران نمایند و این اعانات و امداد را مادام که جنك فیمابین دولت ایران وآنطایفه باشدورفع جدال نشودآنطایفه بااولیای دولت ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند و بشروط مرقومهٔ مفصله‌دراین امداد کوتاهی ننمایند و درصورتیکه صلح فیمابین آنطایفه ودولت انگلیس اتفاق‌افتد بازهروقت‌اولیای دولت علیهٔ ایران‌خواهند وجنك‌وجدال باانطایفه رفع‌نشوده‌معلم‌وغیره بجههٔ تعلیم‌وتعلم‌سپاه‌ایران‌خواهنداولیای دولت انگلیس بشرط فراغت وی بقدرمقدور البته مضایقه ننمایند .

فصل چهارم - چون قرارداد مملکت ایران‌این است که مواجب قشون شش ماه بششماه پیش داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض سپاه ازدولت انگلیس داده شده چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی‌آندولت هرچه ممکن شود زودتروپیشتر مهمسازی نماید .

فصل پنجم - هرگاه افاغنه را با اولیای دولت انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران سپاه تعیین نموده بقسمی که‌مصلحت‌دولتین باشدبدولت انگلیس اعانت وامداد نمایند ووجه‌اخراجات‌آنرا ازاولیای دولت انگلیس بگیرندازقراریکه اولیای دولتین قطع وفصل خواهند کرد .

فصل ششم-اگرجك جنگ‌ونزاعی فیمابین‌ایران‌وافغان‌اتفاق‌افتداولیای‌دولت انگلیس‌را درآن میان‌کاری نیست وبهیچ طرف کومك وامدادی نخواهد کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند .

فصل هفتم - درصورتیکه درسواحل دریای قلزم چوب و اسباب مهیا شود وشاهنشاه ایران‌خواهش‌فرمایند که درحوزه‌های بحرمزبور کشتیهای جنگی‌بسازند پادشاه انگلستان اجازت بمعلم وعملهٔ کشتی سازوغیرهم ازدارالسلطه‌لندن‌وهم‌ازبندر بنبائی (بمبئی) نمایند که بخدمت شاهنشاهی ایران حاضر و بخدمت مرجوعه مأمور شوند ومواجب واخراجات‌آن باسرکارپادشاه دولت ایران بروفق قراری که‌باایلچی دولت انگلیس داده خواهد شد .

فصل هشتم - اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود اورا گرفته روانه ایران نمایند و درصورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی ازامنای دولت ایران درباره او بحاکم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرود آمدن ندهند وبعد ازممانعت اگر آنکس فرود آید اورا گرفته روانهٔ ایران نمایند .

فصل نهم - اگر در بحرالعجم اولیای دولت ایران را امدادی ضرور شود اولیای دولت انگلیس بشرط امکان و فراغبال در آنوقت کشتی جنگی وقشون بدهند واخراجات آنرا موافق برآورد آنوقت قطع وفصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بـر آن حوزه‌ها ولنگرگاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند و ازجای دیگر بیرخصت وضرورتی عبور نکنند .

فصل دهم - مواجب صاحبان ومعلم و عمله و غیره را امنای دولت انگلیس خواهند داد لکن چون شاهنشاه ایران نخواسته که کسی که بخدمت ایشان مشغول باشد از عنایات خسروی بی‌بهره باشد لهذا از وفـور عنایت بموجب تفصیل علی‌قدر مراتبهم مواجب در وجه هریك برقرار فرمودند لئوتنان ۳۶۰۰ تومان میجرجنرال ۲۶۰۰ اکواندجنرال ۱۵۰۰ تومان صاحبان ومعلمان که اکنون دررکاب ظفرانتساب شاهنشاه جمجاه ایران حاضر ومشغول خدمت میباشندهریك ازصاحبان مرتبتهـای مفصلهٔ حشو که بعدازاین حاضر شوند ازقراریکه درحشو مشخص شده‌است موافق رتبه بهریك انعام داده خواهد شدوهریك ازایشان که برسایرملتزمین وحاضرین بزرگتر وحکمران باشدنصف آنچه موافق مرتبه برای اومقرر شده است علاوه انعام داده‌خواهد شد که مرحمت شود و اگرخدا نخواسته یکی ازایشان درخدمت مرجوعه کوتاهی نماید بمجرد اظهار آن بایلچی ازخدمت رانده خواهد شد .

فصل یازدهم - چون منظور دوپادشاه آن است که اینعهد جاوید ابدالاباد بین اولاد و احفاد امجاد پایدار و برقرار بماند از هردو طرف بهی‌الشرف قـرارداد

چنین شد کـه هریك از کواکب فروزان سپهر پادشاهی که ولیعهد دولت و زینت ـ
بخش سریرسلطنت باشد بادولت دیگر عهود یکجهتی ودوستی را پایدارنداشته این
طریق راممضی ومعمول دارندوهر گاه ولیعهد یکی ازدولتین علیتین محتاج باعانت جدیدی
ازدولت دیگر گردد بطریقیکه پیشرفت وصلاح دولتین ومملکتین و مقدور طرفین
باشد مضایقه و کوتاهی درامدادواعانت ننمایند وامدادی که الحال ازقرارتفصیل فصول
سابقه دراین عهدنامه میمونه مشخص شده است باید باولیعهد مستمر وبرقرارباشد .

فصل دوازدهم - چون ازقراریکه براولیای هردودولت واضح و از مکنون
دل وضمیر یکدیگرواقف شده اند منظور این عهددوستی ازدیاد قوت هردو دولت و
وسعت هردو مملکت است و هریك ازپیشنهاد خاطراین است که تقویت بیکدیگر
کرده برمملکت یکدیگرافزوده باشندومطلب وخواهش امنای دولت انگلیس این
است که دولت ایران روزبروز زیاده قوی ومستحکم گردد وازخارج کسی نتواند دخل
درمملکت مزبور نماید وبامداد دولت انگلیس دولت مملکت ایران قوی و فسیحتر
گردد اگربرسرامور داخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان وسردارها مناقشتی
روی دهد دولت انگلیس را درآن میان کاری نیست تاشاه وقت خواهش نماید واگر
احیاناً احدی ازمشارالیهم ولایتی وجائی ازخاك متعلقه مملکت ایـران را بآندولت
بهیه بدهند که بازای آن کومك واعانتی نمایندهرگزاولیای دولت انگلیس باین امر
اقبال نکرده پیرامون آن نخواهد گشت ودخل و تصرف در مملکت متعلقه بایران
هرگزنخواهند فرمود تمت الفصول بالیمن والسعادت امید که اینعهد میمون خجسته
بافواید ونتایج نیك تا ابد منعقد وپیوسته ماند این عهدنامه میمون را ما که وکلای
حضرتین علیتین میباشیم بصداقت و راستی مشحون بفصول دوازده گانه مستحکم و
منعقدداشته دستخط ومهر گذاشته ایم بتاریخ چهاردهم ماه مارچ هزاروهشتصدودوازده
عیسویه مطابق بیست و نهم شهرصفرالمظفر سنه ۱۲۲۷ علی هاجرهـا السلام والتمة
تحریرا فی دارالخلافه طهران صانهاالله عن الحدثان .

سواد عهد نامه دولت ایران با دولت انگلیس که در ثانی مستر الیس بسته است [1]

بتاریخ ذیحجة الحرام ۱۲۲۹

صورت عهدنامه مبارکه میمونه که عالیجاه مستر الیس و مستر موریه وکیل مختار دولت بهیه انگیز باوکلای دولت علیه ایران ودر دارالخلافه طهران صانها الله عن الحدثان دومرتبه بسته شده

الحمدلله الوافی اما بعد این خجسته اوراق دسته گلی است که از گلزار بیخار وفاق رسته وبدست اتفاق وکلای حضرتین علیتین برسم عهد نامهٔ مفصل صدق خلود پیوسته میگردد چون قبل ازین که عالیجاه زبدة السفراء سر هرفرجانس هردنه که از جانب دولت اعلیه انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولتین علیتین وارد در بار سپهر اقتدار شهریاری شده بود عهدنامه مجملی فیمابین وکلای دولت علیه ایران اجل الکفاه الفخام صدرالوزراء العظام نظاماً للصدارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم و وامیرالامراء الکرام مؤتمن الحضرت العلیه العالیه امین الدوله السنیه قواماً للجلاله و النباله حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالك دیوان معظم بامشارالیه که وکیل وسفیر دولت بهیه انگلیزه مصدق وممضی آمده بعد که عالیجاه رفیعجایگاه فطانت و همراه عمدة الاکابر سرگوزاورلی برونت ایلچی بزرگ دولت مزبور برای اتمام عهود وانجام مقاصد حضرتین شرفیاب التزام درگاه خلایق پناه پادشاهی گردید و از جانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات یکجهتی بوده وکلای این همایون خصلت قاهره بصلاح وصوابدید مشارالیه عهدنامهٔ مفصله مشتمله برفصول وشروط معینه

۱ــ وزارت خارجهٔ ایران عهد نامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل اداری دولت علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

مرقوم ومشروح ساخته بعداز آنکه عهدنامهٔ مزبور منظور دولت بهیه انگلیزه گردیده بود چند فصل از آن‌را باتعبیرات چند بمقتضای‌مراسم یکجهتی واتحاد دولتین انسب دانسته عالیجاه رفیع جایگاه شهامت ودرایت آگاه معتمد آندولت بهیه هنری‌الیس‌را روانه و درطی نامهٔ دوستانه خواهشمند تعبیرات مزبوره گردیده بودنـد لهذا مجددا جناب‌صدرالوزراء العظام نظاما للصدارة والاحتشام‌صدراعظم معزی‌الیه‌ومقرب‌الخاقان نایب‌الوزارة میرزا بزرگ قائم مقام و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی‌الممالك دیوان همایون و وکلای دولت علیهٔ ایران عالیجاه رفیعجایگاه عـزت ومناعت همراه زبدةالکبرا مستر موریه ایلچی جدید دولت بهیهٔ انگلیزه و عالیجاه مشارالیه شروع درتفصیل شروط وعهود کرده مقاصد معاهدهٔ میمونه از قراریست کـه بعدازتعبیرات مزبوره درفصول لاحقهٔ یازده گانه شرح داده خواهد شد و امـور متعلقه بتجارات و معاملات‌مملکتین‌ازقراریست که‌درعهدنامهٔ تجارجدا گانه‌معین ومفصل‌خواهد گشت .

فصل‌اول ــ اولیای‌دولت علیهٔ ایران‌برخودلازم‌داشتند که ازتاریخ اینعهدنامه فیروز هرعهد و شرطی که بهریك از دولتهای فرنك که با دولت بهیهٔ انگلیزه در حالت نزاع و دشمنی باشد بستداند بـاطل و ساقط دانند و لشکر سـایر طـوایف فـرنگیان از حدود متعلقه بخاك ایـران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بـنادر هند نـدهند واحدی ازین طوایف کـه قصد هندوستان و دشمنی با دولـت انگلیزه باشد نگذارند که داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا وسمرقند وغیره عبوربممملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی‌المقدور پادشاهان و والیها واعیان‌آن ممالك را مانع‌شوندواز راه دادن طوایف مزبور باز دارند خواه ازراه تهدید و تخویف و خواه از روی رفق ومدارا .

فصل دوم ــ چون این عهد خجسته که در میان دو دولت ابد مدت بدست صدق و راستی بسته‌اند امید چنان است که بخواست خدای یگانه از هرگونه تغییر و تبدیل مصون و روز بروز ملزومات و مقتضیات یکجهتی ویگانگی درمیانه‌افزون و پیوند مواحدت وموالفت میان این دو پادشاه جمجاه فلك دستگاه زادهماالله تعالی

ملکاً وسلطاناً و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و ولات و حکام‌ولایات وسرحدات مملکتین‌ابدالآباد برقرارواستوارباشد پادشاه والاجاه‌انگلیس قرارداد مینماید که اگربرسراموداخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان با امرا و سردارها مناقشتی روی دهد دولت بهیهٔ انگلیس را درآن میان کاری نیست تاشاه وقت خواهش نماید واحیاناً اگر احدی ازمشارالیهم ولایتی وجائی از خاك متعلقه بایران‌را بآندولت بهیه بدهند که‌بازای‌آن کومك واعانتی نمایندهرگزاولیای‌دولت بهیهٔ انگلیس باین امر اقبال نکرده پیرامون‌آن نخواهند گشت و دخـل وتصرف در ممالك متعلقهٔ بایران هرگزنخواهند نمود .

فصل سوم ـ مقصود کلی ازاین عهدنامه آنستکه دو دولت قـوی شوکت از جانبین امداد وکومك بیکدیگر نمایند بشرطیکه دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند ومنظور این است که ازامداد جانبین بیکدیگرهردودولت قـوی ومستحکم گردند واین عهدنامه محض‌ازبرای نمودن دشمنان درنزاع وجدال استقرارپذیرفته ومرادازسبقت تجاوزنمودن ازخاك متعلقه بخودوقصدملك خارج ازملك‌خود کردن است وخاك متعلقه بهریك ازدولتین ایران وروس از قراریست کـه باستصواب دولت علیهٔ ایران وانگلیزه ودولت روس بعدازاین مبین ومشخص خواهد گشت .

فصل چهارم ـ چون دریك فصل ازفصول عهدنامهٔ مجمله که فیمابین دولتین علیتین بسته شده قراردادچنین است که اگرطایفهٔ ازطوایف فرنگیان بممالك ایران بعزم دشمنی بیایند دولت ایران از دولت انگلیس خواهش امداد نماید فرمانفرمای هند ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس خواهش مزبور را بعمل‌آورده ولشکربقدرخواهش باسردارواسباب واساسه‌جنك ازسمت هندوستان بایران بفرستد واگرفرستادن‌لشکر امکان نداشته باشد بعوض‌آن ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس مبلغی وجه نقد که قـرار آن درعهدنامهٔ مفصله که من‌بعد فیمابین دولتین‌قویتین وقویمتین بسته میشودمعین خواهد شد والحال مقرراست که مبلغ ومقدارآن دویست هزارتومان سالیانه خواهد بودواگردولت علیهٔ ایران‌قصد ملکی‌خارج ازخاك خود نموده درنزاع وجنك‌سبقت

نموده وباطایفهٔ ازطوایف فرنگستان نمایندامداد مذکوره ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس بهیچوجه داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیهٔ انگلیس را لازم است که ازرسیدن آن بقشون مستحضر وخاطرجمع شود وبداند که درخدمات مرجوعه صرف میشود .

فصل پنجم - هرگاه دولت علیهٔ ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنك معلم بایران بیاورند مختارند که ازمملکتی ازممالك فرنك که با دولت بهیهٔ انگلیزه نزاع وجدال نداشته باشد معلم بگیرد .

فصل ششم - اگر کسی ازطوایف فرنك که درحالت مصالحه بادولت بهیهٔ انگلیس میباشد نزاع وجدال با دولت علیهٔ ایران بنمایند پادشاه والاجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شده ازمملکت هند عسکر وسپاه بکومك ایران مأمور کنند یااینکه دویست هزارتومان مقرره را برای خرج عساکر وسپاه وغیره کارسازی دولت علیهٔ ایران نمایند این اعانت وامدادرا مادام که جنك فیمابین دولت علیهٔ ایران و آنطایفه باشدواولیای دولت علیهٔ ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند .

فصل هفتم - چون قرارداد مملکت ایران این است که مواجب قشون ششماه بششماه داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض عساکر ازدولت بهیهٔ انگلیس داده میشود چنین شد که تنخواه مزبوررا ایلچی آندولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر وپیشتر مهمسازی نمایند .

فصل هشتم - هرگاه طایفهٔ افاغنه‌را بادولت بهیهٔ انگلیس نزاع وجدالی باشد اولیای دولت علیهٔ ایران ازینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولت بهیهٔ انگلیس امداد واعانت نمایند ووجه اخراجات آنرا ازاولیای دولت بهیهٔ انگلیس بگیرند ازقراریکه اولیای دولتین قطع وفصل خواهند کرد .

فصل نهم - اگرجنك ونزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را درآن میان کاری نیست وبهیچ طرف کومك وامدادی نخواهد کرد مگراینکه بخواهش طرفین واسطهٔ صلح گردند .

فصل دهم - اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود اورا گرفته روانهٔ ایران نمایند و درصورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی ازامنای دولت ایران دربارهٔ او بحاکم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرودآمدن ندهند وبعد ازممانعت اگر آنکس فرودآید اورا گرفته روانه ایران نمایند وهمچنین ازجانب دولتین معلوماست که شرایطاین فصل مذکورازطرفین استقرار پذیرفته .

فصل یازدهم - اگردربحرالعجم دولت ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگلیس بشرط امکان وفراغبال درآنوقت کشتی جنگی وقشون بدهندواخراجات آنرا موافق برآوردآنوقت قطع وفصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن حوزه‌ها ولنگرگاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند وازجای دیگر بیرخصت وضرورتی عبورنکنند .

ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم این عهدنامهٔ مفصله را که سابقاً فیمابین وکلاء دولتین علیتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حال تغییرات چند که منافی دولتین میبودواصلاح حضرتین انسب مینمود (منافی دوستی ویکجهتی دولتین بودو بصلاح حضرتین انسب مینمود) بفصول یازده گانه تقریروتبیین یافته دستخط و مهر گذاشتیم بتاریخ بیست وپنجم ماه نوامبر سنه ۱۸۱٤ عیسوی مطابق دوازدهم شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۲۹ هجریه مصطفویه علیه السلام تحریراً فی دارالخلافه طهران صانهاالله تعالی عن طوارق الحدثان . بندهٔ درگاه محمدشفیع العبد علی عبدالوهاب

عبدالوهاب العبد علی بندهٔ درگاه محمدشفیع

صورت احتجاجی که مستر الس ایلچی دولت انگلیس بسته است (۱)

احتجاجی که جناب قائم‌مقام مستر الس و مستر موریه درحین آمدن مشارلیهما درباب تعبیر عهدنامه فرموده‌اند.

مارا بآن عالیجاهان که ایلچیان دولت بهیهٔ انگلیزه و متکفل مهمات دوستی دولتین میباشند درلزوم قراردادی ومعلم سه حجت است :

حجة اول – مبنای این حجت ما همان عهدنامهٔ مبارکهٔ مجمله ومفصله است بیان این سخن‌را چنین میکنم که مادامیکه صلح حقیقتاً واقع نشود باید دولت بهیهٔ انگلیزه ازعهدهٔ تنخواه‌قراردادی برآیند واین‌صلح مجمل مابا‌روسیه حقیقتاًمشروط باسترداد ولایات‌است ایلچی مابپایتخت روسیه‌رفته است عهدنامهٔ مفصله درمیان‌است تاایلچی برگردد وعهدنامهٔ‌مفصله بستدشود حقیقتاً صلح مشخص نشده‌است‌ومامستحق اخذ تنخواه تاهنگامیکه این‌امر مبهم ونامحقق است خواهیم بود دوشاهد مابراینمعنی که مصالحهٔ ما با روسیه مشروط باسترداد ولایات است و هنوز باتمام نرسیده است همان کاغذهای ایلچی بزرگ شماست وحجتی که او سپرده وصریحاً در آن نوشته است که تا عهد نامه مفصله نرسد تنخواه را از عهده برآید دلیلی است واضح برعدم تحقق مصالحه واتمام‌آن واین سخن شما که حجت تنخواه سپردن ایلچی‌بی‌امضای دولت برای ما که ایلچیان‌جدیدیم حجت نیست واگر فرضاً مسلم باشد جواب این سخن ما نمیشود چراکه مابحجت ایلچی مطالبه تنخواه ازشما نمیکنیم بلکه‌بحکم فصل چهارم ودویم عهد نامه مفصله تنخواه را مطالبه مینمائیم وحجت ایلچی‌ودیگر

۱– وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اولیای دولت‌علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

کاغذهای اورا شاهد عدم تحقق مصالحه واتمام آن قرارداده‌ایم .

حجهٔ دویم ـ مبنای این حجت ، برسخنان ایلچی بزرگ شما است ، که ایلچی بزرگ دولت انگلیزه‌را موافق اختیارنامهٔ پادشاه ذیجاه مختارمطلق ووکیل آندولت بهیه درطی مهمات یکجهتی دولتین عموماً یافته‌ایم ونامهٔ مبارکهٔ پادشاه وکاغذهای وزرای دولت که دردست‌هست براختیار وعزتشان ووکالت مطلقه او دلیلی است واضح واینمعنی برهمهٔ ایران وروس وصاحبان شما که درآنجا بوده‌است آشکار است که‌مارا درسال گذشته هیچ رأیی بمصالحه با روسیه نبود بلکه درجنك اصرار زیاد داشتیم ایلچی شما مایل وبانی مطالحه وواسطهٔ صلح ومصرترك جنك‌شد وسخن درین بود که دولت انگلیزه خواهان این صلح میباشند واین صلح‌را برای دولت خود ودولت ایران افاقه میدانند شمااین صلح‌را مجملا قبول ننمائید (کنید) و درقید قرار ومدار استرداد ولایات باسردار روسیه در عهد نامه مجمله نباشند و خاطر جمع دارید که مقصود اصلی‌وشرط کلی مصالحه که استردادولایات است بتوسط دولت انگلیزه‌بعمل خواهدآمد کاغذی های اوبراینمعنی شاهد است وازآنجا که دولت انگلیس درراستی عهدودرستی‌قول مسلم ومشهورعالم است سخن ایلچی بزرگ هم بحکم اختیار نامه پادشاه فلك جاه ومراسلات‌وزرای بزرگ باسخن دولت تفاوتی ندارد ماقبول‌مصالحه مجمله وشروط کردیم خاطرجمعی ما باآندولت وسخنان ایلچی بزرگ آندولت‌بوده وگرنه به‌چنین صلحی بی‌سرانجام اقبال نمودیم (نمینمودیم) وبحکم همین کاغذها که ازایلچی‌دردست داریم‌استرداد ولایات واتمام‌مصالحه‌راازدولت انگلیزه‌میخواهیم وتاولایات استرداد نشودوعهدنامهٔ مفصله بطریقیکه ایلچی بزرگ آندولت باما قرار داده است باتمام نرسد تنخواه‌را مطالبه مینمائیم .

حجهٔ سیم ـ دراین‌حجهٔ‌قطع نظرازتفصیلهای گذشته میکنیم وهمین میگوئیم ما ازایلچی‌بزرگ آندولت که بحکم اختیارنامه قائم‌مقام پادشاه فلك جاه‌است‌حجتی صریح دردست داریم که تا عهدنامه مفصله نرسد تنخواه را ازعهده برآیدوانصاف دولت انگلیزه را ازاین بیشترمیدانیم که حجهٔ ایلچی‌بزرگ راکه در حقیقت حجهٔ

دولت است انکارنمایندشما که حال ایلچیان معتمدآندولت بهیه‌اید وبحکم‌اختیارنامه کفیل مهمات یکجهتی دولتین میباشید بمراتب مرقومه انصاف خواهیدداد مارا بآن عالیجاهان که‌ایلچیان معتمد دولت بهیهٔ انگلیزه‌اند درباب معلمین انگلیس‌سخن‌این است که البته بر شما ظاهر است که نظام‌آلات بانظام دولت علیهٔ ایران دراین سالها بقانون دولت بهیهٔ انگلیس منتظم گشته وهمواره معلمین انگلیس متوجه تعلیم آنها بوده‌اندواگردراینوقت معلمین انگلیس ترک‌تعلیم‌آنها نمایند شیرازهٔ نظام‌آنهامختل خواهد شدواینهمه خسارت ومرارت که دراینمدت برای این نظام رسیده است ضایع وباطل خواهد شد (بود) دولتین هم درحکم دولت واحد است و در حقیقت نقصانهـا بآندولت میرسد و تفاوتی ندارد و اگـرسخن شما این است که دراصلاندوز برخلاف قانون معلمین انگلیس بجنگ سپاه روس کرده‌اند البته گوشزد شما شده است که در آن‌هنگام وهنگامیکه وضعی اتفاق افتاد که غیرت فتری معلمین‌انگلیس‌تاب تحمل نیاورد وبعضی خودباختیار نه بحکم کارپردازان این دولت علیه اقدام بجنگ کردند روزنامهٔ نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه که بدولت انگلیس مرقوم شده دراین باب شرحی‌نگاشته‌وانشاءالله‌تعالی‌من‌بعدازاینگونه‌امور روی نخواهد داد واهتمام والتفاتی زیاده درانتظام این مهام خواهد بودویقین است که انعالیجاهان مضایقه از قرار معلم نخواهند نمودوبه‌نقصان وخسارت دولتین راضی نخواهند شد .

مواد احتجاجی که مسترالس ایلچی دولت انگلیس بسته‌است تاریخ ندارد .

مواد عهدنامهٔ گلستان[1] که فیمابین دولتین علیتین روسیه و ایران بسته شده بوکالت عالیجاه میرزا ابوالحسنخان وینارال لیدنانه[1] نیکولای ردیشخوف بتاریخ ۱۲۲۸

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت قضا قدرت رأیت پادشاه جمجاه و امپراطور اکرم عالی دستگاه مالک بالاستقلال کل ممالك انمپریه اروسیه اعلیحضرت قدر قدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه مالك بالاستقلال ممالك شاهانه ایران بملاحظهٔ کمال مهربانی واشفاق علیتین که دربارهٔ اهالی ورعایای متعلقین دارند بدفع ورفع امورعداوت ودشمنی که برعکس رأی شوکت آرای ایشان است طالب وباستقرار مراتب مصالحهٔ میمونه ودوستی جواریت سابقهٔ مؤکده رادر بین الطرفین راغب میباشند باحسن الوجه رأی علیتین قرار گرفته در انجام این امور نیك و مصوبه ازطرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و ایمپراطور بالاستقلال کل ممالك روسیه بعالیجاه معلی جایگاه جنرال لیدنانه روسیه سپهسالار روسیه و مدیر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان ناظم امور و مصالح شهریه ولادت غوغانای و گرجستان وقفقازیه وحاجی طرخان و کارهای عالی ثغورو سرحدات این حدودات وسامان امرفرمای عساکرسفاین بحرخزر صاحب حمایل الکسندر نویسکی ذیحمایل مرتبهٔ اولین آتابای مرتبه دار رابع عسکریه مقتدره حضرت گیورکی صاحب نشان وشمشیر طلا المرقوم بجهت رشادت وبهادری (نیکولای رایشخوف) اختیار کلی اعطاشده اعلیحضرت کیوان رفعت والارتبت پادشاه اعظم بالاستقلال ممالك ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرك دولت ایران که مأمور دولتین روس وانگلیس

---

(۱)- وزارت خارجهٔ ایران عهد نامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

2 – Lieutenat – General

بودند عمدةالامراء والاعیان مقرب درگاه ذیشان ومحرم اسرارنهان ومشیراکثرامور دولت بهیهٔ ایران ازخانوادهٔ دودمان وزارت وازامرای واقفان حضوردرمرتبهٔ دوم آن صاحب عطایای خاص پادشاهی خودازخنجروشمشیرو کارد مرصع و استعمال ملبوس واسب مرصع یراق میرزا ابوالحسنخان‌را که دراین کارمختار بالکل نموده‌اند حال درمعسکر روسیه رودخانه‌زیروه(۱) من‌محال گلستان متعلقه ولایت قراباغ ملاقات وجمعیت نمودند. بعدازابرازومبادله مستمسك مأموریت‌واختیار کلی‌خود بیکدیگر وملاحظه وتحقیق‌امورمتعلق مصالحهٔ مبارکه بنام‌نامی پادشاهان عظام قراروبموجب نامجات طرفین قیود وفصول وشروط مرقومه‌را الی‌الابد مقبول و منصوب و استمرار میداریم.

فصل اول - بعد ازاین امورجنك وعداوت ودشمنی که تاحال‌دردولتین‌روسیه رایران بود بموجب این عهدنامه الی‌الابد مقطوع و متروك و مراتب مصالحه‌اکیده دردوستی ووفاق شدید فیمابین اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم امپراطور ممالك بالاستقلال کل ممالك روسیه واعلیحضرت خورشید رأیت پادشاه داراشوکت ممالك ایران و وارث ولیعهدان عظام و میانه دولتین علیتین فخام ایشان پایدار و سلوك خواهد بود.

فصل‌دوم - چون بیشتربموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا دربین دولتین شده است که‌مراتب مصالحه دربنای اسطاطسکواوپرزندیم باشد یعنی‌طرفین درهرموضع وحالی که الی قرارداد مصالحةالحال بوده است ازآن قرارباقی و تمامی اولکای ولایات خوانین نشین که تاحال درتحت تصرف وضبط هریك از دولتین بوده کماکان درضبط‌واختیارایشان بماند لهذادربین‌دولتین علیتین روسیه وایران‌بموجب خط مرقومه‌ذیل مستوروسرحدات‌مستقروتعیین گردیده است از ابتدای ارضی‌آدینه بازار بخط درست ازراه صحرای مغان تابد معبریدی بلوك رود ارس وازبالای کنار رود ارس تااتصال والحاق رودخانهٔ کپینك چای‌به‌پشت کوه مقری وازآنجاخطحدود

---

۱ - زیوه

سامان ولایات قراباغ ونخجوان وایروان ونیزرسدی ازسنور گنجه جمع و متصل گردید بعد از آن حدود مزبور که بولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس‌الدین‌لورا تامکان ایشك میدان مشخص ومفصل میسازد وازایشك میدان نیزاز بالای سر کوههای طرف‌راست طرق‌ورودخانه‌های حمزه چمن وازسر کوههای‌پنبك الی گوشه محال شوره گل واز گوشهٔ شوره گل ازبالای کوه برف‌الداگوز گذشته از سرحد محال شوره گل ومیانه حدود قریهٔ سدره وارنیك برودخانهٔ آرپه چای ملحق ومتصل شده معلوم‌ومشخص میگردد وچون ولایات‌خان‌نشین طالش درهنگام‌عداوت ودشمنی دست بدست افتادلهذا بجهت زیادهٔ صدق‌وراستی حدود ولایات طالش‌مزبور را ازجانب انزلی واردبیل بعد ازتصدیق این صلحنامه ازپادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره که بموجب قبول ووفاق یکدیگروبمعرفت سرداران جانبین‌جبال و رودخانه ها ودریاچه‌ها و امکنه ومزارع طرفین تفصیلا تحریر و تمیز و تشخیص میسازند آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در تصرف جانبین‌باشدمعلوم نمودآنوقت خط‌حدودولایت طالش نیزدربنای اسطاطسکو اوپرزندیم‌مستقرومعین‌ساخته‌هریك ازطرفین آنچه‌درتصرف‌داردبرسرآن‌خواهدماند وهمچنین‌درسرحدات مزبورهٔ فوقا گرچیزی‌ازخط طرفین بیرون‌رفته‌باشدمعتمدان و مهندسان مأمورهٔ طرفین هریك طرف اسطاطسکوا و پرزندیم رضاخواهد داد.

فصل‌سوم - اعلیحضرت کیوان رفعت قدر قدرت پادشاه اعظم مالك ممالك ایران بجهت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کل ممالك روسیه دارند به این‌صلح نامه بعوض خود وولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران وولایات قراباغ و گنجه که الان‌موسوم به‌ایلی سابط پول است والکای خوانین نشین شکی وشیروان وقبه ودربندوبادکوبه وهرجا ازولایات طالش را باخاکی که الان درتصرف دولت اروسیه است وتمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و آچوق باشی و کورنه ومنکریل وابخاز وتمامی اولکاء واراضی که در میانهٔ قفقازیه‌و سرحدات معینه‌الحالیه‌بوده‌ونیزآنچه از اراضي واهالي قفقازیه الي کنار دریای خزر

متصل است مخصوص ومتعلق بممالك آنمپریهٔ روسیه میدانند .

فصل چهارم ـ اعلیحضرت خورشید رأیت امپراطوروالاشوکت ممالك روسیه برای اظهاردوستی واتحادخود نسبت به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالك ایران وبجهت اثبات این معنی که بنابرهم جواریت طالب وراغب است که در ممالك شاهانهایران وارث استقلالواختیارپادشاهیرا دربنایاکیده مشاهده وملاحظهنمایند لهذا ازخودوازعوض ولیعهدان عظام اقرارمینمایند که هریك ازفرزندان عظامایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین مگردد هرگاه محتاج باعانت یاامدادی از دولت علیهٔ روسیه باشند مضایقت ننمایند تاازخارج کس نتواند دخل وتصرف در مملکت ایران نماید وبه اعانت وامداد روس وایران مستقرومستحکم گرددواگر درسرامور داخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان مناقشتی روی نماید دولت علیهٔ روس را درآن میانهکاری نیست تاپادشاه وقت خواهش نماید .

فصل پنجم ـ کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر ترددمینمایند بدستورسابق مأذون خواهند بود که بسواحل وبنادرجانب ایران عازم ونزدیك شوند وزمان طوفان وشکست کشتی ازطرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت بهآنها بشودو کشتیهای جانبایران بدستورالعمل سابقمأذون خواهند بود که برای معامله روانـه سواحل روسیه شوند بهمین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت ویاری دوستانه دربارهٔ ایشان معمول گردد ودرخصوص کشتیهای عسکریهٔ جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی ویا درهروقت کشتیهای جنگی دولت روسیه باعلم و بیرق در دریای خزر بودهاند حال نیزمحض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند .

فصل ششم ـ تمامی اسرائی که در جنگها گرفته شدهاند یااینکه از اهالی طرفین اسیر شده از کریستیان یا هر مذهب دیگر باشند الی وعدهٔ سه ماهه هلالی از تصدیق و خط گذرادن در این عهد نامه از طرفین مرخص و رد گردیـده هر یك

از جانبین خرج و مایحتاج به اسرای مزبوره داده به قراکلیسا رسانند و کلای سرحدات طرفین بموجب نشر اعلامی که درخصوص فرستادن آنها بجای معین بیکدیگر مینمایند اسرای جانبین را باز یافت خواهند کرد. کسانیکه برضا و رغبت خود ارادهٔ آمدن داشته باشند و آنانکه بسبب تقصیر یا خواهش خود از مملکتین فرار نموده‌اند داده شود که بوطن اصلی خود مراجعت نمایند و هر کس از هر قومی چه اسیر وچه فراری که نخواسته باشد بیاید کس را بسا او کاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت بفراریان عطا خواهد شد .

فصل هفتم ـ علاوه از اقرار و اظهار مزبوره بالا رأی اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کل ممالك روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت پادشا اعظم ممالك ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور دارالسلطنهٔ جانبین میشوند بروفق لیاقت رتبه و امور کلیه مرجوعه ایشان را حاصل و پرداخت ومسجل نمایند وبدستورسابق و کلائی که ازدولتین بخصوص حمایت ارباب معاملات دربلادمناسبه طرفین تعیین وتمکین گردیده بهاحوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بلزحمتی که برعایای طرفین عاید گردد بموجب عرض واظهارو کلای رعایای مزبور رضائی بستمدیدگان جانبین داده شود .

فصل هشتم ـ درباب آمد وشد قوافل وارباب معاملات درمیان ممالك دولتین علیتین اذن داده میشود که هر کس ازاهالی تجاربخصوص بثبوت اینکه دوست رعایا وارباب معاملات متعلق بدولت علیهٔ روسیه یا تجارمتعلق بدولت بهیهٔ ایران میباشند ازدولت خود یاازسرحد داران تذکره ویا کاغذ راه دردست داشته باشند ازطریق بحر وبربجانب ممالك این دودولت بدون تشویش آیند وهر کس هر قدرخواهد ساکن و متوقف گشته باموررمعامله وتجارت اشتغال نمایند وزمان مراجعت آنها باوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنهٔ ممالك روسیه بـولایات ایران ونیز ازطرف ایران اگربممالك روسیه ببرند بمعرض بیع رسانیده و یا معاوضهٔ بمال واشیاء دیگر نمایند درمیان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه

وادعائی باشد بموجب عادت مألوفه به‌نزد و کلای طرفین یاازروی صداقت مراتب ادعای ایشان‌را مشخص ومعلوم کرده خودیابمعرفت دیگرقطع وفصل کار را ساخته نگذارندتعرض وزحمتی بارباب معاملات عایدشودوارباب تجار طرف ممالك اروسیه که وارد بممالك ایران میشوند مأذون خواهند بود که اگرخواهند باتنخواه‌واموال خودشان بجانب ممالك پادشاهانه دیگردوست ایران باشند بروندطرف دولت ایران بی‌مضایقه تذکرات را بایشان بدهندوهمچنین ازطرف دولت علیهٔ اروسیه نیزدرمادهٔ اهالی تجار جانب دولت ایران که ازخاك ممالك اروسیه بجانب سایر ممالك‌پادشاهان که دوست اروسیه باشند میروند معمول خواهدشد . وقتی یکی از رعـایای متعلقهٔ دولت علیهٔ اروسیه درزمان وقف وتجارت درمملکت ایران فوت شد و املاك واموال اودرایران بماند چون مابعرف اوازمال رعایای متعلقهٔ دولت است لهذا میباید اموال مفوت بموجب قبض‌الواصل شرعی‌ردوتسلیم ورثه مفوت گرددونیزاذن‌خواهندداد که املاك‌مفوت‌رااقوام‌اوبفروشند چنانکه این معنی‌درمیان ممالك اروسیه‌ونیزدرممالك پادشاهان دیگردستورورعایت بوده متعلق بهردولت که باشد مضایقه نمینمایند .

فصل نهم ـ باج‌و گمرك اموال‌تجارطرف دولت بهیهٔ اروسیه که به‌بنادر وبلاد ایران میآورند ازیکتومان مبلغ پانصددیناردریك بلده گرفته ازآنجااموال مذکور بهرولایت ایران که بروند چیزی مطالبه گردد وهمچنین ازاموالی کدازممالك‌ایران بیرون بیاورندآنقدر گرفته زیاده بعنوان‌خرج وتوجیه و تحصیل و اختراعات چیزی ازتجارروسیه با شر وشلتاق مطالبه نشود و بهمین نحودریك بلده باج و گمرك تجار ایران که به‌بنادر بلادممالك اروسیه میبرندویابیرون بیاورندبدستور گرفته اختلافی بهیچ وجه نداشته باشند .

فصل‌دهم ـ بعد ازنقل اموال تجاربه‌بنادر کناردریا ویاآوردن ازراه خشکی به‌بلاد سرحدات دولتین علیتین اذن واختیاربه ارباب تجار وارباب معاملات طرفین داده شد که اموال و تنخواه خودشانرافروخته واموال دیگرخریده ویامعاوضه کرده دیگرازامنای گمرك ازمستأجرین‌اذن ودستوری نخواسته باشندزیراکدبرذمهٔامنای گمرك ومستأجرین لازم‌است که ملاحظه نمایند که تامعطلی وتأخیردرکار تجارت

ارباب معاملات وقوع نیاید. باج خزانه را از بایع یا از مبیع هر نحو که درمیانهٔ خودشان سازش مینمایند حاصل وبازیافت دارند .

فصل یازدهم ـ بعد از تصدیق وخط گذاردن در این شرط نامچه بو کلای مختار دولتین علیتین بلاتأخیر به اطراف جانبین اعلام واخبار وامرا کید بخصوص بالمره ترك وقطع امور عداوت ودشمنی بهرجا ارسال خواهند کرد این شروط نامه الحاله که بخصوص استدامت مصالحهٔ دائمی طرفین مستقر ودو قطعهٔ مشروحه باترجمان خط فارسی مرقوم ومحرر از و کلای مختار مأمورین دولتین مزبوره بالا تصدیق وبا خط و مهر مختوم گردیده مبادله بایکدیگر شده است میبایست ازطرف اعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه اعظم امپراطور اکرم ممالك روسیه وازجانب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والاجاه ممالك ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد وچون این صلحنامه مشروحه مصدقه میباید از هردو دولت پایدار بو کلای مختار برسد لهذا از دولتین علیتین درمدت سه ماه هلالی وصول گردد. تحریر فی معسکر اروسیه و رودخانهٔ زیوه من محال گلستان متعلقه بولایات قراباغ بتاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق هجریه ۲۱ اکتبر ۱۸۱۳ عیسوی من مولود حضرت عیسی سمت تحریر یافت .

وکیل دولت ایران میرزا ابوالحسنخان ـ ژنرال لیدنانه نیکولای ردیسخوف سپاردنی الك

عهدنامه(۱)

صلح مابین ایران و روسیه در ترکمان چای بتاریخ ۱۰/۲۲ فوریه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان ۱۲۴۳ امضی شد.

فهرست مندرجات

(۱) وزارت خارجهٔ ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل دولت علیه سنه ۱۲۳۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

ازانتفاع این مهلت محروم هستند .

فصل سیزدهم ـ اسرای جنگی .

فصل چهاردهم ـ شرایطی که راجع بفراریان است .

فصل پانزدهم ـ عفو وبخشش دربارهٔ اشخاصیکه درمدت جنگ و بعد از آن مرتکب ببعضی اعمال شده‌اند ـ اموال منقوله وغیرمنقولهٔ معفوین ومهلتی که ازاین بابت باموصی‌الیهم داده شده‌است ـ کسانیکه ازعفوواغماض محروم هستند .

فصل شانزدهم ـ ترك مخاصمات ـ تصدیق عهدنامه .

بنام خداوند متعال

چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت قویشوکت معظم نامدار امپراطور وصاحب اختیار کل ممالك روسیه بالسویه وازصمیم قلب مایل هستند که برصدمات محاربه که مخالف میل طرفین است نهایتی داده ومجدداً روابط قدیمهٔ حسن همجواری ومودت را مابین مملکتین بوسیلهٔ صلحی که فی حدذاته متضمن اساس امتداد ودافع مبانی اختلافات و برودت آتیه بوده باشد برپایه و بنائی محکم استوار دارند لهـذا وزرای مختار خود را که برای این امر سودمند مأمورهستند ازاینقرار معین داشتند

از طرف اعلیحضرت امپراطور کل روسیه ژان پاسکیه ویچ آجودان جنرال وسرتیپ پیاده نظام فرمانده اردوی قفقازیه کفیل امورغیرنظامی گرجستان وحاجی ترخان وقفقازیه رئیس قوهٔ بحریهٔ دریای خزر دارای نشان آلکساندرنوسکی مکلل بالماس ونشان سنت آن از درجهٔ اول مکلل بالماس وسن ولادیمیر ازدرجهٔ اول و سن ژرژ از درجهٔ دوم ودو شمشیر افتخاری که یکی مرصع ودیگری طلا که روی آن اینطور نوشته شده (برای شجاعت) ودارای نشان عقاب قرمز ازدرجهٔ اول ونشان هلال عثمانی وغیره وآلکساندر ابرسکوف کنسیه‌دتا (۱) وپیشخدمت اعلیحضرت امپراطوردارای نشان سن ولادیمیر ازدرجهٔ سوم وسن استانیسلاس (۲) لهستان ازدرجهٔ دوم سن ژان بیت المقدس وازطرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا .

وزرای مختار طرفین پس ازآنکه درترکمان چای اجلاس کرده واختیارنامهای

(۱) Conséiller - d ’ Etat (۲) Saint – Stanislas

خودرا مبادله و آنرا موافق قاعده ومرتب به ترتیبات شایسته یافتند فصول ذیل را منعقد وبرقرارداشتند .

فصل اول - از امروز به بعد مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روسیه ونیز مابین ممالك ووراث واخلاف واتباع اعلیحضرتین صلح و وداد ومودت برقرار خواهدبود .

فصل دوم - چون مخاصمهٔ طرفین معظمین ، که بسعادت امپراطور باختتام رسید تعهدات عهدنامهٔ گلستان را باطل میدارد لهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت امپراطور کل روسیه چنین صلاح دیدند که بجای عهدنامهٔ مزبور موادوشرایط ذیل را که مبنی بر ازدیاد و استحکام روابط آتیهٔ مودت و صلح مابین روسیه و ایران است برقرار نمایند .

فصل سوم - اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود واخلاف و وراث خود خانات ایروان را که در دوطرف رودارس واقع است ونیز خانات نخجوان را بملکیت مطلقه بدولت ارس وا گذار میکند بناء علیهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که دفاتر واسنادیکه راجع بحکومت واداره خانات فوق الذکر است منتها درظرف ششماه ازامضای این عهدنامه بمأمورین روس تسلیم نمایند .

فصل چهارم - دولتین معظمتین معاهدتین قبول نمودند که خط سرحدی مابین دولتین ازاینقرار ترسیم شود .

این خط ازنقطهٔ سرحد دولت عثمانی که بخط مستقیم نزدیکترین راه بقلهٔ کوه آغری کوچك است شروع شده بقلهٔ مزبور رسیده وازآنجا بسرچشمهٔ رود قراسوی سفلی که ازدامنهٔ جنوبی آغری کوچك جاری است فرودمیآید پس ازآن خط سرحدی طول مجرای این رود الی محل التقای آن باروزارس که محاذی شروراست طی نموده و ازاینجا مجرای رود ارس را متابعت کرده وبقلعهٔ عباس آباد میرسد از استحکامات خارجی این قلعه که درساحل راست ارس است خطی که طول آن نیم آقاج یعنی سه ورست ونیم روسی بوده باشد به تمام جهات کشیده خواهدشد وتمام اراضی که درحدود این خط واقع میشود منحصر بدولت روس بوده ودر ظرف دوماه ازتاریخ امروز بطور

دقت تخطیط خواهد شد از محلی که طرف شرقی این خط متصل برود ارس میشود
خط سرحدی مجرای رودمزبوررا الی گداریدی بلوك متابعت میکند وخاك ایران ازاین
نقطهٔ اخیر الی سه آقاج یعنی بیست ویك ورست روس در طول مجرای ارس ادامه
مییابد بعدازوصول باین محل خط سرحدی جلگهٔ مغان را بطورمستقیم گذشته بمحلی
ازمجرای بالها رود خواهد آمد که درسه آقاجی یعنی بیست و یك ورست پائین‌تر
از ملتقای دورود آدینه بازار وساری قمیش واقع است پس ازآن خط سرحدی از
ساحل چپ بالهارود الی ملتقای دورود مزبورآدینه بازار وساری قمیش صعود کرده واز
آنجا درساحل راست رودخانهٔ آدینه بازار شرقی الی سرچشمهٔ آن ممتد واز سرچشمهٔ
مزبور الی قلهٔ تپه‌های جگیر میرسد بطوریکه تمام آبهائیکه بطرف دریای خزرجاری
است متعلق بروسیه بوده وتمام آبهائیکه جریانشان بطرف ایران است تعلق بدولت
علیه خواهد گرفت .

چون دراینجا (۱) حدوددولتین بواسطهٔ تیزه کوهها محدود میشود لهذامقرر
است که دامنهٔ این کوهها که بسمت دریای خزر تمایل دارد متعلق بدولت روس بوده
ودامنهٔ آنطرف کوهها اختصاص بایران خواهدداشت .

ازتیزهٔ تپهای جگیر خط سرحد کوههائی را که فاصل بین طالش و ارشق است
متابعت نموده وبقلهٔ کمرقوئی میرسد وقللی که فاصل دامنه وطرف کوههای مزبوراست
دراینجا تحدید حدودمینماید بهمان قسم که درباب مسافت بین سرچشمهٔ آدینه بازار
وقلهای جگیر ذکرشد .

پس ازآن خط سرحد ازقلهٔ کمرقوئی تیزهٔ کوههائی که بلوك زوند راازارشق
جدامینماید متابعت نموده وبمحلی که حدود بلوك ولیکیج است میرسد وترتیبی که
درباب جریان آب ذکرشده است مراعات خواهدشد واز اینقرار بلوك زوند باستثنای
قسمتی که درآن طرف قلهٔ کوههای مزبوراست متعلق بروسیه خواهدبود ،

ازمحلی که حدودبلوك والکیج است خط سرحد بین الدولتین قلل کوه کلوپوتی
وقلل سلسلهٔ عمدهٔ کوههائی که ازبلوك ولیکیچی میگذرد متابعت نموده وبسرچشمهٔ

---

۱ - یعنی ازسرچشمهٔ رودآدینه بازار الی قله تپهای جگیر

شمالی رودخانه‌موسوم بآستارامیرسد واینجاهم مسئلهٔجریان‌آب چنانچه درفوق‌ذکر شده‌است مرعی‌میباشد ؛

از آنجا خط سرحدی مجرای‌آستارا را الی مصب‌آن دردریای خزرطی نموده وحدودخاك دولتین‌را باتمام‌میرساند .

فصل‌پنجم - اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران محض اثبات‌دوستی خالصانه که‌نسبت به‌اعلیحضرت امپراطور کل روسیه‌دارند بموجب همین فصل از طرف‌خود واز طرف وراث واخلاف‌خود واضحاً وعلناًتصدیق مینمایند که ممالك وجزایری که مابین‌خط تحدیدی فصل‌اخیر وتیزهٔ جبال قفقاز ودریای خزراست وهمچنین اهالی بدوی وغیره این‌نواحی متعلق بدولت‌روسیه میباشد .

فصل‌ششم - محض تلافی مصارف کثیرهٔ که از این جنگ بین‌الدولتین برای مملکت روسیه حاصل‌شده ودر عوض خسارات وضررهائیکه بدین‌جهت باتباع‌روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تأدیه کرده مصارف وضررهای مزبوررا جبران‌نمایند .

طرفین‌معظمین‌معاهدین‌این‌وجه خسارات‌رابده کرور تومان‌رایج‌یابیست‌ملیون مناط نقره معین کرده ومقرر میدارند که ترتیب اقساط و تضمین تأدیهٔ‌آن در قرارداد مخصوصی مرتب‌شود اعتبار و استحکام قرارداد مزبور بحدی خواهد بود که کانه لفظ بلفظ درهمین‌عهدنامه درج شده‌باشد .

فصل‌هفتم - چون اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس‌میرزا فرزندخودرا وارث وولیعهدفرمایند لهذااعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانهٔ خودرا مکشوف ومیلی‌را که درمساعدت باستحکام این‌نوع وراثت‌دارد مشهودخاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران‌نمایند متعهدمیشوند که ازامروز شخص حضرت عباس‌میرزا راوارث و ولیعهد دولت ایران شناخته وایشان‌را ازحین‌جلوس بتخت‌سلطنت سلطان‌حقهٔ این‌مملکت بدانند .

فصل‌هشتم - سفاین‌تجارتی روس‌مثل سابق‌حق خواهند داشت که‌بطور آزادی

دردریای خزرودرامتداد سواحل آن سیر کرده وبکنارههای آن فرودآیند ودرموقع شکست وغرق درایران معاونت وامدادخواهندیافت .

وسفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرارسابق دربحرخزرسیرنموده وبسواحل روس بروند ودرصورت غرق وشکست هم بآنها کمك وامداد خواهدشد .

امادرباب کشتیهای جنگی چون آنهائیکه بیدق نظامی روس دارندازقدیم الایام بالانفراد حق سیر دربحرخزر راداشتهاند حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهدبود بطوریکه بغیراز دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت کهسفاین جنگی دردریای خزر داشتهباشد .

فصل نهم - چون مکنون خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت امپراطور کل روسیهاست که دراستحکام روابطی که بسعادت ومیمنت مجدداً مابین دولتین استقرار یافتهاست سعی و کوشش نمایند مقررمیدارند که سفراء کبار ووزراء مختار وشارژ ـ دافرهائیکه خواه برای انجام مأموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود وموافق شأن وحیثیت طرفین و مطابق مودت واتحاد بین الدولتین و نیز برحسب عادات مملکتی موردا عزاز و احترام شوند علیهذادرباب تشریفاتی که بایدازطرفین ملحوظ ومنظورشود دستورالعملی مخصوص مقرر خواهدشد .

فصل دهم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت امپراطور کل روسیه استقرار وتوسعهٔ روابط تجارتی مابین دودولت را ازنخستین فواید اعادهٔ صلح میدانند صلاح دیدند که ترتیباتی که راجع بهحفظ تجارت وامنیت اتباع دولتین است دریك مقاوله نامهٔ علیحده بطور مرضی الطرفین نگارش یابد واین مقاولهنامه که مابین وزرای مختارطرفین انعقاد وباین عهدنامه انضمام خواهدیافت مثل اینستکه جزو متم همین عهدنامهٔ صلح بودهباشد .

اعلیحضرت پادشاه ایران بدولت روس حق میدهد که کما فی السابق هرجا که بجهت حفظ منافع تجارتی لازم باشد بآنجا قونسول ووکیل تجارتی بفرستند ومتعهد میشوند که این قونسول ووکلای تجارتی را که من تبع هریك زیاده ازده نفر نخواهد

بود ازحمایت واحترامات وامتیازاتیکه لازمهٔ سمت رسمیت آنهااست بهره‌مند سازد اعلیحضرت امپراطور روسیه‌هم وعده‌میدهد که رفتاربمثل‌را درمادهٔقونسول وو کلای تجارتی‌اعلیحضرت شاهنشاهی منظوردارد .

درصورت‌شکایت حقهٔدولت ایران ازیکی ازمأمورین یاقونسولهای روس وزیر مختار یاشارژدافری که دردربار دولت علیهٔایران‌اقامت وباین‌اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارالیه‌را ازمأموریت خودخلع کرده وموقتاً کفالت کار اورا بهر کس صلاح داندواگذار خواهد کرد .

فصل‌یازدهم - پس از حصول صلح بامور و دعاوی اتباع طرفین که بواسطهٔ وقوع‌جنگ درعهدهٔتعویق مانده‌بود مراجعه‌شده وازروی عدالت قطع وفصل‌خواهد‌شد ومطالباتیکه اتباع‌طرفین ازیکدیگر یااز خزانهٔ جانبین‌دارند بالتمام‌عاجلاً تأدیه خواهد شد .

فصل‌دوازدهم - طرفین‌معظمین معاهدین نظربمنافع اتباع‌خود متفق‌الرای شدند که برای‌اشخاصی که دردوطرف رودارس دارای‌اموال‌غیر منقوله هستندمهلتی سه‌ساله قراردهند که مومی الیهم بتوانندآنرا بطور دلخواه بمبایعه و معاوضه‌برسانند ولی‌اعلیحضرت امپراطور روسیه تاحدی که این‌شرط راجع بخوداوست حسین خان سردارسابق ایروان وبرادرش حسن‌خان و کریم‌خان حاکم‌سابق نخجوان‌را ازانتفاع مدلول‌شرط مزبوره مستثنی‌میدارد .

فصل‌سیزدهم - تمام اسراء جنگی راکه طرفین درهنگام محاربهٔ اخیره ویا قبل‌ازآن دست گیر کرده‌اند وهمچنین‌اتباع دولتین که‌دراوقات‌سایره اسیراً گرفتار شده‌باشند درظرف چهارماه مسترد خواهندشد .

بعد ازآنکه باین اشخاص ارزاق و اشیاء لازمه داده شد مومی‌الیهم را بطرف عباس‌آباد حرکت‌داده ودرآنجابه کمیسرهائیکه ازطرفین برای‌استرداد وتهیهٔاعزام باوطان‌ایشان مأمورشده‌اند تسلیم خواهند کرد .

دربارهٔ اسراءجنگی واتباع‌دولتین که باسیری گرفتارشده وبسبب‌بعدمکان آنها ویابعلت دیگری‌درظرف مدت‌فوق مستردنشده‌اند طرفین‌معاهدین همین ترتیبات‌را

مرعی‌ومجری خواهندداشت .

دولتین‌ایران وروس‌مخصوصاً این‌حق‌رابرای‌خود قرارمیدهند که ای‌وقت کان این‌قبیل اشخاص‌را مطالبه نمایند وملتزم میشوند که هروقت‌خود اسراءِ اظهار کرده یااز طرفین مطالبه‌شدند مومی‌الیهم‌را مستردسازند .

فصل‌چهاردهم - دولتین‌معظمتین معاهدتین اخراج فراری‌ها وترانس‌فوژ - هائی‌را(۱) که‌قبل ازجنگها یادرمدت‌آن بتحت‌اطاعت وحکومت‌طرفین آمده‌باشند مطالبه نخواهند کرد .

ولی چون‌مناسبات خفیهٔ‌بعضی ازترانس‌فوژها باتابعین‌وهموطنان سابق‌موجب حصول‌نتایج مضره میشود لهذا محض دفع وجلو گیری این نتایج دولت علیهٔ ایران متعهد میشود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصیکه‌الحال‌یابعدهابه‌اسمه‌مشخص‌خواهندشدرواندارد‌ومقصوداز‌حدوداز‌یکطرف رود ارس وازطرف دیگر خطی است که بواسطهٔ رود جهریق و دریاچهٔ ارومی ورود جقتوورود غزل‌اوزن الی‌مصب‌آن دردریای‌خزر ترسیم میشود .

اعلیحضرت‌امپراطور کل روسیه‌نیز وعده‌میدهد که درخانات‌قراباغ‌ونخجوان ودر قسمت خانات ایروان که درسمت راست ارس واقع است ترانس فوژهای ایرانی نگذاردتوطن وسکنانمایند.

ولیکن‌مقرراست که این‌ماده‌صورت لزوم‌نخواهدیافت مگردربارهٔ اشخاصیکه طرف رجوع‌عامه یادارای بعضی‌مقامات دیگرهستند ازقبیل‌خوانین وبیکهاورؤسای روحانی یعنی‌ملاها که باعمال‌شخصی وتحریك ومناسبات خفیهٔ ایشان باعث سوء اثر دربارهٔ‌هموطنان‌وتابعین قدیم آنهامیشود وامادرخصوص‌نفوس عامه‌مملکتین مقرراست که‌اتباع‌دولتین که‌بممالك‌یکدیگررفته یادرآتیه‌بروندآزادهستند که‌درهرجائیکه آن‌دولت یعنی‌دولتی که این‌اشخاص درحیطهٔ حکومت واقتدارآن درآمده‌اند صلاح داندتوطن‌وسکنانمایند .

فصل‌پانزدهم - چون قصدسلیم ونیت‌خیریت عمیم‌اعلیحضرت‌شاهنشاه‌ایران

---

۱ - کسیکه ازاردوی خود باردوی خصم رفته باشد

این است که ممالك خودرا مرفه‌الحال واتباع دولت علیه‌را ازتشیید مصائب وصدمات حاصلهٔ این جنگ که بسلم‌وسعادت ختم شده‌است مصون ومحفوظ دارد لهذا دربارهٔ تمام‌اهالی‌و کار گذاران آذربایجان عفوی کامل‌ورحمتی‌شامل مبذول‌میدارندبطوریکه هیچیك ازاین‌اشخاص چه‌بجهت‌عقاید ونیات‌وچه‌ازحیث‌رفتار و کرداری که درموقع جنگ‌یادرمدت تصرف‌ایالات مزبوره ازایشان بظهوررسیده مورد تعرض واذیت واقع نخواهدشد وعلاوه‌براین‌ازامروز مهلتی‌یکساله بآنهاداده‌میشود تااینکه بطور آزادی ازممالك‌ایران باکسان خود بممالك روسیه‌بروند واموال منقولهٔ خودرا بخارج‌حمل نموده وبفروش‌برسانند بدون‌اینکه دولت‌علیهٔ‌ایران یاکار گذاران محلی‌اندك‌ممانعتی نموده واز اموال واشیائیکه فروخته یابخارج حمل‌میشود حقوق ومرسومی دریافت یاتکلیفی درموردآن بگذارند امادرباب اموال غیرمنقول بمومی‌الیهم پنج‌ساله مهلت داده‌میشود که اموال مزبوره‌را بفروش برسانند یابطور دلخواه انتقال وانتزاع نمایند

کسانیکه‌دراین مدت‌یکساله مجرم‌به‌جنحه‌وجنایت (کریم) (۱) ومستوجب سیاست‌معمولهٔ‌دیوانخانه‌شوند ازاین عفومستثنی خواهندبود .

فصل‌شانزدهم - وزرای‌مختار طرفین‌بمجرد امضای این‌عهدنامه صلح عاجلاً بتمام‌نقاط‌اعلام واحکام‌لازمه خواهندفرستاد که مخاصمه‌را بلاتأخیر ترك‌نمایند .

این‌عهدنامه که بدونسختین وبه‌یك‌مدلول نوشته‌شده وبامضاءومهر وزرای‌مختار طرفین رسیده‌است بتصویب‌وتصدیق شاهنشاه‌ایران واعلیحضرت امپراطور کل‌روسیه خواهدرسید وتصدیق‌نامجات معتبره که دارای امضای ایشان‌بوده‌باشد درظرف چهار ماه‌ودرصورت امکان‌زودتر بتوسط‌وزرای مختارطرفین مبادله خواهدشد .

بتاریخ‌دهم ماه‌فوریه سال‌خجسته‌فال سنه‌۱۸۲۸ مطابق‌پنجم‌شعبان سنه‌۱۲٤۳ هجری‌درترکمانچای تحریرشد .

---

1 – Crime

عهدنامه (۱)

تجارتی مابین ایران و روس در ترکمانچای

بتاریخ ۲۲ - ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳ منعقدشده

فهرست مندرجات

فصل اول - تذکره - تجارت اتباع دولتین - ترتیبات راجعه به متروکات تبعهٔ روس.

فصل دوم - کنترات وسایر قراردادهای کتبی تبعهٔ دولتین و ترتیباتی که بآن راجع است - درباب تعهداتیکه مابین اتباع طرفین بوقوع میرسد - افلاس و رشکستگی

فصل سوم - مال التجاره دولتین وحقوقی که بآن تعلق میگیرد.

فصل چهارم - آزادی تجارت درصورت جنگ یکی از دولتین بادولت ثالثی

فصل پنجم - حقی که درتملیك بعضی مستغلات باتباع روس داده شده است - مصونیت خانه ومأوای تبعهٔ روس وترتیباتی که درصورت تفحص بایدمعمول شود.

فصل ششم - بعضی اشیاء مأمورین روس که از حقوق گمرکی معاف است - درباب اتباع ایران که درخدمت مأمورین روس هستند.

فصل هفتم - محاکمات مرافعه مابین اتباع روس درایران - مرافعه مابین اتباع روس واتباع خارجه - مرافعه اتباع ایران و روس - ترتیباتی که در صورت تجدید رسیدگی بمرافعه باید منظور شود.

فصل هشتم - محاکمهٔ امور جنایتی اتباع روس درایران.

فصل نهم - مسئولیت کارگذاران دولتی درصورت تخلف ازمدلول عهدنامه.

---

۱ - وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل اولیای دولت علیه سنه ۱۲۲۴ لغایت ۱۱۳۹ نمره ۳۰ خطی

بنام خداوند متعال

فصل اول - چون طرفین معظمین معاهدین مایل هستند که اتباع خودرا از کلیه فواید و منابعی که از آزادی تجارت حاصل میشود بهرمند سازند لهذا تفصیل ذیل را مقرر داشتند اتباع روس که دارای تذکرهٔ صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط ایران به تجارت اشتغال ورزیده ونیز بدول همجوار آن مملکت بروند درازای آن رعایای ایران هم میتوانند که ازدریای خزر ویا ازسرحد خشکی که فاصل بین دولتین است مال التجارهٔ خودرا بروسیه وارد کرده وبمعاوضه رسانند ونیز درروسیه متاع دیگر خرید کرده وبخارج حمل کنند.

مومی الیهم درممالك اعلیحضرت امپراطور روس ازتمام حقوق وامتیازاتی که برعایای دول کاملةالوداد داده شده است بهرمند خواهدبود.

درصورت وفات یکی ازاتباع روس درایران اموال منقوله وغیر منقولة او نظر به تعلق برعیت دولت دوست بالتمام باقوام وشرکاء او داده میشود ومشارالیهم درصورتیکه صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال وانتزاع دهند.

درصورت فقدان اقوام یاشرکاء اختیار اموال مذکوره بسفارت یاقونسول روس مقیم ایران واگذار خواهدشد بدون اینکه ازطرف کارگذاران محل ممانعتی بظهور رسد.

فصل دوم - کنترات وبروات وضمانت نامه وسایر قراردادهای کتبی که راجع بامور تجارتی است ومابین رعایای طرفین منعقد میشود در نزد حاکم (قاضی عرف) وقونسول روس ودرجائی که قونسول نباشد فقط درنزدحاکم ثبت خواهد شد تا اینکه درصورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازمه را بعمل آورده وعدلا رفع اختلافات نمود.

اسنادیکه بطورفوق الذکر تصدیق ونگاشته شده باشد درهرمحکمهٔ عدلیه معتبر خواهدبود واگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواهد باطرف مقابل ترافع نماید وبغیر ازشهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهدشد مگر اینکه مدعی علیه اقامهٔ شهود اورا قبول کند.

تعهداتیکه بترتیب فوق الذکر مابین رعایای دولتین وقوع میبابد بدون کم و کسر مرعی و معمول خواهد گردید و اگر یکی از طرفین ازاجرای مداول آن امتناع کرده وباعث ضرر طرف مقابل شود بایدخسادت وارده را عهده نماید .

درصورت ورشکستی یکی ازتجار روس در ایران حقوق ارباب طلب ازاموال واشیاء شخص ورشکست داده میشود ولی اگر ازوزیر مختار وشارژدافر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق کرده ومعلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشار الیهم نباید درتحقیق این مسئله مساعی جمیلهٔ خودرا مضایقه دارند .

ترتیبات مقررهٔ دراین فصل بالمقابله درموردرعایای ایران که درروسیه درتحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت مینمایند مرعی و معمول خواهدبود .

فصل سوم ـ محض اینکه تجارت اتباع مملکتین ازمنافعی که موضوع شروط سابق الذکر است بطور محکم بهرمند شوند مقرر میشود که از مال التجارهٔ که اتباع روس بایران وارد واز آن مملکت خارج میکنند ونیز ازامتعهٔ ایران که اتباع دولت علیه ازراه بحرخزر ویاازسرحدخشکی بین الدولتین بمملکت روسیه حمل مینمایندوهکذا از مال التجارهٔ روس که اتباع ایران از مملکت روسیه واز طرق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوق صدی پنج فقط یکدفعه درموقع ورود یاخروج دریافت شده وعلاوه بر آن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود .

دولت روس تعهدمینماید که درصورتی هم که لازم دانست دستورالعمل گمرکی وتعرفهٔ جدید برقرار نماید معهذا بر حقوق صدپنج فوق الذکر چیزی نیفزاید .

فصل چهارم ـ اگر دولت ایران یاروس بادولت دیگری درمقام جنگ بوده باشدرعایای مملکتین ممنوع نخواهندبود ازاینکه بامال التجارهٔ خوداز خاك یکدیگر عبور کرده وبمملکت محارب روند .

فصل پنجم ـ چون موافق رسوم جاریهٔ مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه ومغازه وامکنهٔ وضع مال التجاره برای اجاره پیدامینمایند لهذا اتباع روس علاوه برحق اجاره مجاز میباشند که خانهٔ برای سکونت ومغازه وامکنه برای وضع مال التجاره

بحیطهٔ ملکیت درآورند کارگذاران دولت علیهٔ ایران مأذون نیستند که عنفاً داخل خانه‌ومغازه‌وامکنهٔ مزبوره‌شوند درصورت‌لزوم بایدباستیذان وزیرمختار یاشارژدافر یاقونسول‌روس مراجعه کنند ومشارالیهم درکمان (۱) یایکی ازاجزاء خودرا مأمور خواهند کرد که درموقع معاینهٔ‌خانه یامال‌التجاره حضور بهمرساند .

فصل ششم - چون وزیرمختار و شارژدافر اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت وقونسلها ودرکمانها اشیائی که متعلق بملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت‌معیشت آنها لازم‌است درایران‌پیدانمیکنند علیهذا مأذون‌هستند که بدون ادای‌حقوق وسایر تکالیف اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند .

دربارهٔ مأمورین‌رسمی اعلیحضرت شاهنشاه ایران مقیمین ممالك روسیه‌رفتار بمثل‌ازاین حیث کاملاً منظور خواهدبود .

اتباع ایران که جزومن‌تبع وزیر مختار و شارژدافر یاقونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند مادامیکه درنزد ایشان هستند مانند اتباع روس و بالسویه ازحمایت آنها بهره‌مند خواهندبود .

ولی‌اگر یکی ازاین‌اشخاص مرتکب جنحه وبدین‌سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یاحاکم ودر صورت فقدان او کارگذاران محلی که حق‌این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یاشارژدافر یا قونسولی که شخص مظنون درخدمت اواست تسلیم‌مومی الیه‌را خواهند خواست واگر این‌عنوان مبنی‌بردلایلی است که تقصیر شخص‌متهم‌را ثابت‌مینماید وزیرمختار یاشارژدافر یاقونسول درقبولی این‌خواهش‌نبایدهیچگونه اشکالی‌نمایند .

فصل هفتم - تمام امور متنازع فیها ومرافعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق‌قوانین ورسوم دولت روسیه فقط برسیدگی وحکم‌سفارت یاقونسولهای

---

(۱) Drogman

اعلیحضرت امپراطورروس رجوع خواهدشد (۱) .

وهمچنین است اختلافات ودعاوی واقعه مابین اتباع روس واتباع مملکت دیگری درصورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نمایند .

اختلافات ومرافعاتی که مابین اتباع ایران وروس بظهور میرسد مراجعه بمحاکم شده رسیدگی وحکم آن بایددرحضور درگمان سفارت یاقونسولگری بعمل آید .

باین قبیل دعاوی که بروفق قانون عدالت ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود واگر تجدیدرسیدگی لزوماً اقتضانمود بایدباستحضاروزیرمختار یاشارژدافر یاقونسول روس ودر حضور در گمان سفارت قونسولگری دریکی از دفتر خانهای اعلیحضرت شاهنشاه ایران که درتبریزودرطهران منعقداست تجدیدرسیدگی بعمل آمده وحکم داده شود .

فصل هشتم- چون وزیر مختار و شارژدافر و قونسول حق قضاوت در مادهٔ هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمهٔ آن راجع بمشارالیهم خواهدبود .

اگر شخصی ازاتباع روس یااتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید مورد هیچگونه تعرض ومزاحمت ، نخواهدبود مگردرصورتیکه شراکت او درجنایت مدلل وثابت شود ،

ودراینصورت ونیزدرصورتیکه تبعهٔ روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری ازطرف سفارت یاقونسول روس نباید بمسئلهٔ جنایت رسیدگی کرده وحکم دهند واگردرمحل وقوع جنحه سفارت یاقونسولگری وجودندارد کارگذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که درآنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه بر قرار شده باشد حاکم وقاضی محل استشهاداتی را که برعلیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده وامضا منماید و این دوقسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده وبمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی

۱ ـ مقصود این است که مرافعات مابین تبعهٔ روسیه باید رجوع بسفارت یاقونسول شود ومشارالیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده وحکم دهند .

محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس ازآنکه کما هوحقه تقصیر شصص مجرم بثبوت رسیده و حکم صادر شد مومی الیه بهوزیر مختار یاشارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که بهروسیه فرستادهشده ودرآنجا موافق‌قوانین سیاست‌شود .

فصل نهم - طرفین معظمین معاهدین اهتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق‌النعل بالنعل‌معمول ومجری گردد حکام‌ولایات و رؤسا وسایرمأمورین دولتین درهیچ‌موقع از مفادآن تمرد نخواهندنمود والا جداً مسئول و در صورتیکه مجدداً ازمفادآن تخلف کرده و کما هوحقه خلاف‌ایشان محقّق گردید مستلزم‌عزل خواهند بود .

علیهذا ما امضی کنندگان ذیل وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت‌امپراطورروس‌شرایط‌مندرجهٔ‌این‌عهدنامه‌رامنعقدومقررداشتیم‌واین‌شرایط که‌متمّم‌فصل‌دهم عهدنامهٔ‌عمد است که امروزدرترکمان چای منعقد شده است همان اعتبارواستحکام‌را خواهدداشت‌کانه لفظ‌بلفظ درهمانجا درج‌شده‌باشد .

بناءعلیهذا این قرارداد جداگانه بهنسختین نوشته شده بامضی ومهر ما رسید و مبادله گردید .

در ترکمان چای بتاریخ دهم فوریه سال نیکو فال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان‌سنهٔ ۱۲٤۳ هجری

صورت مجلس (۱)

در باب تشریفات پذیرائی سفراء کبار و مأمورین سیاسی

در ترکمانچای بتاریخ ۱۰-۲۴ فوریه امضی شده است

وزرای مختار ایران و روس طبق فصل نهم عهدنامهٔ عمده امروز اجلاس کردند که برای پذیرائی سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرهائیکه از طرفین بدیار یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل ذیل را مقرر داشتند

بمحض اینکه وزیر ایران از ورود سفیر کبیر روس به تفلیس رسماً مطلع گردید بدون اتلاف وقت شخصی که رتبهٔ او مناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تا سرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سر کردهٔ کل گرجستان را از عزیمت مهماندار یعنی شخصی که برای همراهی سفیر کبیر معین شده است مطلع داشته و روز ورود او را بسرحد تخمیناً معین مینماید سفیر کبیر هم اهتمام کرده و مسافرت خود را بطوری ترتیب خواهد داد که مقارن ورود مهماندار بسرحد برسد از وقتی که مهماندار سفیر کبیر را ملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت و عزت و احترام مقتضیه جناب معزی الیه خواهد بود .

درهر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و چندنفر از معارف است با من تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد .

اگر سفیر کبیر در حاکم نشین ایالتی مکث نماید هیئت مذکوره در تحت ریاست خود حاکم خواهد بود و مشارالیه بجناب سفیر کبیر تهنیت و تبریك ورود گفته و معزی الیه را الی منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید .

---

(۱) وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل دولت علیه سنه ۱۲۲۳ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳۰ خطی

درصورتیکه‌سفیر کبیر دریك‌شهری مکث‌نماید که‌حاکم آنجافرزنداعلیحضرت همایونی است حضرت معظم الیه وزیر خودرا برای تبریك و خوش آمد به استقبال معزی‌الیه میفرستد .

اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم‌الیه‌آید مشارالیه وتمام‌اشخاصیکه‌جزو سفارت‌هستند دعوت‌بجلوس‌شده وبجناب سفیرصندلی داده‌خواهدشد .

دررهگذر جناب‌سفیر هرجائی که قشون موجود است باید تحت‌السلاح بوده احترامات‌نظامی معموله‌را دربارهٔ معزی‌الیه مرعی‌دارند .

مهماندار‌اهتمام کرده ووزارت رابموقع ازورودسفیر کبیرمطلع‌خواهدساخت تااینکه وزارت‌بتواند تدارکات‌لازمهٔ ورودوپذیرائی رسمی‌مشارالیه‌را بعمل‌آورد .

وقتی که‌سفیر کبیر به‌آخرین منزل‌پایتخت‌یابه‌آخرین منزل‌اردوی‌همایونی رسیدشخص معتبری مشارالیه‌را ازطرف اعلیحضرت‌همایونی خواهدپذیرفت .

در نیمهٔ راه الی پایتخت یانیمهٔ راه ازاردوی همایونی هیئت محترمی ازطرف اعلیحضرت‌شاهنشاهی بریاست‌یکی‌ازرجال‌درباربا‌ستقبال جناب‌معزی‌الیه‌خواهدآمد

وعساکرساخلوی‌شهریاعساکراردوبجناب‌معزی‌الیه‌پیش‌فنک‌زده واحترامات نظامی لازمه‌را معمول‌خواهندداشت ورئیس‌مستقبلین‌همایونی فی‌الفور سفیر کبیررا بمنزلی که برای مشار الیه مهیا شده و در آنجا گارد دونور (۱) گذارده شده است راهنمائی خواهد نمود فردای ورود سفیر کبیر وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی‌الیه خواهندآمد وپس‌فردای آن‌جناب سفیر کبیررسما بحضورهمایونی مشرف خواهدشد .

ایشیك آقاسی‌باشی در ساعت مقررآمده وبجناب معزی‌الیه اطلاع‌خواهدداد که‌برای‌پذیرائی‌او همه‌چیزمهیاست پس‌ازآن جناب سفیر کبیربترتیب ذیل‌حرکت خواهد کرد .

فراشان شاهی در جلو و عقب آنها یك‌قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود

---

(۱) گارداحترام

سفیر کبیر درحالتیکه اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یااسب خودرا سوار میباشند یکنفر ازمیرآخوران همایونی درجلوی معزی‌الیه وهیئت سفارت درطرف دست راست و ایشیك آقاسی باشی درطرف دست چپ وشاطران سرکاری در جنبین حرکت‌مینمایندبلافاصله قسمتی‌از گاردیااز‌پیشخدمتان‌خودجناب‌معزی‌الیه‌ودرعقب آنهافراشان همایونی‌میآیند .

عساکریکه در درون قصر یا درارودی همایونی الی محل دخول بحیاطهای خلوت یاسراپرده گذارده‌میشوند بسفیر کبیرپیش‌فنك‌خواهندزد وایشیك آقاسی‌باشی که‌درجلوسفیر کبیرمیرود سعی‌خواهد کرد که تمام‌اشخاصیکه درمدخل گذرجناب معزی‌الیه‌هستندسرپاایستند .

سفیر کبیر درمحل دخول‌بحیاطهای خلوت یاسراپرده پیاده‌شده بمنزل‌وزیر اول یابچادر سپهسالار رهنمائی شده ودر آنجا تا بیرون آمدن اعلیحضرت همایونی منتظرمیشود .

پس از آن ایشیك آقاسی باشی جلو افتاده و جناب سفیر کبیر بامن‌تبع‌خود بحیاطهای خلوت یاسراپرده داخل‌میشود .

گاردیاپیشخدمتان‌جناب‌سفیر کبیردرمحوطهٔ‌خارجی‌مانده‌وایشیك آقاسی‌باشی ورود سفیر کبیر را بعرض رسانیده وازطرف اعلیحضرت همایونی معزی الیه‌راتکلیف بجایگاه مخصوص یاچادرمینماید .

جناب سفیرباتمام من‌تبع‌مجاز بدخول‌خواهدبود ودرهیچ‌مورد نه‌بسفیر کبیر ونه‌باتباع معزی‌الیه تکلیف نخواهدشد که لباسی را که دربردارند تغییر دهند لیکن جناب معزی الیه ومن‌تبع اوسعی کرده و گالشی‌برای‌خود تحصیل خواهند نمود که درمحل‌دخول بجایگاه‌مخصوص یاچادر بیرون‌آورند .

اعلیحضرت‌همایونی بعدازنطق‌سفیر کبیرایشانرادعوت بجلوس‌فرموده‌وصندلی بجناب‌معزی‌الیه داده‌میشود بعداز ختم‌مجلس سفیر کبیر بهمان ترتیبی که آمده‌است مراجعت خواهندنمود بدون‌اینکه بمنزل‌وزیر اعظم‌یاسپهسالار داخل‌شود پس ازاین شرفیابی از کسانیکه بدیدن‌او آمده‌اند بازدیدخواهد کرد .

برای وزیر مختار یاشارژدافر روس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحبمنصبانی که باستقبال ایشان فرستاده میشوند دررتبهٔ پست‌تر واجزاء آنها درعده کمتر خواهند بود و تمام ساخلو برای مشار الیهم بیرون نخواهد آمد فقط عساکر قراولخانه بمشار الیهم پیش فنك میزنند .

وزیر اول اعلیحضرت همایون درملاقات سبقت نمیکنند ولی بدون تأخیر درروز بعد ببازدید ایشان خواهد رفت .

اگر سفیر کبیر یا وزیر مختار وشارژدافر حامل نامهٔ از طرف سلطان خود بوده باشد اعلیحضرت همایونی آنرا بدست خودشان ازاو خواهند گرفت .

همین تشریفات نیز درروسیه دربارهٔ سفرای کبار ووزرای مختار وشارژدافرهای ایران که بسمت مأموریت بدربارپطرسبورغ میروند مرعی ومجری میشود لیکن تفاوت رسومات جاریهٔ مملکتین هم منظور خواهد بود .

اینصورت که به نسختین نوشته شده وبامضی ومهر وزرای مختار طرفین رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در عهد نامهٔ عمدهٔ امروز مندرج شده باشد .

در ترکمان چای دهم فوریه سال نیکو فال سنهٔ ۱۸۳۸ مطابق پنجم شعبان سنهٔ ۱۲٤۳ هجری .

II - منابع ومآخذ

۱ ـ اسناد رسمی

الف ـ وزارت خارجهٔ ایران : اسناد رسمی وزارت خارجهٔ ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل اولیای دولت علیه سنهٔ ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۴۹ نمرهٔ ۳ خطی

ب ـ وزارت خارجهٔ فرانسه : اسناد رسمی وزارت امور خارجهٔ فرانسه تا ۱۸۷۱ (۱) :

پروندهٔ شمارهٔ ۸ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۵ مکاتبات اسلامبول ـ بغداد ـ بصره حلب وغیره .

پروندهٔ شمارهٔ ۹ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۸ ژوبر و روميو مأمورین اعزامی از طرف دولت فرانسه مکاتبات اسلامبول و بغداد و بصره و حلب وغیره

پروندهٔ شمارهٔ ۱۰ ایران از آوریل تا دسامبر ۱۸۰۸ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی ژنرال گاردان

پروندهٔ شمارهٔ ۱۴ ایران از ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی گاردان

ج ـ اسناد بایگانی ملی فرانسه : قسمت وزارت امور خارجه دورهٔ کنسولی و امپراطوری (۲) .

---

1) ARCHIVES DU MINISTERE DES AFFAIRES ETRAN – GERES : Etât numérique des fonds de la correspondance politique de l' origine â 1871 . Paris , Imprimerie Nationale MXXXVI , In – ventaire des Archives du Ministére des Affaires Etrangéres .

2) ARCHIVES NATIONALES; Fonds de la Secrétairerie d'Etat. Consulat et Empise R . F . IV . 1686 .

د ـ **اسناد بایگانی ملی دولت انگلستان :** لندن تالار مطالعات و تحقیقات ادبی بخش ۳ فهرست اسناد وزارت امور خارجه تا ۱۸۷۸ (۱) .

جلد اول ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۸ سر هارفورد جونس و مسائل مختلف مربوط باوضاع داخلی

جلد دوم ۱۸۰۹ » » » » » »

جلد سوم ۱۸۱۰ » » » » » »

جلد پنجم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ ! » » » » »

جلد ششم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ از ژوئیهٔ سر گوراوزلی

جلد هفتم ۱۸۱۲ ازاوت تا دسامبر » »

جلد هشتم ۱۸۱۲ سر گوراوزلی و مسائل مختلف داخلی

جلد بیست و پنجم ۱۸۲۵ هانری ویلوك

جلد بیست و هفتم ۱۷۲۶ » »

جلد سی ام ۱۸۲۷ ـ ۱۸۲۸ مسائل داخلی صادق بیك و مسائل مختلف

۲ ـ کتب و مجلات فارسی

ابوالقاسم حسینی فراهانی قائم‌مقام : منشآت چاپ تهران شعبان ۱۲۸۰

حاج میرزا حسن حسینی : فارسی نامه ناصری تهران ۱۳۱۳

رضاقلیخان هدایت : روضة‌الصفا ناصری تهران ۱۲۶۹

عبدالرزاق ابن نجفقلی : مآثر سلطانیه چاپ تبریز ۲۱۴۱

محمدتقی سپهر لسان‌الملك : ناسخ‌التواریخ تهران ۱۲۶۷

محمدحسن‌خان اعتمادالدوله : منتظم ناصری تهران ۱۲۹۸ - ۱۳۰۰

محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله : مرآت البلدان ناصری تهران ۱۲۹۴

محمدصادق مروزی خراسانی : تاریخ جهانگشای مروزی

1 : PUBLIC RECORD OFFICE : London , Litterary search room Departments3 L · II List of Foreign Office records TO 1978 Persia FO 60 .

مولوی ابو الوالی: وقایع تسلط روسیه بر آسیا و ولایات خان ترکستان چاپ بنگال ۱۲۰۰
مجلهٔ آینده :
مجلهٔ کاوه : مقالات مربوط بروابط ایران وروس بقلم آقای جمال زاده

۳ ـ کتب و مجلات خارجی

1–OUVRAGES

ALEXANDER J.E.—Travels from India to England, comprehending a visit to Burman Empire and a journey through Persia, Asia Minor, European Turkey, etc., in the years 1825-26. London, Allen and C°, 1827 in 8°.

DEHERAIN Henry— Lettres inédites de membres de la mission Gardane en Perse (1807–1809) Revue de l'Histoire des colonies françaises, 1923, XVI, IV, en trimestre

DROUILLE Gaspard. Voyage en Perse fait en 1912 et 13. Paris La Librai-Nationale et Etrangère, 1825 deux volumes in 8°.

DUPRE Adrien.—Voyage en Perse fait dans les années 1807-08 et 09. Paris, Paris, J.sG. Dentu, Imprimeur Libraire 1819, 2 vol. in-8°.

FERRIER (J. P. —Voyage en Perse, dans l'Afghanistan, le Béloutchistan et Turkestan, Paris, E'Dentu 1860 9 vol. in-8°.

FEUVRIER (D).- Trois ans à la Cour de Perse: Imprimerie Nationale, 1906, in-8 .

FLANDIN Eugène.—Voyage en Perse. Paris, 1843-54, Deux volumes in-8°.

FRFYGANG Fredirika et Wilhelm Von.—Lettres sur la Caucasie et la Géorgie, suivies d'une relation d'un voyage en Perse 1802 (traduit de l'allemand par M. de Sreve. Ministre de Russie à Hambourg), Hambourg, Purthes et Bresser, 1816. in-8°.

GARDANE (Comte Alfred de).—Mission du Général Gardane en Perse sous le Premier Empire. Paris Librairie de A'-D. Lainé, 1865, in 8°.

GARDANE (Général) Journal d'un voyage dans la Turquie d,Asie et la Perse, fait en 1865, in 8 Paris le Normand, 1809, in-8°.

GOBINEAU (Comte de).-Trois ans en Asie de 1855 à 1858. Paris Hachette, 1859, in-8° Edit 1905.

JAUBERT P. Amédée.—Voyage en Arménie et en Perse fait dans les années 1805 et 1806 Pélicier, 1821, in 8°.

JOHNSON (Lt-Colonel John).—A Journey from India to England, Persia, Georgia, Russia, Poland and Prussia, in the year 1817-London, Longmans 1818, in-8°.

MORIER Jacques (James).—Voyage en Perse, en Arménie, en Asie Minieure et à Constantinople, fait dans les années 1808 et 1809. Traduit de l'nnglais par M. X-., Paris. Nepveu Librairie, 1815, 2 sol. in-8°.

MORIER Jacqûes (James).—Second voyage en Perse, en Arménie et dans l'Asie Minieure, fait de 1810 â 1816, Traduit de l'anglais par M.N...Paris, Librairie de Gide Fils 1818.

NESSELRODE (Comte de).—Letters et papiers du Chancelier Comte de Nesselrode, extraits de ses archives, publiés et annotés, avec une introduction par le Comte A de Nesselrode. Paris, A Lahure 1908-1912). XI vol. in-8°

OUSELEY (Sir William).—Travels in various countries of the East, more particularly in Persia, 1810-12. London, 1823. 4 vol. in-foi.

BERARD Victor.—La révolte de l'Asie, Paris, A, Colin. 1904, inè8°.

—L'Empire Russe et Tsarisme Paris Armand Colin, 1905 in-8°.

—Rêvolutions de la Perse, les provinces, les peuples et le gouvernement du Roi des Rois, Paris, A Colin, 1910.

BLOCHET E.—Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale de Paris, 4 vol. Paris, 1905 1934,

BROWNE E.G. A history of Persian Literature in modern Times. A.D. 1500 1924. Cambridge. At the University Press. 1924 in-8°.

CHAMPOLION FIGEACE.—Histoire de la Perse. Paris 1859, in-8°.

CROZIER (Comte de).—Les intéréts européens en Asie, Paris 1873, in-7°.

CURZON (Lord George Nataniel).—Persia and Persian Question, London, Longmans, 1892, 2 vol. in-8°.

DARMESTETER James.—Coup d'oeil sur l'histoire de la Perse. Paris, E.Leroux, 1885, in-8 .

DEBIDOUR A.—Histoire diplomatique de l'Europe. Paris, F. Alcan, 1931' 2 vol. in-8°.

DEMORGNY Gustave.—La question persane et la guerre' Paris. Le Renier, 1916. in-16°.

DICTIONNAIRE DIPLOMATIQUE.—Publié sous la direction de A-F. Franguilis, Paris, 1933. 2 vol. in-4°.

DRIAULT (J. Edouard.—Napoléon à Finkenstein (avril-mai 1807), Paris, Plon, 1899. in-8°.

—La quesrion d'Orient depuis ses origines jusqu'à nos jours. Paris, Felix Alcan. 1921, in-8°.

DUBEAUX Louis.—La Perse. Paris, Firmin-Didot Frères, 1841, in-8°,

DUMAS (Général J.B.).—Un fourrier de Napoléon vers l'Inde, Paris, Henri.

Charles Lavauzele, éditeur militaire, 1915, in-8°

DUMONT.—Supplément au corps universel diplomatique du droit des gens. Amsterdam, 1739.

DUTEMPLE Edmond. Les Kadjars. Paris, Dentu, 1773, in-8°.

ENCYCLOPEDIE DE L'ISLAM.—Lerden, 1913.

FONTANE F.—La Russie en Asie Minieure. Paris 1840, in-8°.

FRASER James B.—An histörical and descriptive account of Persia from the earliest ages to the present times. Including a description of Afghanistan and Beloutchistan. Edinburg Cabinet Library, Edinburg, 1834, 1866, in-8°.

GILLET Damiette.—La Perse dans l'équilibre politique universel Paris, F. Dupont, 1866, in-8°.

GRANDE ENCYCLOPEDIE. 1885-1901. Paris H. Lamirault et Cie, 31 vol. in-4°.

GROUSSET René.—Histoire de L'Asie Paris, 1914, 3 vol. in-8°.

JOURDAIN A.M.—La Perse ou Tableau de l'histoire du gouvernement, de la religion, de la littérature, etc., de cet Empire. Des mœurs et coutumes de ses habitants. Paris, Ferra Librairie 1814, 5 vol. in-8°.

KLOPROTHE Jules.—Tableaux historiques, ethnographiques et politiques du Caucase et des Provinces limitrophes entre la Russie et la Perse Paris, Ponthieu, etc., 1827, in-8°.

LA MAMYE DE CLAIRAC C.A.—Histoire de Perse depuis le commencement de ce siècle. Paris. 1750, 3 vol.

LAVISSE et RAMBAUD E.—Histoire Gênérale. Paris, A. Colin, 1892-1901 in-8°.

LE BRUN RENAUD (Capitaine).—La Perse politique et militaire au XIX° siècle Histoire de la dynastie des Kajars (1703-1804) Paris, L. Boudoin, 1894, in-8°.

LEFEBVRE Georges.—Napoléon. Peuples et civilisations, Histoire Générale, T. XIV. Paris, Félix Alcan, 1935, in-8°.

MACKENZIE (Sir D. Wallace).—Tarik-rouss of Persian translation of «Russia» Laknau, 1888 (D.M. 14773 F. 9). Département de manuscrits du du British Museum, in-8°.

MALCOLM (Sir John). Histoire de la Perse. Paris, 1821. Pillet Ainé, 4 vol' in-8°.

MALCOLM (Sir John).—Histoire de la Perse. Paris 1821. Pillet Ainé, 4 vol.

MARKHAM Clément R.—A general sketch of the history of Persia, London, Longmane, Green and C°, 1884, in-8°.

MAHAN L. T.--The Problem of the Asia and its effects upon internatio- nal policies. London, S.Low, 1900. in-16°.

MARTIN DAFTARI. La suppression des capitulations en Perse, Paris, 1930, (Thèse).

MELICOT Jean-Louis (D). La Révolution russe et les nouvelles républiques Transcaucasiennes: Paris, Félix Alcan 1920, in-8°.

MELIOUKOV P,, SEIGNOBOS Ch. EISENMANN L.-- Histoire de la Russie Paris, Librairie Ernest Leroux, 2 tomes in-8°.

MINORSKY V.--Esquisse d'une histoire de Nader-Chah. Pub. de la S.E.I., Paris, 1934, in-8°.

PAWLOVITCH M. La brigade russe en Perse. Paris. F. Leroux, 1911 in-8°.

PERRIN Narcisse.--La Perse ou l'histoire, mœurs et coutumes des habitants de ce royaume. Paris Nepveu Librairie. 1825, 7 vol. in-16°.

PRENTOUT Henri. Histoire de l'Angleterre. Paris Hachette 1920, 3. édi- tion, 2 vol. in-16°.

RAFFENEL C-D.--Résumé de l'Histoire de la Perse depuis l. origine de l'Empire des Perse jusqu'à ce jour. Paris Lecointe et Durey, 1825. in-12°.

RAMBAUD Alfred.--Histoire de la Russie depuis les origines jusqu'à l'année 1813. in-80°.

RAWLINSON (Sir Hénry) Major général. England and Russia in the East. London, 1813, in-8°.

RECLUS Elisée.--Nouvelle géographie universelle. La terre et les hommes. Tome IX, Asie, Antérieure, Paris. Hachette, 1884, grand in-8°.

RIEU Ch.--Caralogue of Persian manuscripts in the British Museum. Lon- don, 1879-95. 4 vnl.

SAINT YVES G.--A l'assaut de l'Asie, Paris 1901, in-8°.

SYKES (Sir Percy) Brigadier Général.-- A History of Persia. London, Mac- millan and C°. in two volumes, third edition, 1930, in-8°.

THIEURY Jules--Documents pour servir à l'étude des relations entre la France et la Perse, suivis des traités de commerce conclus entre ces deux pays, Evreux. Imprimerie Auguste Herissey. 1866, in-4°.

VAMBERY Arminius.--The coming struggle of Russia in central Asia. Lon- don, 1885. in'8°.

VIDAL DE LABLACHE P. et L. GALLOIS. Géographie universelle. Tome VIII. Asie occidentale, par Raoul Blanchard. Paris Armand Colin. 1936 in-8°.

WATSON Robert Grant.-- A History of Persia from the beginnin gof the

XIXth century to the years 1858, with a review of the principal events that led to the establishment to the Kadjar dynastic. London, 1860, in-8°.

WUSTENFELS MAHLER'SCHE VERGLEUCHUNGS—Tabellen der Mohammedanischen ung Christlichen Zeitrecherung. Leipzig 1926, Deutsche Morgenlandische Gesellschaft.

WILSON (Lt-Colonei) Sir Arnould.—Persia Loudon, 1909.

A Bibliographie of Persia. Oxford, 1930. in-8°.

V – *Revues consultées.*

Ayendeh.
Blackwood's Edinhurg Magazine.
Calcuta Revinw (The).
Colburn's United Service Magazine.
Kaveh.
Nouvelles Annales des Voyages et des Sciences géographiques.
Quarterly Review
Review Britannique.
Revue de France (La).
Revue de l'Histoire des Colonies françaises.
Revue du Monde mumulsan.
Shatq.

B. *Principaux articles.*

ABOL-QASSEM-QAIM-MAQAM.—Letters d'Abbas Mirza à l'Empereur de Russie, publiées dans la Revue Ayendeh. revue politique et littéraire persane Par le Dr. Afchar T.H. Esfand, 1936.

BLACKWOOD'S EDINBURGH MAGASINE.— War between Persia and Russia, Vol. XXII, April 1828.

CALCUTTA REVIEW (THE).—Our political relations with Persia. From:

1. Progress of Russia in the East. 2nd Ed. 1838.
2. Quarterly Review, n° CXXVII, art. 7.
3. Foreign Office Correspondance relating to Persia and Afhanistan, presented to both Houses of Parliament by her Majesty's command, 1839.
4. Records of the Indian Government,
S. The «Bombay Times». Etc.

Vol. 2XII, Sie 3, Calcutta, July 1849.

DEHERAIN Henri,—Lettres inéedites de Membres de la Mission Gerdane en Perse, publiées dans la Revue de l'Histoire des Colonies Françalses.T,

XVI. Paris, 1123.

DERLIEU André.—Une Ambassade française sous l'Empire, 1806, Publié dans Revue Britannique. T. XX. 7e Sie. Paris mars 1154.

DJAMAL ZADEH.—Ravabet-Irano Russe. Publié dans le revue Kaveh (persan) Djamal Zadeh, écrivain persan, a fait ses études de droit en France. Il est l'auteur de Guandj-Chaïguan. ouvrage économique sur la Perse ses articles, très bien informés, il fait l'histoire des relations russo-iraniennes depuis l'époque moscovite jusqu'en 1135 H.L. (Moharram): (Octobre 1622), chute de Shah-Sultan-Hossein.

NOUVELLES ANNALES DES VOYAGES ET DES SCIENCES GEOGRAPHIQUES.—Relations du meurtre de Gribidoff, t. 48 de la collection et t. 18 de la 2e série, 1830

PASKE (Colonel) E.H.). The relations of Persia with Russia, publié dans Colburn's United Service Magazine, Old Sie vol. CXIX, n 714. New Sie, vol. L, no 1, Octobre 1888.

POZZI Jean. La France et l'Iran, publié dans la Revue de France, janvier 1937.

QAHRAMAMI.—Série de documents historiques publiée dans la revue Sharq T.I. Mehr-Farvardin-Tir-Chahrivar- Azar 1310.

SHELL Lady. Persia, publié dans Quarterly Review (The). 101, no 201-02. London, April 1857.

X... -La situation politique de la Perse, dans la «Revue du monde Musulman» T. XXVII. Paris (Juin 1914,) in 8°.

TAKAICHVILI M.- La Géorgie et la Perse au XVIIe siècle, Publié dans la «Revue du monde Musulman», T.X. Paris, janvier 1910.



III اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات



III اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

حرف «الف»

حرف «گ»

حرف «ل»

حرف «م»

« حرف نون »



۱۷ ـ اسامی امکنه وبلاد



IV ـ اسامی امکنه و بلاد

حرف « الف »

حرف « س »

حرف « ش »

حرف « ص »

حرف « ط »

حرف «ع»

حرف « ف »

انتشارات دانشگاه تهران

شماره	عنوان	مؤلف
۱ -	وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ -	A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ -	آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ -	کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ -	تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ -	بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ -	بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ -	حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ -	مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰ -	نقشه برداری (جلد دوم)	» مهندس حسن شمسی
۱۱ -	گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲ -	اساس‌الاقتباس خواجه نصیر طوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳ -	تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول)	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
١٤ -	روش تجزیه	» » علی [illegible]
۱٥ -	تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦ -	حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷ -	فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸ -	راهنمای دانشگاه	—
۱۹ -	مقررات دانشگاه	—
۲۰ -	درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱ -	راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲ -	راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳ -	Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤ -	موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥ -	حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦ -	زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷ -	هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸ -	اصول گداز و استخراج فلزات (جلد اول)	تألیف دکتر [illegible]
۲۹ -	اصول گداز و استخراج فلزات (» دوم)	» » »
۳۰ -	اصول گداز و استخراج فلزات (» سوم)	» » »

حرف « ن »

حرف « و »

حرف « ه »

حرف « ی »



۶۶-	مکانیک فیزیک	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷-	کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	» » امیراعلم- دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس
۶۸-	درمانشناسی (جلد اول)	تألیف دکتر عطائی
۶۹-	درمانشناسی (» دوم)	» » »
۷۰-	گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱-	شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۷۲-	اقتصادجلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳-	دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴-	راهنمای دانشگاه	—
۷۵-	اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶-	تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷-	زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸-	تئوری سنتیک گازها	» دکتر روشن
۷۹-	کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰-	قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
۸۱-	جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲-	استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳-	کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴-	ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵-	دینامیک گازها	» دکتر غفاری
۸۶-	آئین دادرسی دراسلام	» محمد سنگلجی
۸۷-	ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸-	از سربن تا یونسکو- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹-	حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰-	میکروب‌شناسی (جلد اول)	تألیف دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۹۱-	میزراه (جلد اول)	» » حسین گلاژ
۹۲-	» (جلد دوم)	» » » »
۹۳-	کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴-	ترجمه وشرح تبصره علامه (جلددوم)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵-	کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی	» دکتر امیراعلم- دکتر حکیم دکتر کیهانی- دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس
۹۶-	» » (۴) - رگ شناسی	» » » »
۹۷-	بیماریهای گوش وحلق و بینی (جلداول)	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸-	هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹-	جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰-	تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» » بیانی

۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲- جنگل شناسی (جلداول)	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولژی گیاهی (جلداول)	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶- گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان شناسی	» « امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس-دکتر نائینی
۴۵- روان‌شناسی کودك	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه (جلداول)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیك «صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» » ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشك
۵۲- درس اللغة و الادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیك	» » آزرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی (جلد دوم)	» » زاهدی
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی اکبر پریمن
۶۰- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرك‌زاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین

عنوان	مؤلف
١٣٨ـ مصنفات افضل الدين كاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
١٣٩ـ روانشناسی (ازلحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر سیاسی
١٤٠ـ ترمودینامیك (١)	» مهندس بازرگان
١٤١ـ بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
١٤٢ـ زمین شناسی	» » یدالله سحابی
١٤٣ـ مکانیك عمومی	» » مجتبی ریاضی
١٤٤ـ فیزیولوژی (جلد اول)	» » کاتوزیان
١٤٥ـ کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصراﷲ نیك‌نفس
١٤٦ـ تاریخ تمدن ساسانی (جلداول)	» سعید نفیسی
١٤٧ـ کالبدشناسی توصیفی (٥) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیك‌نفس
١٤٨ـ کالبدشناسی توصیفی (٥) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
١٤٩ـ کالبدشناسی توصیفی (٦) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
١٥٠ـ هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
١٥١ـ اندام‌شناسی گیاهان	» » پارسا
١٥٢ـ چشم پزشکی (٢)	نگارش دکتر ضرابی
١٥٣ـ بهداشت شهری	» » اعتمادیان
١٥٤ـ انشاء انگلیسی	» بازارگادی
١٥٥ـ شیمی آلی (ارگانیك) (٢)	» دکتر شیخ
١٥٦ـ آسیب شناسی (کانکلیوف استلر)	» » آرمین
١٥٧ـ تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	» » ذبیح‌الله صفا
١٥٨ـ تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
١٥٩ـ حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
١٦٠ـ نشانه‌شناسی (علم العلامات) (جلد اول)	» دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
١٦١ـ نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	» » صادق صبا
١٦٢ـ آسیب‌شناسی عملی	» » حسین رحمتیان
١٦٣ـ احتمالات و آمار	» » مهدوی اردبیلی
١٦٤ـ الکتریسیته صنعتی	» » محمد مظفری زنگنه
١٦٥ـ آئین دادرسی کیفری	» » محمدعلی هدایتی
١٦٦ـ اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	» » علی‌اصغر پورهمایون
١٦٧ـ فیزیك (تابش)	» » روشن
١٦٨ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	» علینقی منزوی
١٦٩ـ » » » » » (جلدسوم ـ قسمت اول)	» محمدتقی دانش‌پژوه
١٧٠ـ رساله بود و نمود	» محمود شهابی
١٧١ـ زندگانی شاه‌عباس اول	» نصرالله فلسفی
١٧٢ـ تاریخ بیهقی (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
١٧٣ـ فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه	» » »

عنوان	مؤلف
۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی	« « محسن عزیزی
۱۰۳- آزمایش و تصفیهٔ آبها	نگارش « محمد جواد جنیدی
۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی	« نصرالله فلسفی
۱۰۵- فیه مافیه	« بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- جغرافیای اقتصادی (جلد اول)	« دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- الکتریسیته و موارد استعمال آن	« مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه	« دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹- تلخیص البیان عن مجازات القران	« سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	« محمود شهابی
۱۱۱- شیمی آلی (جلد اول) تئوری و اصول کلی	« دکتر عابدی
۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیک» (جلد اول)	« « شیخ
۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص	« مهدی قمشهٔ
۱۱۴- امراض حلق و بینی و حنجره	« دکتر علیم مروستی
۱۱۵- آنالیز ریاضی	« « منوچهر وصال
۱۱۶- هندسه تحلیلی	« « احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی (جلد دوم)	« « امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	« مهندس شیبانی
۱۱۹- اساس التوحید	« مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیک پزشکی	« دکتر فرهاد
۱۲۱- اکوستیک «صوت» (۲) مشخصات صوت - اوله - تار	« « اسمعیل بیگی
۱۲۲- جراحی فوری اطفال	« « مرعشی
۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	« علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم پزشکی (جلد اول)	« دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی فیزیک	« « بازرگان
۱۲۶- بیماریهای گیاه	« « خبیری
۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی	« « سپهری
۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق	« زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	« دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	« « حکیم و دکتر گنج‌بخش
۱۳۱- امراض واگیر دام	« « رستگار
۱۳۲- درس اللغة و الادب (۲)	« « محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	« « صادق کیا
۱۳۴- تک‌یاخته‌شناسی	« « عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	« « قاسم زاده
۱۳۶- عضله و زیبائی پلاستیک	« « کیهانی
۱۳۷- طیف‌جذبی و اشعهٔ ایکس	« « فاضل زندی

عنوان	مؤلف
۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب - دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- فیزیك ، ترمودینامیك(جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات‌عصبانی یا نورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیك نفس
۲۲۳- علم‌الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیك عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات(جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول‌الصرف	« علی‌اکبر شهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران	تألیف دکتر علی کنی
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه(۱)	« آقای سیدمحمد سبزواری
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« « ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲- پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

شماره و عنوان	مؤلف
۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷- فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعهٔ ایکس)	« « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰- سیر فرهنك در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم-قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸۴- پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷- یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول)	« « مستوفی
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول)	» مهندس خلیلی
۱۹۲- حساب جامع وفاضل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳- مبدء ومعاد	ترجمه آقای محمودشهابی
۱۹۴- تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)	« « « «
۱۹۶- درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷- شیمی وفیزیك (جلد اول)	« « توسلی
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰- علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲- پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳- علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴- قواعد فقه	« آقای محمودشهابی
۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷- مخارج الحروف	تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸- عیون الحکمه	از ابن‌سینا - چاپ عکسی

عنوان		مؤلف
۲۷۷– مدخل منطق صورت	نگارش	دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸– ویروسها	« «	فرج‌الله شفا
۲۷۹– تالفیت‌ها (آلکها)	« «	عزت‌الله خبیری
۲۸۰– گیاه‌شناسی سیستماتیك	« «	محمد درویش
۲۸۱– تیره‌شناسی (جلد دوم)	« «	پارسا
۲۸۲– احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	«	مدرس رضوی
۲۸۳– احادیث مثنوی	«	آقای فروزانفر
۲۸۴– قواعد النحو	«	قاسم تویسرکانی
۲۸۵– آزمایشهای فیزیك	«	دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸۶– پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« «	محمود نجم‌آبادی
۲۸۷– بیماریهای خون (جلد سوم)	« «	یحیی پویا
۲۸۸– جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« «	احمد شفائی
۲۸۹– مکانیك فیزیك (اندازه‌گیری مکانیك نقطه مادی و فرضیه نسبی) (چاپ دوم)	تألیف	دکتر کمال‌الدین جناب
۲۹۰– بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	« «	محمدتقی قوامیان
۲۹۱– اکوستیك (صوت) چاپ دوم	« «	ضیاءالدین اسماعیل‌بیگی
۲۹۲– چهار مقاله	بتصحیح «	محمد معین
۲۹۳– داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش «	منشی‌زاده
۲۹۴– کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن ـ سلسلهٔ اعصاب مرکزی	« «	نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵ – درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم	« «	محمد محمدی
۲۹۶– سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش	محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۷ – Sur les espaces de Riemann	نگارش	دکتر هشترودی
۲۹۸ – فصول خواجه طوسی	بکوشش	محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹ – فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش سوم	نگارش	محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۰ – الرسالة المعینیة	« «	«
۳۰۱ – آغاز و انجام	«	ایرج افشار
۳۰۲– رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش	محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۳ – فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش چهارم	« «	«
۳۰۴ – حل مشکلات معینه خواجه نصیر	« «	«
۳۰۵ – مقدمه قدیم اخلاق ناصری	«	جلال‌الدین همائی
۳۰۶– بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه)	نگارش	دکتر امشه‌ای
۳۰۷– رساله بیست باب درمعرفت اسطرلاب	«	مدرس رضوی
۳۰۸– مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین	« «	«
۳۰۹– سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی	«	محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱۰– فیزیك (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف)	«	دکتر روشن

کتاب هفتم

عنوان		مؤلف
۳۱۱ – رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی	بکوشش	اکبر دانا سرشت

۲۴۴- اقتصاد کشاورزی — نگارش دکتر احمد هومن

۲۴۵- علم العلامات (جلد سوم) — « « میمندی نژاد

۲۴۶- بتن آرمه (۲) — « آقای مهندس خلیلی

۲۴۷- هندسهٔ دیفرانسیل — « دکتر بهفروز

۲۴۸- فیزیولژی گل ورده بندی تك لپه ایها — « « زاهدی

۲۴۹- تاریخ زندیه — « « هادی هدایتی

۲۵۰- ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲) — « آقای سبزواری

۲۵۱- حقوق مدنی (۲) — « « دکتر امامی

۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم) — —

۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج) — « ایرج افشار

۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا — « دکتر خانبابا بیانی

۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول) — « « احمد پارسا

۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸) — تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی
دستگاه ادرار و تناسل - پردهٔ صفاق — دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس

۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی — نگارش دکتر علینقی وحدتی

۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه ای) « — « میربابائی

۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق — « مهندس احمد رضوی

۲۶۰- بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی) « — دکتر رحمتیان

۲۶۱- سرطان شناسی (جلد اول) — « « آرمین

۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم) — « « امیرکیا

۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم) — « « بینش ور

۲۶۴- انگل شناسی (بندپائیان) — « « عزیز رفیعی

۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم) — « « میمندی نژاد

۲۶۶- دامپروری عمومی (جلد اول) — « « بهرامی

۲۶۷- فیزیولوژی (جلد دوم) — « « علی کاتوزیان

۲۶۸- شعر فارسی (در عهد شاهرخ) — « « یارشاطر

۲۶۹- فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم) — نگارش ناصرقلی وادسر

۲۷۰- منطق التلویحات — « دکتر فیاض

۲۷۱- حقوق جنائی — تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبا

۲۷۲- سمیولوژی اعصاب — « « « چهرازی

۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹) — تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی
(دستگاه تولید صوت و تنفس) — دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس

۲۷۴- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی — نگارش دکتر محسن صبا

۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو — « « جناب دکتر بازرگا

۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب — نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژا

عنوان	مؤلف / مترجم
۳۴۷ ـ نمایشنامه لوسید	ترجمهٔ دکتر سپهبدی
۳۴۸ ـ آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر جنبدی
۳۴۹ ـ روش شیمی تجزیه (۱)	» » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ ـ هندسهٔ ترسیمی	» » جمال عصار
۳۵۱ ـ اصول الصرف	» علی اکبر شهابی
۳۵۲ ـ استخراج نفت (جلد اول)	» دکتر جلال الدین توانا
۳۵۳ ـ سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان	ترجمه دکتر سیاسی ـ دکتر سیمجور
۳۵۴ ـ کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ ـ فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵۶ ـ اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ ـ بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	» خبیری
۳۵۸ ـ بیماریهای مغز و روان (۳)	» حسین رضاعی
۳۵۹ ـ آئین دادرسی دراسلام (تجدیدچاپ)	آقای محمد سنگلجی
۳۶۰ ـ تقریرات اصول	» محمود شهابی
۳۶۱ ـ کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ ـ عضله شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابائی
۳۶۲ ـ الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	» سبزواری
۳۶۳ ـ بی‌حسی‌های ناحیه‌ای دردندان پزشکی	» دکتر محمود مستوفی
۳۶٤ ـ چشم و بیماریهای آن	» » باستان
۳۶۵ ـ هندسهٔ تحلیلی	» » مصطفی کامکار پارسی
۳۶٦ ـ شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	» » ابوالحسن شیخ
۳۶۷ ـ پزشکی عملی	» » ابوالقاسم نجم آبادی
۳۶۸ ـ اصول آموزش وپرورش (چاپ سوم)	» » هوشیار
۳۶۹ ـ پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ ـ جراحی عملی دهان ودندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ ـ درد شناسی دندان (۱)	» » محمود سیاسی
۳۷۲ ـ مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	—
۳۷۳ ـ تیره شناسی (جلد سوم)	» » احمد پارسا
۳۷٤ ـ المعجم	بتصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ ـ جواهر الآثار (ترجمهٔ مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷٦ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ ـ Textes Français	» بانو نفیسی
۳۷۸ ـ شیمی فیزیك (جلد دوم)	» دکتر علی اکبر توسلی
۳۷۹ ـ زیباشناسی	» آقای علینقی وزیری
۳۸۰ ـ بیماریهای مشترك انسان ودام	» دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ ـ فرزان تن وروان	» » بصیر
۳۸۲ ـ بهبود نسل بشر	» » محمد علی مولو
۳۸۳ ـ یادداشتهای قزوینی (۳)	ایرج افشار
۳۸٤ ـ گویش آشتیان	تألیف دکتر صادق کیا

عنوان	مؤلف
۳۱۲ - آلرژی بیماریهای ناشی از آن	تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ - راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ	—
۳۱۴ - احوال و آثار محمد بن جریری طبری	تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ - مکانیك سینماتیك	« دکتر احمد وزیری
۳۱۶ - مقدمه روانشناسی (قسمت اول)	« دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ - دامپروری (جلد دوم)	« « تقی بهرامی
۳۱۸ - تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)	« « ابوالحسن شیخ
۳۱۹ - جغرافیای اقتصادی (جلد دوم)	« « عزیزی
۳۲۰ - پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترك انسان ودام)	« « میمندی نژاد
۳۲۱ - اصول نظریه ریاضی احتمال	تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ - رده بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان	« « زاهدی
۳۲۳ - قوانین مالیه ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	« « جزایری
۳۲۴ - کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن (توصیفی - موضعی - طرز تشریح)	« « منوچهر حکیم و « سیدحسین گنج بخش
۳۲۵ - ایمنی شناسی (جلد اول)	« « مهرداماد ی
۳۲۶ - حکمت الهی عام وخاص (تجدید چاپ)	« آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ - اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱)	« دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ - اصول استخراج معادن	« مهندس محمودی
۳۲۹ - مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی ومالی	جمع آوری دکتر کی نیا
۳۳۰ - شلیمر	دانشکده پزشکی
۳۳۱ - تجزیه ادرار	مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ - جراحی فك وصورت	تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳۳ - فلسفه آموزش وپرورش	« « امیرهوشمند
۳۳۴ - اکوستیك (۳) صوت	« « اسماعیل بیگی
۳۳۵ - الکتریسته صنعتی (جلداول چاپ دوم)	« مهندس زنگنه
۳۳۶ - سالنامه دانشگاه	—
۳۳۷ - فیزیك جلد هشتم - کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیك	« دکتر روشن
۳۳۸ - تاریخ اسلام (چاپ دوم)	« « فیاض
۳۳۹ - هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	« « وحدتی
۳۴۰ - آداب اللغة العربیة و تاریخها (۱)	« « محمد محمدی
۳۴۱ - حل مسائل ریاضیات عمومی	تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ - جوامع الحکایات	« « محمد معین
۳۴۳ - شیمی تحلیلی	« مهندس قاسمی
۳۴۴ - ارادهٔ معطوف بقدرت (اثر نیچه)	ترجمه دکتر هوشیا
۳۴۵ - دفتر دانش و ادب (جلد سوم)	مقالهٔ دکتر مهدوی
۳۴۶ - حقوق مدنی (جلداول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی

۴۲۰ - **بیماریهای اعصاب** (جلد نخست) — نگارش دکتر صادق صبا
۴۲۱ - **مکانیك عمومی** (جلد دوم) — » دکتر مجتبی ریاضی
۴۲۲ - **صنایع شیمی معدنی** (جلداول) — » مهندس مرتضی قاسمی
۴۲۳ - **مکانیك استدلالی** — » پرفسور تقی فاطمی
۴۲۴ - **تاریخ فرهنگ ایران** — » دکتر عیسی صدیق
۴۲۵ - **شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی** (جلد دوم) — » زین العابدین ذوالمجدین
۴۲۶ - **حکیم ازرقی هروی** — بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
۴۲۷ - **علوم عقلی** — نگارش دکتر ذبیح الله صفا
۴۲۸ - **شیمی آنالیتیك** — » دکتر کاگیك
۴۲۹ - **فیزیك الکتریسیته** (جلد دوم) — » » روشن
۴۳۰ - **کلیات شمس تبریزی** — باتصحیحات وحواشی آقای فروزانفر
۴۳۱ - **کانی شناسی** (تحقیق دربارهٔ بعضی ازکانهای جزیره هرمز) — نگارش دکتر عبدالکریم قریب
۴۳۲ - **فرهنك غفاری فارسی بفرانسه** (جلد پنجم) — » امیرجلال الدین غفاری
۴۳۳ - **ریاضیات درشیمی** (جلد دوم) — » دکترهورفر
۴۳۴ - **تحقیق درفهم بشر** — ترجمه دکتر رضازاده شفق
۴۳۵ - **السعادة والاسعار** — بتصحیح مجتبی مینوی
۴۳۶ - **تاریخ فرهنك اروپا** — نگارش دکترعیسی صدیق
۴۳۷ - **نقشه برداری** (جلددوم) — » مهندس حسن شمسی
۴۳۸ - **بیماریهای گیاه** (تجدیدچاپ) — » دکتر خبیری
۴۳۹ - **حقوق مدنی** (جلد سوم) — » دکتر سیدحسن امامی
۴۴۰ - **سخنرانیهای آقای انیس المقدسی** (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)
۴۴۱ - **دردشناسی دندان** (جلد دوم) — نگارش دکتر محمودسیاسی
۴۴۲ - **حقوق اساسی فرانسه** — » » قاسم زاده
۴۴۳ - **حقوق عمومی واداری** — » » شیدفر
۴۴۴ - **پاتولوژی مقایسه‌ای** (جلد سوم) — » » میمندی نژاد
۴۴۵ - **شیمی عمومی معدنی** — » » شیروانی
۴۴۶ - **فسیل شناسی** — » » فرشاد
۴۴۷ - **فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه** (جلد ششم) — » امیرجلال الدین غفاری
۴۴۸ - **تحقیق درتاریخ قندسازی ایران** — » مهندس ابرهیم ریاحی
۴۴۹ - **مشخصات جغرافیای طبیعی ایران** — » دکترحسین گل گلاب
۴۵۰ - **جراحی فك وصورت** (جلد دوم) — » » حسین مهدوی
۴۵۱ - **تاریخ هرودت** — » » هادی هدایتی
۴۵۲ - **تاریخ دیپلماسی عمومی** (چاپ دوم) — » » حسن ستوده تهرانی
۴۵۳ - **سازمان فرهنگی ایران** (تجدید چاپ) — » » علی کنی
۴۵۴ - **مسائل گوناگون پزشکی** — » » محمدعلی مولوی
۴۵۵ - **فیزیك الکتریسته** (جلد سوم) — » » روشن
۴۵۶ - **جامعه شناسی یاعلم الاجتماع** — » » یحیی مهدوی
۴۵۷ - **اورمی** — » » رفعت

۳۸۵ ـ کالبد شکافی (تشریح عملی قفسه سینه وقلب وریه)	نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
۳۸۶ ـ ایران بعد از اسلام	» عباس خلیلی
۳۸۷ ـ تاریخ مصر قدیم (جلداول چاپ دوم)	» دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ ـ آرگلونیاتها (۱) سرخس‌ها	» » خبیری
۳۸۹ ـ شیمی صنعتی (جلد اول)	» » رادفر
۳۹۰ ـ فیزیك عمومی الکتریسیته (جلد اول)	» » روشن
۳۹۱ ـ مبادی علم هوا شناسی	» » احمد سعادت
۳۹۲ ـ منطق و روش شناسی	» » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ ـ الکترونیك (جلد اول)	» » رحیمی قاجار
۳۹۴ ـ فرهنگ‌غفاری (جلد دوم)	» مهندس جلال‌الدین‌غفاری
۳۹۵ ـ حکمت الهی عام وخاص (جلد دوم)	» محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
۳۹۶ ـ گنج جواهر دانش (٤)	» حسن آل طه
۳۹۷ ـ فن کالبد گشائی و آسیب شناسی	» دکتر محمدکار
۳۹۸ ـ فرهنگ غفاری (جلد سوم)	» مهندس جلال‌الدین غفاری
۳۹۹ ـ مزدا پرستی در ایران قدیم	» دکتر ذبیح‌الله‌صفا
٤۰۰ ـ اصول روشهای ریاضی آمار	» » افضلی پور
٤۰۱ ـ تاریخ مصر قدیم (جلد دوم)	» » دکتراحمدبهمنش
٤۰۲ ـ عددمن بلغاء ایران فی‌الغة	» قاسم‌تویسرکانی
٤۰۳ ـ علم اخلاق (نظری وعملی)	» دکتر علی‌اکبر سیاسی
٤۰٤ ـ ادوارفقه (جلددوم)	» آقای محمودشهابی
٤۰۵ ـ جراحی عملی دهان‌ودندان (جلددوم)	» دکتر کاظم سیمجور
٤۰٦ ـ فیزیولژی‌بالینی	» » گیتی
٤۰۷ ـ سهم الارث	» نصراصفهانی
٤۰۸ ـ جبرآنالیز	» دکترمحمدعلی مجتهدی
٤۰۹ ـ هوا شناسی (جلد اول)	» » محمد منجمی
٤۱۰ ـ بیماریهای درونی (جلدسوم)	» » میمندی نژاد
٤۱۱ ـ مبانی فلسفه	» » علی‌اکبر سیاسی
٤۱۲ ـ فرهنگ غفاری (جلدچهارم)	» مهندس‌امیر جلال‌الدین غفاری
٤۱۳ ـ هندسهٔ‌تحلیلی (چاپ دوم)	» دکتراحمد سادات عقیلی
٤۱٤ ـ کالبد شناسی (عضله‌شناسی‌مقایسه‌ای) (جلدپنجم)	» » میربابائی
٤۱۵ ـ سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦ ـ ۱۳۳۵	—
٤۱٦ ـ یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی	نگارش دکتر صفا
٤۱۷ ـ تئوریهای اساسی ژنتیك	» » آزرم
٤۱۸ ـ فولاد وعملیات حرارتی آن	» مهندس هوشنگ خسرویار
٤۱۹ ـ تأسیسات آبی	» مهندس عبدالله ریاضی

٤٥٨ ـ بهداشت عمومی (پیش گیری بیماریهای واگیر)	نگارش دکتر اعتمادیان
٤٥٩ ـ تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم)	« مرحوم دکتر حسن شهید نورائی
٤٦٠ ـ تبصره و دو رسالهٔ دیگر در منطق	بکوشش دانش پژوه
٤٦١ ـ مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم)	نگارش دکتر مولوی
٤٦٢ ـ کلیات شمس تبریزی (جزوه دوم)	تصحیح فروزانفر
٤٦٣ ـ ارتدنسی (جلد اول)	نگارش دکتر ریاض
٤٦٤ ـ یادداشتهای قزوینی (جلد اول)	بکوشش ایرج افشار
٤٦٥ ـ فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران	« سایمون جرویس رید